



دانشگاه تهران

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

**تحلیل تطبیقی مفهوم «استعداد برتر» در انگاره معلّمان «مرکز ملی پرورش
استعدادهای درخشان» و «سند راهبردی کشور در امور نخبگان»**

نگارش:

امیر بادپا

دکتر نرگس سجادیه

استاد راهنما:

دکتر خسرو باقری

استاد مشاور:

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

شهریور ۱۳۹۵





جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره: ۲۰۵

تاریخ: ۲۰/۴/۱۴

پیوست:

بسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب امیر بادپا متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

می باشد. /م

امیر بادپا
نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

تایید امضای دانشجو توسط مدیر گروه یا استاد راهنما

نام و نام خانوادگی: افضل السادات حسینی

امضاء

تاریخ



به نام خدا

دانشگاه تهران

دانشکده: روانشناسی و علوم تربیتی

گروه فلسفه تعلیم و تربیت

گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیئت داوران پایان نامه کارشناسی ارشد آقای: امیر بادپا

در رشته: تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش: —

با عنوان: «تحلیل تطبیقی مفهوم "استعداد برتر" در انگاره معلمان "مرکز ملی پرورش

استعدادهای درخشان" و "سند راهبردی کشور در امور نخبگان"»

را در تاریخ: ۹۵/۷/۱۲

با حروف:

۱۸۰۵

با نمره نهایی پایان نامه (با عدد)

ارزیابی نمود.

عالی

و درجه:

ردیف	مشخصات هیأت علمی	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضاء
۱	استاد راهنما	دکتر نرگس سجادیه	استادیار	دانشگاه تهران	
۲	استاد مشاور:	دکتر خسرو باقری	استاد	دانشگاه تهران	
۳	استاد موعود: (یا استاد مشاور دوم)				
۴	استاد مدعو داخلی	دکتر شهین ایروانی	استادیار	دانشگاه تهران	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر جواد اژه ای	استاد	دانشگاه تهران	
۶	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی دانشگاه یا گروه آموزشی:	دکتر افضل السادات حسینی	دانشیار	دانشگاه تهران	

تذکر: این برگه پس از تکمیل توسط هیئت داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.

دانشگاه تهران
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
گروه فلسفه تعلیم و تربیت

**تحلیل تطبیقی مفهوم «استعداد برتر» در انگاره معلمان «مرکز ملی پرورش
استعدادهای درخشان» و «سند راهبردی کشور در امور نخبگان»**

نگارش: امیر بادپا

استاد راهنما: دکتر نرگس سجادیه

استاد مشاور: دکتر خسرو باقری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

شهریور ۱۳۹۵

با تشکر و سپاس فراوان از استادان گرامی سرکار خانم دکتر سجادیه، جناب آقای دکتر باقری و سرکار خانم دکتر ایروانی که از محضر پرفیض تدریستان و راهنمایی‌هایشان، بهره‌ها برده‌ام و با سپاس بی‌دریغ خدمت دوستان گران‌مایه‌ام آقایان مجتبی همتی فر، علی پارسانیا، زکریا حسینی و محمد قطرائی که مرا صمیمانه و مشفقانه یاری داده‌اند.

چکیده

علی‌رغم گذشت چهار دهه از فعالیت نهادهای مرتبط با شناسایی و پرورش استعداد‌های برتر در ایران، بررسی مفهوم مناقشه‌آمیز «استعداد برتر» به ویژه از منظر فلسفی چندان مورد اقبال پژوهشگران تربیتی نبوده است که این امر موجب خلأ نظری جدی در این موضوع، در کشور شده است. در چنین بستری، در سال ۱۳۹۱، سندی بالادستی با عنوان «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. معلمان مدارس تحت پوشش «مرکز ملی پرورش استعداد‌های درخشان و دانش‌پژوهان جوان» یکی از مخاطبان اصلی این رویکردها هستند. در این پژوهش تلاش شده است تا با یافتن محورهای اساسی مفهوم «استعداد برتر» و تحلیل این مفهوم در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و انگاره معلمان «مرکز ملی پرورش استعداد‌های برتر در کشور» بر اساس این محورها، از طرفی زمینه گفتگو میان سند و معلمان در رابطه با این موضوع فراهم شود و از سوی دیگر گامی آغازین در جهت رفع خلأ نظری موجود در زمینه تعلیم و تربیت استعداد‌های برتر برداشته شود. در این پژوهش ابتدا با روش تحلیل مفهوم در زبان فنی و رسمی، ۱۱ محور مناقشه در مفهوم استعداد برتر از پیشینه نظری این مفهوم استخراج شد که عبارتند از: «واقعی یا تخیلی و دروغین بودن»، «امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق»، «مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف»، «بالقوه یا بالفعل بودن»، «موضوعی یا فراموضوعی بودن»، «تک نوعی یا چند نوعی بودن»، «غیراکتسابی یا اکتسابی بودن»، «مشخصه‌های اصلی»، «مستقل یا وابسته بودن به شرایط»، «ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن» و «میزان شیوع». در گام بعدی با استفاده از این محورها مفهوم استعداد برتر در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و اسناد پشتیبان آن مورد تحلیل قرار گرفت و موضع‌گیری سند در برخی محورها مشخص شد و در باقی محورها نیز موضع سند مبهم یا مسکوت‌ارزیابی شد. سپس با تعدادی از معلمان «مرکز ملی پرورش استعداد‌های درخشان» مصاحبه‌هایی به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شد و با تکنیک تحلیل مضمون در متن این مصاحبه‌ها، تحلیل مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان ذیل محورها صورت گرفت. در نهایت نیز مفهوم استعداد برتر در سند با انگاره معلمان مقایسه شد که در برخی محورها همراستا و در برخی محورها ناهمراستا بودند که لازم است سند در محورهای مسکوت، مبهم و ناهمراستا با نگاه معلمان بازخوانی و در صورت نیاز بازنویسی شود و پس از آن به گفت‌وگو سازی میان معلمان پرداخته شود.^۱

واژه‌های کلیدی: تحلیل مفهوم، استعداد برتر، نخبه، تیزهوش، سند راهبردی کشور در امور نخبگان.

^۱ به منظور ارتباط با نگارنده این پایان‌نامه می‌توانید از طریق ایمیل Badpa.Amir@gmail.com یا شناسه تلگرام [@AmirBadpa](https://t.me/AmirBadpa) اقدام نمایید.

فهرست مطالب

۱.....	فصل اول: کلیات پژوهش.....
۲.....	بیان مسئله.....
۳.....	اهمیت و ضرورت.....
۴.....	اهداف و پرسش‌های پژوهش.....
۵.....	پیشینه پژوهش.....
۶.....	روش پژوهش.....
۷.....	تعریف اصطلاحات.....
۱۰.....	فصل دوم: مبانی نظری.....
۱۲.....	بخش اول: بررسی مفهوم استعداد برتر در فلسفه.....
۱۲.....	الف) مفهوم استعداد برتر در نگاه افلاطون.....
۱۵.....	ب) مفهوم استعداد برتر در نگاه ابن‌سینا.....
۱۶.....	بخش دوم: بررسی مفهوم استعداد برتر در روانشناسی و علوم تربیتی.....
۱۶.....	الف) دیدگاه‌های ذات‌گرایانه.....
۲۲.....	ب) دیدگاه‌های ساخت‌زدایانه.....
۲۵.....	ج) دیدگاه‌های توسعه‌گرایانه.....
۳۵.....	بخش سوم: بررسی مفهوم استعداد برتر در قوانین و اسناد رسمی سیاستی.....
۳۶.....	الف) تعاریف رسمی ارائه شده از استعداد برتر در جهان.....
۴۰.....	ب) تعاریف رسمی ارائه شده از استعداد برتر در ایران.....
	فصل سوم: استخراج چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر و تحلیل این مفهوم در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» بر اساس آن.....
۴۴.....	بخش اول: استخراج چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر از پیشینه نظری.....
۴۵.....	الف) مؤلفه‌های ثابت مفهوم استعداد برتر.....
۴۸.....	ب) محورهای مناقشه در مفهوم استعداد برتر.....

بخش دوم: تحلیل مفهوم «استعداد برتر» در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» بر اساس محورهای استخراج شده.....	۶۵
الف) عبارات مرتبط با مفهوم استعداد برتر در متن سند و اسناد پشتیبان آن.....	۶۵
ب) تحلیل مفهوم استعداد برتر در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان».....	۷۰
فصل چهارم: تحلیل مفهوم «استعداد برتر» در انگاره معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و تطبیق آن با سند راهبردی کشور در امور نخبگان.....	۷۹
بخش اول: تحلیل مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان.....	۸۰
بخش دوم: بررسی نسبت مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و سند راهبردی کشور در امور نخبگان.....	۹۹
فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....	۱۰۳
بخش اول: یافته‌های پژوهش.....	۱۰۴
الف) یافته‌های مربوط به چارچوب تحلیل مفهوم «استعداد برتر».....	۱۰۴
ب) یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش.....	۱۱۰
ج) یافته‌های مربوط به سؤال دوم پژوهش.....	۱۱۱
د) یافته‌های مربوط به سؤال سوم پژوهش.....	۱۱۲
بخش دوم: محدودیت‌های پژوهش.....	۱۱۲
بخش سوم: پیشنهادها.....	۱۱۳
الف) پیشنهادهای پژوهشی.....	۱۱۳
ب) پیشنهادهای عملی.....	۱۱۴
منابع.....	۱۱۵
پیوست ۱: جدول تحلیل مضمون پیشینه نظری مفهوم استعداد برتر.....	۱۱۸
پیوست ۲: فرم پرسشنامه مصاحبه با معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان پیرامون مفهوم استعداد برتر.....	۱۳۰
پیوست ۳: متن مصاحبه با معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان پیرامون مفهوم استعداد برتر.....	۱۳۳

فهرست جداول

- جدول ۱- مثال‌هایی از سرآمدان مجری و مولد..... ۵۶
- جدول ۲- تفاوت‌های میان دانش آموزان *bright* و *gifted*..... ۵۷
- جدول ۳- خصوصیات نخبگان تجزیه‌گرا و ترکیب‌گرا..... ۵۸
- جدول ۴- نظرات معلمان پیرامون علل مطلوبیت توجه به استعداد‌های برتر..... ۸۳
- جدول ۵- تعداد تکرار هر یک از علل مطلوبیت توجه به استعداد‌های برتر در نظرات معلمان..... ۸۷
- جدول ۶- نظرات معلمان پیرامون مشخصه‌های استعداد برتر..... ۸۸
- جدول ۷- درصد دانش آموزان استعداد‌های برتر در نظرات معلمان..... ۹۷
- جدول ۸- نسبت انگاره معلمان و سند راهبردی کشور در امور نخبگان..... ۱۰۲
- جدول ۹- مفهوم استعداد برتر در سند راهبردی کشور در امور نخبگان..... ۱۱۰
- جدول ۱۰- مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان..... ۱۱۱
- جدول ۱۱- نسبت مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان و سند..... ۱۱۲

فهرست اشکال

- شکل ۱ - یکی از سوالات آزمون بینه - سیمون ۱۸
- شکل ۲- نظریه دو عاملی هوش اسپیرمن..... ۱۹
- شکل ۳- یکی از نمونه سوالات آزمون ماتریس‌های پیشرونده ریون..... ۲۱
- شکل ۴- مدل حلقه‌های سه گانه رنزولی (۱۹۷۸)..... ۲۷
- شکل ۵- مدل ستاره دریایی تانباوم..... ۳۰
- شکل ۶- مدل افتراقی گانیه (۲۰۰۸)..... ۳۳
- شکل ۷- منظور از نقاط ثابت در مفهوم استعداد برتر..... ۴۶
- شکل ۸- چارچوب مفهومی نخبه..... ۶۹

فصل اول:

کلیات پژوهش

بیان مسئله

یکی از موضوعات قابل توجه در عرصه سیاست‌گذاری تعلیم و تربیت انتقال رویکردهای انتخاب شده در سطح سیاست‌گذاری به معلمان، به عنوان آخرین حلقه از اجراکنندگان سیاست‌ها است. موضوعی که به نظر می‌رسد با افزایش روند سند نویسی و تحول در سیاست‌های کلان در کشور اهمیتی دوچندان یافته است.

در سال ۱۳۹۱، سندی بالادستی با عنوان «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید که به ادعای مدوّنین آن، چندین رویکرد مهم و جدید^۱ را به عرصه سیاست‌گذاری در زمینه شناسایی و هدایت استعدادها برتر وارد نموده است. با توجه به اینکه نهاد اصلی متولی اجرای این سند در وزارت آموزش و پرورش، «مرکز ملی پرورش استعدادها درخشان و دانش‌پژوهان جوان» است، می‌توان معلمان شاغل در مدارس تحت پوشش این مرکز را یکی از مخاطبان اصلی این رویکردها دانست.

سیاست‌گذار موظف است به منظور برنامه‌ریزی برای انتقال رویکردهای مذکور به این معلمان^۲ تصویری از رویکردهای موجود در انگاره‌های معلمان و به عبارت دیگر وضع موجود داشته باشد تا بتواند بر اساس آن، برنامه ریزی‌های راهبردی برای دستیابی به وضع مطلوب را سامان بخشد.

شفلر (۱۳۷۷) در کتاب *در باب استعداد/دهای آدمی* نشان می‌دهد، تلقی از مفاهیم بنیادین یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری رویکردها است بنابراین سنجش رویکردها می‌تواند از طریق سنجش این تلقی‌ها صورت پذیرد. بر این اساس و به دلیل اینکه مفهوم «استعداد برتر» یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در شکل دهی به رویکردها در زمینه شناسایی و هدایت استعدادها برتر است^۳، پژوهش حاضر در پی آن است تا به منظور بررسی تناسب رویکردی میان سند و معلمان «مرکز ملی پرورش استعدادها درخشان» ابتدا به تحلیل و بررسی مفهوم «استعداد برتر» از منظر تربیتی در «سند راهبردی کشور در

^۱ رویکردهایی مانند: «توجه به تنوع استعدادی»، «رد تربیت گلخانه‌ای استعدادها برتر» و «عدم برجسب زنی به استعدادها برتر»

^۲ در اقدام ملی ۱-۲-۴ سند راهبردی کشور در امور نخبگان برنامه‌ریزی برای آموزش معلمان به این شکل آمده است: «برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح دانش و مهارت معلمان و مربیان مدارس و استادان حوزه و دانشگاه برای هدایت هدفمند صاحبان استعداد برتر از طریق برنامه‌های آموزشی کوتاه مدت و ترویجی»

^۳ قابل توجه است که این مفهوم، معنای چندان روشنی ندارد و بر سر آن مناقشات فراوانی وجود دارد. به طور مثال اسپیرمن تنها یک عامل (عامل g) را برای استعداد برتر در نظر می‌گیرد ولی ترستون ۷ عامل را در آن دخیل می‌کند و حتی گلیفورد آن را به ۱۲۰ عامل تقسیم می‌کند. استرنبرگ به کسی استعداد برتر می‌گوید که قدرت برقراری تعادل بین توانایی‌های تحلیلی، خلاق و عملی به منظور دستیابی به موفقیت در یک بافت اجتماعی-فرهنگی خاص را داشته باشد. در نظریه رنزولی، استعداد برتر بودن عبارت است از بر هم کنش سه ویژگی «توانایی کلی بالاتر از میانگین»، «سطوح بالای تعهد کاری» و «سطح بالای خلاقیت». (ضیایی مؤید و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۵-۷)

امور نخبگان» پرداخته و سپس تناسب آن را با مفهوم متناظرش در انگاره مؤثر در عمل معلمان را تبیین نماید تا بتواند یکی از مقدمات انتقال رویکردهای مذکور به این معلمان را فراهم سازد.

اهمیت و ضرورت

علی‌رغم تنوع در روش‌های شناسایی و پرورش استعدادهای برتر و وجود رویکردهای موافق و مخالف با هر یک از این روش‌ها، مقوله شناسایی و پرورش استعدادهای برتر در اغلب کشورهای جهان^۱ موضوعی بسیار مهم تلقی می‌شود. در ایران نیز از زمان تأسیس «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» در سال ۱۳۵۵ پرداختن به این موضوع به صورت رسمی آغاز شده است^۲ (اژه‌ای، ۱۳۷۶) و هم اکنون دو نهاد «مرکز پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان» و «بنیاد ملی نخبگان» وظایف تعریف شده‌ای را در این زمینه بر عهده دارند. با این وجود، بعد از حدود ۴۰ سال از آغاز این کار در کشور، کار جدی پژوهشی در مسئله شناسایی و پرورش استعدادهای برتر مخصوصاً از منظر فلسفی بسیار اندک بوده و یا اصلاً وجود ندارد.^۳

توجه ویژه به استعدادهای برتر سطوح مختلفی - از مباحث نظری گرفته تا سیاست‌گذاری و اجرا - را در بر می‌گیرد. یکی از موضوعات مهم در این زمینه انتقال رویکردها از سطوح بالاتر به سطوح پایین‌تر است. چرا که اگر این اتفاق رخ ندهد ممکن است رویکردهای متناقضی در سطوح مختلف شکل گیرد. به طور مثال این امکان وجود دارد که «تنوع در شناسایی استعدادهای برتر» به عنوان یکی از رویکردهای اصلی در سطح سیاست‌گذاری پذیرفته شده باشد^۴ اما در مقام اجرا تنها به یک آزمون آن هم با اتکا به یک مؤلفه در شناسایی بسنده شود.

باید به این نکته توجه داشت که انتقال رویکردها از سطح سیاست‌گذاری به اجرا به صورت خودبه‌خودی اتفاق نمی‌افتد. بر این اساس، هنگامی که رویکردهای جدیدی در سطح سیاست‌گذاری مطرح می‌شود یا تغییری در رویکردهای پیشین رخ می‌دهد، سیاست‌گذار موظف به برنامه‌ریزی و اقدام برای انتقال آن‌ها خواهد بود.

^۱ کشورهایمانند: اسپانیا، آلمان، لهستان، انگلستان، استرالیا، آمریکا، کره، هند، روسیه، سنگاپور، ترکیه، فلسطین اشغالی و مصر. (ابوالحسنی، ۱۳۹۰: ص ۲۹-۵۲)

^۲ البته قبل از تأسیس این سازمان نیز از سال ۱۳۴۶ در قالب دبستان هشدار و مرکز آموزش کودکان تیزهوش کارهایی در این زمینه صورت گرفته بود.

^۳ در پژوهشی با عنوان «تحلیل وضع موجود نظام نخبگانی در چهارچوب تهیه اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان» (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ج) تلاش شده است تا اطلاعات جامعی در رابطه با کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه نخبگان و استعدادها برتر گردآوری شود ولی متأسفانه حتی یک عنوان نیز میان عنوان گردآوری شده وجود ندارد که از منظری فلسفی موضوع را مورد بررسی قرار داده باشد.

^۴ این رویکرد در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» در بخش اصول اساسی حاکم بر سند به عنوان اولین اصل آمده است.

برنامه‌ریزی برای انتقال رویکردها از سطح سیاست‌گذاری به اجرا دو مقدمه ضروری دارد: الف) تصریح رویکردها در سطح سیاست‌گذاری؛ که این کار علاوه بر بیان صریح رویکردهای ضمنی، خلأهای نظری و تناقضات میان رویکردها را نیز نمایان می‌سازد. ب) استخراج انگاره‌های ذهنی مجریان پیرامون موضوع مورد نظر و بررسی تناسب آن با رویکردهای تصریح شده در سطح سیاست‌گذاری؛ که با این کار می‌توان مبتنی بر شناخت دقیق‌تری از مخاطبان برای انتقال رویکردها برنامه‌ریزی نمود. زیرا مجریان به علت سابقه‌ای که در اجرا دارند مانند لوح‌های سفیدی نیستند که نسبت به هیچ یک از رویکردهای جدید موضعی نداشته باشند. به طور مثال ممکن است برخی از رویکردها در ذهن آن‌ها از پیش پذیرفته شده باشد در نتیجه سیاست‌گذار نباید برای انتقال آن‌ها هزینه زیادی صرف کند. حتی ممکن است مجریان علیه برخی رویکردها مواضع جدی داشته باشند که کار انتقال را سخت خواهد. در واقع به دلیل محدودیت زمان و سرمایه (اعم از مالی و انسانی) برای بهره‌وری بیشتر، سیاست‌گذار باید بداند انتقال کدام قسمت از رویکردها نیاز به تلاش ویژه‌ای ندارد و بر روی انتقال کدام قسمت باید تأکید بیشتری داشته باشد.

در مجموع می‌توان گفت ضرورت انجام این پژوهش از ایجاد امکان برنامه‌ریزی برای انتقال رویکردها به معلمان مذکور نشأت می‌گیرد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

بر اساس توضیحات داده شده اهداف زیر در پژوهش حاضر دنبال خواهند شد:

- ۱- تحلیل مفهوم استعداد برتر در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان»
- ۲- تحلیل مفهوم استعداد برتر در انگاره‌ی معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان»
- ۳- بررسی نسبت میان مفهوم «استعداد برتر» در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و انگاره معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان»

با توجه به اهداف مطرح شده پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گفتن به پرسش‌های زیر است:

- ۱- مفهوم «استعداد برتر» از در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» چگونه تبیین شده است؟
- ۲- مفهوم «استعداد برتر» در انگاره‌ی معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» چگونه است؟
- ۳- نسبت میان مفهوم «استعداد برتر» در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و انگاره معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» چیست؟

پیشینه پژوهش

آن گونه که از جستجوی مقالات و پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها در منابع اطلاعاتی مرجع، بنیاد ملی نخبگان و سازمان ملی پرورش استعدادی درخشان مشخص گردید، تا کنون پژوهشی با هدف تحلیل مفهوم استعداد برتر در ایران انجام نشده است چه رسد که این تحلیل مفهوم در زبان معلمان یا اسناد رسمی کشور باشد. حتی می‌توان پا را از این فراتر نهاد و ادعا کرد که هیچ پژوهش، پایان‌نامه، مقاله یا کتابی با موضوع استعداد برتر در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت در ایران وجود ندارد^۱ و پژوهش‌های انجام گرفته در مورد این موضوع بیشتر در حوزه‌های روانشناسی، روانشناسی تربیتی، روانشناسی کودکان استثنایی یا سیاست‌گذاری می‌باشند. از این رو می‌توان گفت که پژوهش حاضر پیشینه موضوعی در رشته فلسفه تعلیم و تربیت در ایران ندارد ولی با توجه به این نکته که پژوهش حاضر علاوه بر این که در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت تعریف شده است با حوزه سیاست‌گذاری نیز در ارتباط است می‌توان پژوهش‌های انجام در این حوزه در ارتباط با استعداد برتر را به عنوان پیشینه عام این پژوهش در نظر گرفت که به شرح زیر است:

(۱) طرح پژوهشی «بررسی روش‌های شناسایی استعدادهای برتر و ارائه الگوی علمی» به سفارش بنیاد ملی نخبگان و به عنوان یکی از اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان در سال ۱۳۹۰ توسط ضیایی مؤید و همکاران انجام شده است. این پژوهش پس از بررسی دیدگاه‌های متنوع موجود در مورد ماهیت هوش و استعداد و تحلیل برخی از الگوهای عملی موجود در سطح نظام‌های آموزش و پرورش جهان و همچنین آسیب‌شناسی وضع موجود شناسایی استعدادهای برتر در کشور بر اساس اصول مستخرج از تحلیل‌ها و بررسی‌ها الگویی برای شناسایی استعدادهای برتر پیشنهاد می‌کند.

فصل دوم این طرح پژوهشی که به ماهیت و مفهوم هوش و استعداد برتر می‌پردازد می‌تواند به طراحی سؤالات پژوهش حاضر و یافتن مؤلفه‌هایی برای تحلیل اسناد کمک نماید. همچنین چون این پژوهش جزو اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان می‌تواند در یافتن مفهوم استعداد برتر در سند نخبگان مفید واقع شود.

^۱ در پاسخ به این سؤال که چرا پژوهش‌هایی که به موضوع استعداد می‌پردازند نمی‌توانند به عنوان پیشینه این پژوهش تلقی شوند باید گفت که دو نوع رویکرد در پژوهش‌های مرتبط با استعداد وجود دارد. در یکی از این رویکردها پژوهش‌گر به دنبال استعدادهای هر فرد و تفاوت عرضی میان استعدادهای افراد مختلف است. در این رویکرد به طور مثال مطرح می‌شود که برخی از افراد استعداد ریاضی دارند، برخی استعداد ورزشی، برخی دیگر استعداد هنری و امثال آن. هدف این پژوهش‌ها بیشتر کمک به هدایت تحصیلی دانش‌آموزان است و تمرکز بر روی تفاوت‌های طولی افراد یک زمینه استعدادی ندارد و ارزش‌گذاری استعدادی بر روی افراد وجود ندارد. در رویکرد دوم صرف تفاوت‌های عرضی استعدادی مطرح نیست. بلکه تمرکز بر روی تفاوت‌های طولی استعدادی افراد است که به نوعی ارزش‌گذاری استعدادی منجر می‌شود. به طور مثال در این رویکرد این سینا عده‌ای را از نظر استعدادی زیرک و عده‌ای را کودن می‌شمرد و افلاطون از طبایع ضعیف و طبایع قوی سخن می‌گوید که در قسمت مبانی نظری به آن اشاره شد. واضح است پژوهش‌هایی که دارای رویکرد اول هستند رابطه‌ای با موضوع استعداد برتر ندارند و فقط پژوهش‌هایی با رویکرد دوم هستند که ممکن است با موضوع استعداد برتر در ارتباط باشند و جزو پیشینه‌های این پژوهش قرار گیرند.

۲) طرح پژوهشی «بررسی مسئله جداسازی استعدادهای برتر از سایر دانش آموزان در آراء صاحب‌نظران» توسط ابوالحسنی و همکاران در سال ۱۳۹۰ انجام شده است و مانند پژوهش قبل به سفارش بنیاد ملی نخبگان و به عنوان یکی از اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان است. در این پژوهش نظریه‌های مختلف در حوزه آموزش استعدادهای برتر، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین تجربیات ۱۵ کشور در زمینه آموزش استعدادهای برتر آورده شده است. در قسمت دیگر این پژوهش مصاحبه‌هایی با صاحب‌نظران این حوزه پیرامون وضع موجود و ساختار ایده‌آل آموزش استعدادهای برتر و راه‌کارهای دستیابی به وضعیت ایده‌آل صورت گرفته است. این پژوهش در ادامه طبق مباحث مطرح شده اصولی برای آموزش استعدادهای برتر استخراج کرده و در نهایت طبق این اصول راه‌حلهایی برای اصلاح وضعیت آموزش استعدادهای برتر ارائه کرده است.

۳) طرح پژوهشی «مجموعه متون آموزشی طرح شهاب (شناسایی و هدایت استعدادهای برتر)» توسط آیتی و همکاران در سال ۱۳۹۱ به سفارش بنیاد ملی نخبگان در جهت پشتیبانی از طرح شهاب تدوین شده است. در این پژوهش نظریات مختلف پیرامون موضوعات مرتبط با طرح شهاب از قبیل تفاوت‌های فردی، هوش، تیزهوشی، خلاقیت و پراستعدادی جمع‌آوری شده است. این پژوهش همچنین به ویژگی کودکان بااستعداد در زمینه‌هایی مانند ریاضی، علوم و ادبیات و شیوه‌های شناسایی دانش‌آموزان مستعد پرداخته است.

فصل سوم تا پنجم این طرح پژوهشی که به مفاهیم هوش، تیزهوشی و استعداد برتر می‌پردازد می‌تواند به طراحی سؤالات پژوهش حاضر و یافتن مؤلفه‌هایی برای تحلیل اسناد کمک نماید.

در مجموع می‌توان گفت که در پژوهش‌های انجام شده در این حوزه تلاشی برای دستیابی به مفهوم «استعداد برتر» در انگاره معلمان «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» و «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» صورت نگرفته است و باید پژوهشی در این قسمت انجام پذیرد.

روش پژوهش

از آنجایی این پژوهش قرار است به تحلیل تطبیقی مفهوم استعداد برتر در نگاه سند و معلمان بپردازد نیاز به یک چارچوب تحلیل برای مفهوم استعداد برتر دارد. برای دستیابی به این چارچوب از روش تحلیل مفهوم در زبان فنی و رسمی استفاده خواهد شد. منظور از زبان فنی و رسمی در اینجا زبان اندیشمندان، نظریه پردازان و فیلسوفانی است (باقری، ۱۳۸۹) که پیرامون مفهوم استعداد برتر به نظروزی و نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. برای تحلیل مفهوم در زبان فنی و رسمی از تکنیک «تحلیل مضمون استقرایی» استفاده خواهد شد. در این روش متن پیشینه نظری مفهوم استعداد برتر^۱ که در آن

^۱ منظور فصل دوم پژوهش حاضر است.

نگاه‌های صاحب‌نظران و اندیشمندان در حوزه استعداد‌های برتر گردآوری شده است با روش استقرایی^۱ به واحدهای تحلیلی معنادار تقسیم کرده و سپس این واحدها را با عبارات توصیفی کدگذاری می‌کنیم (جانسون و کریستنسن، ۱۳۹۱: ۳۱۶). در نهایت نیز چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر از این کدها استخراج خواهد شد.

پس از دستیابی به چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر برای پاسخگویی به سؤال اول پژوهش - مفهوم «استعداد برتر» از در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» چگونه تبیین شده است؟- باز هم از روش تحلیل مفهوم در زبان فنی و رسمی استفاده خواهد شد ولی این بار منظور از زبان فنی و رسمی، زبان رسمی سند است که پیرامون مفهوم استعداد برتر به بحث پرداخته است. برای تحلیل مفهوم در زبان فنی و رسمی سند از تکنیک «تحلیل مضمون قیاسی»^۲ استفاده خواهد شد. در این قسمت به تحلیل سند در چارچوب تحلیلی که در قسمت قبل استخراج شد، پرداخته خواهد شد.

به منظور پاسخگویی به سؤال دوم ابتدا سؤالاتی با استفاده از چارچوب تحلیل که در فصل قبل پیرامون مفهوم استعداد برتر استخراج شد طراحی شده و سپس با محوریت این سؤالات با تعدادی از معلمان مدارس تحت پوشش «مرکز ملی پرورش استعداد‌های درخشان» مصاحبه‌هایی به صورت نیمه ساختاریافته انجام خواهد شد. در نهایت نیز مانند قسمت قبل با تکنیک «تحلیل مضمون قیاسی» به تحلیل متن مصاحبه‌ها در چارچوب تحلیلی که در قسمت قبل استخراج شد، پرداخته خواهد شد. در سؤال آخر نیز که پژوهش در پی مشخص نمودن نسبت میان دو مفهوم به دست آمده از «استعداد برتر» در دو سؤال قبل است، از روش «تحلیل تطبیقی» استفاده خواهد شد. در این روش با استفاده از چارچوب تحلیل استخراج شده محورهای تطبیق مشخص شده، سپس حول این محورها مقایسه صورت پذیرد (گیون، ۲۰۰۸ به نقل از سجادیه، ۱۳۹۳).

تعریف اصطلاحات

تحلیل تطبیقی: در این پژوهش تحلیل تطبیقی به معنای بررسی نسبت میان مفهوم «استعداد برتر» در نگاه معلمان و سند است.

استعداد برتر^۳: از آنجایی که در این پژوهش قرار است مفهوم «استعداد برتر» در انگاره معلمان و سند با روش تحلیل مفهوم مورد بررسی قرار گیرد نباید در این قسمت تعریفی پیش‌فرض و سوگیرانه از استعداد برتر ارائه دهد ولی می‌توان گفت منظور این پژوهش از این واژه، مفهومی است که از عبارات

^۱ روش استقرایی یعنی کدها در حین بررسی داده‌ها توسط پژوهشگر تولید می‌شوند و از پیش تعیین شده نیستند (جانسون و کریستنسن، ۱۳۹۱).

^۲ روش قیاسی یعنی کدهای از پیش تعیین شده‌اند (جانسون و کریستنسن، ۱۳۹۱).

^۳ Gifted and Talented

«تیزهوش»، «نخبه»، «استعداد درخشان»، «استعداد برتر»، «سرآمد» در زبان فارسی و عبارت «*gifted* and talented» در زبان انگلیسی برداشت می‌شود.

انگاره معلم^۱: در این پژوهش به باورها و دیدگاه‌های معلمان پیرامون مفهوم استعداد برتر انگاره معلمان گفته می‌شود.

مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان: «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان» مرکزی وابسته به وزارت آموزش و پرورش است که در تاریخ ۸۹/۱۰/۲۷ از ادغام «باشگاه دانش‌پژوهان جوان» و «سازمان پرورش استعدادهای درخشان(سمپاد)» تشکیل شد. این مرکز دو معاونت «دانش‌پژوهان جوان» و «پرورش استعدادهای درخشان» دارد. از آنجایی که در این پژوهش موضوع مورد بحث قسمت «پرورش استعدادهای درخشان» است که قبل از ادغام به «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» بوده است در عنوان پژوهش قسمت دانش‌پژوهان جوان حذف شده است.

سازمان ملی استعدادهای درخشان با در سال ۱۳۵۵ با این هدف که «برای همه افراد مستعد ایرانی صرف نظر از محل سکونت، جنس، درآمد و گروه اجتماعی آنان فرصت‌های آموزشی آنان را طوری فراهم آورند که استعداد افراد مذکور در مسیر رشد و شکوفایی بارور گردد» تأسیس گردید. (اژه‌ای، ۱۳۸۱) این سازمان مدتی منحل شد ولی در سال ۱۳۶۶ دوباره احیا گردید. هدف سازمان در اساسنامه جدید «شناسایی و پرورش استعدادهای درخشان کشور در سطوح مختلف تحصیلی» بود. (اساسنامه سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان، ۱۳۶۷)

مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان هر ساله از طریق آزمون‌های یک یا چند مرحله‌ای به شناسایی دانش‌آموز جهت تحصیل در مدارس وابسته به خود^۲، در پایه‌های هفتم و دهم اقدام می‌کند. تا این دانش‌آموزان از امکانات آموزشی و پرورشی ویژه‌ای بهره‌مند شوند.^۳

معمولاً شرط شرکت در آزمون‌های ورودی این مرکز معدل بالاتر از ۱۹ در پایه قبلی است. مواد آزمون نیز ترکیبی از هوش، خلاقیت و پیشرفت تحصیلی است. آزمون به صورت سراسری و پذیرش به صورت منطقه‌ای با توجه به ظرفیت مراکز و با توجه رتبه‌های کسب شده در آزمون صورت می‌گیرد. (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ج)

معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان: معلمانی که در مدارس تحت پوشش «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و دانش‌پژوهان جوان» تدریس می‌کنند و حداقل دو سال سابقه تدریس در این مدارس دارند را معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان می‌دانیم.

^۱ *Teacher's Belief*

^۲ این مدارس به مدارس تیزهوشان در کشور معروف هستند.

^۳ البته هزینه این امکانات ویژه به صورت کامل از خانواده‌های این دانش‌آموزان دریافت می‌شود.

سند راهبردی کشور در امور نخبگان: سندی بالادستی در امور استعدادهای برتر و نخبگان است که با هدف ساماندهی نظام نخبگانی کشور توسط بنیاد ملی نخبگان تدوین و در تاریخ ۹۱/۷/۱۱ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است.

فصل دوم:

مبانی نظری

در این فصل به بررسی مباحث نظری مطرح شده پیرامون مفهوم «استعداد برتر» - مؤلفه محوری پژوهش حاضر- پرداخته خواهد شد. این مفهوم بیشتر از منظر روانشناسی تربیتی بررسی شده است ولی متون فلسفی نیز خالی از این مفهوم نیست. به این دلیل که پژوهش حاضر پژوهشی فلسفی-تربیتی است نمی‌تواند تنها به بافت فلسفی اکتفا کند و بررسی فلسفی بافت روانشناسی را فرونهد. علاوه بر این به دلیل ارتباط این پژوهش با اسناد رسمی پیرامون مفهوم استعداد برتر، این مفهوم باید از منظر قوانین و اسناد رسمی نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین این مفهوم استعداد برتر از منظر زیستی-عصبی مورد بررسی قرار گرفته است که به دلیل ارتباط کم با موضوع پژوهش حاضر در اینجا به آن پرداخته نشده است. بنابراین در این فصل در سه بخش مجزا به بررسی این مفهوم در فلسفه، روانشناسی و علوم تربیتی و قوانین و اسناد رسمی پرداخته خواهد شد.

قبل از ورود به بحث اصلی اشاره به این نکته ضروری است که واژه‌های دیگری نیز در زبان فارسی وجود دارند که در معنایی نزدیک به واژه «استعداد برتر» به کار می‌روند که از جمله آن‌ها می‌توان به واژه‌های «سرآمد»، «استعداد درخشان»، «تیزهوش» و «نخبه» اشاره کرد. البته واژه‌های «باهوش^۱»، «خلاق^۲» و «تابغه^۳» نیز با مفهوم واژه مورد نظر در ارتباط هستند.

به آن دلیل که در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» از واژه «استعداد برتر» استفاده شده است در عنوان پژوهش حاضر نیز از این واژه استفاده شده است همچنین در ادبیات علمی و سیاست‌گذاری در زبان انگلیسی معمولاً از عبارت «*Gifted and Talented*» برای به اشاره به این مفهوم استفاده می‌شود.^۴ این عبارت در حالت مصدری در اکثر مواقع به «*Giftedness*» و گاهی نیز به «*Talent*» تبدیل می‌شود. طبق دائره‌المعارف «*Giftedness, Creativity and Talent*» (کر، ۲۰۰۹: ۸۶۳) واژه *Talent* از ریشه لاتین *talentum* است و در یونان باستان واحدی برای وزن، جرم و ارزش بوده که به خصوص در مورد طلا و نقره به کار می‌رفته است ولی امروزه در کاربرد متداول، اساساً واژه‌های «*Giftedness*» و «*Talent*» به یک معنا هستند. طبق واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد نیز، از سال ۱۶۰۰ این کلمه به معنی امروزی آن، که «*A natural ability to do something well*» (توانمندی طبیعی در خوب انجام

^۱ *clever, smart, bright*

^۲ *creative*

^۳ *genius*

^۴ این عبارت در ادبیات علمی و سیاست‌گذاری این حوزه در زبان انگلیسی به شکل‌های «*Gifted and Talented Children*» و «*Gifted and Talented Education*» به وفور یافت می‌شود.

^۵ *Barbara Kerr*

دادن بعضی از چیزها و کارها) است به کار رفته است^۱ (آیتی و همکاران، ۱۳۹۱ و فرهنگ لغت پیشرفته آمریکایی آکسفورد^۲).

از آنجایی که بیشتر منابع استفاده شده در این فصل –بجز در بخش «بررسی مفهوم استعداد برتر از منظر فلسفی»– یا به زبان انگلیسی هستند و یا از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده‌اند برای رساندن دقیق‌تر منظور منابع اصلی، تلاش شده است برای هر یک از عبارات تخصصی یک ترجمه خاص که در فارسی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد یا به مفهوم عبارت نزدیک‌تر است، به کار برده شود. بر این اساس عبارت «*Gifted and Talented*» به «استعداد برتر»، واژه «*Gifted*» به «تیزهوش»، واژه «*Talented*» به «سرآمد»، واژه «*Giftedness*» به «تیزهوشی»، واژه «*Talent*» به «سرآمدی» و واژه «*Intelligence*» به «هوش» ترجمه شده است.

بخش اول: بررسی مفهوم استعداد برتر در فلسفه

در این بخش تلاش شده است مباحث مطرح شده توسط فیلسوفان، که با مفهوم استعداد برتر مرتبط است آورده شود. طبق بررسی‌های صورت گرفته توسط نگارنده در میان فیلسوفان تنها افلاطون و ابن‌سینا اشارات مستقیمی به موضوع استعداد برتر داشته‌اند که مباحث مرتبط مطرح شده توسط این دو نفر در ادامه آمده است. البته نلر (۱۳۶۹) نیز در کتاب «هنر و علم خلاقیت» مباحثی پیرامون هوش و خلاقیت انسان مطرح کرده است (به نقل از ضیایی مؤید و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۸) ولی به علت ارتباط کم با موضوع به آن پرداخته نشده است.

الف) مفهوم استعداد برتر در نگاه افلاطون

افلاطون فیلسوفی است که توجه ویژه‌ای به مفهوم استعداد برتر داشته است و این امر در متون کتاب جمهوری او بسیار مشهود است. او علاقه خاصی به طبقه‌بندی مردم جامعه‌ی آرمانی‌اش دارد، طبقه‌بندی‌ای که خالی از ارزش‌گذاری نیست. او برای اینکه ارزش‌گذاری میان طبقات را نشان دهد از تمثیلی استفاده می‌کند که در روزگاران قدیم^۳ در فنیقیه رواج داشته است. در این تمثیل مایه وجودی برخی از مردم با طلا، برخی دیگر با نقره و باقی مردم با آهن سرشته شده است که قرار است گروه اول زمامداران، گروه دوم پاسداران و گروه سوم پیشه‌وران و کشاورزان جامعه شود. استفاده از این تمثیل کاملاً نشان از یک ارزش‌گذاری در ذهن افلاطون دارد زیرا طلا، نقره و آهن به وضوح تفاوت ارزشی فاحشی با یکدیگر دارند. اگر قرار بود این طبقه‌بندی فارغ از ارزش‌گذاری و برتر دانستن طبقه‌ای بر طبقه

^۱ همچنین در این واژه‌نامه در تعریف کلمه «*natural*» آمده است: «*existing in nature; not made or caused by humans*» (به صورت طبیعی وجود دارد و بشر در به وجود آمدنش دخالتی ندارد) که به ذاتی و غیراکتسابی بودن این مفهوم اشاره دارد.

^۲ Oxford Advanced American Dictionary

^۳ قدیم نسبت به زمان افلاطون نه نسبت به زمان حال

دیگر باشد می‌بایست از تمثیل فلزاتی که از نظر ارزش به هم نزدیک‌ترند استفاده می‌کرد. همچنین در تمثیل فارغ از ارزش پاسداران را می‌توان بیشتر به آهن تمثیل کرد ولی در این تمثیل سرشتشان از نقره است و سرشت کشاورزان و پیشه‌وران از آهن. جالب اینجاست که افلاطون به قدری بر این تمثیل تأکید دارد که اعتقاد دارد باید طوری به مردم دروغ گفته شود که تمام مردم و حتی زمامداران این امر را نه به عنوان یک تمثیل بلکه به عنوان یک واقعیت عینی بپذیرند و اگر مردم این دروغ را باور کنند کمر به خدمت جامعه خواهند بست و در اندیشه سعادت یکدیگر خواهند بود. (افلاطون، ۱۳۵۳: ۱۶۹-۱۶۷) با این تفاسیر استعداد برتر از نظر افلاطون کسی است که سرشتش از طلا است یعنی افراد مستعد زمامداری.

افلاطون در رابطه با تحقق جامعه آرمانی در دنیای واقعی به این موضوع اشاره می‌کند که تنها کسانی که اجازه دارند و باید زمامدار و پادشاه شوند فیلسوفان^۱ هستند در غیر این صورت دولتی مورد نظرش جامه عمل نخواهد پوشید (افلاطون، ۱۳۵۳: ۲۷۳). از این سخن می‌توان برداشت کرد که کسانی که سرشت طلائی دارند و همان کسانی که در این پژوهش اصطلاحاً به آن‌ها استعداد برتر گفته می‌شود در واقع افراد مستعد فیلسوف شدن هستند.

از نظر افلاطون فیلسوف - دوستدار دانش - کسی است که عاشق و جویای تمام دانش است، نه جزئی از آن، در فراگیری دانش سیری ناپذیر و مشتاق به تماشای حقیقت است. به اعتقاد او فیلسوف قادر به شناخت و دیدن ایده‌ها است ولی مردم عادی فقط قادر به شناخت مصادیق دنیایی ایده‌ها هستند. به طور مثال مردم عادی می‌توانند صورت زیبا را ببینند و آن را دوست بدارند ولی فیلسوف خود زیبایی یعنی ایده زیبایی که در عالم مثل قرار دارد را می‌بیند و به آن عشق می‌ورزد. فیلسوف می‌تواند هستی یگانه تغییرناپذیر ابدی را دریابد، در حالی که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و در عالم کثرت و دگرگونی سرگردان. پس بدیهی است که واگذاری رهبری جامعه به کسی جز فیلسوف شایسته نیست همانطور انسان کور شایسته پاسداری نیست (افلاطون، ۱۳۵۳: ۲۷۴-۲۹۰).

همچنین او چند ویژگی دیگر برای فیلسوف شاه مورد نظر خود می‌شمرد که اعتقاد دارد باید از هنگام تولد در نهاد آن‌ها نهفته باشد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از (افلاطون، ۱۳۵۳: ۲۹۱-۲۹۴):

- (۱) دیگران را فریب ندهند و دانسته فریب نخورند.
- (۲) لذت روحی را بزرگ‌ترین لذت می‌داند و به لذات جسمی اعتنا ندارد.
- (۳) اعتدال و خویشتن‌داری و دوری از حرص مال‌اندوزی
- (۴) از فرومایگی و دل بستن به چیزهای کوچک بری است.
- (۵) از مرگ نمی‌ترسد.

^۱ البته فیلسوف به معنای افلاطونی نه به معنای رایج آن

۶) در آموختن چابک است. زیرا کسی که کاری را با رنج و زحمت انجام دهد و نتواند در آن مهارتی کسب کند ممکن نیست آن کار را دوست بدارد.

۷) کسی که طبعاً فراموش کار است و هر چه می‌آموزد زود از یاد می‌برد، بدیهی است که نادان می‌ماند. پس روح فراموش کار روح فیلسوف نیست. تنها کسانی از عهده این کار برمی‌آیند که با طبع حافظه‌ای قوی داشته باشد.

۸) خواهان تناسب و اعتدال و زیبایی باشد و با موسیقی بیگانه نباشد.

او معتقد است روح آدمی باید تمام این صفات را دارا باشد تا بتواند به حقیقتی که در عالم ایده است دسترسی یابد. همچنین او همه این صفات ناشی از یکدیگر می‌داند. از طرف دیگر افلاطون طبایعی که استعدادها و سجایای لازم برای فلسفه را در خود جمع دارند بسیار کمیاب می‌داند ولی منشأ تمام کارهای بزرگ چه بد و چه خوب را از این همین طبایع می‌داند^۱ و اعتقاد دارد طبایع ضعیف منشأ هیچ کار بزرگی، خواه خوب و خواه بد نمی‌توانند بود (افلاطون، ۱۳۵۳: ۲۹۱-۳۰۲).
جمع‌بندی ویژگی‌های فرد مستعد فیلسوف یا همان فرد استعداد برتر با تعبیر این پژوهش را می‌توان در این عبارت از کتاب جمهوری یافت:

بر اساس سجایای فطری فیلسوف که برشمردیم این مطلب روشن شد
که او طبیعتاً قوی حافظه، تیزهوش، دلیر و بلندهمت است، ... بنابراین او
در کودکی به همبازی‌های خود برتری خواهد داشت، مخصوصاً اگر
جسمش با روحش هماهنگ باشد. (افلاطون، ۱۳۵۳: ۳۰۲)

در جمع‌بندی نگاه افلاطون به مفهوم استعداد برتر می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- مفهوم استعداد برتر در نگاه افلاطون مفهومی کاملاً عینی و واقعی است. به عبارت دیگر او اعتقاد دارد که عده‌ای در سرشت خود استعداد فیلسوف شدن را دارند و عده‌ای دیگر از این موهبت بی‌بهره‌اند و تنها افراد مستعد فیلسوف شدن هستند که می‌توانند منشأ کارهای بزرگ خوب و بد در جهان شوند.
- همچنین او این ویژگی - یعنی استعداد برتر بودن - را غیراقتسابی می‌داند.
- افلاطون این ویژگی را در سن کودکی قابل تشخیص می‌داند بالأخص اگر روح کودک با جسمش هماهنگ باشد.

^۱ افلاطون خوب یا بد بودن کارهای بزرگی که این افراد انجام می‌دهند را به صحیح یا ناصحیح بودن تربیت افراد نسبت می‌دهد و اعتقاد دارد اگر افراد مستعد فیلسوف بودن مورد تربیت صحیح قرار نگیرند به احتمال زیاد روحشان فاسد خواهد شد و دست به فجایع تاریخی خواهند زد.

- علاوه بر این او طبقه‌بندی بسیار قاطعانه‌ای از افراد جامعه بر اساس استعداد برتر بودن یا نبودن ارائه می‌نماید و پذیرش این طبقه‌بندی را امری بسیار مفید برای جامعه می‌داند تا حدی که حیات صحیح جامعه را در گرو آن می‌داند.
 - همچنین از مباحث مطرح شده می‌توان اینگونه برداشت کرد نگاه افلاطون به مفهوم استعداد برتر نگاهی جهان‌شمول است و این مفهومی را مفهومی زمان‌مند و مکان‌مند نمی‌داند.
 - او عامل استعداد برتر بودن فرد را یک چیز می‌داند نه عوامل مستقل از هم و با اینکه چندین ویژگی برای فرد مستعد تیزهوش بودن مطرح می‌کند ولی توان این ویژگی‌ها را متأثر از یک ویژگی می‌داند که آن دوستدار دانش (فیلسوف) بودن است.
 - اشاره به این نکته نیز جالب توجه است که او در کتاب جمهوری بجز مفهوم استعداد برتر اصلی خود-که همان مستعد فیلسوف شدن و زمامدار شدن است و کسی است که سرشت طلایی دارد- مفهوم دیگری نیز مطرح می‌کند و آن مستعد فرماندهی سپاه شدن است که به نظر می‌آید آن نیز نوع دیگری از استعداد برتر است که البته از درجه ارزشی پایین‌تری نسبت به نوع اول برخوردار است.
- با این اوصاف و با توجه به این نکته که افلاطون اصرار عجیبی بر تک‌پیشگی دارد، به نظر می‌رسد او فرد استعداد برتر -مستعد فیلسوف شدن- را در تمام موضوعات موفق و مستعد نمی‌داند ولی از آنجایی که زمینه‌ی زمامداری برای او برترین زمینه است فرد مستعد زمامداری - که همان فرد مستعد فیلسوف شدن در نگاه افلاطون است - «استعداد برتر» است.

(ب) مفهوم استعداد برتر در نگاه ابن‌سینا

در نگاه ابن‌سینا نیز انسان‌ها از نظر توان جسمی، قدرت تفکر، هوش و استعداد، زیرکی و کودنی و جهات دیگر با یکدیگر متفاوت‌اند. او صرف هزینه‌ی گزاف والدین برای پرورش فرزندان خود در زمینه‌ای خاص و عدم موفقیت آن‌ها در آن زمینه را دلیلی بر مدعای خود برمی‌شمرد و سهولت فراگیری برخی از دانش‌ها برای عده‌ای و سختی یادگیری آن برای برخی دیگر را به منتسب تفاوت استعدادی افراد می‌داند (اعرافی، ۱۳۷۷).

ابن‌سینا تفاوت افراد در فراگیری معقولات را بدین نحو تفسیر می‌کند که برخی بیشتر نیازمند معلم و استاد و مطالعه و تمرین و تکرار فراوان هستند، برخی استعداد بیشتری داشته و به مطالعه و تمرین و فعالیت کمتری نیاز دارند و برخی نیز بدون نیاز به آموزگار و آموزش مطلب را می‌آموزند. او این تفاوت را ناشی از تفاوت در توانایی در حدس زدن می‌داند (داودی، ۱۳۹۰).

ابن‌سینا این تفاوت‌های فردی را مبنا قرار داده و در بیان وظایف مربی کودک می‌گوید: «به همین علت (تفاوت‌های فردی)، شایسته است که مربی کودک هنگام گزینش دانش یا حرف‌های خاص برای وی، ابتدا طبیعت کودک را بیازماید، ذوق و سلیقه او را بسنجد و درجه هوش او را امتحان کند، آنگاه بر

اساس این امور حرفه یا دانش مناسب برای وی برگزینند.» (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶ به نقل از ضیایی مؤید و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹).

با توجه به مباحث مطرح شده در مجموع می‌توان گفت این‌سینا نیز مانند افلاطون به مفهوم استعداد برتر به عنوان مفهومی عینی و واقعی قائل است زیرا که عده‌ای را کودن و عده‌ای را زیرک می‌شمرد. علاوه بر این او نیز این صفت را قابل شناسایی در کودک برای مربی می‌داند و توصیه می‌کند که حتماً این شناسایی انجام شود و فایده این شناسایی را انتخاب درست نوع تربیت و محتوای تربیتی فرد می‌داند.

بخش دوم: بررسی مفهوم استعداد برتر در روانشناسی و علوم تربیتی

در حوزه روانشناسی و علوم تربیتی مفهوم استعداد برتر (*Gifted and Talented*) و مفاهیم مرتبط با آن نظیر هوش (*intelligence*)، تیزهوشی (*giftedness*) و سرآمدی (*talent*) توسط اشخاص مختلف و از زاویه نگاه‌های گوناگون بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بررسی تاریخی نظریه‌های گوناگون حول این موضوع نشان دهنده سه نسل مختلف از دیدگاه‌ها است که هر یک از آن‌ها پیش‌فرض‌های متفاوت و حتی متضادی را پیرامون «مفهوم استعداد برتر» پذیرفته‌اند. این سه نسل عبارت‌اند از دیدگاه‌های ذات‌گرایانه^۱، دیدگاه‌های ساخت‌زدایانه^۲ و دیدگاه‌های توسعه-گرایانه^۳ (دای^۴، ۲۰۰۹).

البته به این نکته نیز باید توجه داشت که تقسیم‌بندی فوق به معنای عدم وجود گروه‌هایی خارج از این جریان اصلی نیست، بلکه جریان عمده و اصلی پژوهش‌ها و نظریه‌ها را نشان می‌دهد (دای، ۲۰۰۹). در ادامه به مباحث مطرح شده توسط صاحب‌نظران این حوزه ذیل هر یک از این دیدگاه‌ها پرداخته خواهد شد.

الف) دیدگاه‌های ذات‌گرایانه

شاید بتوان اولین کارهای علمی^۵ صورت گرفته در حوزه استعداد برتر را به فرانسیس گالتون^۶ انگلیسی-که او را پدر روانشناسی فردی و مطالعه تفاوت‌های فردی در توانایی‌های انسانی می‌دانند- نسبت داد. او

^۱ *essentialism*

^۲ *disenchantmentism*

^۳ *developmentalism*

^۴ *Dai*

^۵ منظور علم تجربی است. (*Scientific*)

^۶ *Galton*

اولین پژوهش در زمینه استعداد برتر- که در خصوص ۴۰۰ فرد تأثیرگذار در تاریخ انگلستان بود- را انجام داد و نتیجه آن را در کتابی با عنوان «نبوغ ارثی»^۱ در ۱۸۶۹ منتشر کرد^۲ (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ب). گالتون در این کتاب سعی داشت نشان دهد که نبوغ فردی در خانواده‌هایی خاص به حدی رخ می‌دهد که نمی‌توان آن را صرفاً به تأثیرهای محیطی و تربیتی نسبت داد زیرا داده‌های او نشان می‌دادند که هر فرد مشهوری نه فقط نبوغ کلی بلکه شکل خاصی از نبوغ را به ارث می‌برد. برای مثال، دانشمندان بزرگ معمولاً در خانواده‌هایی متولد شده بودند که از نظر علمی مقام والایی داشتند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲).

گالتون فعالیت‌های پژوهشی فراوان دیگری نیز در این حوزه انجام داد. او اعتقاد داشت که توانمندی‌های حسی- حرکتی یکی از معرفه‌های اصلی هوش انسانی است و اندازه‌گیری این دسته از توانمندی‌های فرد می‌تواند به اندازه‌گیری هوش انسان کمک نماید و بر همین اساس آزمایشگاهی مجهز به ابزارهای اندازه‌گیری دقیق توانمندی‌های حسی حرکتی و ادراکی و پاسخ‌های جسمانی در سال ۱۸۸۰ تأسیس نمود. از دیگر کارهای مهم و بدیع گالتون می‌توان به طراحی پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های درجه‌بندی برای ارزشیابی صفات فردی و استفاده از آنها برای جمع‌آوری اطلاعات در حد وسیع- که اساس آزمون‌های شخصیت و هوش هستند- اشاره نمود. (افروز و کامکاری، ۱۳۹۴).

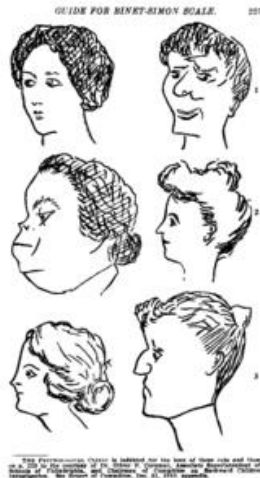
بینه^۳- که مدیر موسسه روان‌شناسی فیزیولوژیک سوربون فرانسه بود و در زمینه ارائه خدمات به کودکان عقب‌مانده ذهنی فعالیت و پژوهش می‌کرد- در مقالات متعددی از ساده‌انگاری گالتون در اندازه‌گیری هوش از طریق آزمون‌های حسی- حرکتی به شدت انتقاد کرده و هوش را به عنوان فرآیند شناختی سطح بالایی مطرح کرد (لین، ۱۹۸۹، به نقل از افروز و کامکاری، ۱۳۹۴). او در سال ۱۹۰۴، از دولت فرانسه درخواست کرد اعتباری در اختیارش بگذارد تا ابزاری بسازد که با آن بتواند در سن ورود به مدرسه، کودکانی را که می‌توانند با سرعت عادی یاد بگیرند از کسانی که دیرآموز بوده و به برنامه‌های آموزشی ویژه نیاز داشتند جدا کند. (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰) با این درخواست موافقت شد و سرانجام «آزمون هوش بینه-سیمون» در سال ۱۹۰۵ توسط بینه و همکارش سیمون طراحی و در سال‌های ۱۹۰۸ و ۱۹۱۱ بهینه‌سازی و اصلاح شد.

در این آزمون تلاش شد برای اندازه‌گیری هوش افراد به ملاک‌های استدلال، قضاوت، حافظه، انتزاع و تمرکز حواس توجه شود (افروز و کامکاری، ۱۳۹۴). به طور مثال در یکی از سؤالات این آزمون تصویر

^۱ *Hereditary Genius*

^۲ این نکته نیز جالب توجه است که اولین مدرسه مخصوص افراد استعداد برتر در جهان یک سال قبل از این تاریخ یعنی در سال ۱۸۶۸ در انگلستان راه‌اندازی شده بود.

^۳ *Binet*



شکل ۱ - یکی از سوالات آزمون بینه - سیمون

زیر داده شده و از کودک خواسته می‌شد تا در میان هر دو تصویر در هر سطر بگوید کدام زیباتر است. به نظر می‌آید در این سؤال قضاوت فرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

نتایج این آزمون بر این فرض استوار بود که هر فردی دارای یک «سن زمانی^۱» - سن شناسنامه‌ای - و یک «سن عقلی^۲» است. که سن عقلی نشانگر متوسط توانایی‌های هوشی موجود بین افراد گروه سنی معینی است. پس از محاسبه سن عقلی کودک، می‌توان این سن را با سن زمانی وی مقایسه کرد تا جایگاه نسبی وی در میان افرادی که سن زمانی‌شان با او یکسان است، تعیین شود (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع نتیجه عددی این آزمون برای هر فرد حاصل تقسیم سن عقلی به سن زمانی او ضربدر ۱۰۰ بود که به آن IQ فرد گفته می‌شد. IQ مخفف کلمه *Intelligence Quotient* است که در فارسی آن را به هوش‌بهر یا بهره هوشی ترجمه کرده‌اند.

$$IQ = \frac{\text{سن عقلی}}{\text{سن زمانی}} \times 100$$

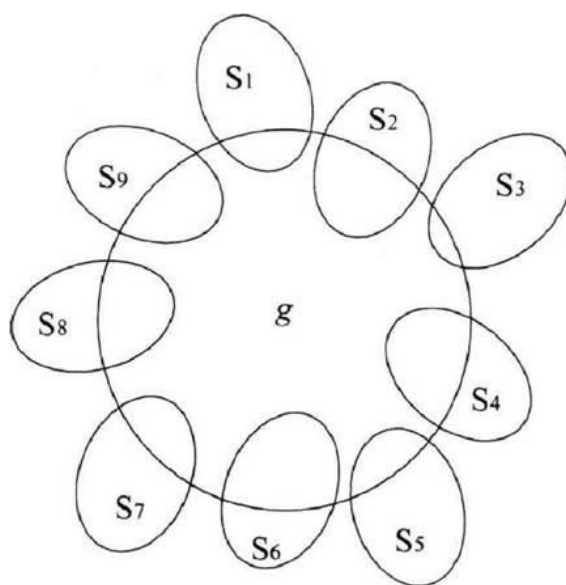
توجه به این نکته ضروری است که هدف این آزمون در آن زمان شناسایی افراد تیزهوش نسبت به دیگران نبوده است بلکه هدف شناسایی و جداسازی افراد کم‌توان ذهنی و کند آموز در سن ورود به مدرسه بوده است.

هم‌زمان و مستقل از کارهای بینه، اسپیرمن که به پژوهش در زمینه‌های همبستگی، تحلیل عامل و هوش مشغول بود، در سال ۱۹۰۴ در انگلیس با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «هوش کلی» این پرسش

^۱ *chronological age*

^۲ *mental age*

را مطرح کرد که «چرا بین توانایی‌های مختلف آدمی همبستگی وجود دارد یا به عبارتی چرا کسانی که در یک کار استعداد خوبی دارند در کارهای دیگر نیز شایستگی از خود نشان می‌دهند و افرادی که در یک زمینه توانایی اندک دارند، اغلب در سایر زمینه‌ها هم کم‌توان هستند؟» (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعات کاربردی او و بررسی دقیق درباره کنش شناختی نوجوانان در مدرسه ویلیج^۱، باعث شد تا وی بتواند همبستگی مثبتی بین توانمندی در نت خوانی، مهارت‌های ریاضی، استدلال و تجسم فضایی دانش‌آموزان دست یابد (افروز و کامکاری، ۱۳۹۴). او معتقد بود که در تمام انواع فعالیت‌های فکری، یک عامل یا وجه مشترک وجود دارد که به آن «عامل g » یا «عامل کلی^۲» می‌گویند^۳ که البته در بعضی از فعالیت‌های فکری، بیشتر از سایرین تأثیر دارد. در واقع، فرق میان هوش افراد، با مقدار g آن‌ها نسبت مستقیم دارد. اما اینکه نمی‌توان تفاوت‌های هوش میان افراد را بر اساس عامل کلی تشریح کرد، به علت وجود «عوامل اختصاصی^۴» است. اسپیرمن این عوامل اختصاصی را با حرف لاتین « S » مشخص می‌کند (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰). به همین دلیل نظریه او به «نظریه دو عاملی هوش»^۵ مشهور شد.



شکل ۲- نظریه دو عاملی هوش اسپیرمن

^۱ Village

^۲ general factor

^۳ امروز نیز برخی از پژوهشگران علوم شناختی از عامل g یا هوش عمومی به عنوان ساختاری در توصیف و تبیین هوش یاد می‌کنند و اعتقاد دارند عامل g می‌تواند کارایی «پردازش اطلاعات^۴» در نظر گرفته شود (افروز و کامکاری، ۱۳۹۴).

^۴ spicifice factors

^۵ Two-Factor Theory of Intelligence

با الهام از گالتون، اسپرمن و روش کمی سازی هوش بینه-سیمون^۱، لوییس ترمان^۱ - که به گفته دای (۲۰۰۹) آغازگر جریان ذات‌گرایی در توضیح مفهوم استعداد برتر است - در اوایل قرن بیستم میلادی مجموعه اقداماتی پژوهشی، ترویجی و عملی در زمینه آموزش تیزهوشان را در دانشگاه استنفورد آمریکا آغاز نمود. همانطور که بیان شد هدف آزمون بینه-سیمون شناسایی افراد کم‌توان ذهنی بود نه افراد تیزهوش به همین خاطر ترمان در یکی از اولین اقدامات خود در سال ۱۹۱۶ با بازنگری در این آزمون، آزمون استنفورد-بینه را معرفی کرد که روشی برای سنجش هوش کودکان ۳ تا ۱۶ سال بود. او با این استفاده از این آزمون اولین پژوهش‌هایی گسترده‌ای پیرامون نوجوانان تیزهوش را به انجام رساند (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف، ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ب و آیتی و همکاران، ۱۳۹۱).

پیش‌فرض این آزمون و آزمون‌های مشابهی که بعدها توسط افراد مختلف از جمله وکسلر^۲، کتل^۳ و ریون^۴ طراحی شد این بود که هوش یکی ویژگی پایدار و یک ماهیت یا کیفیت منحصر به فرد است که پشت رفتارهای هوشمندانه ابراز شده‌ی افراد وجود دارد (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف). در نتیجه این آزمون‌ها در پی سنجش این کیفیت منحصر به فرد بودند که افراد تیزهوش را از دیگران متمایز می‌کرد. استفاده از این آزمون‌ها - که به آزمون‌های *IQ* یا آزمون‌های سنجش هوشبهر معروف هستند - بشدت در سطح جهان گسترش یافت و در حال حاضر نیز بسیاری از دولت‌ها و مؤسسات خصوصی از آن‌ها برای مقاصد مختلفی از جمله هدایت تحصیلی و شناسایی تیزهوشان بهره می‌برند^۵. از جمله ویژگی‌های این آزمون‌ها و پیامدهای آن می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- نتیجه این آزمون تنها یک عدد را نشان می‌دهد.
- سؤالات این آزمون مختص زمان و مکان و فرهنگ خاصی طراحی نشده است.

^۱ Terman

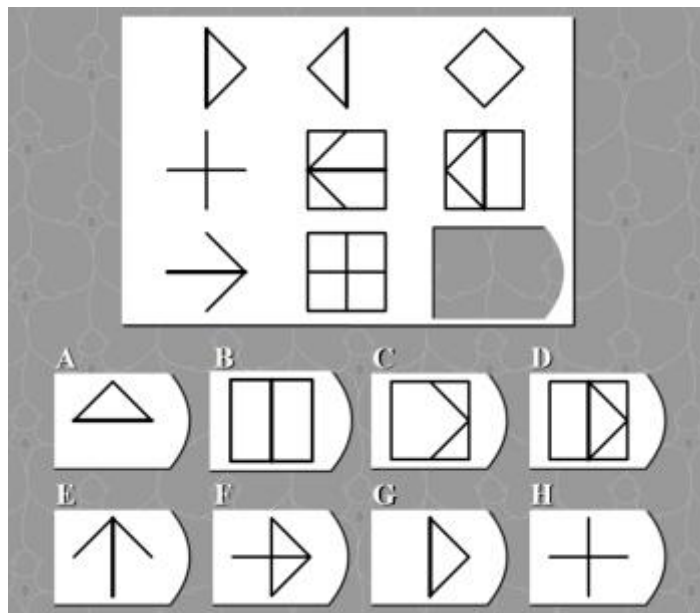
^۲ Wechsler

^۳ Cattell

^۴ Raven

^۵ حتی در کشور ایران نیز تا همین چند سال پیش از آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون برای هدایت تحصیلی استفاده می‌شد.

- نتیجه این آزمون معمولاً ثابت فرض می‌شود یعنی در سن خاصی این آزمون را از فرد گرفته شده و در باقی زمان‌ها نیز به همان استناد می‌شود.



شکل ۳- یکی از نمونه سوالات آزمون ماتریس‌های پیشرونده ریون که از مشهورترین تست‌های IQ در جهان است.

در مجموع مهم‌ترین گزاره‌هایی که در تمام دیدگاه‌های ذات‌گرایانه به صورت پیش‌فرض یا پیامدهای پیش‌فرض‌های آنان مورد توجه بوده است بدین شرح است (دای، ۲۰۰۹ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف):

- افراد از حیث تیزهوشی با یکدیگر تفاوت‌های قابل توجهی دارند.
- تیزهوشی با آزمون‌هایی به صورت عینی قابل کمی‌سازی و اندازه‌گیری است.
- سلسله مراتب افراد برتر، متوسط و پایین رتبه در جامعه قابل تعیین است و برحسب نیاز باید انجام شود.
- تیزهوشی ژنتیکی و وراثتی (نژادی) و یک موهبت ذاتی است.
- تیزهوشی یک کیفیت دائمی و پایدار است یعنی یک فرد در بدو تولد با یک ضریب هوشی متولد می‌شود و تا هنگام مرگ از همان ضریب هوشی برخوردار است.
- تیزهوشی یک کیفیت عمومی (فراموضوعی) است. بدین معنا که افراد تیزهوش عموماً دارای قابلیت‌های گسترده‌ای هستند که می‌توانند هوش خود را در عرصه‌های مختلف به کار گیرند.
- تیزهوشی مفهومی جهان‌شمول است نه مفهومی زمان‌مند و مکان‌مند.

- تنها عوامل ذهنی موجب تیزهوشی افراد است نه عوامل دیگر.
- یک نوع تیزهوش وجود دارد و انواع تیزهوشی معنادار نیست.
- افراد تیزهوش رفتارهای متفاوت و در نتیجه نیازهای متفاوتی از جمله در آموزش نسبت به دیگران دارند.

ب) دیدگاه‌های ساخت‌زدایانه

در انتقاد به رویکردهای ذات‌گرایان، دیدگاه‌های ساخت‌زدایانه شکل گرفت. ساخت‌زدایان اعتقاد دارند که آزمون *IQ* دموکراسی را در معرض خطر قرار می‌دهد زیرا موجب دسته‌بندی افراد جامعه می‌شود، برابری افراد در حقوق و رأی را به چالش می‌کشد و جامعه را به سمت آریستوکراسی یا همان نخبه‌سالاری سوق خواهد داد (دای، ۲۰۰۹ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف). به همین خاطر ساخت‌زدایان به هر شکلی تلاش کردند تا با سست کردن پایه‌های ذات‌گرایی، دموکراسی را از گزند آن در امان دارند. در ادامه به اشکالات مختلف مطرح شده از سمت این دیدگاه به دیدگاه ذات‌گرایانه اشاره خواهد شد ولی باید به این نکته توجه داشت که ممکن است هر یک از این اشکالات، مورد قبول تمام افرادی که ذیل دیدگاه ساخت‌زدا قرار داده شده‌اند نباشد. زیرا این افراد صرفاً از این حیث که مبانی دیدگاه ذات-گرایانه را به نحوی مورد حمله قرار داده‌اند ذیل دیدگاه ساخت‌زدا قرار داده شده‌اند.

این اشکالات به شرح زیر است (دای، ۲۰۰۹ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف):

اعتباری بودن مفهوم تیزهوشی در مقابل واقعی بودن آن: برلند^۱ از جریان ساخت‌زدایی معتقد است مفهوم تیزهوشی به عنوان یک واقعیت عینی کشف نمی‌شود بلکه به منظور یک هدف اجتماعی ابداع می‌گردد. او همچنین در نگاهی انتقادی و با تکیه بر استدلال‌های فوکو - که دانش خنثی نیست، بلکه شکلی از تکنولوژی نظارت است، این موضوع را بیان می‌کند که مفهوم تخیلی تیزهوشی و آزمون-های سنجش هوش همگی ابزارهایی برای حفظ و تداوم بخشی شکل مشخصی از نظم اجتماعی^۲ و سلطه هستند.

ناکارآمدی ابزارهای سنجش هوش: از سوی دیگر ساخت‌زدایان تلاش کردند با زیر سؤال بردن اعتبار علمی آزمون‌های سنجش هوش، قابل اندازه‌گیری بودن هوش را زیر سؤال ببرند. چون اگر هوش قابل اندازه‌گیری نباشد نمی‌توان با توجه به آن افراد را دسته‌بندی کرد.

یکی از اشکالات اصلی ساخت‌زدایان به آزمون‌های هوش مانند آزمون *IQ*، عدم روایی این آزمون‌هاست. به این معنی که این آزمون‌ها نمی‌توانند مفهوم مورد نظر خود - یعنی هوش - را به درستی اندازه بگیرند. آن‌ها اعتقاد دارند که نمره افراد در آزمون‌های هوش به شدت متأثر از تجربیات و یادگیری‌های

^۱ Berland

^۲ باید به این نکته توجه داشت که مفهوم «نظم اجتماعی» در اندیشه مکتب انتقادی یک مفهوم مضموم است.

آن‌ها است. به عبارت دیگر هوش قابل تفکیک از یادگیری و تجربه افراد نبوده و نمی‌تواند به عنوان یک صفت مستقل مورد ارزیابی قرار گیرد.

از لحاظ نظری، با ثابت نگاه داشتن تجربه و یادگیری افراد، می‌توان اثبات کرد که یک نفر در یک خاص تیزهوشی ذاتی متفاوتی نسبت به فرد دیگر دارد ولی ساخت‌زدایان معتقدند اعمال این شرایط - ثابت نگاه داشتن تجربه و یادگیری افراد - عملاً غیرممکن است. استرنبرگ در این زمینه ادعا می‌کند که نمی‌توان هیچ اولویت علمی برای سنجش هوش نسبت به سنجش پیشرفت قائل شد و توانایی‌هایی که توسط آزمون‌های هوش سنجش می‌شوند اشکالی از تجارب رشدیافته و مرتبط با تأثیرات محیطی شامل آموزش می‌باشند. بر این اساس مرز سنتی بین تیزهوشی و پیشرفت بسیار کم‌رنگ می‌شود. مرزی که برای دیدگاه ذات‌گرایانه نسبت به تیزهوشی حیاتی بود.

همچنین در همین راستا رویکردهای بافت‌گرا اعتقاد دارند که توجه به تفاوت‌های بافتی در مطالعه هوش از اهمیت زیادی برخوردار است. تفاوت‌های بافتی در سطوح مختلف ظاهر می‌شوند؛ در بالاترین سطح، بافت «بوم‌شناختی» قرار دارد که همان زیستگاه طبیعی و فرهنگی است که فرد در آن زندگی می‌کند. سطح دوم، سطح «تجربه‌گرایی» است که بنیانی برای یادگیری فراهم می‌کند. سطح سوم بافت «عملکرد» است، متشکل از موقعیت‌های ویژه مکانی و زمانی ایجاد شده است. پایین‌ترین سطح بافت آزمایشی است که به بافتی که در آن تحقیق و آزمون انجام می‌گیرد اشاره دارد. بافت‌های مختلف در هر یک از این سطوح می‌توانند بر نتایج یک تکلیف، از جمله آزمون‌های هوش اثر داشته باشند (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

وجود پیامدهایی نامطلوب برای طبقه‌بندی افراد بر اساس هوش: ساخت‌زدایان اعتقاد دارند حتی اگر روشی برای سنجش صحیح هوش وجود داشته باشد، پیامدهای این سنجش نامطلوب است زیرا موجب نابرابری اجتماعی و شکافی غیرقابل جبران در جامعه خواهد شد، چرا که وابسته به امری ذاتی و غیراکتسابی است. به عبارت دیگر تفکرات و رویکردهای ذات‌گرایان در مورد مفهوم تیزهوشی دوام دهنده و ازلی کننده نابرابری‌های اجتماعی خواهد بود.

متکثر بودن مفهوم هوش: تلاش دیگر ساخت‌زدایان برای شکست هیمنه مفهوم هوش، تبدیل این مفهوم از حالتی واحد به حالتی متکثر بود. مثال بارز تلاش ساخت‌زدایان به منظور دستیابی به این مقصود را می‌توان در کارهای گاردنر جستجو کرد. بر اساس نظریه‌ی گاردنر انواع مختلفی از هوش وجود دارد و هیچ کیفیت عمومی را نمی‌توان برای هوش در نظر گرفت. این چالش هم مفهوم هوش به عنوان کیفیتی عمومی و هم روش‌های سنتی سنجش آن را خدشه‌پذیر می‌ساخت و امکان رده‌بندی افراد را به صورت سلسله‌مراتبی را زیر سؤال می‌برد.

گاردنر هفت توانایی موسیقایی، منطقی - ریاضی، فضایی، بدنی - جنبشی^۱، زبانی^۲، میان فردی^۳ و درون فردی^۴ را برای حیطة هوش توصیف و ادعا کرده است که این هفت توانایی از هم مستقل هستند^۵. البته او از آغاز تصریح کرده است که فهرست مشتمل بر هفت نوع هوش تنها مدخلی برای نگاه کثرت‌گرایانه به مقوله هوش است و دربردارنده انواع ممکن هوش انسانی نیست (افروز و کامکاری، ۱۳۹۴). او همچنین برای روشن ساختن تفاوت جوهری میان دیدگاه خود با دیدگاه ذات‌گرایان که به هوش انسانی از منظر سنتی و محدود می‌نگرند و همچنین در رد این برداشت که «تلقی متکثرانه از هوش با تلقی سنتی آن قابل جمع است»، تأکید می‌کند که آنچه وی از آن‌ها به‌عنوان اقسام مستقل هوش نام برده است «باید به همین عنوان یعنی هوش انسانی^۶ مورد شناسایی قرار گیرند، نه اینکه با اطلاق عناوین دیگر همچون استعداد انسانی^۷ آن‌ها را به حاشیه رانده و در زیر مقوله هوش برای آن‌ها هویتی تابعی یا ثانوی قائل شد» (گاردنر، ۱۹۹۳ به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از ویژگی‌های بارز نظریه‌گاردنر نسبت به نظریات ذات‌گرایان آن است که مفهوم هوش را از توانمندی‌های صرفاً ذهنی مانند منطق و ریاضیات فراتر برده و علاوه بر آن به توانمندی‌های دیگری همچون توانمندی‌های جسمی (هوش بدنی - جنبشی) و روانی (هوش میان فردی^۸ و هوش درون فردی) نیز توجه نموده است. بدین‌سان، از نظر گاردنر می‌توان یک ورزشکار توانمند یا نوازنده‌ی برجسته‌ی پیانو را که ممکن است در آزمون‌های هوش سنتی عملکرد ضعیف داشته باشد را به عنوان شخصی تیزهوش تلقی کرد (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

به طور خلاصه می‌توان گفت مهم‌ترین گزاره‌های مطرح شده ذیل دیدگاه ساخت‌زدایانه بدین شرح است:

- مفهوم هوش مفهومی اعتباری (و حتی تخیلی) است نه عینی.

^۱ *bodily-kinesthetic*

^۲ *Linguistic*

^۳ *Interpersonal*

^۴ *Intrapersonal*

^۵ طرفداران نظریه هوش‌های چندگانه، معتقدند عامل *g* همان هوش منطقی - ریاضی است و در کنار بقیه هوش‌ها قرار می‌گیرد. اما با توجه به توضیحاتی که در مورد هر کدام از هوش‌ها داده شده است به نظر می‌رسد که به جز در یک مورد (هوش اندامی - جنبشی) در تمام آن‌ها عامل شناخت مشترک است (معظمی، ۱۳۸۷ به نقل از افروز و کامکاری، ۱۳۹۴). همچنین منتقدان گاردنر بیان می‌کنند که بین انواع هوش‌های گاردنری همستگی دیده شده است (پاشاشریفی، ۱۳۸۴، محمدیان، ۱۳۸۸ به نقل از افروز و کامکاری، ۱۳۹۴).

^۶ *Human Intelligence*

^۷ *Human talent*

^۸ *Interpersonal*

- ابزارهای اندازه‌گیری طراحی شده قادر به اندازه‌گیری هوش انسان نیستند و معمولاً بجای هوش میزان یادگیری فرد را اندازه می‌گیرند.
 - اندازه‌گیری هوش و طبقه‌بندی افراد بر طبق آن پیامدهای نامطلوب را به همراه خواهد داشت.
 - مفهوم یک هوش مفهومی کلی، عمومی و فرا زمینه‌ای نیست بلکه هوش‌های متفاوتی وجود دارند که از یکدیگر مستقل می‌باشند.
- همانطور که در ابتدای این بخش گفته شد ممکن است این برخی از این عبارات با یکدیگر در تعارض باشند ولی هدف تمامشان سست کردن پایه‌های نگاه ذات‌گرایانه به مفهوم تیزهوشی است.

(ج) دیدگاه‌های توسعه‌گرایانه

به اعتقاد دای (۲۰۰۹) با وجود انتقادات شدید جریان ساخت زدا نسبت به مفهوم تیزهوشی و اندازه‌گیری آن، هنوز برخی از انگاره‌های دیدگاه ذات‌گرایانه مورد قبول بسیاری از پژوهشگران معاصر حوزه تیزهوشی و هوش قرار دارد که به طور مثال می‌توان به انگاره‌های زیر اشاره کرد:

- هوش تا حد زیادی ذاتی است. هرچند ممکن است این گزاره را نپذیرند که هوش وابسته به ژنتیک، وراثت و نژاد افراد است.
 - هوش کیفیتی نسبتاً پایدار و عمومی است که در عمل تأثیر چشمگیری بر موفقیت فرد در زندگی دارد.
 - آزمون *IQ* با اینکه جایز الخطاست ولی در حال حاضر روش خوبی برای سنجش تیزهوشی ذهنی فرد و موفقیت او در بلند مدت است. البته در برخی پژوهش‌ها اعتقاد بر این است که باید از روش‌های محافظه‌کارانه‌تر و لیبرال‌تری برای کشف تیزهوشی بهره جست.
 - *IQ* بالا شرط لازم برای موفقیت فرد است اما کافی نیست.
- به همین خاطر توسعه‌گرایان با نگاهی عمل‌گرایانه تلاش کردند مفهوم تیزهوشی را مورد بازسازی قرار دهند، به طوری که هم بتوان از آسیب‌های ناشی از دیدگاه‌های ذات‌گرایانه در امان ماند و هم از منافع مفهوم تیزهوشی بهره جست. در واقع در دیدگاه توسعه‌گرایانه مشکلات موجود در دیدگاه‌های ذات‌گرایانه پذیرفته می‌شود، اما این امر مانع بهره‌گیری از منافع آن نمی‌شود (دای، ۲۰۰۹).
- در ادامه برخی از مدل‌هایی که ذیل این دیدگاه به منظور توسعه مفاهیم استعداد برتر و تیزهوشی مطرح شده‌اند، ارائه خواهد شد.

مدل «حلقه‌های سه‌گانه» رنزولی^۱

رنزولی از جمله صاحب‌نظران مطرح عرصه آموزش و پرورش استعداد‌های برتر و مدیر مرکز تحقیقات ملی استعداد‌های برتر دانشگاه کانکتیکات^۲ است که پژوهش‌های زیادی را در این رابطه به انجام رسانده است (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از ویژگی‌های بارز رنزولی توجه ویژه او به عنصر «خلاقیت» در توسعه مفهوم تیزهوشی است. او معتقد است که دو نوع تیزهوشی وجود دارد: تیزهوشی آموزشگاهی و تیزهوشی خلاقانه-مولد. تیزهوشی آموزشگاهی منجر به رتبه و نمرات خوب می‌شود. این شکلی از تیزهوشی است که برای مدرسان بیشتر قابل دیدن و شناختن است. شاخص بهره هوشی نیز اغلب، اما نه همواره، مبتنی بر تیزهوشی آموزشگاهی است. تیزهوشی خلاقانه-مولد نوعی از تیزهوشی است که توسط افراد بالغ مثلاً زمانی که موسیقی می‌سازند، کار هنری انجام می‌دهند، می‌نویسند، آزمایش‌های علمی بدیع طراحی می‌کنند، ساختار مدیریتی جدید را طراحی می‌کنند، و مانند آن، نشان داده می‌شود. هرچند این نوع تیزهوشی بیشتر در افراد بالغ قابل مشاهده است، با این حال، در بین کودکان، به خصوص در پروژه‌هایی که کودک شانس بروز خلاقیت را دارد نیز قابل یافتن است (استرنبرگ، ۲۰۱۱ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۱، الف). رنزولی به این نکته نیز اشاره می‌کند که از آنجایی که افراد بالغ نوعاً نیازی به حفظ کردن یا انجام دادن کارهایی که مستقیماً منجر به گرفتن نمره‌ی بیشتر در آزمون یا رسیدن به رتبه‌ی بالاتر می‌شود ندارد، تیزهوشی آموزشگاهی در این افراد کمتر قابل دیدن است (استرنبرگ، ۲۰۱۱ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۱، الف). در نتیجه در دیدگاهی عمل‌گرایانه و واقع‌گرایانه می‌توان این‌گونه از این حرف برداشت کرد که باید در تعریف تیزهوشی، تیزهوشان نوع دوم را مد نظر قرار داد زیرا در نهایت و در عمل، گرفتن نمره بالا در آزمون مد نظر نیست بلکه مولد بودن است که برای جامعه سودمند است.

^۱ *Renzulli's Three-Ring Model*

^۲ *The National Research Center on the Gifted and Talented: University of Connecticut*

او همچنین علاوه بر عنصر «خلاقیت» به عنصر «تعهد کاری» نیز توجه می‌نماید و آن را نیز لازمه موفقیت و تیزهوشی می‌داند و بر این اساس مدل «حلقه‌های سه‌گانه» خود برای توسعه مفهوم تیزهوشی را بدین شکل ارائه می‌دهد: تیزهوشی عبارت است از برهم‌کنش سه خوشه اصلی ویژگی‌های انسانی که این خوشه‌ها عبارت‌اند از «توانایی بالاتر از میانگین»^۱ (هر چند بهترین نباشد)، «تعهد کاری»^۲ و «خلاقیت»^۳ (رنزولی، ۱۹۹۰).

رنزولی منظور خود از هر یک از این مؤلفه‌ها را به شرح زیر بیان می‌کند (رنزولی، ۱۹۹۰):
توانایی عمومی^۴:

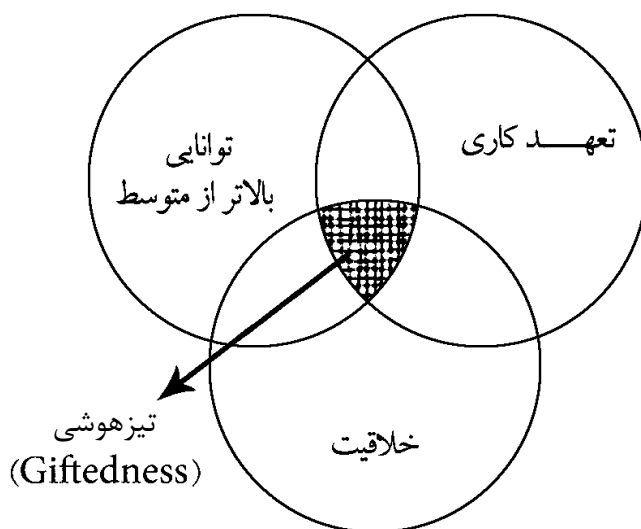
- سطوح بالای تفکر انتزاعی، استدلال عددی و شفاهی^۵، روابط فضایی، حافظه و تسلط بر بیان^۶.

- قدرت تطابق با موقعیت‌های جدیدی که فرد در محیط بیرونی با آن‌ها مواجه می‌شود.

- پردازش اطلاعات به صورت خودکار، قابلیت سریع رسیدن به هدف و بازیابی گزینشی اطلاعات.

توانایی خاص^۷:

- کاربرد ترکیب‌های متنوع توانایی‌های عمومی بالا در یک یا چند حوزه دانشی خاص یا یک یا چند حوزه عملکرد انسانی (همچون هنر، رهبری، نظارت)



^۱ Above Average Ability

^۲ Task Commitment

^۳ Creativity

^۴ general ability

^۵ verbal and numeric

^۶ word fluency

^۷ specific ability

شکل ۴- مدل حلقه‌های سه‌گانه رنزولی (۱۹۷۸)

- ظرفیت برای کسب و استفاده متناسب از سطح پیشرفته دانش‌های رسمی، دانش تاکتیکی، تکنیک‌ها و آمادگی و استراتژی در پیگیری مسائل خاص یا ابراز حوزه‌های خاص عملکردی.
- ظرفیت درک اطلاعات مرتبط و غیرمرتبط با یک مسئله خاص یا حوزه‌های مطالعاتی یا عملکردی.

تعهدپذیری:

- ظرفیت سطح بالایی از علاقه^۱، اشتیاق^۲، شیفتگی^۳ و درگیر شدن^۴ در یک مسئله خاص یا حوزه مطالعاتی.
- ظرفیت استقامت، پایداری، عزم، سخت‌کوشی، مداومت، پایداری، تمرین و تکرار زیاد و اعتماد به نفس بالا. یک نفس قوی و یک اعتقاد به توانایی خود برای انجام کارهای مهم، رها از احساس حقارت و حرکت به سمت موفقیت.

خلاقیت:

- سیالیت، انعطاف‌پذیری و اصالت تفکر.
- باز بودن در تجربه، پذیرای هر چیز جدید و متفاوت (حتی غیرمنطقی) در افکار، اقدامات و فرآورده‌های^۵ خود و دیگران.
- کنجکاو، اهل حدس زدن، ماجراجو، بازیگوش از نظر ذهنی، مایل به ریسک کردن در فکر و عمل، حتی در حد مهار نشده.
- حساس به جزئیات، علاقه‌مند به مشخصات تفکرات و چیزها. مایل به واکنش نشان دادن به محرک‌های خارجی و ایده‌ها و احساسات خود.

کودکان استعداد برتر در نظر رنزولی، آن‌هایی هستند که یا این مجموعه ویژگی‌ها را دارا هستند و یا قابلیت این را دارند که دارای این مجموعه ویژگی باشند. کودکانی که واجد شرایط فوق هستند، به فرصت‌ها و خدمات آموزشی متنوع و گسترده‌ای نیاز دارند که به طور عادی از طریق برنامه‌های درسی معمول فراهم نمی‌شود (رنزولی، ۱۹۷۸: ۲۶۱ به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

^۱ interest,

^۲ enthusiasm

^۳ fascination

^۴ involvement

^۵ products

رنزولی در کارهای بعدی خود به اهمیت ویژگی‌های گسترده‌تری در خصوص تیزهوشی و به عنوان پس‌زمینه مدل سه حلقه، از قبیل خوش‌بینی، شهامت، علاقه‌ی عاطفی به یک موضوع یا رشته، حساسیت نسبت به نگرانی‌های انسانی، انرژی فیزیکی و روحی و چشم‌انداز نسبت به سرنوشت، اشاره نموده است (استرنبرگ، ۲۰۱۱ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف).

مدل «ستاره دریایی» تانباوم^۱

آبراهام تانباوم (۲۰۰۳) در انتقاد از الزامی بودن وجود عنصر خلاقیت در تعریف تیزهوشی که رنزولی ارائه داده است به این نکته اشاره می‌کند که برخی افراد تیزهوش وجود دارند که عنصر خلاقیت نقش مهمی در تیزهوشی آن‌ها ندارند و بر این اساس افراد تیزهوش را به دو دسته مجزا تقسیم می‌کند: الف) تیزهوشان «مولد» که بر اساس خلاقیت عمل می‌کنند و چیزهای جدید خلق می‌کنند. ب) تیزهوشان «مجری» که بر اساس مهارت عمل می‌نمایند و آن چیزی را که از قبل موجود است را به طور بهینه بکار می‌گیرند. به طور مثال هنرمندانی که آثار اصیل را کاملاً دقیق کپی و تقلید می‌کنند یا افرادی که خط مشی‌ها و تکنیک‌ها را به نحو احسن اجرا می‌نمایند نیز با اینکه عنصر خلاقیت در کار آن‌ها وجود ندارد، می‌توانند تیزهوش محسوب شوند (به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

او مدل دیگری از تیزهوشی به نام «ستاره دریایی» ارائه داد که در این مدل عنصر خلاقیت حذف شده است ولی در عوض به توانمندی‌های تخصصی، عوامل محیطی و عوامل تصادفی نیز توجه شده است که در مدل رنزولی وجود نداشت. همچنین عنصر تعهد کاری در مدل رنزولی به عوامل غیرهوشی در این مدل بسط داده شده است.

مدل «ستاره دریایی» تانباوم بدین شرح است که از همپوشانی پنج متغیر که در جهت موفقیت و برتری فرد در هم تنیده شده‌اند، تیزهوشی را به وجود می‌آورد. این پنج متغیر عبارت‌اند از (به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰):

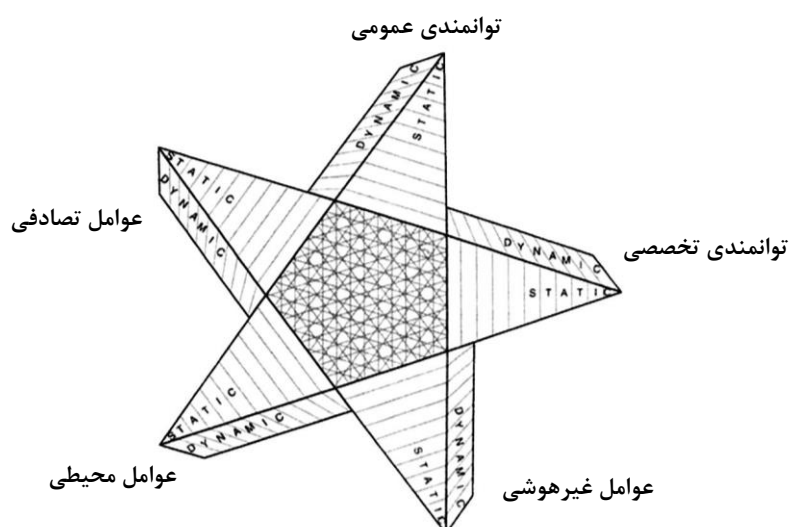
۱. توانمندی عمومی^۲: هوش عمومی قابل سنجش
۲. توانمندی تخصصی^۳: ظرفیت خاص فرد در حوزه‌های مشخص. این ظرفیت ممکن است تا اواخر کودکی یا نوجوانی بروز نیابد.

^۱ Tannenbaum's "Sea Star" model

^۲ General ability

^۳ Special ability

۳. عوامل غیرهوشی^۱ (عوامل فردی غیر از توانمندی‌ها): عواملی چون انگیزش، اعتماد به نفس بالا^۲، تمرکز مسئولیتی و سماجت، توانایی به تعویق انداختن کامروایی^۳، سلامت ذهنی^۴.
۴. عوامل محیطی^۵: این عوامل عبارت‌اند از: خانواده کودک، گروه همسالان در مدرسه و جامعه، مؤسسات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ای که کودک در آن قرار دارد.
۵. عوامل تصادفی^۶: یک دسته از این عوامل، عوامل غیرقابل پیش‌بینی هستند. یعنی این که هر چیز در زمان و مکان درست خودش صورت بگیرد؛ مثلاً در آن زمان و مکان خاص، معلم وجود نداشته باشد یا ظرفیت کودک هنوز بالفعل نشده و یا مدل شناسایی نباشد.



شکل ۵- مدل ستاره دریایی تانباوم

همچنین او امکان دو نوع نگاه به این عوامل را مطرح می‌کند که یکی استاتیک و دیگری دینامیک است. در نگاه استاتیک وضع فرد در یک زمان خاص با توجه به این پنج عامل توصیف می‌شود و در نگاه دینامیک این عناصر بر فرد اثر گذاشته و ممکن است باعث ایجاد تغییر در وضعیت یا ظرفیت وی شوند

^۱ Non-intellective factors

^۲ secure self-concept

^۳ ability to defer gratification

^۴ sound mental health

^۵ Environmental factors

^۶ Chance factors

(ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰). می‌توان گفت در نگاه اول هدف توصیف فرد و در نگاه دوم هدف پیش‌بینی آینده فرد است.

مدل افتراقی گانیه^۱

گانیه (۲۰۰۵ به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰) هر سه عنصر مطرح در مدل رنزولی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و تلاش می‌کند با توجه به این انتقادات مدلی توسعه‌یافته‌تر از مدل تاننباوم ارائه دهد. او در مورد عنصر خلاقیت با تاننباوم موافق است که خلاقیت در برخی فعالیت‌های خاص عنصری مهم و در برخی دیگر از عرصه‌ها کم اهمیت است به همین خاطر نباید خود به عنوان یک عامل قطعی برای تیزهوشی در نظر گرفته شود. به نظر او خلاقیت باید به عنوان یک حوزه توانایی، همانند سایر حوزه‌های توانایی، در نظر گرفته شود که تیزهوشی می‌تواند در بستر آن ظهور کند.

انتقاد دیگر گانیه به عنصر «توانایی بالاتر از متوسط» این مدل است. او مشکل را مطرح می‌کند که این مدل توانایی بالاتر از متوسط را به حوزه‌های جداگانه از توانایی، تقسیم نمی‌کند. او اعتقاد دارد رنزولی تأثیر دیگر حوزه‌های توانایی را نادیده می‌گیرد و به اشتباه چنین فرض می‌کند که همه این توانایی‌ها از نوع توانایی‌های هوشی هستند.

گانیه عنصر دیگر مدل رنزولی یعنی «تعهد کاری بالا» را نیز مورد مناقشه قرار می‌دهد و این بحث را مطرح می‌کند که «اگر این فرض را بپذیریم که تیزهوشان کم پیشرفت واقعاً تیزهوش هستند، آنگاه تعریف تیزهوشی باید به گونه‌ای باشد که در آن نقش متفاوتی بر عهده «تعهد کاری» گذاشته شود. با وجود این نباید نقش مهم این سازه را دور از نظر داشت؛ زیرا همانطور که بازنگری رنزولی قویاً نشان می‌دهد عملکرد استثنایی در زمینه فعالیت، به طور عمده ناشی از صرف انرژی زیاد و زمان طولانی در آن زمینه است» (به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

او برای رفع این مشکلات علی‌الخصوص مشکل آخری که مطرح شد مدل افتراقی تیزهوشی (*giftedness*) و سرآمدی (*talent*) را ارائه می‌دهد که اساس آن بر جدایی «حوزه‌های توانایی» و «زمینه‌های عملکرد» استوار است که اولی با تیزهوشی و دومی با سرآمدی مطابقت دارد (به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰).

در این مدل تیزهوشی (*giftedness*) و سرآمدی (*talent*) را به شکل زیر تعریف شده‌اند (به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف):

^۱ *Gagné's Differentiated Model of Giftedness and Talent (DMGT)*

تیزهوشی (*giftedness*): دارا بودن و استفاده از توانایی‌های طبیعی فوق‌العاده‌ای است (که استعداد ذاتی یا تیزهوشی نامیده می‌شود) که باعث می‌شود در یک حوزه توانایی، فرد حداقل در بین ۱۰ درصد بالای هم‌تایان سنی خودش قرار بگیرد.

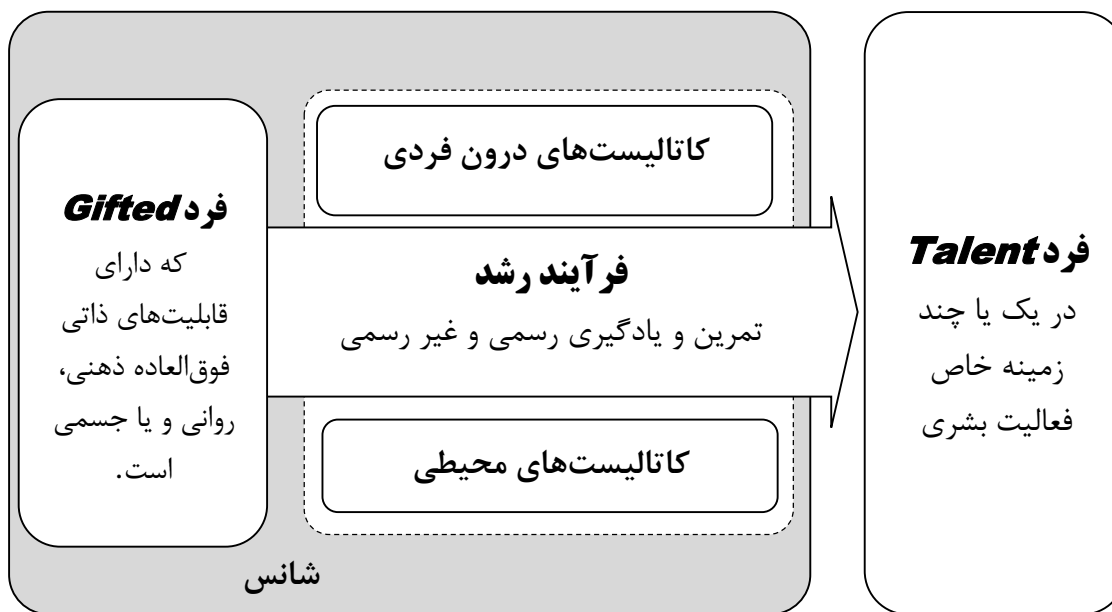
سرآمدی (*talent*): بیان‌کننده تسلط فوق‌العاده توانایی‌هایی است که به صورت نظام‌مند توسعه یافته‌اند و دانش فرد، در حداقل یک حوزه از فعالیت انسانی به میزانی است که باعث می‌شود فرد حداقل در بین ۱۰ درصد بالای هم‌تایان سنی‌اش که در همان حوزه فعال هستند، قرار گیرد.

این دو تعریف هر دو هنجاری هستند، به این معنا که مخاطبشان افرادی است که از متوسط یا نرمال متفاوت هستند و هر دو به افرادی اشاره دارد که به دلیل رفتار فوق‌العاده‌شان غیر نرمال هستند ویژگی مشترک دیگر این دو تعریف آن است که هر دو تعریف صرفاً به توانایی‌های انسانی اشاره دارند نه به عوامل دیگر. همچنین نتیجه منطقی این دو تعریف آن است که هر فرد سرآمد (*talented*) قطعاً تیزهوش (*gifted*) است، اما هر تیزهوشی لزوماً سرآمد نیست زیرا سرآمدی عبارت است از: «ظهور و بروز تیزهوشی در زمینه خاصی از فعالیت». بنابراین ممکن است فردی تیزهوش باشد، یعنی دارای توانایی‌های استثنایی باشد، اما تیزهوشی خود را به طور مثال در زمینه استعداد‌های تحصیلی نشان نداده باشد. (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف)

او برای تکمیل مدل خود چهار عنصر دیگر را اضافه می‌کند که این عناصر عبارت‌اند از (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف):

۱. یادگیری و تمرین
۲. کاتالیزورهای درون فردی مانند ویژگی‌های جسمی و روحی و انگیزه و اراده
۳. کاتالیزورهای محیطی: مانند خانواده، محیط اجتماعی و دوستان
۴. شانس

رابطه این عناصر در مدل گانیه به این شکل است که فرد *Gifted* - که دارای قابلیت‌های فوق‌العاده ذهنی، روانی و جسمی ذاتی است - از طریق «یادگیری و تمرین» فرآیند رشد خود را طی کرده و به فرد *Talent* در یک [یا چند] زمینه خاص فعالیت بشری تبدیل می‌شود. همچنین در طی فرآیند رشد کاتالیزورهایی هستند که این فرآیند را تسهیل کرده یا در مقابل آن ایجاد مانع می‌کنند. عنصر شانس نیز مانند بستری در تعامل عناصر با یکدیگر مؤثر است. شکل زیر تعامل این اجزا را باهم نشان می‌دهد.



شکل ۶- مدل افتراقی گانیه (۲۰۰۸)

مدل گانیه از آن جهت اهمیت دارد که طبیعت پویای رشد تیزهوشی را به رسمیت می‌شناسد و تنها ویژگی‌های افراد تیزهوش را لیست نمی‌کند (استرنبرگ، ۲۰۱۱ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف).

اختلافات محوری دیدگاه توسعه‌گرایانه با دیدگاه ذات‌گرایانه

در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین فرضیات توسعه‌گرایان درباره مفهوم تیزهوشی که آنان را از ذات-گرایان مجزا می‌سازد بدین شرح است (دای، ۲۰۰۹):

تیزهوشی امری تکوینی^۱ است نه ایستا^۲: برخلاف ذات‌گرایان که معتقدند تیزهوشی یک کیفیت پایدار و دائمی است بدین معنی که یک فرد در بدو تولد با یک ضریب هوشی متولد می‌شود و تا هنگام مرگ از همان ضریب هوشی برخوردار است. تیزهوشی از نگاه توسعه‌گرایان امری تکوینی است (زیگلر^۳، ۲۰۰۵ به نقل از دای ۲۰۰۹). در واقع این دیدگاه تیزهوشی را پدیده‌ای پویا^۴ و شکوفاشونده^۵ می‌بیند

^۱ developmental state

^۲ static

^۳ Ziegler

^۴ dynamic

^۵ emergent

که از طریق علاقه و اشتیاق، کسب مهارت‌های پیشرفته و تنش‌های خلاقانه تجلی پیدا می‌کند. (دای و رنزولی، ۲۰۰۸ به نقل از دای، ۲۰۰۹)

توجه به فرآیندی که محصول آن تیزهوشی است: تکوینی دیدن تیزهوشی در این دیدگاه موجب شد بر خلاف ذات‌گرایی که صرفاً به شناسایی صفت تیزهوشی توجه می‌کرد. در توسعه‌گرایی علاوه بر شناخت تیزهوشی به صورت جدی به شناخت علل و چگونگی تکوین آن توجه شود. در واقع در این نگاه به تیزهوشی به عنوان محصول یک فرآیند معنادار نگاه شد و به خود فرآیند علاوه بر محصول نیز توجه شد. بر این اساس، اعتبار پیش‌گویانه *IQ* بالا یا نتایج آزمون‌های روان‌سنجی و توجیه استفاده از آن‌ها برای کشف تیزهوشی دیگر یک اولویت تحقیقی محسوب نمی‌شود. بلکه، فهم پدیدارشناسانه‌ی تک‌تک مراحل که چگونه افراد سطح بالایی از تخصص و خلاقیت را به دست می‌آورند، مورد توجه قرار می‌گیرند.

تیزهوشی به عنوان یک امری حساس به مدت زمان رشد: در نگاه به فرآیند تکوین تیزهوشی توسعه‌گرایان بعد مدت زمان^۱ را در ادبیات و تحقیقات تیزهوشی وارد کرده‌اند. ایشان تلاش می‌کنند تا یک بازه‌ی زمانی رشد، بازه‌های زمانی حساس، و سنین عملکرد حداکثری را در یک حوزه‌ی مفروض مشخص سازند تا بتوانند رویدادهای تکوینی مهم را که می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد تعیین نمایند. بر این اساس، تیزهوش بودن معانی مختلفی را در مراحل مختلف تکوین تیزهوشی در بر می‌گیرد. به طور مثال بر اساس این مباحث بنیاد ملی نخبگان ایران، افراد استعداد برتر را با توجه سن و مرتبه تکوین تیزهوشیان به چهار گروه آغازگران، آینده‌سازان، سرآمدان و نخبگان تقسیم‌بندی می‌کند تا بتواند برای هر گروه برنامه‌ریزی متفاوتی انجام دهد.

تیزهوشی به عنوان امری وابسته به محیط (بافت):^۲ توسعه‌گرایان تیزهوشی را یک کیفیت کارکردی می‌دانند که نمی‌توان آن را از زمینه‌های کارکردی آن جدا کرد. به این معنا که از یک سو ظرفیت‌های محیطی و اجتماعی مشروط به آمادگی فرد برای درک آن‌ها و کنش بر مبنای آن‌ها است و به طور معکوس اثربخشی و توانایی‌های فرد نیز به واسطه‌ی فرصت‌ها و ظرفیت‌های محیطی و اجتماعی شکل می‌گیرد و تحریک می‌شود. بسیاری از توسعه‌گرایان تلاش می‌کنند تا نقش شرایط محیطی را در تعامل با وضعیت ژنتیکی مشخص سازند. برای برخی، فعالیت شناسایی افراد استثنایی می‌تواند با شناسایی شرایط محیطی استثنایی هم‌راستا باشد.

^۱ temporal dimension

^۲ contextual

تیزهوشی به عنوان امری متکثر^۱ نه واحد^۲: در دیدگاه توسعه‌گرا تیزهوشی (*Giftedness*) یک امر متکثر است. در واقع تیزهوشی به عنوان امری تکوینی مسیرهای توسعه‌ای متفاوتی دارد و این‌گونه نیست که تنها یک مسیر برای تکوین آن وجود داشته باشد. همچنین می‌توان عوامل توسعه در یک مسیر خاص و نه دیگر مسیرها در یک فرد را هم در شخصیت آن فرد است و هم در بافتی که آن فرد در آن وجود دارد، جستجو کرد. این تکثرگرایی در دیدگاه توسعه‌گرایان آشکارا در تضاد با دکتترین ذات‌گرایان است که فرمول خاص و صریحی (*IQ*) برای یافتن و اندازه‌گیری تیزهوشی ارائه می‌دهد که در آن صرفاً یک عدد تعیین‌کننده تیزهوش بودن یا نبودن فرد است.

بخش سوم: بررسی مفهوم استعداد برتر در قوانین و اسناد رسمی

سیاستی

با وجود اختلافات فراوان در انتخاب روش‌های شناسایی و پرورش استعدادهای برتر، اما پژوهش‌های تطبیقی اخیر انجام گرفته در ایران حول موضوع سیاست‌گذاری استعدادهای برتر (ابوالحسنی و همکاران، ۱۳۹۰، ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، د، کرباسفروشان و همکاران، ۱۳۹۲) حاکی از آن است که امروزه توجه ویژه به استعدادهای برتر در قالب برنامه‌ریزی برای شناسایی و پرورش آنان^۳، در بسیاری از کشورهای جهان - از جمله اسپانیا، آلمان، لهستان، انگلستان، استرالیا، آمریکا، کره جنوبی، هند، روسیه، سنگاپور، نیوزیلند، ترکیه، فلسطین اشغالی، مصر، نیجریه، آفریقای جنوبی، هنگ کنگ، ایران، اردن، اتریش، جمهوری چک، دانمارک، آلمان، یونان، نروژ، لهستان، ایرلند، صربستان، کانادا، فیلیپین و برزیل - موضوعی بسیار مهم تلقی می‌شود و هر یک از این کشورها در این زمینه کارهایی انجام داده‌اند. توجه به این نکته نیز ضروری است که ممکن هر کشور فلسفه و هدف متفاوتی از توجه ویژه به استعدادهای برتر داشته باشد و همچنین سابقه این توجه در کشورهای مختلف، متفاوت است ولی به نظر می‌رسد اکثر کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که باید به این موضوع توجه نمایند.

در ادامه این قسمت ابتدا به دو نمونه از تعاریف رسمی استعداد برتر در جهان ارائه خواهد شد و پس از آن تعاریف رسمی مطرح شده از استعداد برتر در ایران بررسی قرار خواهد شد. همچنین تلاش شده است که تعاریف به ترتیب تاریخ ارائه شدنشان مطرح شوند.

^۱ در اینجا منظور تکرر عرضی است نه طولی چرا که در دیدگاه ذات‌گرا نیز تفاوت طولی میان افراد تیزهوش وجود داشت؛ تفاوتی که با توجه به نمره آزمون هوششان مشخص می‌شد.

^۲ unitary

^۳ اصطلاحاً به آن *Gifted and Talented Education* یا *gifted and talented program* گفته می‌شود.

الف) تعاریف رسمی ارائه شده از استعداد برتر در جهان

با وجود اینکه اولین مدرسه مخصوص افراد استعداد برتر در جهان در سال ۱۸۶۸ در انگلستان و دومین مدرسه در سال ۱۹۰۱ در ایالت ماساچوست آمریکا راه اندازی شد (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ب) ولی اولین تعریف رسمی^۱ ارائه شده از کودکان استعداد برتر در جهان مربوط به سال ۱۹۷۱ است که در کشور آمریکا و در گزارشی به نام گزارش مارلند^۲ ارائه شده است (دای، ۲۰۰۹).

علت تهیه این گزارش بدین شرح است که بعد از ارسال ماهواره فضایی اسپوتنیک^۳ توسط اتحاد جماهیر شوروی در جریان جنگ سرد در سال ۱۹۵۷، ایالات متحده آمریکا به منظور جبران عقب افتادگی خود به صورت جدی به فکر بهبود وضعیت خود در زمینه آموزش و پرورش استعدادهای برتر در سطوح پایه و در دوران نوجوانی افتاد. در همین جهت برنامه‌های خاصی برای استعدادهای درخشان با کمک مالی دولت فدرال و در سطح ایالتی طراحی و اجرا شد. همچنین مقررات مربوط به کودکان تیزهوش در سال ۱۹۶۹ به سند آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی اضافه شد. در سال ۱۹۷۱ نیز کنگره آمریکا از آقای سیدنی مارلند - رئیس کمیسیون آموزش - درخواست کرد تا گزارشی پیرامون وضعیت آموزش و پرورش کودکان تیزهوش (*education of gifted and talented children*) به کنگره ارائه دهد (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، ب).

این گزارش - که اولین گزارش ملی در زمینه آموزش و پرورش استعدادهای برتر در جهان است - علاوه بر بررسی وضعیت آموزش و پرورش استعدادهای برتر در آمریکا^۴، همانطور که گفته شد تعریفی نیز از کودکان استعداد برتر ارائه کرده است که بدین شرح است (مارلند، ۱۹۷۱):

کودکان استعداد برتر^۵ کسانی هستند که به موجب توانمندی‌های برجسته‌شان^۶ دارای قابلیت^۷ یا عملکرد^۸ بالا می‌باشند و به وسیله‌ی افراد حرفه‌ای واجد شرایط شناسایی می‌شوند. این کودکان به برنامه‌های تربیتی متفاوت و/یا خدماتی فراتر از آن چیزی که

^۱ official

^۲ Marland

^۳ Sputnik

^۴ فقط جلد اول این گزارش دو جلدی ۱۲۷ صفحه است ولی متأسفانه جلد دوم آن توسط نگارنده یافت نشد.

^۵ gifted and talented children

^۶ outstanding abilities

^۷ capability

^۸ performance

برایشان در مدارس معمولی وجود دارد نیاز دارند تا بتوانند دینشان را به خود و جامعه ادا نمایند.

و در ادامه مفهوم عبارت «با قابلیت یا عملکرد بالا» را بدین شکل بیان می‌کند:
کودکان با ظرفیت بالا یا عملکرد بالا کسانی هستند که موفقیت و یا توانمندی بالقوه-شان را در یک یا چند حوزه از حوزه‌های زیر نشان داده‌اند:

- توانایی فکری عمومی^۱
- استعداد تحصیلی ویژه^۲
- تفکر خلاقانه یا مولد^۳
- توانایی رهبری^۴
- هنرهای بصری و نمایشی^۵
- توانایی‌های روانی-حرکتی^۶

در تعریف گفته می‌شود توانمندی‌های برجسته این افراد به صورت بالقوه (قابلیت بالا) یا به صورت بالفعل (کارایی بالا) هستند یعنی تعریف منحصر به یکی از این دو نشده است.

همچنین می‌توان از عبارت «به وسیله‌ی افراد حرفه‌ای واجد شرایط شناسایی می‌شوند» این‌گونه برداشت کرد که شناخت افراد استعداد برتر کار ساده‌ای نیست و به قدری پیچیده است که فقط افراد حرفه‌ای در این زمینه قادر به انجام این کار هستند.

در تعریف تأکید می‌کند که این کودکان به برنامه‌های تربیتی متفاوت و/یا فراتر از معمول نیاز دارند تا بتوانند دینشان را به خود و جامعه ادا نمایند. این جمله نشان دهنده چند مفروضه است یکی اینکه هر فرد نسبت به [شکوفای کردن استعدادهای^۷ خود] دینی بر خود دارد همچنین هر فرد [با توجه استعدادهایش] دینی بر جامعه دارد و باید در جهت پیشرفت آن کاری انجام دهد و مفروضه آخر اینکه خدمات تربیتی عادی که به همه داده می‌شود نمی‌تواند موجب شکوفایی افراد استعداد برتر شود.

^۱ general intellectual ability

^۲ Specific academic attitude

^۳ creative or productive thinking

^۴ leadership ability

^۵ visual and performing arts

^۶ psychomotor ability

^۷ خود عبارت «شکوفای کردن استعدادهای» عبارتی است که از منظر فلسفی قابل مناقشه است ولی در حال حاضر این مناقشات مورد بحث نیستند و صرفاً مفهوم کلی این عبارت مد نظر است.

پیش فرض عبارت «را در یک یا چند حوزه از حوزه‌های زیر» این است که استعداد برتر مفهومی زمینه‌ای است نه فرا زمینه‌ای به این معنی که ممکن فردی در یک زمینه استعداد برتر باشد و در زمینه دیگر نباشد و زمینه‌های استعداد برتر بودن شش زمینه‌ای است که مطرح می‌کند.

همچنین علت توجه ویژه به آموزش و پرورش استعدادهای برتر در ایالات متحده جالب توجه است که علتشان به نظر پیشرفت سریع‌تر کشورشان است. این یعنی مفهوم استعداد برتر برایشان با مفهوم پیشرفت گره خورده است و کسی که در نهایت نتواند به پیشرفت جامعه کمکی بکند استعداد برتر نیست. در ضمن این امر برایشان به قدری مهم می‌شود که کنگره درخواست می‌کند تا رئیس کمیسیون آموزش گزارشی در این مورد تهیه کند.

تعریف ارائه شده در گزارش مارلند بدین شکل در سال ۱۹۹۳ در «قانون آموزش و پرورش استعداد برتر جاویت^۱» تکامل یافت^۲ (راس^۳، به نقل از ۱۹۹۳، کر، ۲۰۰۹):

کودکان و نوجوانانی^۴ که در مقایسه با همسالان، هم محیطی‌ها و کسانی که تجربه یکسانی با آن‌ها دارد، استعداد برجسته‌ای در انجام دادن کارها دارند^۵ یا در سطوح فوق‌العاده بالای فعالیتی، پتانسیل قابل توجهی از خود نشان داده‌اند.

این کودکان و نوجوانان در حوزه‌های فکری، خلاقیت و/یا هنر، قابلیت عملکرد بالایی بروز داده‌اند، ظرفیت رهبری فوق‌العاده‌ای را دارا بوده یا در یک رشته خاص علمی برتر هستند. آن‌ها به خدمات یا فعالیت‌هایی نیاز دارند که به طور معمول به وسیله مدارس فراهم نمی‌شود.

استعدادهای برجسته در کودکان و نوجوانان تمام گروه‌های فرهنگی، در تمام اقشار اقتصادی و در همه زمینه‌های فعالیت بشری وجود دارد.

در تعریف قبلی معلوم نبود که منظور از «نشان دادن موفقیت یا پتانسیل» هنجار محور است یا ملاک محور ولی در این تعریف با تصریح در هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر این ابهام را برطرف کرده و حتی جامعه‌ای که در آن مقایسه صورت می‌گیرد هم در عبارت «همسالان، هم محیطی‌ها و کسانی که

^۱ *Javits Gifted and Talented Education Act*

^۲ البته این قانون برای اولین بار به عنوان بخشی از قانون آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه در سال ۱۹۸۸ در کنگره تصویب شد ولی به نظر می‌رسد که در سال ۱۹۹۳ در آن اصلاحاتی انجام شده است.

^۳ *Ross*

^۴ *youth*

^۵ *with outstanding talent perform*

تجربه یکسانی با آن‌ها دارد» مشخص شده است ولی مشخص نیست گستره این مقایسه محدود به مدرسه است یا شهر یا ایالت یا کشور و یا حتی جهان. همچنین زمینه توانایی‌های روانی-حرکتی که در تعریف قبل، یکی از شش زمینه مفهوم استعداد برتر بود در این تعریف حذف شده است. شاید بتوان علت این اتفاق را کمرنگ بودن نقش استعدادهای برتر از نظر روانی-حرکتی در پیشرفت کشور دانست. در انتها نیز این تأکید به تعریف اضافه شده است که افراد استعداد برتر ممکن است در هر قشری از جامعه از نظر فرهنگی و اقتصادی وجود داشته باشند. توجه به این نکته نیز ضروری است که این تعریف رسمی فدرال استعداد برتر در آمریکا است و ممکن است هر ایالت تعریف رسمی خود را به صورت جداگانه داشته باشد. البته همانطور که قبلاً گفته شد آمریکا تنها کشوری نبود که به طور ویژه به موضوع آموزش و پرورش استعدادهای برتر پرداخت و تعریفی رسمی از آن ارائه داد. در ادامه به عنوان نمونه به تعریف کشور نیوزیلند اشاره خواهد شد. سیاست آموزشی نیوزیلند در مورد تعریف استعداد برتر اعلام می‌دارد (دفتر وزارت آموزش، ۲۰۰۲ به نقل از کرباسفروشان و همکاران، ۱۳۹۲):

افراد استعداد برتر کسانی هستند که در قیاس با دیگران، از توانایی استثنایی برخوردارند. ویژگی‌های منحصر به فرد این افراد، سبب می‌شود آن‌ها عملکرد چشمگیری داشته باشند. به عنوان مثال، برخی از این افراد، حساسیت و درک بسیار بالایی داشته و در تشخیص نیاز دیگران عالی عمل می‌کنند؛ برخی دیگر به راحتی مفاهیم انتزاعی را درک کرده و در گفتار از واژگان پیشرفته استفاده می‌کنند؛ گروهی دیگر کنجکاو بوده و دیگران را با تصورات غیرمعمول و حس شوخ طبعی خود به چالش می‌کشانند. نیازهای آموزشی این دانش‌آموزان، تفاوت‌های فاحشی با نیازهای دیگر دانش‌آموزان دارد. آن‌ها به فرصت‌های آموزشی متفاوتی نیاز داشته و ممکن است برای درک استعدادهای خود به حمایت‌های عاطفی و اجتماعی نیازمند باشند

در این تعریف نیز با عبارت «در قیاس با دیگران» بر هنجار محور بودن تعریف استعداد برتر تأکید شده است ولی به امکان بالقوه بودن ویژگی‌های فرد استعداد برتر اشاره‌ای نشده است و صرفاً به حالت بالفعل آن توجه شده است.

نکته جالب توجه دیگر این تعریف آن است که به عنوان مثال به زمینه‌های استعداد برتر بودن اشاره کرده است و تعریف را در آن محصور ننموده است.

همچنین مانند تعریف کشور آمریکا در این تعریف نیز بر روی نیاز آموزشی متفاوت این افراد تصریح شده است.

(ب) تعاریف رسمی ارائه شده از استعداد برتر در ایران

در ایران نیز توجه به موضوع آموزش و پرورش استعدادهای برتر با راهاندازی سازمان ملی پرورش استعداد درخشان (سمپاد) در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی (معادل با ۱۹۷۶ میلادی) به صورت رسمی آغاز شد^۱ (اژه‌ای، ۱۳۷۶). در کتاب «سیمای کلی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» برومند که مدیر سازمان از بدو تأسیس تا سال ۵۷ بود ملاک‌های گزینش برای ورود به مدارس را این‌گونه بیان می‌کند (اژه‌ای، ۱۳۸۱):

- توانایی ذهنی عمومی
- استعداد ویژه تحصیلی
- تفکر خلاق و قدرت آفرینندگی
- قدرت رهبری و مدیریت
- هنرهای تجسمی، نمایشی و موسیقی
- توانایی‌های روانی و حرکتی

از نظر این سازمان افراد درخشان کسانی هستند که در یک یا چند زمینه بالا پیشرفته از همسالان خود بوده و یا توانایی پیشرفت را بر اساس ضوابط خاصی نشان می‌دهند.

همانطور که مشاهده می‌شود این تعریف یک کپی‌برداری کامل از تعریفی است که در گزارش مارلند ارائه شده است^۲. البته باید توجه کرد که این عمل نمی‌تواند ملاک درستی برای داوری در خوب یا بد بودن آن باشد.

بعد از سال ۵۷ سازمان سمپاد و تمام مدارس تحت پوشش آن تعطیل شدند ولی با تلاش بعضی معلمان دغدغه‌مند، در سال ۱۳۶۱ چند مدرسه تیزهوشان مجدداً دایر گردید که ذیل دفتر کودکان استثنایی فعالیت می‌کردند (امیرخانی، ۱۳۸۸) و در سال ۱۳۶۶ با انفکاک این مدارس از «دفتر کودکان استثنایی» سازمان سمپاد دوباره با همان نام قبلی یعنی «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» در کشور احیا شد (اژه‌ای، ۱۳۸۱).

^۱ البته قبل از تأسیس این سازمان نیز از سال ۱۳۴۶ شمسی (معادل با ۱۹۶۷ میلادی) در قالب دبستان هشدار و مرکز آموزش کودکان تیزهوش کارهایی در این زمینه صورت گرفته بود (اژه‌ای، ۱۳۷۶).

^۲ شاید بتوان علت توجه ایران به موضوع استعداد برتر در این زمان را -با توجه به روابط نسبتاً خوب ایران و آمریکا در آن سال‌ها- متأثر از اتفاقات مشابه در ایالات متحده آمریکا دانست.

نکته جالب توجه در مورد این سمپاد جدید آن است که در اساسنامه آن که در تاریخ ۶۷/۳/۲۲ به تصویب هیئت وزیران رسید هیچ تعریفی از استعداد برتر ارائه نشده است.

با بیشتر شدن توجه ایران به استعدادهای برتر و نخبگان، در سال ۱۳۸۴ بنیادی با نام «بنیاد ملی نخبگان» در ایران به وجود آمد که یکی از وظایف آن برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه شناسایی و پرورش استعدادهای برتر بود (اساسنامه بنیاد ملی نخبگان، ۱۳۸۴). در اساسنامه این بنیاد نیز - که در همان سال ۸۴ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رسد - تعریفی از استعداد برتر وجود ندارد ولی در آیین‌نامه شرایط احراز نخبگی که در سال ۱۳۸۵ در همین شورا تصویب می‌شود این خلأ برطرف شده است. در ماده ۲ این آیین‌نامه ذیل عنوان تعریف نخبه و استعداد برتر آمده است:

«نخبه» به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم و هنر و فناوری و فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید و گسترش دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور گردد.

«استعداد برتر» به فردی اطلاق می‌شود که به صورت بالقوه نخبه بوده ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و یا بروز استعدادهای ویژه او فراهم نشده است.

این آیین‌نامه ذیل همین ماده تبصره‌های زیر را نیز مطرح می‌کند:

- تعاریف فوق شامل استعدادهای برتر و نخبگان بخش‌های مختلف از قبیل علمی و فناوری، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، هنری و مدیریتی می‌باشد.
- استعداد برتر و نخبگی یک فرآیند پویا است و می‌بایست تداوم شرایط در دوره‌های زمانی مشخص در احراز نخبگی معیار قرار گیرد.

به نظر می‌رسد که تعاریف ارائه شده در این آیین‌نامه از چند جهت به مدل افتراقی گانیه در همین فصل مطرح شد نزدیک شده است. اولاً میان نخبه و استعداد برتر یعنی حالت بالفعل و بالقوه تمایز قائل شده است چیزی شبیه به تمایزی که گانیه میان تیزهوش (*gifted*) و سرآمد (*talented*) در نظر گرفته بود و دوماً مانند گانیه استعداد برتر و نخبگی را یک فرآیند پویا دیده‌اند. همچنین در این تعریف نگاه فرا زمینه‌ای به نخبه و استعداد برتر وجود ندارد و زمینه‌های مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است.

در سال ۱۳۸۶، «طرح شناسایی و هدایت استعدادهای برتر (شهاب)» با مأموریت «کشف، شناسایی، جذب، هدایت و حمایت تحصیلی، تربیتی و معنوی صاحبان استعدادهای برتر از دوره ابتدائی تا پایان دوره آموزش متوسطه و زمینه‌سازی برای استمرار حمایت‌ها در مراحل مختلف آموزش عالی» به تصویب هیئت امنای بنیاد ملی نخبگان رسید و توسط رئیس جمهور ابلاغ شد. این طرح بر عدم جداسازی، عدم وابستگی صرف به آزمون‌های مقطعی و توجه به تکرار در استعدادهای تأکید داشت (بنیاد ملی نخبگان و

وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱). تعریف اجماعی کمیته علمی و فنی طرح شهاب از «استعداد^۱» این چنین است (آیتی و همکاران، ۱۳۹۱):

استعداد عبارت است از «قابلیت و توانایی خاص در یادگیری همراه با بروز قابلیت شخصی و انجام ماهرانه‌تر یک کار خاص»
بر اساس این تعریف، مؤلفه‌های شناسایی «توانایی خاص در یادگیری» عبارت‌اند از: «سهولت و راحتی در یادگیری»، «حجم بالای اطلاعات در زمینه خاص» و «دقت»، مؤلفه‌های شناسایی «بروز قابلیت شخصی» عبارت‌اند از: «سرسختی شناختی»، «تحمل ابهام» و «کنجکاوی»
و مؤلفه‌های شناسایی «انجام ماهرانه‌تر یک کار خاص» عبارت‌اند از: «درستی و خطای کم در انجام کار»، «چالاکی و سرعت بالای انجام کار» و «سهولت و راحتی در انجام کار» است.

در ابتدا به نظر می‌رسد دو واژه «قابلیت» و «توانایی» نشان از آن استعداد برتر بودن می‌تواند بالقوه و یا بالفعل باشد ولی وقتی به عبارت «انجام ماهرانه‌تر یک کار خاص» توجه می‌شود وجه بالقوه بودن آن بسیار کمرنگ می‌گردد. همین‌طور می‌توان گفت که این تعریف به استعداد نگاه زمینه‌ای دارد ولی احتمالاً هر کار خاص برای خودش یک زمینه محسوب می‌شود. در مجموع این تعریف سه مشخصه برای استعداد برتر بودن برشمرده است که عبارت‌اند از: توانایی خاص در یادگیری، بروز قابلیت شخصی و انجام ماهرانه‌تر یک کار خاص و جالب است که در قسمت دوم آن است که تلاش کرده به صورت عملیاتی، مؤلفه‌هایی برای شناسایی هر قسمت تعیین کند. این مؤلفه‌ها در واقع وظیفه توضیح بهتر و دقیق‌تر سه مشخصه مطرح شده را نیز دارند به طوری که اگر مؤلفه‌های شناسایی «بروز قابلیت شخصی» مشخص نمی‌شد هیچ‌گاه معنی مورد نظر کمیته از آن برداشت نمی‌شد.

همچنین اضافه شدن ویژگی‌های شخصیتی مانند «سرسختی شناختی»، «تحمل ابهام» و «کنجکاوی» به این تعریف آن را از دیگر تعریف‌های رسمی ارائه شده در ایران متمایز می‌سازد.
سند راهبردی کشور در امور نخبگان که در سال ۱۳۹۱ توسط بنیاد ملی نخبگان تدوین و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید در قسمت تعاریف خود بدین شکل تعریفی از استعداد برتر و نخبه ارائه می‌دهد:

^۱ این کمیته واژه talent - که در پژوهش حاضر به «سرامدی» ترجمه شده است - را به «استعداد» ترجمه کرده است.

«صاحب استعداد برتر: به فردی اطلاق می‌شود که با توجه ویژگی‌های ذاتی خود امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و بروز استعدادهای ویژه او فراهم نشده است.»

«نخبه: به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود.»

نکته قابل توجه این دو تعریف همان نگاه افتراقی است که در توضیح مربوط به تعریف آیین‌نامه احراز شرایط بیان شد.^۱

همچنین در سال ۱۳۹۳ به منظور اجرای برخی مفاد «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» در وزارت آموزش و پرورش نظام‌نامه‌ای با عنوان «کلیات نظام تربیت استعدادهای برتر در آموزش و پرورش» در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است که در قسمت تعاریف این نظام‌نامه تعریف دانش‌آموز دارای استعداد برتر بدین شرح زیر است:

دانش‌آموز دارای استعداد برتر: دانش‌آموزی است که می‌تواند مفاهیم ویژه یک یا چند زمینه را در سطح بالایی درک کرده و یاد بگیرد و یا در انجام ماهرانه کار و بروز قابلیت‌های شخصی در آن زمینه، برجستگی خاصی نشان دهد.

این تعریف بدون اینکه اشاره‌ای در متن کرده باشد بسیار شبیه به تعریف کمیته علمی و فنی طرح شهاب است ولی عبارت «برجستگی خاص» به آن اشاره شده تا هر انجام ماهرانه کاری استعداد برتر بودن تعریف نشده باشد همچنین در قسمت قابلیت یادگیری مؤلفه «درک مفاهیم» اضافه شده است.

^۱ به این تعاریف در فصول بعدی به صورت مفصل‌تری پرداخته خواهد شد.

فصل سوم:

**استخراج چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر و تحلیل این
مفهوم در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» بر اساس آن**

در این فصل قرار است به سؤال اول پژوهش که «مفهوم استعداد برتر از در سند راهبردی کشور در امور نخبگان چگونه تبیین شده است؟» است پاسخ داده شود. به منظور پاسخگویی به این سؤال نیاز است تا چارچوبی برای تحلیل مفهوم استعداد در اختیار باشد تا با استفاده از آن، این مفهوم در سند را تحلیل شود. همچنین وجود این چارچوب برای پاسخگویی به سؤالات دوم و سوم پژوهش نیز ضروری است. بر این اساس این فصل شامل دو بخش اصلی است که در بخش اول چارچوب مذکور از پیشینه نظری استخراج شده و در بخش دوم تحلیل مفهوم استعداد برتر در سند بر اساس آن ارائه خواهد شد.

بخش اول: استخراج چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر از پیشینه نظری

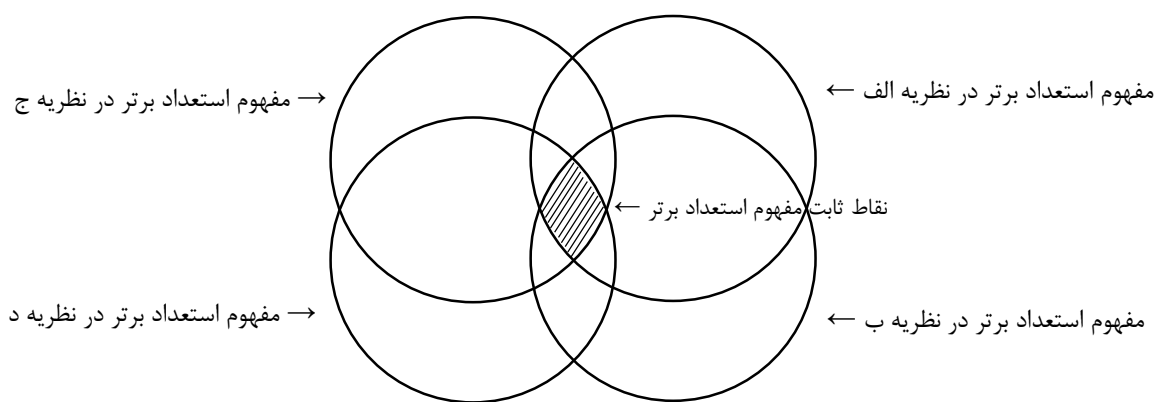
در این قسمت قرار است با روش تحلیل زبان فنی و رسمی و با ابزار تحلیل مضمون، چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر از پیشینه نظری این مفهوم استخراج گردد. این عمل در چهار گام به شرح زیر صورت می‌پذیرد.

- **گام اول:** گردآوری گزاره‌های کلیدی پیرامون مفهوم استعداد برتر در پیشینه نظری
- **گام دوم:** استخراج نکات کلیدی هر یک از گزاره‌های جمع‌آوری شده
- **گام سوم:** دسته‌بندی نکات کلیدی استخراج شده و ایجاد مقوله‌ها
- **گام چهارم:** تبیین چارچوب مفهوم استعداد برتر با استفاده از مقوله‌ها

حاصل اجرای گام‌های اول تا سوم در جدولی با عنوان تحلیل مضمون پیشینه نظری مفهوم استعداد برتر در پیوست شماره ۱ آمده است و در ادامه به تبیین چارچوب مفهوم استعداد برتر پرداخته خواهد شد. این چارچوب شامل مؤلفه‌های ثابت و محورهای مناقشه است. در قسمت اول این بخش مؤلفه‌های ثابت مفهوم استعداد برتر و در قسمت دوم آن محورهای مناقشه در مفهوم استعداد برتر ارائه خواهد شد.

الف) مؤلفه‌های ثابت مفهوم استعداد برتر

با توجه به اینکه مباحث بسیار متفاوت و حتی متضادی حول مفهوم و تعریف استعداد برتر و تیزهوشی مطرح شده است این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که آیا واقعاً هیچ نقطه اشتراکی میان تعاریف مختلف و هیچ پیش‌فرض مشترکی میان صاحب‌نظران این عرصه وجود ندارد و استفاده از لفظ استعداد برتر و تیزهوشی در مباحث افراد و نظریات گوناگون صرفاً مشترک لفظی است (یا در حالت خوش‌بینانه با هم شباهت خانوادگی^۱ دارند)؛ یا می‌توان نقاط اشتراکی میان تمام تعاریف مطرح شده از استعداد برتر و تیزهوشی پیدا کرد، آن‌ها را نقاط ثابت مفهوم استعداد برتر نامید؟



شکل ۷- منظور از نقاط ثابت در مفهوم استعداد برتر

با آنکه در اغلب نظریه‌ها تعریف، استعداد برتر و تیزهوشی (استعداد برتر بودن) اغلب بدیهی فرض شده و ارائه دهنده نظریه صرفاً به معرفی خاصی از تیزهوشی پرداخته است ولی استرنبرگ معیارهایی را برای مفهوم تیزهوشی ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان به ویژگی‌های مشترک میان تعاریف مختلف از تیزهوشی پی برد (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف). ویژگی‌های مشترک میان تعاریف مختلف در واقع همان مؤلفه‌های ثابت استعداد برتر هستند که در این قسمت قرار است یافت شوند.

استرنبرگ معتقد است تیزهوشی دارای پنج معیار «برتری»، «کمیابی»، «سودمندی»، «ارزشمندی» و «قابلیت اثبات» است (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف). یعنی افراد استعداد برتر حتماً باید از یک یا چند بعد نسب به دیگر افراد برتری داشته باشند تا استعداد برتر خوانده شوند. سطح این برتری باید به حدی بالا باشد که این افراد در میان هم‌نوعان (هم سن‌ها، هم محیطی‌ها یا هم...) خود کمیاب باشند. همچنین این برتری باید در بعدی باشد که به سودمندی منجر شود و برای جامعه نیز ارزشمند باشد. در عین

^۱ شباهت خانوادگی - که ویکتناشترین آن را مطرح می‌کند - بدین شکل است که بین چند چیز هیچ ویژگی مشترکی وجود ندارد ولی احتمالاً بین هر دوتای آن‌ها ویژگی‌های مشترکی یافت می‌شود.

حال این برتری باید قابل اثبات باشد. همچنین این پنج معیار باید توأمان وجود داشته باشد به طور مثال افراد زیادی برای جامعه سودمند هستند (به طور مثال تمام رفتگران) ولی نمی‌توان همه آن‌ها را استعداد برتر دانست یا افراد که با نقض مادر زاد خاصی مثلاً داشتن تنها یک دست متولد می‌شوند بسیار کمیاب باشند ولی باز هم این افراد استعداد برتر نیستند.

البته شاید بتوان با نگاهی تحلیلی پنج معیاری که استرنبرگ مطرح می‌کند را اصلاح نمود. به عنوان اولین حرکت اصلاحی می‌توان این سؤال را مطرح کرد که رابطه سودمندی و ارزشمندی در جوامع مختلف چیست؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت دو حالت وجود دارد یا ارزشمندی برابر با سودمندی است (چیزی شبیه به مبانی مکتب پراگماتیسم) یا این‌گونه نیست. در حالت اول به وضوح آوردن دو ملاک سودمندی و ارزشمندی در کنار هم کار هجو و بیهوده‌ای است. در حالت دوم فرض کنید کار سودمندی هست که در جامعه‌ای ارزشمند نیست در این صورت در آن جامعه هیچ‌گاه اشخاص به فردی که در آن برتری سطح بالایی دارد، استعداد برتر نمی‌گویند ولی اگر کاری باشد که از نظر جامعه ارزشمند باشد حتی اگر برایش سودمند نباشد به فردی که در آن برتری سطح بالایی دارد استعداد برتر می‌گویند. بنابراین ملاک سودمندی نباید در کنار ارزشمندی به عنوان معیاری همگانی برای استعداد برتر پذیرفته شود. همچنین قابلیت اثبات به صورت پیش‌فرض برای هر ملاکی در هر جایی وجود دارد و نیازی به بیان آن نیست. در حرکت اصلاحی سوم از آنجایی که منظور استرنبرگ از «کمیابی»، «سطح بالای برتری» است می‌توان بجای معیارهای اول و دوم که برتری و کمیابی هستند معیار «سطح بالای برتری» را قرار داد.

بنابراین در نهایت تنها دو معیار «سطح بالای برتری» و «ارزشمندی» به عنوان مؤلفه‌های ثابت استعداد برتر پذیرفته می‌شود. البته باید توجه داشت که این معیارها هر دو صفت فرد نیستند بلکه «سطح بالای برتری» مربوط به فرد و «ارزشمندی» مربوط به موضوع یا بعدی است که فرد در آن از سطح بالایی از برتری برخوردار است.

البته ممکن است پیرامون معیار «ارزشمندی» این سؤال مطرح شود که به طور مثال کسی که در راه رفتن روی دست‌های خود استعداد بسیار بالایی دارد (با این فرض که راه رفتن بر روی دست کار ارزشمندی محسوب نمی‌شود) یا هر کس دیگری که معیار اول را دارد و معیار دوم را ندارد «استعداد برتر» دانسته می‌شود یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که این فرد را می‌توان «استعداد برتر در موضوع روی دست راه رفتن» دانست ولی نکته اینجاست که موضوع مورد بحث «استعداد برتر در

موضوعی خاص^۱ نیست بلکه «استعداد برتر» بدون پسوند است و نباید این دو مفهوم - با وجود اینکه با یکدیگر ارتباط دارند^۲ - یکی انگاشته شوند. در نتیجه نمی‌توان معیار «ارزشمندی» را از مؤلفه‌های ثابت استعداد برتر حذف کرد.

ب) محورهای مناقشه در مفهوم استعداد برتر

از مباحث مطرح شده پیرامون مفهوم استعداد برتر - که در فصل دوم ارائه شد - محورهای مناقشه زیر استخراج شده‌اند^۳. لازم به ذکر است عنوان اکثر مناقشات به صورت دو قطبی بیان شده ولی معمولاً بیش از دو رویکرد ذیل این مناقشات مطرح شده است. همچنین مطرح شدن این محورها به صورت جداگانه به معنای مستقل بودن و عدم ارتباط میان آن‌ها نیست بلکه به معنای متفاوت بودن هر محور از دیگر محورها است.

۱. واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر

سؤال اصلی که ذیل این محور مطرح است این است که آیا مفهوم استعداد برتر دارای مصادیقی هست یا خیر؟ به عبارت دیگر با توجه به معیارهای همگانی که در قسمت قبل مطرح شد این‌گونه می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا واقعاً عده‌ای وجود دارند که نسبت به دیگران از سطح برتری بالاتری در ابعاد ارزشمندتر برخوردار باشند یا خیر؟ اگر پاسخ این سؤال آری باشد می‌گوییم استعداد برتر مفهومی واقعی است و در غیر این صورت به آن مفهومی انتزاعی و تخیلی می‌گوییم.

ذیل این محور بحث دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد و آن این است که انتساب استعداد برتر به افرادی و انتساب نکردن آن به دیگر افراد امری واقعی است یا دروغین؟ زیرا ممکن است عده‌ای اعتقاد داشته باشند هر یک از انسان‌ها در یک موضوعی - که ارزشمند نیز هست - از سطح بالایی از برتری نسبت به دیگران برخوردارند و همه موضوعات ارزشمند نیز تقریباً به یک اندازه ارزشمندند^۴. پس همه استعداد برتر هستند و انتساب این صفت به عده‌ای خاص امری دروغین است.

در بررسی پیشینه نظری تنها فردی که اعتقاد به تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر داشت، شخصی به نام برلند بود. او بر این باور بود که مفهوم هوش به عنوان یک واقعیت عینی کشف نمی‌شود

^۱ *gifted at something / talented in something*

^۲ در قسمت بعد ذیل مبحث موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم «استعداد برتر» پیرامون ارتباط این دو مفهوم بحث خواهد شد.

^۳ کر (۲۰۰۹) نیز در دائره‌المعارف خود ذیل عبارت *Giftedness, Definition* (تعریف تیزهوشی) چند محور مناقشه پیرامون مفهوم استعداد برتر معرفی کرده است که بدین شرح است: *Creativity as Giftedness* (خلاقیت به عنوان تیزهوشی)، *Giftedness as Innate or Developed* (تیزهوشی ذاتی یا تکوینی)، *Potential or Achievement* (بالقوه یا بالفعل)، *Noncognitive Factors* (عوامل غیرشناختی) و *Prevalence* (شیوع که به معنای تعداد یا درصد افراد استعداد برتر به کار برده شده است). به تمام این عوامل در پژوهش حاضر نیز - در همین قسمت - پرداخته شده است.

^۴ بدون این فرض کسانی که در موضوع ارزشمندتر از سطح بالای برتری برخوردارند، استعداد برتر محسوب می‌شوند.

بلکه به منظور یک هدف اجتماعی ابداع می‌گردد. وی مفهوم هوش را مفهومی تخیلی خوانده و آن را ابزاری برای حفظ و تداوم بخشی شکل مشخصی از نظم اجتماعی^۱ می‌داند (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف)؛ ولی باقی افرادی که ذیل این مفهوم به بحث پرداخته بودند آن را مفهومی واقعی می‌دانستند که عده‌ای را شامل شده و باقی افراد را در بر نمی‌گیرد.

۲. امکان یا عدم شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر

منظور از این محور آن است که اگر استعداد برتر مفهومی دارای مصداق دانسته شود آیا ابزاری برای شناسایی این مصادیق وجود دارد یا خیر؟ و یا به عبارت دقیق‌تر آیا تشخیص و اندازه‌گیری تیزهوشی (استعداد برتر بودن) با دقتی قابل قبول در زمان حال امکان‌پذیر است یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال سه موضع‌گیری متفاوت وجود دارد.

در رویکرد اول - که در دیدگاه‌های ذات‌گرایانه یافت می‌شود - این اعتقاد وجود دارد که استعدادهای برتر به صورت قطعی و صددرصدی قابل شناسایی هستند. بنابراین پس از یک بار شناسایی دیگر به ارزیابی استعدادهای برتر شناسایی شده و دیگر افرادی که به عنوان استعدادهای برتر شناخته نشده‌اند، نیازی وجود ندارد.

رویکرد دوم که بیشتر در دیدگاه‌های ساخت‌زدایانه یافت می‌شود دقیقاً در مقابل رویکرد اول است. در این رویکرد این اعتقاد وجود دارد که امکان شناسایی استعدادهای برتر - حتی در صورت فرض واقعی بودن این مفهوم - وجود ندارد و به قدری دقت ابزارهایی شناسایی پایین هستند که به هیچ وجه نتایج حاصل قابل اعتنا نیستند و نباید مبنایی برای اقدامات عملی قرار گیرند. به طور مثال برخی اعتقاد دارند که هیچ یک از ابزارهای موجود قادر به اندازه‌گیری هوش افراد (به عنوان مشخصه استعداد برتر بودن) نیست و نمره افراد در آزمون‌های هوش به شدت متأثر از تجربیات و یادگیری‌های آن‌ها است.

در رویکرد سوم - که به گفته دای (۲۰۰۹) در اکثر پژوهشگران معاصر این حوزه دیده می‌شود - جایز الخطا بودن ابزارهای شناسایی پذیرفته می‌شود و دقت این ابزارها صددرصدی فرض نمی‌شود ولی دقتشان به قدری بالا دانسته می‌شود^۲ که بتوان بر مبنای نتایج آن، کارهای مفیدی انجام داد. قطعی ندانستن نتایج شناسایی در این دیدگاه باعث می‌شود تا اولاً فرآیند شناسایی هیچ‌گاه متوقف نشود و ثانیاً ایجاد انحصار برای افراد شناسایی شده و ایجاد مانع برای ورود افراد احراز نشده پیش نیاید.

^۱ باید به این نکته توجه داشت که مفهوم «نظم اجتماعی» در اندیشه برلند (مکتب انتقادی) یک مفهوم مضموم است.

^۲ البته از آنجایی که در برخی نظریات در سنین مختلف دقت شناسایی متفاوت است، ممکن است دقت اندازه‌گیری بعد از یک سن خاص دقتی قابل قبول محسوب شود و مبنای عمل قرار گیرد.

۳. مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن

در این قسمت این سؤال مطرح می‌شود که آیا تعریف مفهوم استعداد برتر مطلوب است یا نامطلوب؟ چه پیامدهایی علت مطلوب یا نامطلوب بودن آن است؟^۱

از نظر ساخت‌زدایان تعریف این مفهوم، نامطلوب است زیرا پیامد این تعریف آن است که دموکراسی در معرض خطر قرار می‌گیرد، برابری افراد در رأی را به چالش کشیده می‌شود و جامعه به سمت آریستوکراسی یا همان نخبه‌سالاری سوق داده خواهد شد. همچنین موجب نابرابری اجتماعی و شکافی غیرقابل جبران در جامعه می‌شود (دای، ۲۰۰۹ به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف) ولی اکثر نظریات پیرامون این حوزه، تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به آن را مطلوب می‌دانند. البته ممکن است هر یک از این نظریات پیامدهای مطلوب متفاوتی را برای این امر در نظر داشته باشد، که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

در کل سه علت مختلف از توجه به موضوع استعدادهای برتر-بالاخص آموزش و پرورش این افراد- را می‌توان برشمرد که با توجه هر یک از آن‌ها پیامدهای مطلوب متفاوتی^۲ برای تعریف مفهوم استعداد برتر در نظر گرفته می‌شود. این علل توجه عبارت‌اند از: الف) عدم اختلال در سیستم آموزشی و آزار ندیدن افراد استعداد برتر (همان‌طور که به عقب‌ماندگان ذهنی و نابینایان توجه ویژه می‌شود)، ب) تحقق «عدالت آموزشی» و ج) تسریع پیشرفت کشور یا جامعه جهانی.

در نگاه اول تمرکز بر روی این اتفاق است که به علت برتری فاحش دانش‌آموزان استعداد برتر نسبت به دیگر دانش‌آموزان، در آموزش و پرورش این افراد خلل ایجاد می‌شود و حتی در برخی موارد این افراد ممکن است موجب اختلال در کلاس و فرآیند آموزش و پرورش دیگر افراد نیز شوند. به طور مثال این دانش‌آموزان از مباحثی که بسیار فراتر از حد کلاس است سؤال می‌پرسند و حتی گاهی معلم خود را نیز به چالش می‌کشند.

مارلند در گزارش خود بدین شکل به این موضوع اشاره می‌کند: «کودکان استعداد برتر (*gifted and talented children*) در حقیقت محروم هستند و از آسیب‌های روانی و اختلالات دائمی در استفاده از توانمندی‌هایشان برای عملکرد صحیح رنج می‌برند. رنج این افراد برابر و حتی بیشتر از رنج کسانی است

^۱ متأسفانه اغلب در ایران افرادی که تحصیل استعدادهای برتر را در مدارس جداگانه را نامطلوب می‌دانند جزو کسانی محسوب می‌شوند که تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به آن را نامطلوب می‌دانند. در صورتی که مخالفت با یک روش خاص آموزش و پرورش استعدادهای برتر - مانند مخالفت با جداسازی- به هیچ وجه نمی‌تواند به معنای مخالفت با اصل موضوع تعریف و توجه به استعدادهای برتر باشد.

^۲ متفاوت در این جا به معنای مجزا نیست و ممکن است دو پیامد با یکدیگر متفاوت باشند ولی یکی زیر مجموعه دیگری باشد.

که به دلیل دیگر محرومیت‌ها^۱ توسط اداره مرکزی آموزش و پرورش به عنوان نیازهای خاص^۲ به آن‌ها خدمات ارائه می‌شود» (مارلند، ۱۹۷۱).

بنابراین در این نگاه، پیامد مطلوب تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به این موضوع، جلوگیری از ایجاد اخلاص مذکور در نظر گرفته می‌شود.

در نگاه دوم هدف اصلی برقراری عدالت آموزشی است و صرف رفع برخی اختلالات آموزشی و پرورشی کافی دانسته نمی‌شود. در این نگاه یکی از اهداف آموزش و پرورش رشد حداکثری افراد با توجه به ظرفیت هر فرد برای رشد است و تحقق عدالت آموزشی به این معناست که هر فرد به شکلی تحت آموزش و پرورش قرار گیرد که تا به حداکثر رشد ممکن خود برسد. از آنجایی که دانش‌آموزان استعداد برتر ظرفیت رشدشان بسیار بالاتر از دیگر دانش‌آموزان است، در آموزش و پرورش عادی که برای همه در نظر گرفته شده نمی‌توانند به حداکثر رشدی که ظرفیت آن را دارند دست یابند لذا باید تلاش شود تا عدالت آموزشی از این لحاظ در حق این افراد رعایت شود.

مارلند این تعریف را این‌گونه در گزارش خود مطرح می‌کند: «کودکان استعداد برتر کسانی هستند که به موجب توانمندی‌های برجسته‌شان ... به برنامه‌های تربیتی متفاوت و/یا خدماتی فراتر از آن چیزی که برایشان در مدارس معمولی وجود دارد نیاز دارند تا بتوانند دینشان را به خود ... ادا کنند» (مارلند، ۱۹۷۱).

در نتیجه پیامد مطلوب برای تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به آن در این نگاه، تحقق یافتن عدالت آموزشی از این منظر است.

در نگاه سوم باز هم هدف فراتر می‌رود و علاوه بر رشد فرد، رشد کشور و حتی رشد جامعه جهانی را در بر می‌گیرد. در این حالت از این منظر به استعداد برتر نگاه می‌شود که این افراد از پتانسیل بیشتری نسبت به دیگران برای تبدیل شدن به پیش‌قراولان پیشرفت جامعه خود و یا حتی جامعه جهانی، برخوردار می‌باشند. بدین معنا که با احتمال بیشتری و با صرف هزینه کمتری، قادر خواهند بود به پیش‌قراولان پیشرفت تبدیل شوند. بنابراین تلاش می‌شود تا با توجه ویژه به این افراد سرعت و کیفیت پیشرفت کشور و جامعه جهانی را افزایش داد.

مارلند این‌گونه به این موضوع اشاره می‌کند که: «کودکان تیزهوش کسانی هستند که به موجب توانمندی‌های برجسته‌شان به برنامه‌های تربیتی متفاوت و/یا خدماتی فراتر از آن چیزی که برایشان در مدارس معمولی وجود دارد نیاز دارند تا بتوانند دینشان را به ... جامعه ادا کنند» (مارلند، ۱۹۷۱).

^۱ [مانند عقب ماندگی ذهنی یا نابینایی]

^۲ special needs

همان‌طور که در فصل قبل اشاره شد علت اصلی توجه ویژه ایالات متحده آمریکا به موضوع آموزش و پرورش استعداد‌های برتر پرتاب ماهواره اسپوتنیک توسط اتحاد جماهیر شوروی و احساس عقب ماندگی در جنگ سرد بود که در واقع به همین نگاه برمی‌گردد. پیامد مطلوب برای تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به آن در این نگاه، پیشرفت بهتر و سریعتر کشور و جامعه جهانی است.

۴. بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر

سؤالی که ذیل این محور مطرح می‌شود این است که استعداد برتر مفهومی بالقوه است یا بالفعل؟ به عبارت دیگر برای انتساب مفهوم استعداد برتر به یک فرد باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ در پاسخ به این پرسش چهار موضع مختلف اتخاذ شده است.

در حالت اول مفهوم استعداد بیشتر به صورت بالقوه دیده می‌شود و تأکید بر روی قابلیت و ظرفیت فرد برای موفقیت در آینده است؛ نه دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او. به عقیده کر (۲۰۰۹) معمولاً کاربرد کلماتی مانند *ability* و *capability* و کلمات مشابه دیگر که در برخی تعاریف استعداد برتر به کار رفته است نشان از اتخاذ این موضع دارد.

در حالت دوم برخلاف حالت اول مفهوم استعداد برتر بیشتر مفهومی بالفعل دیده می‌شود و بر روی دستاوردها و موفقیت فرد در زمان گذشته و حال تأکید دارد. کر (۲۰۰۹) به کار بردن عبارات *extraordinary accomplishment* (دستاورد فوق‌العاده)، *high achievement* (موفقیت سطح بالا) و *unusually distinctive performance* (عملکرد غیرمنتظره متمایزکننده) در تعریف استعداد برتر را در حاکی از اتخاذ این موضع می‌داند.

در حالت سوم هر دو حالت بالقوه و بالفعل با هم مد نظر قرار می‌گیرند و هیچ یک بر دیگری ترجیح داده نمی‌شود. این حالت را می‌توان در تعریف رنزولی، مارلند و بسیاری از تعاریف دیگر مشاهده کرد. در حالت چهارم نیز مانند حالت سوم هر دو حالت بالقوه و بالفعل مهم در نظر گرفته می‌شوند و میانشان انتخابی صورت نمی‌گیرد ولی از آنجایی میان بالقوه و بالفعل بودن تفاوت‌های قابل توجهی دارد که منجر به دلالت‌های عملی متفاوتی می‌شود این دو حالت از یک دیگر تفکیک می‌شوند و نام‌های جداگانه‌ای برای هر یک انتخاب می‌شود. به طور مثال در مدل گانیه به حالت بالقوه *gifted* (تیزهوش) و به حالت بالفعل *talented* (سرآمد) گفته می‌شود، در آیین نامه شرایط احراز نخبگی (۱۳۸۵) نیز برای حالت بالقوه عبارت استعداد برتر و برای حالت بالفعل واژه نخبه به کار رفته است.

۵. موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر

در این مناقشه این سؤال مطرح می‌شود که آیا فردی که استعداد برتر است در همه -یا اکثر- موضوعات^۱ از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار است یا در یک یا چند موضوع محدود این‌گونه است؟ به حالت اول فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر و به حالت دوم موضوعی بودن مفهوم استعداد برتر می‌گوییم.

در پاسخ به این سؤال عده‌ای حالت اول را بر می‌گزینند. به طور مثال اسپیرمن با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «هوش کلی» این پرسش را مطرح کرد که «چرا بین توانایی‌های مختلف آدمی همبستگی وجود دارد یا به عبارتی چرا کسانی که در یک کار استعداد خوبی دارند در کارهای دیگر نیز شایستگی از خود نشان می‌دهند و افرادی که در یک موضوع توانایی اندک دارند، اغلب در سایر موضوعات هم کم‌توان هستند؟» (ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰) در واقع اسپیرمن در این مقاله فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر را پیش‌فرض گرفته است و صرفاً از علت آن سؤال می‌کند و در نهایت علت این اتفاق را وجود عاملی به نام عامل کلی یا عامل g در فرد استعداد برتر می‌داند که موجب می‌شود فرد در تمام موضوعات از توانایی بالایی برخوردار باشد.

عده‌ای نیز حالت دوم را انتخاب می‌کنند و مفهوم استعداد برتر را موضوعی می‌دانند. البته بعد از پذیرش این حالت، دو مناقشه جدی دیگر ایجاد می‌شود.

اول اینکه افراد برخوردار از سطح بالای برتری در چه موضوع یا موضوعاتی را باید استعداد برتر دانست؟ به طور مثال افلاطون در پاسخ به این سؤال فرد مستعد زمامداری یا همان فرد مستعد فیلسوف^۲ شدن را استعداد برتر می‌داند. مارلند در تعریفی که در گزارش خود ارائه می‌دهد شش موضوع توانایی فکری عمومی، استعداد تحصیلی ویژه، تفکر خلاقانه یا مولد، توانایی رهبری، هنرهای بصری و نمایشی، توانایی‌های روانی-حرکتی را مطرح می‌کند. آیین شرایط احراز نخبگی (۱۳۸۵) نیز پس از تعریف نخبه و استعداد برتر بدین شکل بدین قضیه اشاره می‌شود: «تعاریف فوق شامل استعدادهای برتر و نخبگان بخش‌های مختلف از قبیل علمی و فناوری، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، هنری و مدیریتی می‌باشد.»

مناقشه دوم نیز آن است که چه موضوعات کلی‌ای را می‌توان تعریف کرد به صورتی که استعداد برتر بودن در هر یک از این موضوعات مستقل از استعداد برتر بودن در باقی موضوعات باشد؟ به

^۱ در این مناقشه می‌توان به جای واژه «موضوع» از واژه‌های «زمینه»، «حوزه» یا «عرصه» نیز استفاده کرد و شاید عبارت «زمینه‌ای یا فرازمینه‌ای بودن» زیباتر از عبارت به کار رفته باشد اما به علت اشتباه نگرفتن مفهوم واژه «زمینه» به عنوان یافت (*context*) و محیط (*environment*).

در این قسمت از واژه زمینه استفاده نشده است.

^۲ منظور فیلسوف در نگاه افلاطون است.

طور مثال گاردنر (۱۹۹۳) هفت توانایی موسیقایی، منطقی - ریاضی، فضایی، بدنی - جنبشی، زبانی، میان فردی و درون فردی را برای حیطة هوش توصیف و ادعا کرده است که این هفت توانایی از هم مستقل هستند^۱ (به نقل از افروز و کامکاری، ۱۳۹۴).

در پاسخ به سؤال فراموضوعی یا موضوعی بودن مفهوم استعداد برتر حالت سومی نیز وجود دارد. در این حالت که گانیه آن را مطرح می‌کند مفهوم استعداد برتر (*gifted and talented*) به دو مفهوم تیزهوش (*gifted*) - که استعداد برتر در مقام وجود پتانسیل است - و سرآمد (*talented*) - که استعداد برتر در مقام بروز است - شکسته می‌شود و در ادامه تیزهوش فرا موضوعی و سرآمد موضوعی تلقی می‌گردد. در این نظریه فرد تیزهوش در مقام وجود پتانسیل، پتانسیل تبدیل شدن به فرد سرآمد در هر موضوعی را داراست ولی در عمل، بنا بر شرایط محیطی، ویژگی‌های شخصیتی فرد و عامل شانس استعداد برتر بودن فرد در نهایت در یک یا چند موضوع محدود بروز پیدا می‌کند و یا به عبارت دیگر تکوین می‌یابد. همچنین این مفهوم را می‌توان در عبارت زیر دید:

وقتی کودک بودم مادرم به من می‌گفت: «اگر تو یک سرباز شوی حتماً ژنرال خواهی شد و اگر یک کشیش شوی در نهایت پاپ خواهی شد» و به جای همه این‌ها من نقاش شدم و تبدیل به پیکاسو شدم.^۲

۶. تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر

سؤالی که ذیل این محور مطرح است آن است که آیا بجز دسته بندی استعدادهای برتر در موضوعات مختلف که در قسمت «موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر» مطرح شد آیا می‌توان دسته‌بندی^۳ دیگری نیز برای مفهوم استعداد برتر در نظر گرفت یا خیر؟^۴ همان‌طور که گفته شد در نظر اغلب ذات‌گرایان تنها یک عدد که نتیجه آزمون *IQ* افراد است نشان دهنده استعداد برتر بودن یا نبودن فرد است. این اتفاق بدین معناست که در این دیدگاه تنها یک نوع استعداد برتر وجود دارد و استعداد برتر دارای انواع نیست.

^۱ می‌توان این هفت توانایی را به عنوان هفت موضوع نیز در نظر گرفت.

^۲ این نقل قول منتسب به پیکاسو نقاش مشهور است ولی در اینجا قصد استناد به آن را نداریم و صرفاً برای رساندن بهتر منظور حالت سوم از این عبارت کمک گرفته شده است. به همین جهت منبعی برای آن ذکر نشده است.

^۳ منظور از انواع در اینجا انواع عرض است نه طولی.

^۴ علت مطرح نکردن محور قبلی - موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر - ذیل این محور آن است که محور قبلی چنان پرتکرار و پرمناقشه بود که نیاز بود در محوری جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

دای (۲۰۰۹) معتقد است که یکی از اولین انگیزه‌های عمل‌گرایانه‌ای که منجر به بروز دیدگاه جدیدی پیرامون مفهوم استعداد برتر^۱ شد این بود که فهمیده شد «مفهوم استعداد برتر دارای انواع بسیار زیادی^۲ در شکل^۳، قالب^۴ و اندازه^۵ است» (پاسو، ۱۹۸۱ به نقل از دای، ۲۰۰۹). این حرف بدین معناست که پیش‌فرض و یکی از علل به وجود آمدن دیدگاه‌های توسعه‌گرا پذیرش تنوع در مفهوم استعداد برتر است. البته همان‌طور که در عبارت پاسو نیز دیده می‌شود این تنوع فقط در یک حالت نیست و حالات مختلفی دارد. به اصلی‌ترین حالت تنوع یعنی تنوع بر اساس موضوع در قسمت مربوطه پرداخته شد و در ادامه نیز به برخی از دیگر حالات این تنوع که بعضی از افراد اشاره کرده‌اند، پرداخته خواهد شد.

الف) تفاوت میان سرآمدان^۶ موآلد و مجری

آبراهام تاننباوم (۲۰۰۳) بر اساس دو عنصر خلاقیت و مهارت بدین شکل افراد سرآمد را به دو دسته مجزا تقسیم می‌کند: الف) سرآمدان «موآلد»^۷ که بر اساس خلاقیت عمل می‌کنند و چیزهای جدید خلق می‌کنند. ب) استعدادهای برتر «مجری»^۸ که بر اساس مهارت عمل می‌نمایند و آن چیزی را که از قبل موجود است را به طور بهینه بکار می‌گیرند (به نقل از ضیایی و همکاران، ۱۳۹۰). در جدول زیر مثال‌هایی از این تقسیم‌بندی آمده است.

^۱ منظور دیدگاه توسعه‌گرایانه است.

^۲ *a tremendous variety*

^۳ *shape*

^۴ *form*

^۵ *size*

^۶ از آن جای که این بحث بیشتر به حالت بالفعل استعداد برتر اشاره دارد در این قسمت از واژه «سرآمد» استفاده شده است.

^۷ *producers*

^۸ *performers*

جدول ۱- مثال‌هایی از سرآمدان مجری و مولد

سرآمدان مولد	سرآمدان مجری
<ul style="list-style-type: none"> - فیلسوفانی که یک نظریه جدید تولید می‌کنند یا به مسئله‌ای قدیمی نگاهی جدید می‌کنند. - نویسندگان، شاعران و نقاشانی و دیگر هنرمندانی که اثر جدیدی خلق می‌کنند. - دانشمندانی که فرآیند جدیدی را به وجود می‌آورند یا چیز جدیدی را کشف می‌کنند یا به رابطه جدیدی پی می‌برند. - مهندسانی که وسیله جدیدی را اختراع می‌کنند. - اعضای حرفه‌های اجتماعی (معلمان، رهبران سیاسی) که نوآورانه برای ایجاد تکنیک‌های جدید در پاسخ به نیازهای گروه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند. 	<ul style="list-style-type: none"> - ویراستاران مستعدی که می‌توانند یک ایده یا اثر را به یک اثر برجسته تبدیل نمایند. - هنرمندانی که آثار اصیل را کپی و تقلید می‌کنند. - متخصصان علوم یا افراد ماهر صنعتی که مهارت‌های حیاتی خود را در موقعیت‌های حساس بروز می‌دهند و می‌توانند طرح‌های موجود را بهبود بخشند و یک ایده را به صورت تجاری درآورند یا آن چیزی را که از قبل موجود است را به طور بهینه بکار می‌گیرند. - کارگران دقیقی که استعدادهایشان در محصولات باکیفیت و اجرای ایده‌های دیگران بروز می‌یابد. - مشاغلی که خط مشی‌ها و تکنیک‌ها را به نحو احسن اجرا می‌نمایند.

احتمالاً منظور تانباوم این نیست که دسته اول از مهارت بی‌بهره‌اند یا دسته دوم از خلاقیت تهی هستند بلکه منظور آن است که نقطه قوت هر یک از این دو گروه با دیگری متفاوت است.

ب) تفاوت میان دانش‌آموزان *Bright* و *Gifted*

در مورد دیگر زابوس^۱ (۱۹۸۹) از دو نوع دانش آموز سطح بالا صحبت می‌کند که اولی را *Bright* (باهوش) و دیگری را *Gifted* (تیزهوش) می‌خواند. او ویژگی‌ها هر یک از این دو گروه را بدین شکل لیست کرده است.

^۱ Szabos

جدول ۲- تفاوت‌های میان دانش آموزان **gifted** و **bright**

<i>gifted</i>	<i>bright</i>
بازیگوش‌اند ولی در آزمون‌ها خوب نتیجه می‌گیرند	سخت کوشند
فراتر از گروه هستند	فرد برتر گروه هستند
معمولاً از قبل می‌دانند	به راحتی یاد می‌گیرند
سؤال می‌پرسند	سؤال‌ها را پاسخ می‌دهند
به شدت کنجکاوند	علاقه‌مند هستند
خود را به صورت فیزیکی و ذهنی درگیر می‌کنند	توجه می‌کنند
ایده‌های عجیب و حتی احمقانه‌ای می‌دهند	ایده‌های خوب می‌دهند
به شدت احساسات و عواطف نسبت به موضوعات نشان می‌دهند	با علاقه گوش می‌دهند
برای تسلط به ۱ یا ۲ بار تکرار نیاز دارند	برای تسلط به ۶ یا ۸ بار تکرار نیاز دارند
بزرگسالان را ترجیح می‌دهند	از بودن با همسالان خود لذت می‌برند
سرسخت هستند	پذیرا هستند
طراحی جدیدی به وجود می‌آورند	کپی برداری می‌کنند
از یادگیری لذت می‌برند	از مدرسه لذت می‌برند
اطلاعات را دستکاری می‌کنند	اطلاعات را فرا می‌گیرند
مخترع هستند	تکنسین هستند
خوب حدس می‌زنند	حافظه خوبی دارند

به نظر می‌رسد مانند تقسیم بندی تانباوم در این جا نیز عنصر خلاقیت -آن هم از نوع افسار گسیخته آن- که همان تفکر بشدت واگرا است مؤلفه اصلی در دانش آموزان *gifted* است. بنابراین شاید این حالت بی‌ربط به حالت قبلی نباشد.

ج) تفاوت میان نخبگان^۱ تجزیه‌گرا و ترکیب‌گرا

یغموری و مجیدی (۱۳۸۷) نیز با طرح این سؤال که «آیا نخبگان می‌توانند در شرایط بدون ثبات، تعریف نشده، بدون سازوکار و نامتجانس^۲ فعالیت کنند یا خیر؟». نخبگان را در دو طیف دسته‌بندی می‌کنند. دسته اول نخبگانی که توان و استعدادشان در یک زمینه مشخص علمی و نظری، به صورت محض متمرکز شده و برای بروز و به‌کارگیری نخبگی خود، نیازمند شرایطی تقریباً بی‌نقص هستند و دسته دوم، نخبگانی که توانائی بروز عملیاتی نخبگی خود را در شرایط بی‌ثبات، متغیر، و دشوار، در حوزه‌های چند زمینه‌ای و بین رشته‌ای، دارند. یغموری و مجیدی (۱۳۸۷) همچنین جدول زیر را به عنوان جدول تمایزهای میان این دو دسته از نخبگان ارائه داده‌اند.

جدول ۳- خصوصیات نخبگان تجزیه‌گرا و ترکیب‌گرا

نخبگان تجزیه‌گرا	نخبگان ترکیب‌گرا
تنها در یک حوزه تخصصی کاملاً مشخص دارای مهارت و دانش در سطح بسیار بالا است، اما در حوزه‌های جنبی و مرتبط اصلاً تخصص ندارد.	در مجموعه‌ای از حوزه‌های به هم پیوسته دارای مهارت و دانش در سطح بالا و در برخی از آن‌ها در سطح بسیار بالا است.
تنها توان فعالیت در حوزه زمینه تخصصی محدودی را دارد.	توان فعالیت در حوزه‌های چند زمینه‌ای را دارد.
فعالیت در شرایط متغیر و بدون ثبات، برای وی امکان‌پذیر نیست.	توان فعالیت در شرایط متغیر و بدون ثبات را دارد و متناسب با شرایط محیط خود را منطبق می‌کند.
شرایط محیط کاری باید از قبل برای او فراهم شده باشد.	توان فراهم کردن شرایط محیط کاری مناسب برای فعالیت مورد نظر و کارآفرینی را دارد.
توانائی مدیریت کردن فعالیت تخصصی خود را حتی در حوزه تخصص خود ندارد.	می‌تواند فعالیت تخصصی چند زمینه‌ای و پیچیده‌ای را در شرایط مختلف مدیریت کند.

البته معلوم نیست که چرا توان و استعداد در یک زمینه مشخص با نیازمندی به شرایط تقریباً بی‌نقص و توانایی در حوزه‌های چند زمینه‌ای و بین رشته‌ای با توانایی بروز نخبگی در شرایط بی‌ثبات، متغیر، و دشوار یکی فرض شده است. به همین خاطر می‌توان این دسته بندی را به این دو دسته بندی تفکیک کرد:

- دسته بندی اول: نخبگانی که فقط توان کار در یک زمینه مشخص را دارند و نخبگانی که می‌توانند در چندین زمینه نخبگی خود را بروز دهند.

^۱ چون در مقاله اصلی از واژه «نخبه» استفاده شده در اینجا نیز آورده شده است که همان معنای سرآمد را دارد.

^۲ منظور یغموری و مجیدی شرایط کشورهای در حال توسعه مانند ایران است.

- دسته بندی دوم: نخبگانی که فقط در شرایط تقریباً بی نقص می‌توانند نخبگی‌شان بروز پیدا می‌کنند و نخبگانی که در شرایط بی‌ثبات، متغیر، و دشوار نیز می‌توانند به فعالیت نخبگانی بپردازند.

۷. غیراكتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر

سؤالی که ذیل این محور مطرح است آن است که آیا مفهوم استعداد برتر مفهومی اکتسابی است یا غیراكتسابی؟ به نظر می‌رسد این سؤال، دو پهلو است و قبل از بررسی پاسخ‌های داده‌شده به آن نیاز به تحلیل و رفع ابهام دارد.

برای رفع ابهام از این سؤال ابتدا باید به تحلیل این سؤال پرداخت که «آیا ویژگی x برای فرد A اکتسابی است یا غیراكتسابی؟». می‌توان دو تلقی مختلف از این سؤال جدید داشت که باید از یکدیگر تفکیک شوند. در تلقی اول منظور سؤال آن است که «آیا فرد A - که در حال حاضر از ویژگی x برخوردار است - ویژگی x را کسب کرده است یا کسب نکرده است (ویژگی x را از بدو تولد داشته است یا این ویژگی به صورت خود به خودی در او ایجاد شده است)؟» و در تلقی دوم منظور آن است که «آیا فرد A قابلیت اکتساب ویژگی x را دارد یا خیر؟».

در گام دوم با کمک این تحلیل - که به تفکیک منجر شد - باید به سراغ تحلیل سؤالی شبیه‌تر به سؤال اصلی این محور رفت که این سؤال است: «ویژگی x یک ویژگی اکتسابی است یا غیراكتسابی؟». با توجه به تفکیکی که در گام اول انجام شد می‌توان این سؤال را نیز به دو سؤال تفکیک کرد. در حالت اول سؤال این است که «آیا کسانی که ویژگی x را دارا می‌باشند آن را کسب کرده‌اند یا کسب نکرده‌اند (ویژگی x را از بدو تولد داشته‌اند یا این ویژگی به صورت خود به خودی در آن‌ها ایجاد شده است)؟» و در حالت دوم سؤال بدین شکل در می‌آید که «آیا همه انسان‌ها قابلیت کسب ویژگی x را دارند یا خیر؟». در نهایت نیز می‌توان در دو سؤال به دست آمده بجای عبارت «ویژگی x »، «ویژگی استعداد برتر بودن» را قرار داد. در این صورت سؤال اول بدین شکل در می‌آید که آیا افراد استعداد برتر، ویژگی استعداد برتر بودن خود را کسب کرده‌اند یا کسب نکرده‌اند (از بدو تولد استعداد برتر بوده‌اند یا به صورت خود به خودی در آن‌ها ایجاد شده است)؟ و سؤال دوم نیز بدین صورت می‌شود که «آیا همه انسان‌ها قابلیت استعداد برتر شدن را دارند یا خیر؟». حال می‌توان به سراغ بررسی پاسخ‌های داده شده به هر سؤال به صورت جداگانه رفت.

الف) در پاسخ به سؤال اول یعنی «آیا افراد استعداد برتر، ویژگی استعداد برتر بودن خود را کسب کرده‌اند یا کسب نکرده‌اند (از بدو تولد استعداد برتر بوده‌اند یا به صورت خود به خودی در آن‌ها ایجاد شده است)؟» دو نگاه متفاوت وجود دارد. در نگاه اول - که متعلق به دیدگاه ذات‌گرایی است - تیزهوشی (استعداد برتر بودن) مفهومی ذاتی، مادرزادی، وراثتی، غیراكتسابی، پایدار و دائمی

است بدین معنی که یک فرد در بدو تولد با یک ضریب هوشی متولد می‌شود و تا هنگام مرگ از همان ضریب هوشی برخوردار است ولی در نگاه دوم - که ذیل دیدگاه توسعه‌گرایی مطرح می‌شود - مفهوم استعداد برتر (*gifted and talented*) به دو مفهوم تیزهوش (*gifted*) - که استعداد برتر در مقام وجود پتانسیل است - و سرآمد (*talented*) - که استعداد برتر در مقام بروز است - شکسته می‌شود. سپس *giftedness* (تیزهوشی) مادرزادی و غیراکتسابی و *talent* (سرآمدی) اکتسابی دانسته می‌شود. «اکتسابی» در اینجا بدین معنا است که «سرآمدی» از بدو تولد در فرد وجود ندارد و به صورت خود به خودی نیز در او ایجاد نمی‌شود بلکه کسب کردنی است ولی به معنای آن نیست که هر کسی قابلیت کسب آن را دارد زیرا در این دیدگاه تنها افراد «تیزهوش» قابلیت سرآمد شدن را دارند.

سؤالی که ذیل این پاسخ پیش می‌آید آن است حال که سرآمدی اکتسابی فرض می‌شود آیا اکتساب به صورت دفعی صورت می‌گیرد و یا تدریجی؟ پاسخ توسعه‌گرایان این است که این اتفاق به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد که این پاسخ به تکوینی بودن مفهوم استعداد برتر منجر می‌شود. در واقع در این نگاه «تیزهوشی» نهفته در فرد به وسیله عواملی تکوین^۱ می‌یابد و در قالب «سرآمدی» بروز پیدا می‌کند.

سؤالی که بعد پذیرفتن تکوینی بودن این مفهوم مطرح است آن است که عوامل این تکوین چیست؟ در دیدگاه توسعه‌گرایی عوامل مختلفی از جمله شرایط محیطی، ویژگی‌های شخصیتی و همچنین اراده و تلاش فرد از عوامل تکوین و رشد تیزهوشی دانسته می‌شود.

این سؤال را نیز به ذهن خطور می‌کند که همانطور که تیزهوشی قابل رشد و تکوین است آیا قابل تحلیل رفتن و کم شدن نیز هست؟ البته پاسخی برای این سؤال در پیشینه نظری یافت نشد.

ب) در پاسخ به سؤال دوم یعنی «آیا همه انسان‌ها قابلیت استعداد برتر شدن را دارند یا خیر؟» اغلب پاسخ منفی داده‌اند. به طور مثال افلاطون طبایعی را که استعدادها و سجایای لازم برای فلسفه را در خود جمع دارند بسیار کمیاب می‌داند^۲ ولی منشأ تمام کارهای بزرگ چه بد و چه خوب را از این همین طبایع می‌داند و اعتقاد دارد طبایع ضعیف منشأ هیچ کار بزرگی، خواه خوب و خواه بد نمی‌توانند بود. ابن سینا نیز پذیرفته است که انسان‌ها از نظر توان جسمی، قدرت تفکر، هوش و استعداد، زیرکی و کودنی و جهات دیگر با یکدیگر متفاوت‌اند. دیدگاه ذات‌گرایانه نیز بر همین اساس شکل گرفته است تیزهوشی در این معنا و هیچ معنای دیگری اکتسابی نیست. حتی به نظر می‌رسد برخی ساخت‌زدایان نیز مفهوم استعداد برتر را بدین شکل می‌دانند که هر کسی نمی‌تواند به استعداد برتر تبدیل شود زیرا در مضرات تعریف مفهوم استعداد برتر می‌گویند «این مفهوم دوام دهنده و ازلی کننده نابرابری اجتماعی است، به عبارت دیگر تیزهوشی منجر به تمایزاتی میان افراد سطح جامعه می‌شود که این شکاف و تمایز

^۱ develop

^۲ در فصل قبل گفته شد که استعداد برتر در نگاه افلاطون کسی است که استعدادها و سجایای لازم برای فلسفه را در خود جمع دارد.

قابل جبران و رفع نیست، چرا که وابسته به امری ذاتی و غیراقتسابی است» (به نقل از ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف). همچنین رنزولی به عنوان یکی از افرادی که ذیل دیدگاه توسعه‌گرا به نظریه پردازی پرداخته است اعتقاد دارد که تیزهوشی در افراد مشخصی و نه در همه افراد بروز پیدا می‌کند. البته ممکن است عده‌ای نیز به این سؤال پاسخ مثبت دهند.

حالت سومی نیز برای پاسخ به این سؤال می‌توان متصور شد. در این حالت پاسخ این است که همه قابلیت استعداد برتر شدن - به معنی داشتن برخی مؤلفه‌ها که برای استعداد برتر شدن الزامی است - را تا سنی خاص (مثلاً ۷ سالگی یا ۱۵ سالگی) دارند ولی اگر فرد نتواند تا این سن ویژگی‌های لازم را کسب کند بعد از آن دیگر در شرایط عادی استعداد برتر شدن برای او بسیار سخت یا ناممکن است. افراد استعداد برتر در این حالت شایستگی‌هایی را دارا می‌باشند که ممکن است کسب کرده باشند (یعنی شایستگی‌هایشان لزوماً ذاتی نیستند) ولی به احتمال زیاد دیگر همسالانشان نمی‌توانند در ادامه شایستگی‌های این افراد را کسب کنند. به عبارت دیگر استعداد برتر بودن تا یک سن خاص اکتسابی و بعد از آن غیراقتسابی است.

همچنین ذیل این سؤال که «آیا همه انسان‌ها قابلیت استعداد برتر شدن را دارند یا خیر؟» می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا قابلیت اکتساب مفهومی احتمالی است یا قطعی؟ یعنی وقتی می‌گوییم عده‌ای قابلیت اکتساب ویژگی استعداد برتر بودن را ندارند مراد آن است که استعداد برتر شدن این افراد غیرممکن است یا منظور این است که احتمال استعداد برتر شدن این افراد در شرایط عادی بسیار پایین است.

۸. مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر

مناقشه بعدی پیرامون این مسئله آن است که چه مشخصه‌ها (شایستگی‌هایی) در یک فرد موجب می‌شود که یک فرد استعداد برتر دانسته شود؟

ذیل این مناقشه عده‌ای مانند دیدگاه‌های ذات‌گرا صرف برتری سطح بالا در ویژگی‌های ذهنی (به طور مثال قدرت انتزاع یا استدلال بالا) را به عنوان مشخصه اصلی استعداد برتر کافی می‌دانند ولی عده دیگری مانند دیدگاه‌های توسعه‌گرا اعتقاد دارند که علاوه بر ویژگی‌های ذهنی باید ویژگی‌های روانی و شخصیتی مانند پشتکار بالا یا روابط اجتماعی قوی را نیز جزئی از مشخصه‌های اصلی استعداد برتر دانست. به طور مثال در نگاه رنزولی یکی از مشخصه‌های الزامی برای استعداد برتر *task commitment* (احساس وظیفه بالا) است که شامل ظرفیت فرد در مداومت، پایداری، عزم، سخت‌کوشی، خود را وقف عمل کردن و اعتماد به نفس بالا در انجام کارهای مهم، رها از احساس حقارت و حرکت به سمت موفقیت؛

در خود ویژگی‌های ذهنی نیز این اختلاف نظر وجود دارد که عنصر خلاقیت باید مشخصه الزامی استعداد برتر باشد یا خیر؟ به طور مثال رنزولی اعتقاد جدی به این عنصر دارد و آن را برای مشخصه الزامی برای فرد استعداد برتر می‌شمرد ولی تاننباوم با نظر او مخالف است و عنصر خلاقیت صرفاً در برخی موضوعات بروز استعداد برتر بودن مهم می‌داند و نه همه موضوعات. برخی نیز مانند گزارش مارلند خود خلاقیت و تفکر خلاقانه را یکی از موضوعات بروز استعداد برتر می‌دانند.

سؤال دیگری که ذیل این محور مناقشه مطرح است این است که علاوه بر ویژگی‌های عمومی که ذکر شد باید برای انواع استعداد برتر ویژگی‌های تخصصی نیز در نظر داشت یا خیر؟ که به طور مثال تاننباوم در مدل ستاره دریایی خود پیرامون مفهوم استعداد برتر بر این گونه ویژگی‌ها تأکید می‌کند.

سؤال دیگر آن است که علاوه بر ویژگی‌های درونی فرد باید به ویژگی‌های محیطی او نیز به عنوان مشخصه‌ای برای استعداد برتر توجه شود یا خیر؟ برای یافتن پاسخ این سؤال بسیاری از توسعه‌گرایان تلاش می‌کنند تا نقش شرایط محیطی را در تعامل با وضعیت ژنتیکی مشخص سازند. به اعتقاد برخی از آنان نیز، فعالیت شناسایی افراد استثنایی می‌تواند با شناسایی شرایط محیطی استثنایی هم‌راستا باشد (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۱، الف). به طور مثال تاننباوم در مدل خود ویژگی‌های محیطی را نیز جزو متغیرهای الزامی سازنده مفهوم استعداد برتر لحاظ می‌کند ولی دقیقاً معلوم نیست چه مشخصه‌هایی از محیط را مدنظر دارد. همچنین در این زمینه در قانون جاوید بر این نکته تأکید می‌شود که استعدادهای برتر در «تمام گروه‌های فرهنگی، در تمام اقشار اقتصادی و در همه زمینه‌های فعالیت بشری وجود دارد». می‌توان از این جمله نتیجه گرفت که از نظر این قانون، ویژگی‌های محیطی این‌چنینی نباید جزو مشخصه‌های استعداد برتر محسوب شود.

۹. مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط

سؤالی که ذیل این محور مطرح است آن است که آیا در شرایط گوناگون باید تعاریف متفاوتی از استعداد برتر ارائه داد یا خیر؟ یا به عبارت دیگر در شرایط گوناگون باید مشخصه‌های اصلی‌ای که برای استعداد برتر در نظر می‌گیریم متفاوت باشد یا خیر؟

ذات‌گرایان به منظور اندازه‌گیری هوش - به عنوان تنها عامل استعداد برتر بودن در نظر ذات‌گرایان - ابزارهایی را ارائه می‌دادند^۱ که مستقل از شرایط زمانی و مکانی طراحی می‌شدند و تقریباً در تمام کشورهای جهان^۲ مستقل از شرایط متفاوتی که در هر کشور وجود دارد مورد استفاده قرار می‌گرفتند و

^۱ مانند آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون

^۲ در کشور ایران نیز تا چند سال پیش از آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون برای هدایت تحصیلی در آموزش و پرورش به صورت رسمی استفاده می‌شد.

شاید امروزه نیز مورد استفاده قرار بگیرند. بنابراین می‌توان گفت ذات‌گرایان به مستقل بودن مفهوم استعداد برتر از شرایط و زمان و مکان اعتقاد داشته‌اند و دارند.

از طرف دیگر اسکوییلر (۱۳۷۲) به این موضوع اشاره می‌کند که به طور مثال در یونان باستان توانایی افراد در سخنوری شاخص هوش به شمار می‌رفت و در میان برخی از قبایل آفریقایی فرد تیزهوش کسی بوده است که در شکار حیوانات مهارت و جسارت فراوان نشان دهد (به نقل از آیتی و همکاران، ۱۳۹۱). با توجه به این واقعیات که در یونان باستان مردم تنها به وسیله فن سخنوری می‌توانستند حق خود و یا وکیل خود را احقاق نمایند و در برخی قبایل آفریقایی تنها راه به دست آوردن غذا شکار کردن بوده است، می‌توان از حرف اسکوییلر این‌گونه برداشت کرد که در نظر او مفاهیم هوش و تیزهوشی مفاهیمی به وابسته شرایط زمانی و مکانی هستند.

البته می‌توان موضع‌گیری سومی نیز ذیل این محور متصور شد و آن اینکه برخی از مشخصه‌های اصلی استعداد برتر بودن - احتمالاً مانند ذهن قوی، که شاید داشتن آن هم برای سخنور شاخص، هم برای شکارچی ماهر و حتی برای جنگجوی فوق‌العاده لازم و ضروری باشد - در تمام شرایط مشترک است و برخی دیگر از مشخصه‌های اصلی - مانند جسم قوی که برای سخنور شاخص لازم نیست ولی برای جنگجوی فوق‌العاده ضروری است - در شرایط گوناگون متفاوت است.

۱۰. ملاک محور یا هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر

سؤالی که ذیل این محور مطرح است آن است که مفهوم استعداد برتر مفهومی ملاک محور است یا هنجار محور؟

منظور از ملاک محور بودن مفهوم استعداد برتر آن است که برای تشخیص استعداد برتر بودن یک فرد یک یا چند شرط که مستقل از دیگر افراد است - مانند کسب معدل بالای ۱۹ در امتحانات پایانی پایه پنجم - تعیین می‌شود و هر کسی که این شروط را احصاء کرد استعداد برتر دانسته می‌شود. در این حالت درصد افرادی از یک جامعه که با توجه به این شروط استعداد برتر دانسته می‌شوند ممکن است صفر درصد یا حتی صد درصد افراد آن جامعه باشد.

در مقابل، در حالت هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر شروطی که برای استعداد برتر بودن فرد تعیین می‌شود کاملاً وابسته به وضعیت دیگر افراد جامعه است. نکته مهم در حالت هنجار محور آن است که حتماً باید جامعه‌ای که مقایسه در آن صورت می‌گیرد - که اصطلاحاً به آن گروه هنجار^۱ می‌گویند - مشخص شود (سیف، ۱۳۹۰). این جامعه در تعریف استعداد برتر می‌تواند کلاس، مدرسه، شهر، استان (یا ایالت)، کشور یا حتی جهان باشد. البته علاوه بر جغرافیای جامعه باید زمان مورد نظر

^۱ normative group

در این جامعه و دیگر ویژگی‌های لازم نیز لحاظ شود. نکته مهم دیگر آن است که در گروه هنجار با توجه به رتبه مطلق استعداد برتر تعیین می‌شود یا با توجه به این که در چند درصد بالاتر قرار دارد. به طور مثال کسب رتبه بهتر از ۱۰۰ از میان همجنسان و همشهری‌های خود در پایه ششم در آزمون ورودی مدارس تیزهوشان در سال ۱۳۹۵ می‌تواند یک شرط هنجار محور برای مفهوم استعداد برتر محسوب شود. در این مثال منطقه جغرافیایی شهر در نظر گرفته شده و از نظر زمان فقط افراد پایه ششم در سال ۱۳۹۵ جزو گروه هنجار هستند و همچنین ویژگی جنسیت نیز در نظر گرفته شده است و رتبه ۱۰۰ معیار است نه اینکه مثلاً جزو ده درصد برتر باشد یا خیر. در مثال هنجار محور دیگری ممکن است یک فرد با تمام افراد پایه ششم در ۱۰ سال اخیر در کشور مقایسه شود و اگر جزو ۱ درصد برتر در آزمون بود، استعداد برتر دانسته شود.

بنابراین ذات‌گرایان به آن دلیل که اغلب نمره بالای آزمون IQ را معیار استعداد برتر بودن می‌دانند، این مفهوم را مفهومی هنجار محور می‌دانند. البته این اشکال به ذهن متبادر شود که معیار قرار دادن نمره یک آزمون به معنای ملاک محور بودن است نه هنجار محور بودن. در پاسخ به این اشکال باید گفت طبق آنچه در فصل قبل گفته شد نمره آزمون $IQ - 100 \times \frac{\text{سن عقلی}}{\text{سن زمانی}}$ - خود طبق یک معیار مقایسه‌ای در میان همسالان داده می‌شود و در نتیجه این روشی هنجار محور است.

در میان توسعه‌گرایان رنزولی با مطرح کردن معیار «توانمندی بالاتر از میانگین» اشاره به هنجار محور بودن این مفهوم دارد. همچنین گانیه در مدل افتراقی خود هم در تعریف تیزهوش و هم در تعریف سرآمد به صراحت به این نکته اشاره دارد که این افراد حداقل در بین ۱۰ درصد بالای هم‌تایان سنی خودش قرار دارند.

در قانون جاویت نیز تعریف استعداد برتر بدین شکل آمده است که «کودکان و نوجوانانی که در مقایسه با همسالان، هم محیطی‌ها و کسانی که تجربه یکسانی با آن‌ها دارد، استعداد برجسته‌ای در انجام دادن کارها دارند...». یعنی در اینجا نیز تأکید بر روی هنجار محور بودن استعداد برتر است. البته اشکالی که به اکثر این تعاریف هنجار محور می‌توان گرفت آن است که به صورت دقیق و کامل گروه هنجار خود را مشخص نکرده‌اند. به طور مثال در هیچ یک معلوم نیست که جغرافیای مقایسه کشور است یا جهان یا جغرافیای دیگری.

در مقابل نگاه هنجار محور به مفهوم استعداد برتر به نظر می‌رسد که افلاطون برخی ملاک‌های مشخص و غیرمقایسه‌ای را برای تشخیص فرد استعداد برتر در نظر گرفته است که در فصل قبل ذکر شد.

۱۱. میزان شیوع مفهوم استعداد برتر

سؤالی که ذیل این محور مطرح است آن است که درصد یا تعداد افراد استعداد برتر چقدر است؟

در پاسخ به این سؤال اختلافات فراوانی وجود دارد. افلاطون طبایعی را که استعدادها و سجایای لازم برای فلسفه را در خود جمع دارند- یعنی استعدادهای برتر را- بسیار کمیاب می‌داند ولی منشأ تمام کارهای بزرگ چه بد و چه خوب را از این همین طبایع می‌داند. گانیه عدد ۱۰ درصد را برای استعدادهای برتر بیان می‌کند. در گزارش مارلند (۱۹۷۱) به کنگره پیشنهاد شده است که ۳ تا ۵ درصد جمعیت دانش‌آموزان در ایالات متحده استعداد برتر در نظر گرفته شوند (به نقل از کر، ۲۰۰۹).^۱ همچنین آماری که در سال ۱۹۹۸ داده شده درصد دانش‌آموزان استعداد برتر در آمریکا ۶٫۲ درصد اعلام می‌شود (کر، ۲۰۰۹). بورکفسکی و دی (۱۹۸۸) بیان می‌کنند که برحسب تعاریف مختلف جمعیت افراد استعداد برتر بین ۱ تا ۲۰ درصد بیان شده است (به نقل از آیتی و همکاران، ۱۳۹۱).

البته ابهامی مهمی که در اینجا مطرح است آن است که این اعداد اعلام شده توصیفی هستند یا تجویزی و معیارشان برای این توصیف یا تجویز چیست؟

بخش دوم: تحلیل مفهوم «استعداد برتر» در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» بر اساس محورهای استخراج شده

در این بخش ابتدا -در قسمت الف- عبارات بیشتر مرتبط با مفهوم استعداد برتر در متن سند و اسناد پشتیبان آن گردآوری شده‌اند که به خواننده کمک می‌کند به درک بهتری از منظور سند از این مفهوم دست یابد، سپس -در قسمت ب- بر اساس محورهای تحلیل استخراج شده در بخش اول، به تحلیل مفهوم استعداد برتر در این عبارات گردآوری شده از سند و اسناد پشتیبان پرداخته خواهد شد.

الف) عبارات مرتبط با مفهوم استعداد برتر در متن سند و اسناد پشتیبان آن

در این قسمت پس از بررسی دقیق و موشکافانه متن سند راهبردی کشور در امور نخبگان و اسناد پشتیبانی از آن که مرتبط با مفهوم استعداد برتر بودند تمام عبارات مرتبط با مفهوم استعداد برتر یا مفاهیمی که با این مفهوم در یک شبکه معنایی قرار می‌گیرند آورده شده است. علت اکتفا نکردن به متن سند آن است که امکان دارد به علل مختلفی از جمله رعایت اختصار به این مفهوم به اندازه کافی در متن سند پرداخته نشده باشد.

برای یافتن اسنادی که پشتیبان مفهوم استعداد برتر و مفاهیم مرتبط با آن در سند هستند به یکی از اسناد پشتیبان سند با عنوان «ارتباط میان سند و اسناد پشتیبان» -که ذیل طرح پژوهشی «تدوین برنامه تحول نظام نخبگانی کشور بر پایه شناسایی و تحلیل چالش‌های ملی»^۲ منتشر شده است- مراجعه شد. در فصل سوم

^۱ البته این سؤال مطرح شده است که منظور ۳ تا ۵ درصد هر موضوع (به طور مثال استعدادهای برتر فکر یا استعداد برتر هنری) به صورت جداگانه است یا استعدادهای برتر در تمام موضوعات مجموعاً ۳ تا ۵ درصد کل دانش‌آموزان هستند (کر، ۲۰۰۹).

^۲ این طرح پژوهشی توسط کسی به انجام رسیده است که متن سند راهبردی کشور در امور نخبگان نیز به قلم همین فرد است.

این سند در قسمت «منابع محتوایی بخش تعریف مفاهیم مرتبط با نخبگی» - یعنی همان بخش مورد نظر پژوهش حاضر - آمده است: «مهم‌ترین منبع شکل دهنده این فصل از سند [فصل تعاریف مفاهیم مرتبط با نخبگی]، گزارش «استخراج» نظریه‌های نظام نخبگانی» است که با مطرح کردن تعاریف و مفاهیم مختلف این حوزه و مشخص ساختن تمایزات میان آن‌ها، ورودی مناسبی را برای سند ایجاد کرده است» (منتظر، ۱۳۹۰). بر این اساس در قسمت بررسی مفهوم استعداد برتر در اسناد پشتیبان، طرح پژوهشی «استخراج نظریه‌های نظام نخبگانی در جهان در چهارچوب تهیه اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان» محور قرار داده شده و از برخی اسناد پشتیبان دیگر سند نیز برای تکمیل مباحث استفاده شده است.

۱. مفهوم استعداد برتر در متن سند راهبردی کشور در امور نخبگان

سند راهبردی کشور در امور نخبگان (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱) در قسمت تعاریف خود مانند مدل افتراقی گانیه که در فصل قبل مطرح شد، مفهوم مورد نظر پژوهش حاضر از استعداد برتر - *gifted and talented* - را به دو مفهوم «صاحب استعداد برتر» و «نخبه» شکسته و تعریف صریحی از هر یک ارائه داده است که بدین شرح است:

«صاحب استعداد برتر: به فردی اطلاق می‌شود که با توجه ویژگی‌های ذاتی خود امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و بروز استعدادهای ویژه او فراهم نشده است.»

«نخبه: به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود.»

همچنین سند در مقدمه خود «نخبگان» را پیش‌قراولان پیشرفت و کمال خوانده که باید بتوانند شکل دهنده، جهت دهنده و سازنده جامعه و برآورنده نیازهای کشور باشند و در ادامه مهم‌ترین ویژگی‌های نخبگان را ژرف نگری، خلق، گشودن باب‌های جدید و رفتن راه‌های نو دانسته است.

در بخش اصول اساسی حاکم بر سند نیز می‌توان سه رویکرد زیر را رویکردهای اصلی سند در مواجهه با مفهوم استعداد برتر و نخبه دانست:

(۱) از آنجا که استعداد انسان‌ها متنوع است، لازم است این تنوع در تعریف و شناسایی

اجتماعات نخبگانی، فعالیت‌های نخبگانی، سیاست‌های تعامل نظام با آن‌ها،

فرصت‌های پیش روی نخبگان و نیز پیش‌فرض‌های سیاست‌گذاری و مدیریت نظام

نخبگانی لحاظ شود. لذا در نظام نخبگانی مطلوب رویکرد «تنوع» در مقابل رویکرد «یکسان‌سازی» اتخاذ می‌گردد.

۲) دارا بودن استعداد درخشان و توانمندی‌های ذاتی ویژه، نعمت‌هایی تعهدآور هستند نه مزیت‌هایی توقع‌آفرین. لذا توجه ویژه به این افراد به صرف برخورداری از این توانمندی‌ها و ایجاد توقع در آن‌ها مردود است.

۳) اهمیت و اصالت نخبگی به تداوم فعالیت‌های نخبگانی است. از همین رو نخبگی یک ویژگی دائمی افراد نیست، بلکه دارای سطوحی پویا بوده و مشروط به استمرار فعالیت‌های متناسب با شأن آنان است. لذا ممکن است افراد و گروه‌هایی که در برهه‌ای از زمان دارای توانمندی‌های ویژه تشخیص داده می‌شوند، در موقعیت‌های آتی به دلیل عدم انجام فعالیت‌های نخبگانی، فاقد این ویژگی شناخته شوند. در حقیقت اصالت با فعالیت‌های نخبگانی است نه با فرد و گروه.

در قسمت «موضوع‌های اساسی در زمینه اجتماع نخبگانی» نیز یکی از مسائل و چالش‌های اصلی تعریف نخبه و استعداد برتر مطرح شده و بدین شکل به آن پرداخته است:

تعریف ... نخبه ... مبتنی بر ویژگی‌های روانی - شخصیتی فردی یا منبعث از فعالیت نخبگانی آن‌ها سبب تفاوت‌هایی جدی در نتایج عملیاتی آن می‌شود که اولی به ثبات مفهوم نخبگی در فرد و دیگری به پویایی آن بر اساس شرایط محیطی و سطح و عمق فعالیت‌های نخبگانی منجر می‌شود. بر اساس رویکرد این سند، نخبگی مفهومی پویا و وابسته به شرایط محیطی است، همچنین نخبگی شئون مختلفی دارد و ممکن است فرد یا گروهی در ابعادی نخبه و از وجوهی نخبه نباشند، ضمن اینکه صفت نخبگی دائمی نیست و به تداوم فعالیت نخبگانی فرد یا گروه وابسته است.^۱

^۱ در سند عبارت حاضر به این شکل آمده است: «تعریف صاحب استعداد برتر، نخبه و فعالیت نخبگانی مبتنی بر ویژگی‌های روانی - شخصیتی فردی یا منبعث از فعالیت نخبگانی آن‌ها...» ولی به علت تناقض درونی دو کلمه «صاحب استعداد برتر» و «فعالیت نخبگانی» از متن حاضر حذف شده‌اند. اگر عبارت بالا به عبارات کوچک‌تر «تعریف صاحب استعداد برتر مبتنی بر ... یا منبعث از فعالیت نخبگانی آن‌ها...»، «تعریف نخبه مبتنی بر ... یا منبعث از فعالیت نخبگانی آن‌ها...» و «تعریف فعالیت نخبگانی مبتنی بر ... یا منبعث از فعالیت نخبگانی آن‌ها...» شکسته شود، تناقض موجود در عبارات شکسته شده اول و سوم آشکار خواهد شد. تناقض در عبارت شکسته شده سوم واضح است و در مورد چرایی تناقض در عبارت شکسته شده اول می‌توان گفت که استعداد برتر طبق تعریف سند در فصل تعریف مفاهیم کسی است که هنوز امکان انجام فعالیت نخبگانی را نداشته است پس نمی‌شود منبعث از فعالیت نخبگانی‌ای که فرد صاحب استعداد برتر انجام می‌دهد آن را تعریف کرد.

همچنین از آنجایی که صرفاً کلمه «نخبگی» در عبارات پایانی مانند «بر اساس رویکرد این سند، نخبگی مفهومی پویا و ...» و «نخبگی شئون مختلفی دارد و ...» به کار رفته و نامی از «صاحب استعداد برتر» و «فعالیت نخبگانی» در این عبارات وجود ندارد نشان از آن دارد که این دو مفهوم مورد بحث این متن نیستند و احتمالاً به اشتباه در ابتدای متن قرار گرفته‌اند.

۲. مفهوم استعداد برتر در اسناد پشتیبان سند

در طرح پژوهشی «استخراج نظریه‌های نظام نخبگانی در جهان در چهارچوب تهیه اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان» (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف) - که همانطور که گفته شد اصلی‌ترین سند پشتیبان برای مفهوم استعداد برتر در سند راهبردی کشور در امور نخبگان است - در بررسی مفهوم «افراد نخبه یا در مسیر نخبگی» واژه نخبه واژه‌ای عام و دربردارنده و اشاره کننده به مفاهیم تخصصی زیر معرفی می‌شود:

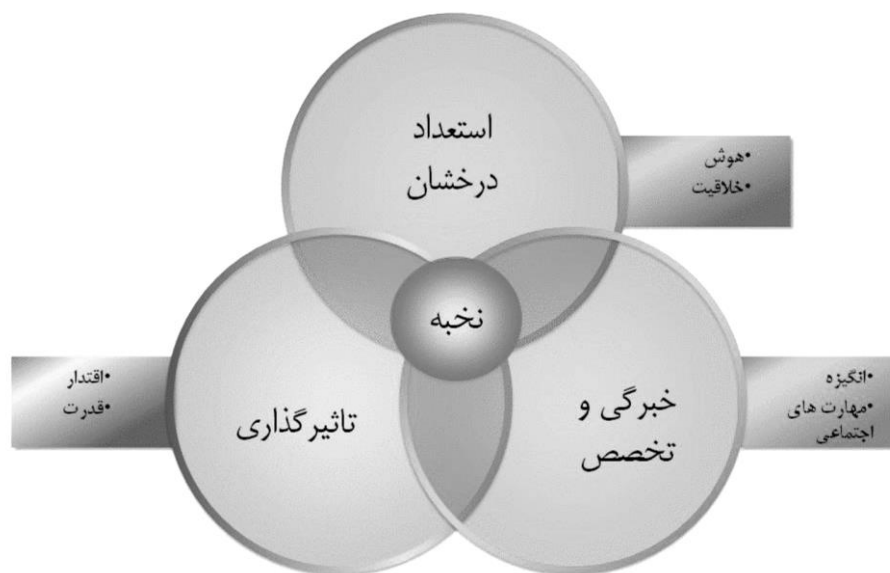
- تیزهوش (*Gifted*)
- بااستعداد یا استعداد درخشان (*Talented*)
- اعجوبه (*Prodigy*) یا نابغه (*Genius*)
- خبره یا متخصص (*Expert*)
- نخبه یا فرد تأثیرگذار (*Elite*)

در این سند پشتیبان پس از بررسی این مفاهیم این نتیجه حاصل می‌شود که دو مفهوم تیزهوش و استعداد درخشان تقریباً به یک معنا هستند و لفظ نابغه نیز به افرادی که بسیار زیاد تیزهوش هستند اطلاق می‌شود. بنابراین تنها سه مفهوم تقریباً مستقل در میان این مفاهیم وجود دارد و در نهایت بر اساس این سه مفهوم، مفهوم نخبه را بدین شکل تعریف می‌شود (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۰، الف):

نخبه کسی است که از [هر] سه ویژگی زیر برخوردار باشد:

- استعداد درخشان
- خبرگی و تخصصی در یک زمینه حرفه‌ای

- تأثیرگذاری بر جامعه تخصصی خود یا کل جامعه



شکل ۸- چارچوب مفهومی نخبه

این تعریف را می‌توان اصلی‌ترین و صریح‌ترین تعریف ارائه شده در اسناد از مفهوم نخبه دانست. این سند پشتیبان پس از ارائه این تعریف از نخبه، عبارات زیر را -که از اهمیت بسیار بالایی در تحلیل مفهوم استعداد برتر در سند برخوردارند- به عنوان مهم‌ترین گزاره‌ها پیرامون تعریف نخبه مطرح می‌نماید.

- از آنجایی که نظام نخبگانی ناظر به مفهوم وسیع‌تری از نخبگی است، لذا به افرادی که [صرفاً] دارای استعداد درخشان یا خبرگی و تخصص در یک زمینه خاص باشند، نیز توجه دارد که «افراد در مسیر نخبگی» [استعداد برتر] نامیده می‌شوند.
- مسیر نخبگی بر اساس سن افراد در یک مسیر از استعداد برتر آغاز می‌شود و در نهایت به تأثیرگذاری ختم می‌شود. به این ترتیب در سنین کودکی تا جوانی مهم‌ترین شناسه افراد در مسیر نخبگی استعداد درخشان این افراد است. در سنین جوانی تا میانسالی افراد با ورود به یک حوزه تخصصی، خبرگی لازم در آن حوزه را کسب می‌نمایند و به این ترتیب مسیر نخبگی را ادامه می‌دهند. در نهایت با گذشت زمان و کسب جایگاه اجتماعی در میان جامعه متخصصان، واجد قدرت تأثیرگذاری می‌شوند و بر جامعه تخصصی یا کل جامعه تأثیرگذار می‌شوند و آینده جامعه را شکل می‌دهند.
- به دلیل آنکه دانش و ابزارهای بشری در خصوص شناسایی استعدادهای درخشان دارای ضعف‌هایی است ممکن است دو نوع خطا در شناسایی استعدادهای درخشان رخ دهد که یکی این است که ممکن است تمامی افرادی که به عنوان استعداد درخشان شناخته شده‌اند لزوماً

استعداد درخشان نباشند (مانعیت) و دوم اینکه ممکن است برخی استعداد درخشان باشند ولی شناخته نشده باشند (جامعیت)؛ لذا احراز استعدادهای درخشان در هیچ بخشی نباید ایجاد انحصار برای افراد شناسایی شده و ایجاد مانع برای ورود افراد احراز نشده باشد. بدین ترتیب در تعریف افراد در مسیر نخبگی خبرگی و تخصص به عنوان شرطی مستقل از استعداد درخشان بودن است.

- مستقل بودن استعداد درخشان از خبرگی در تعریف افراد در مسیر نخبگی به معنای کاربرد دو معیار استعداد و توانمندی‌های ویژه از یک سو و تلاش، استمرار و اراده از سوی دیگر است. بر این اساس افراد فارغ از معیارهای تعریف و شناسایی استعداد درخشان، به واسطه تلاش و اراده نیز می‌توانند وارد گستره تعریف نخبگی شوند.

همچنین در سند پشتیبان «پیشران نظام نخبگانی در چارچوب تهیه اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان» (ناظمی، ۱۳۹۰، ب) پس از ارائه تعریف بالا از «نخبه» اضافه کرده است که نخبگان بر اساس تنوع حوزه‌های فعالیت و خبرگی خود قابل تقسیم در ۶ حوزه ذیل خواهند بود:

- نخبگان علمی (فنی-مهندسی، انسانی-اجتماعی)
- نخبگان فرهنگی و اجتماعی
- نخبگان هنری و ادبی
- نخبگان مدیریت و سیاست‌گذاری
- نخبگان حوزوی و دینی
- نخبگان فناوری و صنعت

ب) تحلیل مفهوم استعداد برتر در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان»

در این قسمت بر اساس محورهای تحلیل استخراج شده در بخش اول به تحلیل مفهوم استعداد برتر در سند و اسناد پشتیبان پرداخته خواهد شد.

۱. واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر

دادن تعریف از استعداد برتر و نخبه نشان از واقعی دانستن این مفاهیم در سند است. منطقی‌اً اگر فرد یا گروهی اعتقادی به واقعی بودن مفهومی نداشته باشند از آن تعریفی در سندی راهبردی^۱ ارائه نمی‌دهند و بر طبق آن تعریف راهبرد و اقدامی تعیین نمی‌کند.

^۱ ممکن است در یک سند نظری با هدف نشان دادن تخیلی بودن مفهومی تعریفی از آن ارائه شود ولی در یک راهبردی اینگونه نیست.

۲. امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر

اولین راهبرد کلانی که سند در فصل سوم خود -فصل راهبردهای کلان و اقدام‌های ملی - «استقرار نظام شناسایی و هدایت اجتماعات نخبگانی» است. طبق تعریف سند اجتماعات نخبگانی «شامل همه افراد و گروه‌های نخبه و صاحب استعداد برتر است». بنابراین سند به امکان شناسایی به حدی اعتقاد دارد که بر مبنای آن اقداماتی را تجویز کند. در ادامه سؤالی که ذیل این محور مطرح می‌شود آن است این شناسایی را قطعی فرض می‌کند یا آن را احتمالی می‌داند؟

جواب این سؤال به صراحت در اسناد پشتیبان سند بدین شکل آمده است (ناظمی، ۱۳۹۰، الف):

به دلیل آنکه دانش و ابزارهای بشری در خصوص شناسایی استعدادهای درخشان دارای ضعف‌هایی است ممکن است دو نوع خطا در شناسایی استعدادهای درخشان رخ دهد که یکی این است که ممکن است تمامی افرادی که به عنوان استعداد درخشان شناخته شده‌اند لزوماً استعداد درخشان نباشند (مانعیت) و دوم اینکه ممکن است برخی استعداد درخشان باشند ولی شناخته نشده باشند (جامعیت)

پس به هیچ وجه شناسایی را قطعی نمی‌داند و دلالت این امر را آن می‌داند که این شناسایی نباید باعث ایجاد انحصار برای افراد شناسایی شده و ایجاد مانع برای افراد شناسایی نشده باشد.

۳. مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن

در این محور نیز مانند محور اول بدیهی است که مطلوب دانستن تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به آن جزو ذاتی این سند است و در صورت نامطلوب دانسته شدن این امر نباید سندی با این عنوان نوشته می‌شد ولی سؤال اصلی در این قسمت آن است که علت سند برای مطلوب دانستن تعریف و توجه به مفهوم استعداد برتر چیست؟

برای دستیابی به پاسخ این سؤال باید به تعریف استعداد برتر در سند نگاه کرد و باید دید که سند از کدام منظر استعداد برتر را تعریف کرده است؟ در فصل اول سند -فصل تعاریف مفاهیم مرتبط با نخبگی- فرد استعداد برتر بدین شکل تعریف شده است: «صاحب استعداد برتر به فردی اطلاق می‌شود که با توجه ویژگی‌های ذاتی خود امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و بروز استعدادهای ویژه او فراهم نشده است». این تعریف را می‌توان معادل با عبارت «نخبه بالقوه» دانست.

پس باید برای فهمیدن استعداد برتر در سند و علت توجه به آن منظور سند از مفهوم نخبه را فهمید. با توجه به قسمت تعاریف، نخبه در نگاه سند کسی است که با فعالیت «بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر» دارای «اثرگذاری بارز» در «خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور» است و در

نهایت «موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور [می]شود». همچنین نخبگان در مقدمه سند تلویحاً پیش‌قراولان پیشرفت و کمال جامعه دانسته شده‌اند.

از نگاه سند به مفهوم نخبه می‌توان نتیجه گرفت که علت توجه سند به استعداد برتر آن است که این فرد قرار است (یا امکان دارد) موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت کشور شود.

البته سند اصول اساسی حاکم بر سند به این نکته اشاره دارد که «توجه به اجتماعات نخبگانی و زمینه‌سازی برای اثرگذاری آنان در جامعه، منبعث از دیدگاه اسلامی و اصل عدالت و انصاف است». از این عبارت می‌توان این‌گونه برداشت کرد که برقراری عدالت نیز از اهداف سند برای تعریف و توجه به مفهوم استعداد برتر است. همچنین سند پیرامون موضوع عدالت این نکته را اضافه می‌کند که «توجه به توانمندی‌های افراد و گروه‌هایی که قابلیت حل مسائل و پیشبرد اهداف کشور را دارند [استعدادهای برتر]، مانع و رافع ایجاد و توزیع فرصت برای سایر آحاد جامعه نیست، به همین دلیل این توجه منجر به ایجاد شکاف در میان جامعه نخواهد شد». به نظر می‌رسد سند با طرح این موضوع قصد آن را دارد که بگوید به پیامدهای نامطلوب مطرح شده برای تعریف استعداد برتر نیز توجه کرده است.

۴. بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر

سند ذیل این محور دو موضع متفاوت انتخاب کرده است که در دو قسمت مختلف از سند آمده است. در موضع اول در قسمت تعاریف هم نظر به حالت بالقوه و هم حالت بالفعل دارد ولی از آنجایی که دلالت‌های بالقوه و بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر در عمل متفاوت است این دو حالت را از یکدیگر تفکیک کرده و بر هر یک نام متفاوتی می‌نهد. به حالت بالقوه آن «استعداد برتر» و به حالت بالفعل آن «نخبه» می‌گوید. سند همچنین واژه «اجتماع نخبگانی» برای هر دو حالت بالقوه و بالفعل جعل می‌کند. در قسمت «موضوع‌های اساسی در زمینه اجتماع نخبگانی» به نظر می‌رسد که سند موضع متفاوتی از موضع اول خود انتخاب کرده است. سند در این قسمت بیان می‌کند:

تعریف صاحب استعداد برتر، نخبه و فعالیت نخبگانی مبتنی بر ویژگی‌های روانی - شخصیتی فردی یا منبعث از فعالیت نخبگانی آن‌ها سبب تفاوت‌هایی جدی در نتایج عملیاتی آن می‌شود که اولی به ثبات مفهوم نخبگی در فرد و دیگری به پویایی آن بر اساس شرایط محیطی و سطح و عمق فعالیت‌های نخبگانی منجر می‌شود. بر اساس رویکرد این سند، نخبگی مفهومی پویا و وابسته به شرایط محیطی است

سند در این قسمت تلویحاً اعلام می‌کند که تعریفش از صاحب استعداد برتر و نخبه بر اساس فعالیت نخبگانی است. با توجه به تعریف فعالیت نخبگانی در سند^۱ این نوع تعریف نشان از نگاه صرفاً بالفعل به مفهوم استعداد برتر است.

۵. موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر

انتخاب سند در این زمینه «موضوعی بودن مفهوم استعداد برتر» هم در حالت بالفعل و هم در حالت بالقوه است که در بخش اصول اساسی حاکم بر سند بدین به آن اشاره شده:

از آنجا که استعداد انسان‌ها متنوع است، لازم است این تنوع در تعریف و شناسایی اجتماعات نخبگانی، فعالیت‌های نخبگانی، سیاست‌های تعامل نظام با آن‌ها، فرصت‌های پیش روی نخبگان و نیز پیش‌فرض‌های سیاست‌گذاری و مدیریت نظام نخبگانی لحاظ شود. لذا در نظام نخبگانی مطلوب رویکرد «تنوع» در مقابل رویکرد «یکسان‌سازی» اتخاذ می‌گردد.

همچنین در قسمت موضوع‌های اساسی در زمینه اجتماع نخبگانی، این بحث بدین شکل بیان شده است که «نخبگی شئون مختلفی دارد و ممکن است فرد ... در ابعادی نخبه و از وجوهی نخبه نباشند».

در بخش قبل گفته که در صورت انتخاب «موضوعی بودن» ذیل این محور مطرح می‌شود این سؤال مطرح می‌شود که «افراد برخوردار از سطح بالای برتری در چه موضوع یا موضوعاتی را باید استعداد برتر دانست؟». سند در تعریف مفهوم «استعداد برتر» اشاره‌ای به این قضیه نکرده است و همان‌طور که گفته شد صرفاً استعداد برتر را «نخبه بالقوه» دانسته است ولی هم در تعریف مفهوم «نخبه» و هم در تعریف مفهوم «فعالیت نخبگانی» به حوزه‌های (موضوعات) «علم»، «فناوری»، «هنر»، «ادب»، «فرهنگ» و «مدیریت کشور» اشاره می‌کند. همچنین در یکی از سند پشتیبان (ناظمی، ۱۳۹۰، ب) نخبگان بر اساس تنوع حوزه‌های فعالیت و خبرگی خود قابل تقسیم به ۶ گونه «نخبگان علمی (فنی-مهندسی، انسانی-اجتماعی)»، «نخبگان فرهنگی و اجتماعی»، «نخبگان هنری و ادبی»، «نخبگان مدیریت و سیاست‌گذاری»، «نخبگان حوزوی و دینی» و «نخبگان فناوری و صنعت» دانسته شده‌اند که به نظر می‌رسد حالت تفصیلی‌تر حوزه‌هایی که در سند ذکر شده می‌باشد. لازم به ذکر است که پیرامون میزان استقلال این حوزه‌ها از یکدیگر - بدین معنا که استعداد برتر بودن در هر یک از این موضوعات مستقل از استعداد برتر بودن در باقی موضوعات باشد - هیچ موضع‌گیری صریحی نشده است.

^۱ فعالیت نخبگانی: فعالیتی است آگاهانه، خلاقانه و نوآورانه با اثرگذاری محسوس بر پیشرفت کشور در حوزه‌های مختلف از قبیل: علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت با تأکید بر شناخت مسائل و مشکلات کشور.

۶. تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر

همانطور در قسمت قبل گفته شده سند تأکید دارد در مقابل رویکرد «یکسان‌سازی» و نگاه تک نوعی به استعداد برتر رویکرد «تنوع» را انتخاب کرده است و اساس آن را تنوع در استعدادهای انسان‌های مختلف می‌داند. همچنین سند در عنوان راهبرد ملی ۱ ذیل راهبرد کلان ۱^۱ به صراحت دو مورد «تنوع در حوزه فعالیت» - که در قسمت قبل مطرح شد - و «تنوع در سطوح نخبگی» - به معنای تفاوت طولی میان نخبگان - را مطرح می‌کند. البته همانطور که در بخش قبلی گفته شد حالات دیگری از تنوع نیز در مفهوم استعداد برتر مطرح شده‌اند ولی سند بجز این دو مورد به مورد دیگری اشاره نمی‌کند. این موضوع می‌تواند از خلأهای سند به شمار رود.

۷. غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر

ذیل این محور دو سؤال اصلی مطرح شد که دو برداشت متفاوت از واژه «اقتسابی» بود. در ادامه موضع گیری سند نسبت به هر یک از این سؤالات به صورت جداگانه بررسی می‌شود.

الف) آیا افراد استعداد برتر، ویژگی استعداد برتر بودن خود را کسب کرده‌اند یا کسب نکرده‌اند (از بدو تولد استعداد برتر بوده‌اند یا به صورت خود به خودی در آن‌ها ایجاد شده است)؟

در پاسخ به این سؤال با مراجعه به تعریف استعداد برتر در سند - «صاحب استعداد برتر به فردی اطلاق می‌شود که با توجه ویژگی‌های ذاتی خود امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست» - این نکته فهمیده می‌شود که سند به صراحت وجود ویژگی‌های ذاتی - غیراقتسابی - در فرد استعداد برتر را عامل امکان رسیدن او به مرحله نخبگی می‌داند. همچنین در قسمت اصول اساسی حاکم در این عبارت «دارا بودن استعداد درخشان و توانمندی‌های ذاتی ویژه، نعمت‌هایی تعهدآور هستند نه مزیت‌هایی توقع‌آفرین» دوباره بر غیراقتسابی بودن مفهوم استعداد برتر - به این معنا که فرد ویژگی استعداد برتر بودن را کسب نکرده‌است - تأکید می‌کند و دقیقاً به همین دلیل این ویژگی را تعهدآور می‌داند و نه توقع‌آفرین.

از طرف دیگر از تعریف نخبه در سند - «فعالیت‌های وی [فرد نخبه] بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود» - این گونه برداشت می‌شود که فرد نخبه هم دارای ویژگی‌های ذاتی و هم دارای ویژگی‌های اکتسابی است ولی در اسناد پشتیبان مفهوم استعداد برتر و نخبه در سند به شکل دیگری این موضوع توضیح داده شده است:

افرادی که [صرفاً] دارای استعداد درخشان یا خبرگی و تخصص در یک زمینه خاص باشند نیز... «افراد در مسیر نخبگی» [استعداد برتر] نامیده می‌شوند. ... بدین ترتیب

^۱ عنوان این راهبرد «تنوع‌بخشی در تعریف سطوح، حوزه‌های فعالیت‌های نخبگانی و روش‌های شناسایی آن‌ها» است.

در تعریف افراد در مسیر نخبگی، خبرگی و تخصص به عنوان شرطی مستقل از استعداد درخشان بودن است. ... [که] به معنای کاربرد دو معیار استعداد و توانمندی‌های ویژه از یک سو و تلاش، استمرار و اراده از سوی دیگر است. بر این اساس افراد فارغ از معیارهای تعریف و شناسایی استعداد درخشان، به واسطه تلاش و اراده نیز می‌توانند وارد گستره تعریف نخبگی شوند.

در نتیجه موضوع گیری سند در قبال این محور این گونه است که در برخی افراد ویژگی‌های غیراكتسابی آن‌ها و در برخی دیگر ویژگی‌های اکتسابی‌شان موجب می‌شود تا مستعد نخبگی [استعداد برتر] شوند. (ب) آیا همه انسان‌ها قابلیت استعداد برتر شدن را دارند یا خیر؟

موضوع گیری سند نسبت به این سؤال صریح نیست ولی با مباحثی که در قسمت الف مطرح شد اگر این فرض را بپذیریم که همه این قابلیت را دارند که به قدری تلاش و اراده کنند که بتوانند صرفاً به واسطه تلاش و اراده خود وارد گستره تعریف نخبگی شوند، جواب سؤال مثبت است. البته پذیرش این فرض کار آسانی به نظر نمی‌رسد.

۸. مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر

سند در قسمت «موضوع‌های اساسی در زمینه اجتماع نخبگانی» ذیل مسئله تعریف اجتماعات نخبگانی به این نکته اشاره دارد که دو نوع تعریف از استعداد برتر، نخبه و فعالیت نخبگانی می‌توان ارائه داد یا به عبارت دیگر، با استفاده از دو نوع از شایستگی‌ها و مشخصه‌ها می‌توان استعداد برتر، نخبه و فعالیت نخبگانی را تعریف کرد. این دو نوع عبارتند از: (۱) تعریف مبتنی بر مشخصه‌های روانی - شخصیتی فردی و (۲) تعریف منبعث از فعالیت نخبگانی یا به عبارت دیگر تعریف بر اساس مشخصه‌های کارکردی. در ادامه این بحث نیز تلویحاً تعریف نوع دوم به عنوان رویکرد سند به مفهوم نخبه معرفی می‌شود. برای بررسی درستی این ادعا باید به سراغ ویژگی‌های ذکر شده برای استعداد برتر و نخبه در سند رفت و مشخصه‌های ذکر شده برای این دو مفهوم را برشمرد.

سند در قسمت تعاریف مفاهیم مرتبط با نخبگی در تعریف فرد استعداد برتر، هیچ مشخصه‌ای برای او ذکر نمی‌کند و تنها به این نکته اشاره می‌کند که او «امکان رسیدن به مرحله نخبگی را داراست». همچنین سند این تعریف را از فرد نخبه ارائه می‌دهد: «نخبه به فردی برجسته و کارآمد اطلاق می‌شود که در خلق و گسترش علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور در چارچوب ارزش‌های اسلامی اثرگذاری بارز داشته باشد و همچنین فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود». از این تعریف می‌توان مشخصه‌ها و شایستگی‌های زیر را برای فرد نخبه استخراج کرد:

- (۱) برجستگی
- (۲) کارآمدی
- (۳) اثرگذاری بارز در [حداقل یکی از] حوزه‌های علم، فناوری، هنر، ادب، فرهنگ و مدیریت کشور
- (۴) هوش
- (۵) خلاقیت
- (۶) انگیزه
- (۷) توانمندی‌های ذاتی
- (۸) خبرگی
- (۹) تخصص
- (۱۰) توانمندی‌های اکتسابی
- (۱۱) سرعت بخشیدن به پیشرفت کشور

در قسمت مقدمه سند نیز نخبگان این گونه توصیف شده‌اند :

(۱۲) پیش‌قراولان پیشرفت و کمال

(۱۳) شکل دهنده، جهت دهنده و سازنده جامعه

(۱۴) برآورنده نیازهای کشور

(۱۵) ژرف نگر

(۱۶) خلق کننده

(۱۷) گشاینده باب‌های جدید

(۱۸) رونده راه‌های نو

همچنین در قسمت اصول اساسی حاکم بر سند این دو ویژگی برای نخبگان ذکر شده است:

(۱۹) قابلیت حل مسائل کشور

(۲۰) پیشبرد اهداف کشور

البته باید توجه داشت که این ۲۰ ویژگی لزوماً مستقل از هم نیستند و برخی حتی صرفاً بیان دیگری از همدیگر هستند. به نظر می‌رسد برخی از این ویژگی‌ها مانند موارد ۴، ۵، ۶ و ۱۵ جزو مشخصه‌های روانی - شخصیتی و برخی دیگر مانند موارد ۳، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۲۰ از مشخصه‌های کارکردی هستند. بنابراین سند هم ویژگی‌های روانی - شخصیتی و هم ویژگی‌های کارکردی را توأمان برای تعریف نخبه در نظر داشته است ولی تعداد تکرار ویژگی‌های نوع دوم در سند بسیار پررنگ‌تر است. همچنین در این

ویژگی‌ها هم ویژگی‌های ذهنی مانند هوش و خلاقیت و هم ویژگی‌های شخصیتی مانند انگیزه وجود دارد.

همانطور که گفته شد تمام این ویژگی‌ها برای فرد نخبه ذکر شده به هیچ وجه معلوم نیست فرد مستعد نخبگی یا همان استعداد برتر چه مشخصه‌ها و شایستگی‌هایی دارد که او را مستعد نخبه شدن می‌کند. در سند پشتیبان مفاهیم استعداد برتر و نخبه (ناظمی، ۱۳۹۰، الف) مشخصه‌های فرد نخبه و استعداد برتر بدین شکل بیان شده‌اند: «نخبه کسی است که از [هر] سه ویژگی (۱) استعداد درخشان، (۲) خبرگی و تخصص در یک زمینه حرفه‌ای و (۳) تأثیرگذاری بر جامعه تخصصی خود یا کل جامعه، برخوردار باشد.» همچنین، «افرادی که [صرفاً] دارای [ویژگی] استعداد درخشان یا خبرگی و تخصص در یک زمینه خاص باشند، افراد در مسیر نخبگی [استعداد برتر] نامیده می‌شوند». از این عبارت این‌گونه می‌توان برداشت کرد که فرد استعداد برتر به واسطه برخورداری از استعداد درخشان - که هوش و خلاقیت در همان سند پشتیبان جزو مؤلفه‌های آن دانسته شده‌اند - یا به واسطه کسب خبرگی می‌تواند مستعد نخبه شدن گردد. همچنین این سند در این باره توضیح می‌دهد که «مستقل بودن استعداد درخشان از خبرگی در تعریف افراد در مسیر نخبگی به معنای کاربرد دو معیار استعداد و توانمندی‌های ویژه از یک سو و تلاش، استمرار و اراده از سوی دیگر است. بر این اساس افراد فارغ از معیارهای تعریف و شناسایی استعداد درخشان، به واسطه تلاش و اراده نیز می‌توانند وارد گستره تعریف نخبگی شوند». البته این تعریف نیز به اندازه کافی دقیق نیست و مشخص نیست که منظور از هوش - که مناقشات فراوانی پیرامون آن وجود دارد - چیست؟ تا بتوان مفهوم برخورداری از استعداد درخشان را به شکل دقیق‌تری متوجه شد همچنین حدی از خبرگی و تخصص که فرد در یک زمینه خاص باید داشته باشد تا استعداد برتر محسوب شود مشخص نیست.

۹. مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط

از آنجایی فرد استعداد برتر در سند همان فرد مستعد نخبگی است و نخبه کسی است که اثرگذاری محسوس بر پیشرفت کشور [ایران] دارد و این موضوع که با توجه به شرایط اثرگذاری محسوس بر پیشرفت در هر کشوری متفاوت است شاید بتوان تلویحاً این برداشت را کرد تعریف استعداد برتر از سند تعریفی وابسته به شرایط است. البته جدای از این برداشت تلویحی، سند در قسمت «موضوع‌های اساسی در زمینه اجتماع نخبگانی» تصریح می‌کند که «بر اساس رویکرد این سند، نخبگی مفهومی پویا و وابسته به شرایط محیطی است».

۱۰. ملاک محور یا هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر

نگاه سند در این محور کاملاً مبهم است از طرفی به نظر می‌رسد که هر کس بتواند اثرگذاری بارز در پیشرفت داشته باشد نخبه است که در نگاه اول به معنی ملاک محور بودن این مفهوم است ولی از طرف

دیگر لفظ «بارز» می‌تواند مفهومی هنجار محور باشد. هیچ نشانه دیگری نیز در سند دالّ بر ملاک محور یا هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر وجود ندارد.

۱۱. میزان شیوع مفهوم استعداد برتر

در قسمت قبل گفته شد که در نظریات گوناگون درصد افراد تیزهوش بین ۱ تا ۲۰ درصد بیان شده است. سند درصدی در این زمینه ارائه نمی‌دهد و از آنجایی یک سند راهبردی و نه عملیاتی شاید انتظار دادن درصد هم از آن وجود ندارد ولی به نکته اشاره می‌کند تمرکز بر «خوب فراگیر» در مقابل «عالی محدود» از رویکردهای اصلی سند است. این رویکرد به معنی آن است که درصد بالایی از افراد در نظر سند استعداد برتر محسوب می‌شوند.

فصل چهارم:

**تحلیل مفهوم «استعداد برتر» در انگاره معلمان مرکز ملی
پرورش استعدادهای درخشان و تطبیق آن با سند راهبردی
کشور در امور نخبگان**

در این فصل قرار است به سؤالات دوم و سوم پژوهش - « مفهوم استعداد برتر» در انگاره‌ی معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» چگونه است؟» و « نسبت میان مفهوم استعداد برتر» در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و انگاره معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» چیست؟» - پاسخ داده شود. در بخش اول به سؤال اول و در بخش دوم به سؤال دوم پاسخ داده خواهد شد.

بخش اول: تحلیل مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان مرکز ملی

پرورش استعدادهای درخشان

در این قسمت به این سؤال که «مفهوم استعداد برتر از در سند راهبردی کشور در امور نخبگان چگونه تبیین شده است؟» پاسخ داده می‌شود. پاسخگویی به این سؤال در چهار گام به شرح زیر انجام گرفته است.

گام اول: طراحی سؤالاتی^۱ با استفاده از محورهایی که در فصل قبل پیرامون مفهوم استعداد برتر استخراج شد.

گام دوم: انتخاب تعدادی از معلمان مدارس تحت پوشش «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» در اجرای این گام ابتدا لیستی مشتمل بر ۴۰ نفر از معلمانی که سابقه بیش از دو سال تدریس در مدارس استعدادهای درخشان داشتند و امکان دسترسی به آنها برای مصاحبه وجود داشت تهیه شد. سپس تلاش شد از میان افراد این لیست ۱۲ معلم به شکلی انتخاب شوند که در معیارهای سن، موضوع تدریس، مقطع تدریس، جنسیت، رسمی یا حق‌التدریس بودن، مناطق تدریس و سابقه تدریس، پراکندگی قابل قبولی وجود داشته باشد.

گام سوم: انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با هر از معلمان انتخاب شده و با محوریت سؤالات طراحی شده.

گام چهارم: استفاده از روش تحلیل مضمون قیاسی بر روی متن مصاحبه‌ها و بررسی مواضع معلمان بر اساس هر یک از محورهای مناقشه مفهوم استعداد برتر که در فصل قبل مطرح شد.

در ادامه انگاره معلمان ذیل هر یک از محورها ارائه خواهد شد.^۲

^۱ این سؤالات در پیوست ۲ آمده است.

^۲ ترتیب این قسمت به علت این که به ترتیب سؤالات از معلمان است با قسمت‌های قبل متفاوت است. همچنین به علت این که دو محور «تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر» و «ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر» به علت آن که در سند به آن پرداخته نشده است در سؤالات وجود ندارد.

۱. واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر

پیرامون این محور از معلمان پرسیده شد که «آیا دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟».

پاسخ معلمان به این سوال متفق القول «بله، قطعاً این تفاوت وجود دارد.» بود که نشان می‌دهد این معلمان همگی مفهوم «استعداد برتر» را مفهومی واقعی می‌دانند. حتی از لحن اکثر معلمان در حین پاسخگویی به این سوال می‌شد فهمید که این مسئله به قدری در ذهنشان بدیهی است که از پرسیده شدن این سوال تعجب کرده‌اند.

معلم شماره ۱۲ در ادامه جواب خود اذعان داشت که تفاوت میان دانش‌آموزان به قدری است که «بتوان گفت کار کردن در مدرسه‌ای بخاطر جنس دانش‌آموزانش سخت یا آسان است» که به اشاره محسوس بودن و واقعی بودن این تفاوت دارد. معلم شماره ۲ نیز اینگونه پاسخ خود را تکمیل کرد «من اعتقاد دارم که همه‌ی انسان‌ها استعداد دارند (هر کسی در یک زمینه‌ای) ولی بعضی آدم‌ها استعداد ویژه دارند.» که در واقع به این نکته اشاره دارد که پذیرش بااستعداد بودن همه انسان‌ها موجب عدم پذیرش مفهوم «استعداد برتر» نمی‌شود.

برخی از معلمان نیز در ادامه پاسخ این سوال به نکاتی اشاره می‌کردند که غالباً مرتبط با دیگر محورهای مناقشه در مفهوم استعداد برتر بود به طور مثال معلم شماره ۱ پس بیان این جمله که «از نظر بنده دانش‌آموزان با هم تفاوت دارند» بلافاصله این موضوع را مطرح کرد که «نیاز هست که این دانش‌آموزان در محیطی جدا بر رویشان کار شود ... چون واقعاً سطحشان با دیگران فرق دارد و حیف می‌شوند» که این بحث مرتبط با محور مطلوبیت یا عدم مطلوبیت توجه به استعدادهای برتر است. در مثالی دیگر معلمان شماره ۱، ۳ و ۹ پس از تایید واقعی بودن مفهوم استعداد برتر به تعداد بسیار کم این افراد حتی در مدارس استعدادهای درخشان اشاره کردند که به محور شیوع مفهوم استعداد برتر مربوط است. به اینگونه مباحث که ذیل پاسخ به این سوال توسط معلمان مطرح شد ولی مرتبط با قسمت‌های دیگر است در محور مربوط به آن پرداخته خواهد شد.

۲. امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر

پیرامون این محور از معلمان پرسیده شد که «این دانش‌آموزان تا چه حد و به چه شکل^۱ قابل شناسایی هستند؟».

تمام معلمان بدون استثنا -مانند سؤال اول- قاطعانه اعتقاد داشتند که این دانش‌آموزان قابل شناسایی هستند. همچنین اکثراً بهترین روش شناسایی را تعامل مستقیم با آن‌ها در یک کار پژوهشی یا حتی

^۱ عبارت «به چه شکل» صرفاً برای ملموس‌تر شدن سوال و بالا رفتن دقت پاسخ‌ها در سوال کنجانده شده است و بررسی آن به صورت جداگانه جزئی از اهداف این پژوهش نیست.

در تدریس به آن‌ها می‌دانستند و بیان می‌کردند که در تدریس‌هایی که انجام داده‌اند به راحتی می‌توانستند دانش‌آموزان استعداد برتر را از دیگر دانش‌آموزان تشخیص دهند. به طور مثال معلم شماره ۱۱ در این باره گفت: «معلم وقتی وارد کلاس می‌شود طبق تجربه‌ای که دارد، متوجه می‌شود که استعداد برخی از بچه‌ها جور خاصی است». نظر معلم شماره ۲ نیز در این باره اینگونه است: «یک معلم وقتی مدتی با دانش‌آموزی کار می‌کند متوجه می‌شود که تیزهوش است یا خیر». همچنین نظر معلم شماره ۱ در این باره بدین شکل است: «فراهم کردن محیطی تعاملی در کنار دیگر دانش‌آموزانی که این ویژگی را دارند به نظرم نشان می‌دهد که این آدم استعداد خاصی دارد یا نه. مخصوصاً در انجام کار تیمی این افراد خیلی بهتر نمایان می‌شوند».

در میان معلمان معلم شماره ۸ نظر نسبتاً متفاوتی پیرامون روش شناسایی داشت. که البته از نگاه متفاوت این معلم به مفهوم استعداد برتر و تیزهوش نشات می‌گیرد. ایشان کسی را تیزهوش می‌دانند که در یک موضوع خاص مانند ریاضی یا آهنگری توانایی بالایی نسبت به دیگران داشته باشد. به همین خاطر روش پیشنهادی ایشان برای شناسایی افراد تیزهوش وجود یک روانشناس-چیزی شبیه به پزشک خانواده- در کنار افراد از زمان کودکی است که می‌تواند باعث رفع مشکلات و کشف استعدادهای افراد شود.

البته موضع معلمان پیرامون این محور -که اعتقاد به امکان شناسایی افراد استعداد برتر بود- از نوع پاسخ به دیگر محورها از جمله مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن^۱ نیز قابل تشخیص بود. به طور مثال وقتی معلمی توجه به استعدادهای برتر را مطلوب می‌داند و پیرامون آن بحث می‌کند نمی‌تواند به عدم امکان شناسایی استعدادهای برتر اعتقاد داشته باشد.

۳. مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن

سؤالی که ذیل این محور پرسیده شد آن بود که «آیا باید به این دانش‌آموزان -از حیث استعداد برتر بودنشان- توجه ویژه‌ای کرد^۱ یا خیر؟ به چه دلیلی؟».

در پاسخ به این سؤال نیز تمام معلمان قاطعانه پاسخ آری دادند ولی علتی که برای آن ذکر می‌کردند تا حدودی متفاوت بود که این تفاوت می‌تواند منجر به رویکردهای متفاوتی نسبت به مفهوم استعداد برتر شود. برای درک بهتر عللی که معلمان برای توجه به استعدادهای برتر ذکر کردند در جدول زیر تمام گزاره‌های کلیدی معلمان پیرامون این موضوع و مضمون استخراج شده از آن آمده است.

^۱ همچنین تأکید می‌شد که منظور از «توجه ویژه» صرفاً جدا کردن این دانش‌آموزان از دیگر دانش‌آموزان نیست.

جدول ۴- نظرات معلمان پیرامون علل مطلوبیت توجه به استعداد‌های برتر

معلم مصاحبه شونده	گزاره کلیدی مطرح شده توسط معلم	مضمون استخراج شده
معلم شماره ۱	این افراد به خاطر پتانسیل بالایی که دارند معمولاً مطالب یک درس را که مثلاً یک ساعت نیاز است تا به دانش‌آموزان عادی درس داده شود، در پنج دقیقه اول کلاس متوجه می‌شوند و به دنبال یادگیری مطالب بیشتر و عمیق‌تری هستند به همین دلیل کلاس برایشان خسته‌کننده می‌شود.	اذیت نشدن این افراد
	طبیعی است چون پتانسیل این افراد متفاوت [بالا] است باید به آن‌ها اطلاعات متفاوت داد و با آن‌ها متفاوت رفتار شود و متفاوت از آن‌ها [عملکرد یا وظیفه] خواسته شود. وگرنه عمر دانش‌آموز هدر می‌رود و پتانسیل و استعداد خدادادی آن‌ها هدر می‌رود. در این افراد استعداد هست و وظیفه آموزش و پرورش زمینه‌سازی برای بروز این استعدادهاست.	هدر نرفتن استعداد‌های این افراد
معلم شماره ۲	در دنیا آن گونه که مشاهده می‌شود اکثر بزهکاری‌ها و دزدی‌های بزرگ جهان را افراد باهوش انجام دادند. اگر این استعداد در مسیر درست قرار نگیرد نتیجه‌ی منفی خواهد داشت.	تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش
	دانش‌آموز تیزهوش از سطح کتاب درسی فراتر است. نمونه‌ای را می‌شناسم که پایه نهم است ولی مسلط به کل ریاضیات دبیرستان می‌باشد. اگر برای این شخص کار ویژه‌ای تعریف نشود به هدر می‌رود.	هدر نرفتن استعداد‌های این افراد
معلم شماره ۳	همانطور که در کشاورزی اگر یک قطعه زمین از باقی قطعه‌ها راحت‌تر و بهتر محصول خاصی را پرورش دهد روی آن بیشتر سرمایه‌گذاری می‌کنیم باید بر روی انسان‌های استعداد برتر نیز سرمایه‌گذاری ویژه کرد و در رشته‌های خاصی با برنامه ویژه این افراد را پرورش داد تا بعداً از قبل این‌ها به بهره‌وری بالا و استفاده کلان در کشور دست یافت.	تسریع پیشرفت کشور
معلم شماره ۴	از منظر عدالت نیز، کسی که دارای استعداد ویژه‌ای است، توجه بیشتری می‌طلبد.	عدالت آموزشی
	از طرفی شکوفایی و رشد استعداد این دسته از دانش‌آموزان در پیشرفت کشور در آینده نقش بسزایی دارد.	تسریع پیشرفت کشور
معلم شماره ۵	به نظر من فرد تیزهوش سرمایه است و باید به پرورش و رشد آن کمک کنیم وگرنه هرز می‌رود. (این کار اسراف است).	هدر نرفتن استعداد‌های این افراد
	یا آن کسی که نباید [دشمن] از آن‌ها استفاده آن را می‌برد.	استفاده دشمن ما از سرمایه ما
	علمای دینی بزرگ نیز برای شاگردان مختلف خود وقت متفاوتی می‌گذاشتند و در کنار شاگردان عادی خود، شاگردان خاص نیز داشتند.	مشای علمای بزرگ دینی اینگونه بوده

معلم مصاحبه شونده	گزاره کلیدی مطرح شده توسط معلم	مضمون استخراج شده	
معلم شماره ۶	اگر ما بخواهیم در آینده نخبه‌های کارآمد و مفیدی در کشور تربیت داشته باشیم باید از نوجوانی و حتی کودکی افکار و ذهن آن‌ها را هدایت کنیم و اجازه ندهیم به سمت و سوی دیگری برود (مثلاً دانش آموز باهوشی در این مدرسه داریم که از هوش خود برای از زیر کار در رفتن و بی‌انضباطی کردن استفاده می‌کند) در صورتی که اگر این‌ها به سمت درستی هدایت شوند می‌توانند برای کشور مثر مثر باشند و کشور بهتری داشته باشیم.	تسریع پیشرفت کشور	
		تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش (تلویحاً)	
معلم شماره ۷	آموزش و پرورش وظیفه دارد خوراک مورد نیاز هر دسته از دانش‌آموزان را تأمین کند. کودکان عقب مانده ذهنی را با توجه نیازش، نابینایان را با توجه به نیازشان، معمولی را به شکل خود و تیزهوشان را به شکل خود. به نظرم کسی که جای پیشرفت دارد باید خوراک لازمش را تأمین کنند.	عدالت آموزشی (نیازهای خاص)	
معلم شماره ۸	اگر به این افراد توجه نشود باعث می‌شود استعدادهایی که دارند شکوفا نشود.	هدر رفتن استعدادهای این افراد	
		شما دو فرد را در نظر بگیرید که یکی ۲۰ کیلو د دیگری ۵۰ کیلو گرم وزن دارد. مسلماً این دو به یک اندازه غذا نمی‌خورند و اگر به اندازه فرد ۲۰ کیلویی غذا در اختیارشان بگذارید فرد دیگر گرسنه می‌ماند. افراد تیزهوش هم همین طور هستند باید آن‌ها را تغذیه کرد. تا استعدادشان شکوفا شود.	عدالت آموزشی
		این افراد به جهت بهتر بودن درسشان معمولاً لیدر هستند. و اگر این لیدر ها جهت دهی شوند و برنامه مدون برایشان ریخته شود، دیگر هوششان سیاه نمی‌شود. و به جهت مثبت هدایت می‌شوند.	تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش
معلم شماره ۹	به نظر من قرار دادن امکانات خاص مانند مدارس تیزهوشان [برای این افراد] باعث می‌شود این افراد استعدادشان را بروز دهند.	تسریع پیشرفت کشور	
		هدر رفتن استعدادهای این افراد	
معلم شماره ۱۰	اگر برای خدمت به کشور خودمان از لحاظ آموزشی، تربیتی و اعتقادی تربیت شوند و هدف این باشد، توجه و امکانات ویژه قرار دادن برای این دانش آموزان کار بسیار خوبی است.	تسریع پیشرفت کشور	
معلم شماره ۱۱	افراد تیزهوش باید شناخته بشوند و به طور خاص برای آن‌ها این امکانات فراهم شود. اگر این گونه نشود، هدر می‌روند.	هدر رفتن استعدادهای این افراد	

مضمون استخراج شده	گزاره کلیدی مطرح شده توسط معلم	معلم مصاحبه شونده
عدالت آموزشی (کودکان استثنایی)	دانش آموز تیزهوش چند ویژگی دارد یکی اش این است که شخصیت رهبر دارد، بسیار کمال طلب‌اند و خب قاعدتا باید شرایطی برایش فراهم شود که ویژه هم آموزش ببیند. به طور مثال اگر می‌تواند چیزی اختراع کند پس باید امکاناتش را به وی بدهند. عدالت آموزشی می‌گوید اگر این بچه این توانایی را دارد ما هم باید اجازه رشد را به وی بدهیم. در همین نقطه دو سیاست کلی شکل می‌گیرد. اولی می‌گوید برای اینکه این بچه بتواند خوب رشد کند باید در کنار بقیه باشد بنابراین من کلاسهایی می‌سازم مشتمل بر این دانش‌آموز و دانش‌آموزان معمولی تر و اینها هر کدام به هم کمک می‌کنند و این باعث می‌شود که این بچه تیزهوش رشد کند؛ چون اینجاست که می‌تواند جلوی دیگران رهبر باشد و شاخص باشد. این سیاست نیاز به معلمانی دارد که بدانند که هر دانش‌آموزی یک خصلتی دارد و بتواند هر کدام را رشد بدهد. بعضی از جوامع پتانسیل لازم برای این شیوه ندارند. این همه نیروی متخصص که بتواند با این دانش‌آموز خاص ، مثلا یک نمونه اش دانش‌آموز پیش فعال است، درست برخورد کند، را ندارد. لذا این جوامع می‌روند سراغ اینکه مدارس خاص طراحی می‌کنند که دانش‌آموزی که حالت خاص است، زیاده‌تر می‌فهمد، زیاده‌تر سوال می‌کند، بیش فعال است ... جدا می‌کند. نه برای بقیه بد هستند بلکه برای اینکه آن کلاس از کیفیت نیفتد و هم اینکه این بچه‌ها سر کلاس حرام نشوند. در واقع اصلا کودکان تیزهوش نوعی از کودکان استثنایی‌اند. دانش‌آموزی که به توجه بیشتری احتیاج دارند و اگر دانش‌آموزی نیاز خاص دارد عین بی عدالتی این است که در مدرسه معمولی با بچه‌های دیگر باشد و معلمی داشته باشد که توانایی برخورد با وی را ندارد.	معلم شماره ۱۲
عدم اختلال در سیستم آموزشی		
هدر رفتن استعداد‌های این افراد		
تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش	من یک دانش‌آموز [تیزهوش] داشتم که خیلی پرخاشگر بود و هر قانونی را برعکس انجام می‌داد. در واقع این دانش‌آموزی بود به شدت به توجه احتیاج داشت. بسیار عاطفی و حساس و مهربان بود. حالا وظیفه این مدارس این است به این دانش‌آموز توجه کند به جای اینکه وی را تبدیل به یک بزه‌کار اجتماعی کند. این مدارا کردن و برخورد درست باعث می‌شود که این بچه یاد بگیرد راهی به جز پرخاشگری هم است و این باعث تغییر او می‌شود. در واقع ما می‌توانیم با رفتار غلط خود یک انسان بسیار توانمند را تبدیل به یک بزه‌کار اجتماعی کنیم.	

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود معلمان علل زیر را برای مطلوب دانستن توجه به مفهوم استعداد برتر مطرح کرده‌اند.

I. تحقق عدالت آموزشی و هدر نرفتن استعدادهای این افراد: تعدادی از معلمان به این موضوع اشاره کردند که چون دانش‌آموزان تیزهوش دارای پتانسیل و استعداد بالایی هستند اگر به آن‌ها توجه ویژه نشود استعدادشان شکوفا نمی‌شود و این استعداد به هدر می‌رود. حتی یکی از معلمان عبارت «اسراف شدن» و یکی دیگر از معلمان عبارت «حرام شدن» را نیز در این باره به کار برد. در همین راستا برخی از معلمان اعتقاد داشتند که عدالت حکم می‌کند چون پتانسیل این افراد بالاتر از دیگران است باید تحت آموزش و پرورش سطح بالاتری قرار گیرند و همچنین از آن‌ها عملکرد و وظیفه سطح بالاتری خواسته شود. یکی از معلمان در جهت ملموس‌تر نشان دادن مفهوم عدالت در اینجا این مثال را مطرح کرد: «شما دو فرد را در نظر بگیرید که یکی ۲۰ کیلوگرم و دیگری ۵۰ کیلوگرم وزن دارد. مسلماً این دو به یک اندازه غذا نمی‌خورند و اگر به اندازه فرد ۲۰ کیلویی غذا در اختیارشان بگذارید فرد دیگر گرسنه می‌ماند. افراد تیزهوش هم همین‌طور هستند باید آن‌ها را تغذیه کرد. تا استعدادشان شکوفا شود». همچنین برخی از معلمان برای رساندن بهتر این منظور که عدالت حکم می‌کند با این دانش‌آموزان متفاوت رفتار شود به موضوع دانش‌آموزان استثنایی یا دانش‌آموزان با نیازهای خاص مانند نابینایان و عقب‌ماندگان ذهنی اشاره داشتند. این معلمان معتقد بودند همانطور که قرار دادن یک فرد نابینا یا عقب‌افتاده ذهنی در کنار افراد معمولی در شرایطی که معلم قادر به پاسخگویی به نیاز خاص این افراد نیست عین بی‌عدالتی است. قرار دادن یک دانش‌آموز تیزهوش نیز در چنین وضعیتی به همان میزان بی‌عدالتی محسوب می‌شود. حتی یکی از معلمان به این نکته اشاره کرد که در جهان دانش‌آموزان تیزهوش نیز جزو دسته دانش‌آموزان استثنایی یا دانش‌آموزان با نیازهای خاص به حساب می‌آیند.

II. تسریع پیشرفت کشور: برخی معلمان اذعان داشتند که توجه به دانش‌آموزان تیزهوش و برنامه ریزی در جهت رشد و شکوفایی این افراد نقش بسزایی در پیشرفت کشور در آینده دارد. زیرا این افراد نخبگان آینده جامعه ما و لیدرهای دیگران هستند و اگر ما بخواهیم در آینده نخبه‌های کارآمد و مفیدی در کشور داشته باشیم باید از نوجوانی و حتی کودکی این افراد را با هدف خدمت به کشور از لحاظ آموزشی، پرورشی و اعتقادی تربیت کنیم.

III. تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش و استفاده نکردن دشمن از آن‌ها: تعدادی از معلمان از زوایه متفاوتی نیز به موضوع نگاه کرده بودند که به اصلاح به آن نگاه سلبی گفته می‌شود. در این زاویه نگاه این موضوع را مطرح کردند که این افراد به دلیل قابلیت‌ها و هوش بالایی که دارند اگر در مسیر درستی قرار نگیرند ممکن است به بزهکاران باهوشی تبدیل شوند و خسارت‌های سنگینی به جامعه وارد آورند. یکی از معلمان در این باره به این نکته اشاره کرد

که حتی گاهی اوقات در دوران مدرسه دیده می‌شود که این افراد از هوش بالای خود برای از زیر کار در رفتن و آزار دادن معلمان و کادر مدرسه استفاده می‌کنند. مشکل دیگری که با این زاویه نگاه مطرح شد آن بود که ممکن است اگر ما به این افراد که سرمایه‌های ما هستند توجه نکنیم، ممکن است دشمن ما از سرمایه‌های ما استفاده کند.

IV. اذیت نشدن این افراد و عدم اختلال در سیستم آموزشی: دو دلیل دیگر نیز در علت توجه به دانش آموزان استعداد برتر توسط معلمان مطرح شد که بی‌ارتباط با یکدیگر نبودند. یکی اینکه وجود افراد تیزهوش در کلاس‌های عادی موجب خسته شدن این افراد و اذیت شدن آن‌ها می‌شود. زیرا این افراد به خاطر پتانسیل بالایی که دارند معمولاً مطالب یک درس را که مثلاً یک ساعت نیاز است تا به دانش آموزان عادی درس داده شود، در پنج دقیقه اول کلاس متوجه می‌شوند و به دنبال یادگیری مطالب بیشتر و عمیق‌تری هستند. دلیل دوم نیز آن است که ممکن است حضور این گونه دانش آموزان در یک کلاس عادی که معلم آن از توانمندی‌های ویژه‌ای برخوردار نیست به دلیل ویژگی‌های خاصی که بسیاری از این افراد دارند ممکن است موجب اختلال در کلاس شود.^۱

یکی از معلمان^۲ نیز در کنار تایید توجه ویژه به دانش آموزان استعداد برتر بدین شکل به یکی از آثار علمکرد غلط در این جهت اشاره کرد: «توجه ویژه به این دانش آموزان ممکن است به شکلی باشد که استعدادشان را شناسایی کرده در بهترین دانشگاه‌ها درس بخوانند و در المپیادها مقام بیاورند و در آخر این کار باعث شناسایی آسان‌تر برای کشورهای خارجی شده و آن‌ها را جذب بکنند، که من با این نوع از توجه مخالفم.»

هر چند این پژوهش یک پژوهش کمی نیست ولی شمارش اشاره معلمان مختلف به هر یک از علل مطرح شده خالی از لطف نیست و تا حدی نشان دهنده نگاه غالب در میان معلمان است.

جدول ۵- تعداد تکرار هر یک از علل مطلوبیت توجه به استعدادهای برتر در نظرات معلمان

تعداد معلمانی که به آن اشاره کرده‌اند	علت مطرح شده
۹ نفر	تحقق عدالت آموزشی و هدر نرفتن استعدادهای این افراد
۵ نفر	تسریع پیشرفت کشور
۵ نفر	تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش و استفاده نکردن دشمن از این افراد
۲ نفر	اذیت نشدن این افراد و عدم اختلال در نظام آموزشی

^۱ به طور مثال برخی از دانش آموزان تیزهوش با سوال‌های فراوان و فراتر از درس، هم معلم را به چالش می‌کشند و هم زمان آموزشی زیادی را به خود اختصاص می‌دهند. در برخی موارد هم دیده شده که به خاطر اینکه این افراد از حوصله شنیدن مطالب بدیهی را ندارند اقدام به شلوغ‌کاری و برهم زدن کلاس می‌کنند.

^۲ معلم شماره ۱۰

۴. مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر

سؤالی که ذیل این محور از معلمان مطرح شد این بود که «این دانش‌آموزان از چه نظر با دیگر دانش‌آموزان اختلاف دارند؟» در واقع در این سؤال هدف یافتن مشخصه‌های اصلی مفهوم استعداد برتر در نگاه معلمان بود. گزاره‌های کلیدی و مهمی که در پاسخ‌های معلمان به این سؤال بود در جدول زیر آمده است.^۱

جدول ۶- نظرات معلمان پیرامون مشخصه‌های استعداد برتر

مضمون استخراج شده	گزاره کلیدی مطرح شده توسط معلم	مصاحبه شونده
یادگیری و درک قوی‌تر	مطلب را نگفته متوجه می‌شوند، قدرت یادگیری سریعتری دارند و می‌توانند حجم بیشتری را در سطح عمیق‌تر یاد بگیرند. به طور مثال یک ساعت کلاسی که شما نیاز دارید تا دانش‌آموزان عادی مطلبی را یاد بگیرند، این افراد تیزهوش در پنج دقیقه اول یاد می‌گیرند.	معلم شماره ۱
علاقه به یادگیری	شور و اشتیاق برای یادگیری بیشتر دارند.	
حس کنجکاوی	حس کنجکاوی بالا دارند.	
قدرت تحلیل	قدرت تحلیل بر روی مسائل دارند.	
نگاه متفاوت و خلاقیت	پدیده‌های اطراف متفاوت می‌بینند و راه‌حل متفاوت نسبت به اکثریت انسان‌ها برای مسائل می‌دهند. (خلاقیت)	
علاقه به کارهای جدید	علاقه به کارهای جدید و غیر روتین و ساختار شکنی دارند.	
یادگیری و درک قوی‌تر	هوش سرشار (به معنای IQ) یعنی قدرت یادگیری بالا دارند. یعنی یک مطلب را دفعه اول متوجه می‌شوند. سرعت و قدرت یادگیری دانش‌آموزان تیزهوشان به مراتب بیشتر از بقیه است. از سطح کتاب درسی فراتر هستند. (نمونه‌ای را می‌شناسم که پایه نهم است ولی مسلط به کل ریاضیات دبیرستان می‌باشد).	معلم شماره ۲
قدرت پیش‌بینی	قدرت پیش‌بینی دارند.	
انرژی زیاد	انرژی خیلی زیادی دارند.	

^۱ برخی از معلم‌ها در پاسخ به این سؤال عنصر هوش بالا را مطرح می‌کردند که به علت مبهم بودن این مفهوم از آن‌ها خواسته می‌شد تا مؤلفه‌های هوش بالا را بیان کنند.

مضمون استخراج شده	گزاره کلیدی مطرح شده توسط معلم	مصاحبه شونده
روحیه پژوهشگری	شخصیت محقق گونه دارند.	معلم شماره ۳
یادگیری و درک قوی تر	درس نگفته کتاب را بلدند و کشش سخت ترین مطالب علمی را ما فکر می کنیم در وجود این ها هست.	
علاقه به یادگیری	خیلی فرا از کتاب می خواهند و اندیشه می کنند و در کلاس از نظر علمی اغنا نمی شوند و از یادگیری بسیار لذت می برند.	
پرسیدن سؤالات عمیق	دنبال پرسش و سؤال هستند و سؤالاتی بسیار فراتر از درس می پرسند	
نگاه متفاوت و خلاقیت	در بیان و نگاه به کتاب با دیگران متفاوت اند.	
برتری در اکثر زمینه ها مانند شعور اجتماعی (بجز هوش بدنی)	فارغ از جنبه های هوش بدنی؛ در اکثر زمینه ها با دیگر دانش آموزان تفاوت دارند [و بالاتر هستند]. حتی از نظر شعور اجتماعی بالاتر از هم سن و سال های خود هستند و دغدغه های متفاوتی از هم سن و سال های خود دارند.	معلم شماره ۴
یادگیری و درک قوی تر	گیرایی بالایی دارد. یعنی مطالب بیشتر را بهتر و سریعتر می توانند یاد بگیرد. (سرعت و کمیت و هم کیفیت)	
یادگیری و درک قوی تر	گیرایی بالاتری دارند. یعنی مطالب درسی را خیلی سریع فهمیده و درک می کنند. مثلاً وقتی که معلم دارد فکر می کند که چه کلماتی به کار ببرد تا همه ی دانش آموزان متوجه شوند فرد نخبه با همان کلمات اولیه مطلب را متوجه شده است.	معلم شماره ۵
انجام درست و دقیق کارها	با عرضه و با جرزه هستند. کاری که به آن ها سپرده می شود را می توانند انجام دهند و در بن بست نمی مانند زود خودش را نمی بازد.	
اعتماد به نفس بالا		
یادگیری و درک قوی تر	گیرایی بالا دارند، خیلی سریع و با کمترین توضیحات درس را درک می کنند.	معلم شماره ۶
رفتار هوشمندانه	هوشمندانه رفتار می کنند یعنی می داند چه کاری را کی و کجا انجام دهد (حتی در فوتبال یا در برخورد با کادر مدرسه).	
پرسیدن سؤالات عمیق	سؤال های متفاوتی و بسیار سطح بالایی می پرسد.	
علاقه به یادگیری	انگیزه و تلاش در یک زمینه ای را دارد و ذهن و درونش او را یاری می کند.	معلم شماره ۷
تلاش بالا	یعنی اگر به موضوعی علاقه مند است توانایی های آن کار را دارد و فقط آرزو نیست.	
یادگیری و درک قوی تر		
روحیه پژوهشگری	شخصیتی پژوهش گر و جستجوگری دارد.	
حافظه قوی	حافظه قوی دارند.	
قدرت تحلیل	قدرت تحلیل بالاتری دارند.	

مضمون استخراج شده	گزاره کلیدی مطرح شده توسط معلم	مصاحبه شونده
توانایی بالا در یک زمینه خاص	بعضی‌ها هوش و استعداد بالا دارند. یعنی در زمینه‌های مختلف جزئی و عمیق و دقیق نگاه می‌کنند (هوش یعنی توانایی بالا در یک زمینه خاص).	معلم شماره ۸
تلاش بالا	بعضی‌ها پرتلاش و با پشتکار بالا هستند. تلاش شاخصه‌ی بسیار مهمی است حتی مهم‌تر از هوش و استعداد.	
یادگیری و درک قوی‌تر	گیرایی درسی بالایی دارند و درس را سریع‌تر از دیگر افراد یاد می‌گیرند.	معلم شماره ۹
تلاش بالا	پشتکار بیشتری نسبت به دیگران دارند.	
روحیه پژوهشگری	بیشتر علاقه‌مند به کارهای آزمایشگاهی و عملی هستند.	
اهل ریسک کردن	اهل ریسک کردن هستند.	معلم شماره ۱۰
یادگیری و درک قوی‌تر	توانایی یادگیری بالاتری دارند. مثلاً یک مبحث مشترک که هم در مدرسه عادی و هم در مدرسه تیزهوشان بیان می‌شود، دانش آموزان مدرسه تیزهوشان خیلی بهتر مطلب را یاد می‌گیرند. (درک و فهم بالاتر)	
اطلاعات عمومی بالا	اطلاعات عمومی بالایی دارند.	
پرسیدن سؤالات عمیق	سؤالات خوبی می‌پرسند.	
یادگیری و درک قوی‌تر	درک بهتر و عمیق‌تری از موضوع دارند. درک آن‌ها از مسائل هم در عمق و هم در وسعت مسئله است.	معلم شماره ۱۱
نگاه متفاوت و خلاقیت	خلاقیت بالا دارند.	
انجام درست و دقیق کارها	کاری که به آن‌ها سپرده می‌شود را به خوبی و با اعتماد به نفس انجام می‌دهند و به جوانب آن دقیق فکر می‌کنند.	معلم شماره ۱۲
اعتماد به نفس بالا		
نگاه متفاوت و خلاقیت	خلاقیت دارند.	
شخصیت رهبر	قدرت رهبری و شخصیت رهبر دارد همچنین توانایی کمک به دیگران را دارند.	
کمال طلب	بسیار کمال طلب هستند و دوست دارد که در بهترین حالت ممکن باشد.	
علاقه به یادگیری	مشتاق یادگرفتن هستند.	

همانطور که در جدول دیده می‌شود معلمان به مشخصه‌های زیادی برای افراد استعداد برتر اشاره کرده‌اند که در ادامه مشخصه‌هایی که بیش از دوبار تکرار شدند هر یک به صورت جداگانه توضیح داده خواهد شد.

یادگیری و درک قوی‌تر (با ۱۰ تکرار): منظور از یادگیری و درک قوی‌تر در صحبت‌ها معلمان معمولاً سه مولفه سرعت یادگیری، عمق یادگیری و وسعت یادگیری بود. یعنی یک دانش‌آموز استعداد برتر نسبت به دیگر دانش‌آموزان مطالب بیشتری را سریع‌تر و با عمق بیشتری فرا می‌گیرد. حتی کی از معلمان برای ملموس‌تر بیان کردن سرعت بالاتر این افراد گفت: «به طور مثال یک ساعت کلاسی که شما نیاز دارید تا دانش‌آموزان عادی مطلبی را یاد بگیرند، این افراد در پنج دقیقه اول یاد می‌گیرند.» حتی برخی معلمان در بیانی اغراق‌آمیز این عبارت را مطرح می‌کردند که این دانش‌آموزان «درس را نگفته بلدند». علاوه بر سرعت یادگیری تاکید بر عمق (یا قدرت) و وسعت یادگیری و درک آنان نیز در نظرات معلمان وجود داشت. به طور مثال یکی معلمان در اشاره به این موضوع گفت: «کشش سخت‌ترین مطالب علمی را ما فکر می‌کنیم در وجود این‌ها هست.»

روحیه پژوهشگری و پرسیدن سؤالات عمیق (با ۶ تکرار): مشخصه دیگری که معلمان به آن اشاره کردند وجود روحیه پژوهشگری در این افراد بود. این روحیه را می‌توان در پرسیدن سؤالات زیاد، عمیق و فراتر از درس، حس کنجکاوی بالا و علاقه به کارهای آزمایشگاهی در این دانش‌آموزان یافت. البته به گفته معلمان پرسیدن سؤالات عمیق علاوه بر نشان دادن روحیه پژوهشگری نشان از عمق یادگیری این افراد نیز دارد.

علاقه به یادگیری (با ۴ تکرار): معلمان اذعان داشتند که این دانش‌آموزان علاوه بر این که توان بالایی در یادگیری و درک دارند به دنبال یادگیری مطالب بیشتر و فراتر از کتاب نیز هستند و از یادگیری اینگونه مطالب لذت می‌برند. البته این مشخصه بی‌ربط با مشخصه قبلی که روحیه پژوهشگری نیست. زیرا شخصی که روحیه پژوهشگری دارند قطعاً از یادگیری و درک مطالب جدید لذت خواهد برد. متفاوت دیدن و خلاقیت بالا (با ۴ تکرار): عنصر دیگری که تعدادی از معلمان اعتقاد داشتند در این افراد وجود دارد عنصر خلاقیت و نگاه متفاوت به پدیده‌ها بود. به طور مثال ممکن است نگاه اکثریت انسان‌ها به یک پدیده یا حل یک مسئله به یک صورت خاص باشد ولی این افراد معمولاً نگاه متفاوت و خلاقانه‌ای نسبت آن پدیده یا مسئله دارند.

تلاش بالا (با ۳ تکرار): برخی معلمان عنصر تلاش بالا و پشتکار زیاد را نیز در کنار دیگر عناصر مطرح شده از مشخصه‌ها استعداد برتر می‌دانستند. به طور مثال تعریف فرد استعداد برتر در نگاه یکی از معلمان به این صورت بود: «فردی که انگیزه و تلاش در یک زمینه‌ای را دارد و ذهن و درونش او را یاری می‌کند.» همچنین دو مشخصه قدرت تحلیل و انجام درست، دقیق و با اعتماد به نفس کارها هر یک دوبار و مشخصه‌های علاقه به کارهای جدید، قدرت پیش‌بینی، انرژی زیاد، شعور اجتماعی بالا، رفتار هوشمندانه (یعنی می‌داند چه کاری را کی و کجا انجام دهد)، حافظه قوی، توانایی بالا در یک زمینه خاص، اهل

ریسک بودن، اطلاعات عمومی بالا، شخصیت رهبر و کمال طلبی هر کدام تنها یک بار در مباحث مطرح شده توسط معلمان تکرار شده‌اند.

لازم به ذکر است در بحث پیرامون مشخصه‌های استعداد برتر باید به چند نکته توجه کرد. اولین نکته تفکیک میان مشخصه‌های استعداد برتر، علت به وجود آمدن این مشخصه‌ها در این افراد - مانند تربیت خانوادگی - و آثار این مشخصه‌ها - مانند تبدیل شدن این افراد به محققان در آینده - است. برخی معلمان در پاسخ به این سوال به این تفکیک توجه نکرده بودند که البته موارد اشتباه از جدول حذف شده‌اند.

نکته‌ی دیگری که در این قسمت باید به آن توجه شود ترکیب این مشخصه‌هاست. یعنی وقتی می‌گوییم مشخصه‌های فرد استعداد برتر الف، ب و ج هستند. منظورمان این است که هر کس الف، ب و ج را همزمان دارد استعداد برتر است یا هر کس صرفاً الف را هم داشت استعداد برتر محسوب می‌شود. که اکثر معلمان به این موضوع اشاره نکرده‌اند.

آخرین نکته نیز تفکیک مشخصه‌های این افراد از ویژگی‌هایشان است. در تفاوت این دو باید گفت که مشخصه‌ها ویژگی‌هایی هستند که به وسیله آن مفهوم استعداد برتر تعریف و افراد استعداد برتر شناسایی می‌شوند ولی ویژگی‌های دیگری نیز ممکن است این افراد داشته باشند. به طور مثال می‌توانیم بگوییم مشخصه‌های استعداد‌های برتر هوش و تلاش بالاست یعنی با این دو ویژگی استعداد‌های برتر شناسایی می‌شوند و به آن‌ها استعداد برتر می‌گویند ولی مثلاً طبق تجربه این نکته بدست آمده که افراد استعداد برتر بیش‌فعال نیز هستند که دیگر به این ویژگی، مشخصه استعداد برتر گفته نمی‌شود.

۵. موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر

ذیل این محور این سؤال از معلم پرسیده شد که «آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها^۱ از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟».

متأسفانه برخی معلمان به لفظ «پتانسیل» در متن سوال توجه نداشته و پاسخ خود را با نگاه بالفعل به مسئله مطرح کردند. به طور مثال می‌گفتند «موفقیت کسب کرده‌اند» نه اینکه «می‌توانند کسب کنند». این اتفاق پاسخ‌ها را تا حدودی مخدوش می‌کند.

از سوی دیگر در برخی موارد تناقضاتی میان پاسخ‌هایی که یک معلم به این سوال و سوال قبل داده‌است دیده می‌شود. به طور مثال معلم شماره ۱ وقتی از مشخصه یادگیری و درک قوی‌تر این دانش‌آموزان سخن گفته‌است اشاره به این که در یک درس یا موضوع خاص اینگونه هستند ندارد و حتی در پایان

^۱ در این سؤال منظور از زمینه همان موضوع است.

این جمله را اضافه کرده است که «صرفاً زمینه حفظیات نیست. در زمینه های پژوهشی و عملی هم قوه یادگیری سریعتری دارند و می توانند حجم بیشتری از اطلاعات را در سطح عمیق تر یاد بگیرند.» همچنین در مباحث مطرح شده توسط این معلم در مورد وجود نگاه متفاوت و خلاقیت در این افراد هیچ صحبتی از خلاقیت و نگاه متفاوت در موضوعی خاص به میان نمی آید و از بافت بحث اینگونه استنباط می شود که منظور خلاقیت در موضوعی خاص نیست. یعنی از پاسخ معلم شماره یک به سوال قبل اینگونه استنباط می شود که موضع این معلم ذیل محور موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر، فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر است ولی این معلم در پاسخ به این سوال گفت: «به نظر من در زمینه ای خاص توانایی های بالاتری دارند نه در همه زمینه ها» که این پاسخ صراحتاً اتخاذ موضوع موضوعی بودن مفهوم استعداد برتر است. معلم شماره ۲ نیز حالتی مشابه دارد. ایشان در پاسخ به سوال قبل از *IQ* بالا (یعنی اشاره کننده جدی به مفهوم هوش عمومی است) سخن گفته است و وقتی از یادگیری قوی دانش آموزان تیزهوش نیز سخن گفته است به هیچ وجه اینگونه استنباط نمی شود که منظور او یادگیری در موضوعی خاص است. حتی این معلم زمانی که به مشخصه قدرت پیش بینی بالای دانش آموزان را اشاره کرده است برای نشان دادن موضوعی نبودن این مشخصه این مثال را مطرح کرده است: «خیلی راحت عکس العمل و کار معلم را پیش بینی می کنند» ولی در پاسخ به این سوال مانند معلم شماره ۱ گفته است: «من به این اعتقاد ندارم که کسی که در یک زمینه قوی است در همه زمینه ها هم قوی است».

البته این تناقض گویی در صحبت تمام معلمان وجود نداشت. به طور مثال معلم شماره ۳ در پاسخ به سوال اول گفته است: «با توجه به تجربه تدریس بنده افرادی وجود دارند که نخبه هستند و در یک مبحث خاصی در از بقیه جلوترند.» که به موضوعی بودن مفهوم استعداد برتر اشاره کرده است. این معلم در پاسخ به سوال موضوعی یا فراموضوعی بودن استعداد برتر نیز همین موضوع را اتخاذ کرده و گفته است: «این دانش آموزان معمولاً در یک دانش خاصی که به آن علاقه مند هستند، قوی هستند و سرآمد جامعه.»

نکته دیگری که ممکن است پاسخ های این معلمان را تا حدی مخدوش کند این است که هر یک از این معلمان به طور معمول یک درس خاص را به این دانش آموزان آموزش داده اند و نه چند درس، تا بتوانند این موضوع را درک کنند که افراد استعداد برتر پتانسیل آن را دارند که در موضوعات مختلف از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشند یا تنها در یک یا چند زمینه محدود اینگونه هستند.

فارغ از تمام این اشکالات، می توان پاسخ های داده شده به این سوال را در سه دسته کلی قرار داد که توضیح هر یک در ادامه آمده است.

I

هر یک از افراد تیزهوش پتانسیل قوی شدن در موضوعی خاص را دارد و این موضوعات بسیار متکثر هستند (با تکرار ۵ بار): دسته‌ای از معلمان اعتقاد داشتند که دانش‌آموزان تیزهوش هر یک در زمینه خاص استعداد دارند و در یک دانش خاصی که به آن علاقه‌مندند، قوی هستند. حتی تعریف یکی از معلمان^۱ از فرد تیزهوش کسی بود که در یک زمینه خاص مانند ریاضی یا آهنگری از توانمندی بسیار بالایی نسبت به دیگران برخوردار است.

II

می‌توان افراد تیزهوش را بر اساس زمینه‌هایی (یا موضوعاتی) که در آن‌ها پتانسیل قوی شدن را دارند به چند دسته محدود (۲ تا ۷ دسته) تقسیم‌بندی کرد (با تکرار ۴ بار): دسته دوم نیز مانند دوم اول اعتقاد داشتند که قوی بودن فردی که در یک زمینه دلیلی برای قوی بودن او در تمام زمینه‌ها نیست ولی با بحث بیشتر با هر یک معلوم شد که نظر این دسته با دسته اول از حیث تعداد زمینه‌هایی که با هم همبستگی ندارند متفاوت. به طور مثال معلم شماره ۴ معتقد بود که افراد تیزهوش در همه زمینه‌ها بجز هوش بدنی (قدرت دست ورزی) پتانسیل بالایی دارند به اعتقاد او «به طور مثال کسی که در علوم انسانی موفق است قطعاً در ریاضی هم موفق است و بالعکس.» ولی همین فرد ممکن است در کارهایی که نیاز به دست ورزی دارد، مانند هنرهای تجسمی، استعداد بالایی نداشته باشد. معلم شماره ۵ نیز شبیه به همین مثال را بدین شکل مطرح کرد: «فردی ممکن است در زمینه‌های کار عملی قوی باشد اما هوش ریاضی خوبی نداشته باشد. و برعکس. دانش‌آموزی به شدت در دروس منطقی و کامپیوتری قوی باشد اما در کارهای عملی ضعیف باشد.» البته وقتی از این معلم پرسیده شد که به نظر شما با توجه به مثالی که زدید چند زمینه می‌توان نام برد که با هم همبستگی نداشته باشند ایشان به هوش‌های هفت‌گانه گاردنر اشاره کردند.^۲ معلم شماره ۲ در این زمینه پاسخ دقیق‌تری نسبت به پاسخ معلم شماره ۵ داشت. ایشان با کمی تأمل به ۴ هوش شامل هوش ریاضی («یعنی قدرت تجزیه و تحلیل خوبی از مسائل را دارند، کسانی که مشکل را مانند معادله ریاضی می‌دانند و به دنبال حل آن می‌باشند و انسان‌های مسئله محوری هستند و به دنبال راه حل هستند. و یادگیری بالایی هم دارند») هوش هنری («این افراد معمولاً انسان‌های خلاق هستند و مثلاً نقاش و خوشنویس‌های خوبی می‌شوند.»)، هوش اجرایی و عملی («این افراد کارهای اجرایی و یدی را خیلی خوب انجام می‌دهند») و هوش مدیریتی («معمولاً کاپیتان و هدایت‌گر خوبی می‌شوند») برای دسته بندی افراد تیزهوش از حیث زمینه اشاره کرد.

^۱ معلم شماره ۸

^۲ البته معلوم نیست که این معلم واقعا از هوش‌های گاردنر اطلاع داشته باشد و آن‌ها را در عمل دیده باشد یا صرفاً اسم آن را شنیده باشد.

معلم شماره ۱۱ نیز در پاسخ به این سوال اعتقاد داشت که افراد تیزهوش از نظر *IQ* در همه زمینه‌ها بالا هستند ولی در زمینه *EQ* (هوش عاطفی) در برخی موارد حتی از افراد عادی نیز ضعیفتر هستند.

III افراد تیزهوش پتانسیل قوی شدن در همه موضوعات را دارند (با تکرار ۳ بار):

برخی از معلمان نیز اعتقاد داشتند که افراد در همه زمینه‌ها حتی در صحبت کردن یا از زیر کار در رفتن تیزهوشی خود را نشان می‌دهند. معلم شماره ۷ علت این اتفاق را این می‌دانست که مشخصه‌هایی که در تیزهوش وجود (و در قسمت مشخصه‌ها مطرح شد) در هر زمینه‌ای می‌تواند او را جلو بیاورد.

برخی از معلمان در دسته اول و دوم به این موضوع اشاره کردند که درست است اکثریت افراد تیزهوش در یک زمینه پتانسیل بسیار بالایی برخوردارند ولی تعداد کمی از افراد نیز وجود دارند که در همه زمینه‌ها قوی هستند. همچنین برخی یکی از این معلمان به این موضوع اشاره کرد که افراد استعداد برتر در اکثر موضوعات از توانمندی بالایی برخوردار هستند ولی معمولاً در یک موضوع خاص استعداد ویژه‌تری دارند.

در مجموع می‌توان گفت که برخلاف محورهای قبلی، هیچ‌گونه موضع‌گیری غالبی ذیل این محور وجود ندارد به شکلی که حتی نمی‌توان گفت که یک نکته کوچک در نظر اکثر معلمان ذیل این محور وجود دارد.

۶. غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر

سؤالی که ذیل این محور مطرح شد این بود که «استعداد برتر بودن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی است؟»

پاسخ معلمان به این سوال را در یک نگاه اولیه می‌توان دو دسته زیر تقسیم کرد:

I. یکی از معلمان^۱ اعتقاد داشت که استعداد برتر بودن افراد کاملاً مادرزادی است و به هیچ وجه اکتسابی نیست.

II. باقی معلمان اعتقاد داشتند که در استعداد برتر بودن افراد هم عوامل مادرزادی و هم عوامل اکتسابی نقش دارند. البته غالباً اعتقاد داشتند نقش عوامل مادرزادی پررنگ‌تر است و تنها معلم شماره ۱۲ نقش عوامل اکتسابی را پررنگ‌تر می‌دانست. البته نگاه به رابطه میان این دو دسته عوامل نیز در میان معلمان تا حدی متفاوت بود. عده‌ای که اکثریت بودند رابطه‌ی میان این دو عوامل را طولی می‌دانستند یعنی اعتقاد داشتند که باید حتماً قابلیت‌های مادرزادی در فرد

^۱ معلم شماره ۹

وجود داشته باشد ولی صرف وجود این قابلیت‌های خاص در فرد کافی نیست و علاوه بر این باید حداقل محیط این قابلیت‌ها را سرکوب نکرده باشد و تا حد امکان پرورش داده باشد تا فرد بتواند استعداد برتر شود. عده‌ی دیگر نیز رابطه میان این دو عامل را عرضی می‌دانستند یعنی معتقد بودند که برخی از مشخصه‌ها استعداد برتر مادرزادی است و برخی اکتسابی. نظر دیگری نیز وجود دارد که هیچ معلمی به صراحت به آن اشاره نکرده است ولی ممکن است نظر برخی از معلمان اینگونه باشد که عده‌ای از طریق خصوصیات مادرزادی خود به استعداد برتر تبدیل شده‌اند و عده‌ای از طریق خصوصیات اکتسابی.

یکی از نکات قابل توجه در پاسخ‌های معلمان به این سوال آن است که منظور از عوامل اکتسابی در نظر تمام معلمان عوامل محیطی^۱ بود و نه عوامل فردی^۲. یعنی اگر عوامل موثر در استعداد برتر شدن یک فرد را به سه دسته‌ی عوامل مادرزادی، عوامل محیطی و عوامل فردی تقسیم کنیم، هیچ یک از معلمان به دسته سوم عوامل توجهی نداشته است.

۷. میزان شیوع مفهوم استعداد برتر

پیرامون این محور ابتدا این سؤال مطرح شد که «به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان کشور استعداد برتر هستند؟» در پاسخ به این سؤال تمام معلمان اذعان داشتند که قطعاً تعداد این افراد نسبت به کل دانش‌آموزان بسیار کم است. البته ۳ نفر از معلمان به این نکته اشاره کردند که علت کم بودن این افراد محیط نامناسب کشور و سرکوب شدن استعدادهای افراد است. در ادامه از هر یک از معلمان خواسته شد تا عددی به عنوان درصد حدودی دانش‌آموزان استعداد برتر در کشور بیان کنند ولی از آنجایی که اکثر معلمان در پاسخ به این سؤال ابراز بی‌اطلاعی می‌کردند و یا عددی که مطرح می‌کردند با دیگر صحبت‌هایشان در تناقض بود از آن‌ها پرسیده شد «به طور میانگین در یک کلاس^۳ در مدارس تیزهوشانی که تدریس کرده‌اید چند درصد استعداد برتر^۴ هستند؟» که درصد مطرح شده توسط هر یک از معلمان در جدول زیر آمده است.

^۱ تاثیر تربیت خانواده و معلم نیز ذیل همین عوامل قرار می‌گیرد.

^۲ منظور از عوامل فردی، عوامل مستقل از محیط و مستقل از عوامل مادرزادی است. به طور مثال اگر یک نفر مستقل از محیط و عوامل مادرزادی تلاش کند و ویژگی‌های خود را ارتقاء دهد، به عواملی که این ارتقاء را در او به وجود آورده در اینجا عوامل فردی گفته می‌شود.

^۳ علت مطرح کردن «کلاس» بجای «مدرسه» آن است که معلم راحت‌تر بتواند آن را تصور کند و تخمین دقیق‌تری ارائه دهد.

^۴ با تعریفی هر معلم از استعداد برتر دارد.

جدول ۷- درصد دانش آموزان استعداد‌های برتر در نظرات معلمان

معلم مصاحبه شونده	درصد دانش آموزان استعداد‌های برتر از نظر این معلم
معلم شماره ۱	۵۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۲	۶۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۳	۱۰ الی ۱۵ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۴	۶۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۵	۶۵ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۶	۵۰ الی ۶۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۷	۲۵ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۸	۵۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۹	۱۵ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۱۰	۵۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۱۱	۱۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
معلم شماره ۱۲	۲۰ درصد دانش آموزان مدارس تیزهوشان
بازه	۱۰ تا ۶۵ درصد

پس از گفتن این درصد، برخی معلمان به این نکته اشاره کردند که در سال‌های قبل درصد بیشتری از دانش‌آموزان این مدارس واقعاً استعداد برتر بودند ولی الآن کمتر شده است همچنین اذعان داشتند که این درصد در مناطق مختلف تهران متفاوت است.

با توجه به این که کمتر از ۴ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم در مدارس استعداد‌های درخشان تحصیل می‌کنند و این موضوع که از نظر معلمان درصد دانش‌آموزان تیزهوش در این مدارس بیش از دیگر مدارس است می‌توان نتیجه گرفت که نگاه غالب معلمان این است که درصد دانش‌آموزان تیزهوش به کل دانش‌آموزان در کشور بسیار بسیار کم است.^۱

^۱ اگر درصد دانش‌آموزانی که در این مدارس تحصیل می‌کنند حدود ۴ درصد کل دانش‌آموزان در نظر بگیریم، با توجه به عدد ۴۰ درصد که میانگین درصدهای مطرح شده توسط معلمان است. ۱,۶ درصد دانش‌آموزان کل کشور دانش‌آموزان استعداد برتری هستند که در مدارس تیزهوشان تحصیل می‌کنند. اگر درصد همین دانش‌آموزان در مدارس عادی را نیز طبق گفته معلمان کمتر ۲۵ درصد در مدارس تیزهوشان در نظر بگیریم آنگاه کمتر از ۰,۴ درصد دانش‌آموزان کشور تیزهوش هستند که در مدارس غیر از مدارس تیزهوشان تحصیل می‌کنند. با این اوصاف به نظر می‌رسد در مجموع حدوداً کمتر از ۲ درصد کل دانش‌آموزان در نگاه معلمان، استعداد برتر محسوب می‌شوند.

۸. مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط

ذیل این محور این سؤال پرسیده شد که «به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟ به عبارت دیگر مشخصه‌هایی که برای شناسایی افراد استعداد برتر استفاده می‌شود باید در شرایط مختلف متفاوت باشد یا خیر؟»

در پاسخ به این سؤال اکثر معلمان اعتقاد داشتند که مفهوم استعداد برتر، مفهومی ثابت و مستقل از شرایط است البته یکی از معلمان این مفهوم را کاملاً وابسته به شرایط می‌دانست. یکی دیگر از معلمان نیز این مفهوم را تا حدی وابسته و تا حدی مستقل از شرایط می‌دانست. در نظر ایشان برخی مشخصه‌ها در هر شرایطی ثابت و برخی دیگر متغیر است.

۹. بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر

ذیل این محور بدین شکل سؤال مطرح شد که «به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش‌آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟»

در پاسخ به این سؤال تمام معلمان اعتقاد داشتند که باید نگاهی بالقوه به استعداد برتر داشت یعنی به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های فرد توجه کرد. البته برخی از معلمان نیز گفتند که در کنار نگاه بالقوه، نگاه بالفعل هم باشد. یکی از علت‌هایی که معلمان برای این انتخاب مطرح می‌کردند آن بود که ممکن است افرادی به علل مختلف از جمله قرار گرفتن در محیط نامناسب نتوانسته باشند بالقوه‌های خود را به بالفعل تبدیل کنند و در نگاه صرفاً بالفعل این افراد نادیده گرفته می‌شوند. برخی نیز اشاره کردند که این نگاه بالقوه باید تا قبل از سن ورود به دانشگاه باشد. یکی از معلمان نیز به این موضوع اشاره کرد که نگاه بالقوه بسیار بهتر است ولی به همان میزان سخت‌تر نیز هست. یکی دیگر از معلمان نیز آفات نگاه بالفعل را هل دادن دانش‌آموزان به سمت المپیادها [بالاجبار] و ایجاد فشار و استرس شدید در آنها دانست.

بخش دوم: بررسی نسبت مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و سند راهبردی کشور در امور نخبگان

در این بخش ذیل هر یک از محورهای مفهوم استعداد برتر به بررسی نسبت مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان و سند راهبردی کشور در امور نخبگان پرداخته خواهد شد.

۱. واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر

در این محور معلمان به صراحت و قاطعانه مفهوم استعداد برتر را مفهومی واقعی می‌دانستند و سند نیز علی‌القاعده اینچنین است.

۲. امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر

هم معلمان و هم سند به این اعتقاد دارند که این افراد قابل شناسایی هستند. البته نگاه معلمان در این محور قاطعانه‌تر از سند است. یعنی سند شناسایی استعدادهای برتر را همراه با خطا می‌داند ولی معلمان به این خطا اشاره‌ای نداشتند. احتمالاً علت این اختلاف آن است که در نگاه معلمان شناسایی از طریق تعامل مستقیم با دانش‌آموز است ولی در نگاه سند شناسایی از طریق آزمون‌ها و مسابقات است.

۳. مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن

در این محور با اینکه هم سند و هم معلمان توجه به استعدادهای برتر را نه تنها مطلوب، بلکه ضروری می‌دانستند ولی در خصوص علت توجه، معلمان موارد بیشتری نسبت به سند مطرح کردند. علت اصلی‌ای که سند مطرح کرده بود تسریع پیشرفت کشور بود که حدود ۴۰ درصد معلمان به آن اشاره کرده‌اند. بیشترین علتی که در میان معلمان به آن اشاره شده بود «هدر رفتن استعدادهای افراد استعداد برتر» بود که در سند به آن اشاره‌ای نشده است. لازم به ذکر است که هر علت یا عللی که در این قسمت در نظر گرفته می‌شوند تأثیر چشم‌گیری در دلالت‌های عملی خواهند داشت.

۴. بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر

همانطور که در فصل قبل بیان شد ذیل این محور موضع‌گیری سند مغشوش اعلام شد. سند در قسمتی توجه به هر دو حالت را به صورت تفکیکی مطرح می‌کند و در قسمت دیگر صرفاً توجه به حالت بالفعل را بیان می‌دارد ولی موضع‌گیری معلمان کاملاً قاطعانه توجه جدی به حالت بالقوه -مخصوصاً در سن دانش‌آموزی- است. البته توجه به این نکته ضروری است که نگاه معلمان و پژوهش حاضر به سن

دانش‌آموزی است ولی نگاه سند به تمام سنین است. البته این موضوع نباید توجه سند به سن دانش‌آموزی در سند را کم کند ولی به نظر می‌رسد این کار را کرده است.

۵. موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر

ذیل این محور موضع سند به صورت قاطعانه انتخاب موضوعی بودن مفهوم استعداد برتر و نخبه است. حدود ۶۵ درصد معلمان نیز به همین موضوع اعتقاد دارند ولی حدود ۳۵ درصد باقی مانده به فراموضوعی بودن این مفهوم قائلند.

۶. غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر

موضوع گیری سند در قبال این محور این‌گونه است که در برخی افراد ویژگی‌های غیراکتسابی آن‌ها و در برخی دیگر ویژگی‌های اکتسابی‌شان موجب می‌شود تا مستعد نخبگی [استعداد برتر] شوند. در طرف مقابل اکثریت معلمان بر این عقیده‌اند که برای استعداد برتر بودن باید حتماً برخی قابلیت‌های مادرزادی در فرد وجود داشته باشد ولی صرف وجود این قابلیت‌های خاص در فرد کافی نیست و علاوه بر این باید حداقل محیط این قابلیت‌ها را سرکوب نکرده باشد و تا حد امکان پرورش داده باشد تا فرد بتواند استعداد برتر شود.

۷. مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر

همانطور که مطرح شد سند بحث دقیق و مبسوطی پیرامون مشخصه‌های استعداد برتر -مخصوصاً در سن دانش‌آموزی- نکرده است و برای این مفهوم، فقط مشخصه‌های هوش^۱ و خلاقیت یا تلاش بالا را می‌توان از اسناد پشتیبان مفهوم استعداد برتر و نخبگی در سند استخراج کرد. بنابراین در این محور نمی‌توان به صورت دقیق نسب میان نظر معلمان و سند را تعیین کرد. ابتدا باید سند موضع خود را نسبت به این محور دقیق‌تر بیان کند و سپس این موضع را با ویژگی‌هایی که معلمان مطرح کرده‌اند -که در راس آن‌ها «یادگیری و درک قوی‌تر» و «روحیه پژوهشگری» قرار دارد- مقایسه کرد.

۸. مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط

در پاسخ به این سؤال اکثر معلمان اعتقاد داشتند که مفهوم استعداد برتر، مفهومی مستقل از شرایط است ولی در نگاه سند این مفهوم «کاملاً وابسته به شرایط محیطی» است.

^۱ همانطور که در فصل دوم مشاهده شد «هوش» واژه مبهمی است و هیچ تعریف معیاری از آن وجود ندارد.

۹. میزان شیوع مفهوم استعداد برتر

سند درصدی در این زمینه ارائه نمی‌دهد ولی به نکته اشاره می‌کند تمرکز بر «خوب فراگیر» در مقابل «عالی محدود» از رویکردهای اصلی سند است که این رویکرد به معنی آن است که درصد بالایی از افراد در نظر سند استعداد برتر محسوب می‌شوند ولی در مقابل معلمان اذعان داشتند که تعداد این افراد نسبت به کل دانش‌آموزان بسیار کم است و در با محاسباتی به این نتیجه رسیدیم که این درصد این دانش‌آموزان در نگاه معلمان حدوداً ۲ درصد است. این عدد حتماً یا نگاه سند مغایرت دارد.

۱۰. جمع بندی

در جمع‌بندی مباحث مطرح شده در این بخش پیرامون نسبت مفهوم «استعداد برتر» در انگاره معلمان «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» و «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» می‌توان جدول زیر را ارائه داد.

جدول ۸-نسبت انگاره معلمان و سند راهبردی کشور در امور نخبگان

ردیف	محور	موضع سند	موضع معلمان	نسبت
۱	واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر	واقعی بودن	واقعی بودن	همراستا
۲	امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر	امکان شناسایی احتمالی	امکان شناسایی قطعی	تقریباً همراستا
۳	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	مطلوب دانستن به علت تسریع پیشرفت کشور	مطلوب دانستن به علل «تسریع پیشرفت کشور»، «عدالت آموزشی» و «تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش»	همراستا در اصل موضوع غیر همراستا در بیان علت
۴	بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر	دو موضع مختلف: (۱) توجه به هردو به صورت تفکیکی (۲) توجه صرف به حالت بالفعل	حالت بالقوه	ناهمراستا
۵	موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	موضوعی بودن	بعضی موضوعی و بعضی فرا موضوعی	با بعضی همراستا و با بعضی ناهمراستا
۶	تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	مسکوت	مسکوت	مسکوت
۷	غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	در بعضی افراد غیراقتسابی و احتمالاً در برخی اکتسابی	هم اکتسابی و هم غیراقتسابی	تا حدودی ناهمراستا
۸	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	هوش و خلاقیت یا تلاش بالا (در کل مبهم)	یادگیری و درک قوی‌تر روحیه پژوهشگری علاقه به یادگیری نگاه متفاوت و خلاقیت تلاش بالا	نامعلوم
۹	مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط	وابسته به شرایط	مستقل از شرایط	ناهمراستا
۱۰	ملاک محور یا هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر	مسکوت	مسکوت	مسکوت
۱۱	میزان شیوع مفهوم استعداد برتر	خوب فراگیر در مقابل عالی محدود	بسیار کم چیزی حدود ۲ درصد کل دانش‌آموزان	ناهمراستا

فصل پنجم:

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این فصل ابتدا یافته‌های پژوهش حاضر ارائه خواهد شد، سپس به محدودیت‌های پژوهش اشاره می‌شود و در نهایت پیشنهادها برای پژوهش‌های دیگر کارهای پژوهشی و کارهای عملی مطرح می‌گردد.

بخش اول: یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌های این پژوهش در چهار محور ارائه خواهد شد که محورهای دوم تا چهارم مربوط به سؤالات پژوهش می‌باشند و در محور اول نیز یافته‌های پژوهش پیرامون مفهوم استعداد برتر ارائه خواهد شد که پیش‌نیاز پاسخ به سؤالات پژوهش است.

الف) یافته‌های مربوط به چارچوب تحلیل مفهوم «استعداد برتر»

سؤال: چارچوب تحلیل مفهوم استعداد برتر چیست؟ یا به عبارت دقیق‌تر مؤلفه‌های ثابت مفهوم استعداد برتر و محورهای مناقشه در مفهوم استعداد برتر چه هستند؟

مؤلفه‌های ثابت مفهوم استعداد عبارتند از:

۱. **سطح بالای برتری:** بدین معنا که یکی از مؤلفه‌های فرد استعداد برتر سطح بالای برتری او است و در نگاه تمام کسانی که پیرامون این مفهوم بحث کرده‌اند نمی‌توان به کسی صفت استعداد برتر را اطلاق کرد در حالی که از هیچ بعدی دارای سطح بالای برتری نباشد.
۲. **ارزشمندی بُعد برتری:** منظور از این محور آن است که صرف داشتن «سطح بالای برتری» برای اطلاق صفت استعداد برتر به یک فرد کافی نیست. بلکه باید سطح بالای برتری در بُعد ارزشمند باشد. منظور از بُعد ارزشمند آن است که امکان استفاده از این بُعد در جهت ارزشمند وجود داشته باشد. برای یافتن مثال کسی که از مؤلفه «سطح بالای برتری» برخوردار است ولی از مؤلفه «ارزشمندی بُعد برتری» بی‌بهره است می‌توان به کتاب‌های رکوردهای گینس مراجعه کرد. به طور مثال در این کتاب از نام شخصی ثبت شده است که بلندترین سبیل جهان را دارد. این فرد از نظر طول سبیل از برتری سطح بالا نسبت به دیگران برخوردار است ولی از آنجایی که در حالت معمول، برتری در این بُعد به ارزشمندی منجر نمی‌شود به این شخص صفت استعداد برتر اطلاق نمی‌شود.

محورهای مناقشه در مفهوم استعداد برتر عبارتند از:

۱. **واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر:** سؤالی که ذیل این محور مطرح است این است که آیا مفهوم استعداد برتر دارای مصادیقی هست یا خیر؟ به عبارت دیگر با توجه به معیارهای همگانی که در قسمت قبل مطرح شد این‌گونه می‌توان این سؤال را مطرح

کرد که آیا واقعاً عده‌ای وجود دارند که نسبت به دیگران از سطح برتری بالاتری در ابعاد ارزشمندتر برخوردار باشند یا خیر؟ اگر پاسخ این سؤال آری باشد می‌گوییم استعداد برتر مفهومی واقعی است و در غیر این صورت به آن مفهومی انتزاعی و تخیلی می‌گوییم.

۲. **امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر:** منظور از این محور آن است که اگر استعداد برتر مفهومی دارای مصداق دانسته شود آیا ابزاری برای شناسایی این مصادیق وجود دارد یا خیر؟ و یا به عبارت دقیق‌تر آیا تشخیص و اندازه‌گیری تیزهوشی (استعداد برتر بودن) با دقتی قابل قبول در زمان حال امکان‌پذیر است یا خیر؟ که در پاسخ به این سؤال سه موضع‌گیری متفاوت وجود دارد که عبارتند از:

I استعدادهای برتر به صورت قطعی و صددرصدی قابل شناسایی هستند.

II به قدری دقت ابزارهایی شناسایی پایین هستند که به هیچ وجه نتایج حاصل قابل اعتنا نیستند و نباید مبنایی برای اقدامات عملی قرار گیرند.

III درست است ابزارهای شناسایی دارای خطا هستند ولی دقتشان به میزانی هست که بتوان بر مبنای نتایج آن، کارهای مفیدی انجام داد. اما نباید نتایج شناسایی ایجاد انحصار برای افراد شناسایی شده و ایجاد مانع برای ورود افراد احراز نشده پیش نیاید.

۳. **مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن:** در این قسمت این سؤال مطرح می‌شود که آیا تعریف مفهوم استعداد برتر مطلوب است یا نامطلوب؟ چه پیامدهایی علت مطلوب یا نامطلوب بودن آن است؟^۱ در پاسخ به این سؤال عده‌ای تعریف این مفهوم را نامطلوب دانسته و پیامدهای زیر را علت آن می‌دانند:

I دموکراسی در معرض خطر قرار می‌گیرد، برابری افراد در رأی را به چالش کشیده می‌شود و جامعه به سمت آریستوکراسی یا همان نخبه‌سالاری سوق داده خواهد شد.

II موجب نابرابری اجتماعی و شکافی غیرقابل جبران در جامعه می‌شود.

در مقابل عده‌ای نیز تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به این مفهوم را مطلوب دانسته و علل زیر را مطرح می‌کنند:

I توجه به این مفهوم می‌تواند موجب رفع اختلالات آموزشی و پرورشی ناشی از وجود دانش‌آموزان استعداد برتر در نظام آموزشی شود. بدین معنی که اگر دانش‌آموزان استعداد برتر در نظام آموزشی توجهی نشود در آموزش و پرورش این افراد خلل ایجاد

^۱ متأسفانه اغلب در ایران افرادی که تحصیل استعدادهای برتر را در مدارس جداگانه را نامطلوب می‌دانند جزو کسانی محسوب می‌شوند که تعریف مفهوم استعداد برتر و توجه به آن را نامطلوب می‌دانند. در صورتی که مخالفت با یک روش خاص آموزش و پرورش استعدادهای برتر - مانند مخالفت با جداسازی - به هیچ وجه نمی‌تواند به معنای مخالفت با اصل موضوع تعریف و توجه به استعدادهای برتر باشد.

می‌شود و حتی در برخی موارد این افراد ممکن است موجب اخلاص در کلاس و فرآیند آموزش و پرورش دیگر افراد نیز شوند.

II توجه به این مفهوم می‌تواند به تحقق «عدالت آموزشی» کمک نماید. زیرا اگر به دانش‌آموزان استعداد برتر توجهی نشود این افراد در برنامه‌های معمول آموزشی و پرورشی برخلاف دانش‌آموزان عادی نمی‌توانند به حداکثر رشدی که ظرفیت آن را دارند دست یابند. در نتیجه عدالت آموزشی [به این معنا] در حق این افراد رعایت نشده است.

III توجه به این مفهوم می‌تواند موجب تسریع پیشرفت کشور و حتی جامعه جهانی گردد. زیرا این دانش‌آموزان از پتانسیل بیشتری نسبت به دیگران برای تبدیل شدن به پیش‌قراولان پیشرفت جامعه خود و یا حتی جامعه جهانی، برخوردار می‌باشند. بدین معنا که با احتمال بیشتری و با صرف هزینه کمتری، قادر خواهند بود به پیش‌قراولان پیشرفت تبدیل شوند. در نتیجه با سرمایه‌گذاری بر روی این افراد می‌توان در آینده به پیشرفت کشور و حتی جامعه جهانی سرعت بخشید.

۴. بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر: سؤالی که ذیل این محور مطرح می‌شود این است که استعداد برتر مفهومی بالقوه است یا بالفعل؟ به عبارت دیگر برای انتساب مفهوم استعداد برتر به یک فرد باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ در پاسخ به این پرسش چهار موضع مختلف اتخاذ شده است.

I در حالت اول مفهوم استعداد برتر بیشتر به صورت بالقوه دیده می‌شود و تأکید بر روی قابلیت و ظرفیت فرد برای موفقیت در آینده است؛ نه دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او.

II در حالت دوم برخلاف حالت اول مفهوم استعداد برتر بیشتر مفهومی بالفعل دیده می‌شود و بر روی دستاوردها و موفقیت فرد در زمان گذشته و حال تأکید دارد.

III در حالت سوم هر دو حالت بالقوه و بالفعل با هم مد نظر قرار می‌گیرند و هیچ یک بر دیگری ترجیح داده نمی‌شود.

IV در حالت چهارم نیز مانند حالت سوم هر دو حالت بالقوه و بالفعل مهم در نظر گرفته می‌شوند و میانشان انتخابی صورت نمی‌گیرد ولی از آنجایی میان بالقوه و بالفعل بودن تفاوت‌های قابل توجهی دارد که منجر به دلالت‌های عملی متفاوتی می‌شود این دو حالت از یک دیگر تفکیک می‌شوند و نام‌های جداگانه‌ای برای هر یک انتخاب می‌شود.

۵. **موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر:** در این محور این سؤال مطرح می‌شود که آیا فردی که استعداد برتر است در همه -یا اکثر- موضوعات از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار است یا در یک یا چند موضوع محدود این‌گونه است؟ که به حالت اول فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر و به حالت دوم موضوعی بودن مفهوم استعداد برتر می‌گوییم. مواضعی که در پاسخ به این سؤال اتخاذ شده‌اند عبارتند از:

I بین توانایی‌های مختلف آدمی همبستگی وجود دارد یا به عبارتی کسانی که در یک کار استعداد خوبی دارند در کارهای دیگر نیز شایستگی از خود نشان می‌دهند و افرادی که در یک موضوع توانایی اندک دارند، اغلب در سایر موضوعات هم کم‌توان هستند. علت این اتفاق وجود عاملی به نام عامل کلی یا عامل g در فرد استعداد برتر است که موجب می‌شود فرد در تمام یا اکثر موضوعات [مرتبط با ذهن انسان و نه بدن آن] از توانایی بالایی برخوردار باشد.

II مفهوم استعداد برتر کاملاً وابسته به موضوع است و فردی که در یک موضوع خاص مانند ریاضی از برتری سطح بالایی برخوردار است دلیلی ندارد که باقی موضوعات نیز اینگونه باشد.

در صورت انتخاب موضع دوم این سؤال مطرح می‌شود که سطح بالای برتری افراد در چه موضوع یا موضوعاتی موجب می‌شود تا آن فرد را استعداد برتر بدانیم؟ که به طور مثال در نظر افلاطون این موضوع فلسفه [در نگاه افلاطون] است.

III مفهوم استعداد برتر در مقام وجود پتانسیل فراموضوعی است ولی در مقام بروز و تکوین موضوعی است. به عبارت دیگر فرد تیزهوش [به معنای استعداد برتر در مقام وجود پتانسیل]، پتانسیل تبدیل شدن به فرد سرآمد [به معنای استعداد برتر در مقام بروز] در هر موضوعی را داراست ولی در عمل، بنا بر شرایط محیطی، ویژگی‌های شخصیتی فرد و عامل شانس استعداد برتر بودن فرد در نهایت در یک یا چند موضوع محدود تکوین می‌یابد و بروز پیدا می‌کند.

۶. **تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر:** سؤالی که ذیل این محور مطرح است آن است که آیا بجز دسته بندی استعداد‌های برتر در موضوعات مختلف که در قسمت «موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر» مطرح شد (در صورت وجود) چه دسته‌بندی^۱ دیگری می‌توان برای مفهوم استعداد برتر در نظر گرفت؟ در پاسخ به این سؤال عده‌ای به انواع استعداد برتر معتقد نیستند ولی به طور مثال عده‌ای دسته‌بندی‌های زیر را ارائه داده‌اند:

^۱ منظور دسته بندی عرضی است و نه طولی.

I استعداد‌های برتر «موّلد» که بر اساس خلاقیت عمل می‌کنند و چیزهای جدید خلق می‌کنند و استعداد‌های برتر «مجری» که بر اساس مهارت عمل می‌نمایند و آن چیزی را که از قبل موجود است را به طور بهینه بکار می‌گیرند.

II دانش‌آموزان استعداد برتر *bright* و *gifted*، که دسته اول سخت کوشند و به راحتی یاد می‌گیرند ولی دسته دوم معمولاً از مطالب را قبل می‌دانند و با اینکه بازیگوش‌اند و درس نمی‌خوانند ولی در امتحانات مدرسه نتایج خوبی می‌گیرند.

III استعداد‌های برتری که فقط توان کار در یک زمینه مشخص را دارند و استعداد‌های برتری که می‌توانند در چندین زمینه نخبگی خود را بروز دهند.

IV استعداد‌های برتری که فقط در شرایط تقریباً بی‌نقص می‌توانند نخبگی‌شان بروز پیدا می‌کنند و استعداد‌های برتری که در شرایط بی‌ثبات، متغیّر، و دشوار می‌توانند به فعالیت نخبگانی بپردازند.

۷. **غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر:** ذیل این محور دو سؤال مطرح است. سؤال اول این است که آیا افراد استعداد برتر، ویژگی استعداد برتر بودن خود را کسب کرده‌اند یا کسب نکرده‌اند (از بدو تولد استعداد برتر بوده‌اند یا به صورت خود به خودی در آن‌ها ایجاد شده استعداد برتر تبدیل شده‌اند)؟ در پاسخ به این سؤال مواضع زیر مطرح شده‌اند:

I استعداد برتر بودن مفهومی ذاتی، مادرزادی، وراثتی، غیراکتسابی، پایدار و دائمی است بدین معنی بدین معنی که یک فرد در بدو تولد با یک ضریب هوشی متولد می‌شود و تا هنگام مرگ از همان ضریب هوشی برخوردار است.

II استعداد برتر در مقام وجود پتانسیل مفهومی مادرزادی و غیراکتسابی است ولی استعداد برتر در مقام بروز مفهومی اکتسابی است. در واقع پتانسیل‌های موجود در فرد استعداد برتر می‌تواند با تأثیر محیط، تلاش فرد یا غیره تکوین پیدا کند و یا نکند.

III استعداد برتر در برخی افراد ذاتی و در برخی دیگر اکتسابی است. سؤال دوم نیز آن است که «آیا همه انسان‌ها قابلیت استعداد برتر شدن را دارند یا خیر؟» که اغلب پاسخ منفی داده‌اند ولی ممکن است عده‌ای نیز به این سؤال پاسخ مثبت دهند.

۸. **مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر:** سؤال ذیل این محور آن است که چه مشخصه‌ها (شایستگی‌هایی) در یک فرد موجب می‌شود که یک آن فرد استعداد برتر دانسته شود؟ ذیل این مناقشه عده‌ای صرفاً ویژگی‌های ذهنی (به طور مثال قدرت انتزاع یا استدلال بالا) را به عنوان مشخصه اصلی استعداد برتر کافی می‌دانند ولی عده دیگری اعتقاد دارند که علاوه بر ویژگی‌های ذهنی باید ویژگی‌های روانی و شخصیتی مانند پشتکار بالا یا روابط اجتماعی

قوی را نیز جزئی از مشخصه‌های اصلی استعداد برتر دانست. در خود ویژگی‌های ذهنی نیز این اختلاف نظر وجود دارد که عنصر خلاقیت باید مشخصه الزامی استعداد برتر باشد یا خیر؟ سؤال دیگری که ذیل این محور مناقشه مطرح است این است که علاوه بر ویژگی‌های عمومی که ذکر شد باید برای انواع استعداد برتر ویژگی‌های تخصصی نیز در نظر داشت یا خیر؟

۹. مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط: سؤالی که ذیل این محور مطرح

است آن است که آیا در شرایط گوناگون باید تعاریف متفاوتی از استعداد برتر ارائه داد یا خیر؟ یا به عبارت دیگر در شرایط گوناگون باید مشخصه‌های اصلی‌ای که برای استعداد برتر در نظر می‌گیریم متفاوت باشد یا خیر؟ در نظر عده‌ای مفهوم استعداد برتر مستقل از شرایط زمانی و مکانی است و در تمام کشورهای جهان^۱ و در تمام زمان‌ها یک چیز است ولی در طرف مقابل استعداد برتر مفهومی وابسته به شرایط زمانی و مکانی در نظر گرفته می‌شود و در این نگاه به طور مثال در شرایطی که ویژگی‌های بدنی برای پیروزی در جنگ‌ها مهم است این شرایط جزو ویژگی‌های استعداد برتر محسوب شده ولی در شرایط دیگر ممکن است این ویژگی‌ها جزو مشخصه‌های استعداد برتر قرار نگیرد. البته می‌توان موضع گیری عمومی نیز ذیل این محور متصور شد و آن اینکه برخی از مشخصه‌های اصلی استعداد برتر بودن - احتمالاً مانند ذهن قوی - در تمام شرایط مشترک است و برخی دیگر از مشخصه‌های اصلی - مانند جسم قوی - در شرایط گوناگون متفاوت است.

۱۰. ملاک محور یا هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر: سؤالی که ذیل این محور مطرح است

آن است که مفهوم استعداد برتر مفهومی ملاک محور است یا هنجار محور؟ منظور از ملاک محور بودن مفهوم استعداد برتر آن است که برای تشخیص استعداد برتر بودن یک فرد یک یا چند شرط که مستقل از دیگر افراد است - مانند کسب معدل بالای ۱۹ در امتحانات پایانی پایه پنجم - تعیین می‌شود و هر کسی که این شروط را احصاء کرد استعداد برتر دانسته می‌شود. در مقابل، در حالت هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر شروطی که برای استعداد برتر بودن فرد تعیین می‌شود کاملاً وابسته به وضعیت دیگر افراد جامعه است.

۱۱. میزان شیوع مفهوم استعداد برتر: سؤالی که ذیل این محور مطرح است آن است که درصد

یا تعداد افراد استعداد برتر چقدر است؟ توسط افراد مختلف جمعیت افراد استعداد برتر بین ۱ تا ۲۰ درصد بیان شده است.

^۱ در کشور ایران نیز تا چند سال پیش از آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون برای هدایت تحصیلی در آموزش و پرورش به صورت رسمی استفاده می‌شد.

ب) یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش

سؤال: مفهوم «استعداد برتر» در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» چگونه تبیین شده است؟

جدول ۹- مفهوم استعداد برتر در سند راهبردی کشور در امور نخبگان

ردیف	محور	موضع سند
۱	واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر	واقعی بودن
۲	امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر	امکان شناسایی به صورت احتمالی
۳	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	مطلوب دانستن به علت تسریع پیشرفت کشور
۴	بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر	دو موضع مختلف: ۱) توجه به هردو به صورت تفکیکی ۲) توجه صرف به حالت بالفعل
۵	موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	موضوعی بودن
۶	تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	مسکوت
۷	غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	در بعضی افراد غیراقتسابی و احتمالاً در برخی غیراقتسابی
۸	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	هوش و خلاقیت یا تلاش بالا (در کل مبهم)
۹	مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط	وابسته به شرایط
۱۰	ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر	مسکوت
۱۱	میزان شیوع مفهوم استعداد برتر	خوب فراگیر در مقابل عالی محدود

ج) یافته‌های مربوط به سؤال دوم پژوهش

سؤال: مفهوم «استعداد برتر» در انگاره‌ی معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» چگونه است؟

جدول ۱۰- مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان

ردیف	محور	موضع معلمان
۱	واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر	واقعی بودن
۲	امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر	امکان شناسایی به صورت قطعی
۳	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	مطلوب دانستن به علل «هدر رفتن استعدادهای این افراد»، «تسریع پیشرفت کشور»، «عدالت آموزشی» و «تبدیل نشدن این افراد به بزهکاران باهوش»
۴	بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر	حالت بالقوه
۵	موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	بعضی موضوعی و بعضی فرا موضوعی
۶	تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	مسکوت
۷	غیراكتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	هم اکتسابی و هم غیراكتسابی
۸	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	یادگیری و درک قوی تر، روحیه پژوهشگری، علاقه به یادگیری، نگاه متفاوت و خلاقیت، تلاش بالا
۹	مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط	مستقل از شرایط
۱۰	ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر	مسکوت
۱۱	میزان شیوع مفهوم استعداد برتر	بسیار کم، چیزی حدود ۲ درصد کل دانش‌آموزان

د) یافته‌های مربوط به سؤال سوم پژوهش

سؤال: نسبت میان مفهوم «استعداد برتر» در «سند راهبردی کشور در امور نخبگان» و معلمان مدارس «مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان» چگونه است؟

جدول ۱۱-نسبت مفهوم استعداد برتر در انگاره معلمان و سند

نسبت	محور	ردیف
همراستا	واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر	۱
تقریباً همراستا	امکان یا عدم امکان شناسایی مصادیق مفهوم استعداد برتر	۲
همراستا در اصل موضوع غیر همراستا در بیان علت	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	۳
ناهمراستا	بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر	۴
با بعضی همراستا و با بعضی ناهمراستا	موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	۵
مسکوت	تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	۶
تا حدودی ناهمراستا	غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	۷
نامعلوم	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	۸
ناهمراستا	مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط	۹
مسکوت	ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر	۱۰
ناهمراستا	میزان شیوع مفهوم استعداد برتر	۱۱

بخش دوم: محدودیت‌های پژوهش

محدودیت اصلی این پژوهش در قسمت مصاحبه با معلمان بود. از دو جهت در این قسمت محدودیت وجود داشت. محدودیت اول عدم دسترسی به معلمان خارج از تهران بود. محدودیت دوم در جنسیت معلمان بود. با اینکه تلاش شد معلمان خانم بیشتری هماهنگ شود ولی تنها دو معلم از ۱۲ معلم مصاحبه شده خانم هستند.

بخش سوم: پیشنهادها

در این قسمت پیشنهادهای پژوهشی و عملی به تفکیک ارائه خواهند شد.

الف) پیشنهادهای پژوهشی

به منظور فهم بهتر نوع ارتباط هر یک از پیشنهادها با پژوهش حاضر، پیشنهادهای پژوهشی در دو قسمت مجزا مطرح می‌شوند.

۱. پیشنهادهایی برای وسعت بخشیدن به پژوهش حاضر

از آنجایی که یکی از رسالت‌های پژوهش حاضر را می‌توان تبیین فلسفه ضمنی تعلیم و تربیت استعدادهای برتر در سطح سیاست‌گذاری و در سطح عمل و مقایسه این دو دانست به منظور تکمیل این کار انجام پژوهش‌های زیر پیشنهاد می‌شود.

- I. تحلیل مفهوم استعداد برتر در اسناد بالا دستی و سیاست‌گذاران
 - II. تحلیل مفهوم استعداد برتر در نگاه مسئولین و کارشناسان سمپاد
 - III. تحلیل مفهوم استعداد برتر در نگاه مدیران و مشاوران و کادر تربیتی مدارس سمپاد
 - IV. تحلیل تطبیقی مفهوم استعداد برتر در سطح سیاست‌گذاری و در سطح عمل (با استفاده از نتایج پژوهش حاضر و سه پیشنهاد قبلی)
- همچنین از آنجایی که با صرف تحلیل مفهوم استعداد برتر نمی‌توان به تمامی محورهای مناقشه در تعلیم و تربیت استعدادهای برتر دست یافت پژوهش زیر پیشنهاد می‌شود:
- V. استخراج دیگر محورهای مناقشه که ذیل تعلیم و تربیت استعدادهای برتر مطرح می‌شوند ولی ذیل مفهوم استعداد برتر نیستند (مانند: جداسازی یا عدم جداسازی استعدادهای برتر).

۲. پیشنهادهایی برای پیمودن گام‌های بعدی پژوهش حاضر

همانطور که در فصل سوم مطرح شد محورهای مناقشه مطرح شده کاملاً مستقل از یکدیگر نیستند و با یکدیگر در ارتباط هستند از رو پیشنهاد زیر مطرح می‌شود:

- VI. بررسی روابط میان محورهای استخراج شده پیرامون مفهوم استعداد برتر (بدین معنا که انتخاب هر یک از مواضع در هر یک از محورها از نظر منطقی مانع از انتخاب کدام مواضع در کدام محورها می‌شود).

حال با استفاده از نتایج پژوهش VII می‌توان پژوهش زیر را پیشنهاد داد:

- VII. تصریح تناقضات موجود در فلسفه ضمنی تعلیم و تربیت استعدادهای برتر در سطح سیاست‌گذاری و سطح عمل در ایران با استفاده از نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های پیشنهادی I، II، III و VII.

از آنجایی که هدف پژوهش حاضر تحلیل تطبیقی مفهوم استعداد برتر در نگاه معلمان و سند بود نیازی به موضع‌گیری ذیل محورها نداشت ولی به منظور دستیابی به یک فلسفه تعلیم و تربیت استعدادهای برتر در ایران نیاز به موضع‌گیری قابل دفاع ذیل هر محور است. از این رو پیشنهاد زیر ارائه می‌گردد.

VIII. طراحی و انجام پژوهش‌هایی به منظور انتخاب موضع قابل دفاع در هر یک از محورهای قابل مناقشه استخراج شده (ممکن است نیاز به پژوهش‌های تجربی نیز باشد) با توجه به نتایج پیشنهاد *VII* و دستیابی به یک فلسفه تعلیم و تربیت استعدادهای برتر در ایران بر اساس یک فلسفه تعلیم و تربیت مبنا

همچنین به منظور رساندن این فلسفه به صحنه عمل پژوهش زیر پیشنهاد می‌شود.

IX. استخراج دلالت‌های تربیتی هر یک از موضع‌گیری‌ها ذیل هر یک از محورهای استخراج شده پیرامون مفهوم استعداد برتر

(ب) پیشنهادهای عملی

همانطور که در نتایج پژوهش مشاهده شد سند راهبردی کشور در امور نخبگان در محورهای «تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر» و «ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر» کاملاً مسکوت بود و در محور «مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر» نیز موضع صریحی اتخاذ نکرده بود. از این رو پیشنهاد می‌شود:

I در صورت نیاز سند ذیل این محورها موضع‌گیری قابل دفاعی انجام داده و بازنویسی شود. همچنین موضع‌گیری سند در محور بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر دچار تناقضاتی بود. بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

II سند حتماً پیرامون این محور بازنویسی شود.

از سوی دیگر در برخی از محورها مانند «مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط» و «میزان شیوع مفهوم استعداد برتر» که سند موضع صریحی اتخاذ کرده بود، موضع معلمان دقیقه همراهی با سند نبود. از آنجایی که معلمان با توجه تجربه‌ای که دارند می‌توانند الهام بخش – و نه حجت – در موضع‌گیری صحیح باشند پیشنهاد می‌شود:

III سند ذیل این محورها بازخوانی و در صورت نیاز بازنویسی شود.

پس از بازنویسی سند با توجه به نتایج این پژوهش در نگاه معلمان به استعداد برتر پیشنهاد می‌شود:

IV ذیل محورهای ناهمراستا مانده پس از بازنویسی، موضع‌گیری درست از نظر سند، در میان معلمان ترویج شود.

منابع

منابع فارسی

- ابوالحسنی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی مسئله جداسازی استعداد‌های برتر از سایر دانش آموزان در آراء صاحب‌نظران کشور. اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان : بنیاد ملی نخبگان
- اژه‌ای، محمدجواد (۱۳۷۶). گزینش تیزهوشان در قبل و بعد از انقلاب (۱)، مجله استعداد‌های درخشان، سال ششم
- اژه‌ای، محمدجواد (۱۳۸۱). گزینش تیزهوشان در قبل و بعد از انقلاب (۲)، مجله استعداد‌های درخشان، سال یازدهم (۱).
- اساسنامه سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان (۱۳۶۷)، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۲، دریافت شده از: <http://www.Nodet.net/>.
- اعرافی، علیرضا (۱۳۷۷). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- افروز و کامکاری، غلامعلی و کامبیز (۱۳۹۴). هوش و خلاقیت (تاریخچه، نظریه‌ها و رویکردها). تهران: دانشگاه تهران.
- افلاطون (۱۳۵۳). جمهور. تهران: چاپخانه خوشه
- امیرخانی، رضا (۱۳۸۸). هشتاد و هشتم استعداد‌های درخشان، قطعه‌ی چند؟ ردیف چند؟ بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۳/۰۳/۳۰، دریافت شده از: <http://www.ermia.ir/>
- آیتی، محسن و همکاران (۱۳۹۱). مجموعه متون آموزشی طرح شهاب (شناسایی و هدایت استعداد‌های برتر). اسناد پشتیبان طرح شهاب: بنیاد ملی نخبگان.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس؛ توسلی، طیبه (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بنیاد ملی نخبگان و وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۱). مجموعه سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی طرح شناسایی و هدایت استعداد‌های برتر (شهاب) در مرحله آزمایشی. تهران
- جانسون، بارک؛ کریستنسن، لری (۱۳۹۱). روش پژوهش در علوم تربیتی. (خسروی بابادی، علی اکبر؛ پوشنه، کامبیز؛ آقازاده، محرم، مترجم) تهران: آبیژ
- داودی، محمد (۱۳۹۰). یادگیری و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه ابن‌سینا، دوفصلنامه حکمت سینوی، بهار و تابستان.
- سجادیه، نرگس (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی اسناد رسمی نگاشته شده در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۱، ص ۲۹-۴۸.

- شفلر، ایزرایل (۱۳۷۷). در باب استعداد‌های آدمی. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مترجم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴). اساسنامه بنیاد ملی نخبگان.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۵). آیین‌نامه شرایط احراز نخبگی.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱). سند راهبردی کشور در امور نخبگان
- شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۳). کلیات نظام تربیت استعداد‌های برتر در آموزش و پرورش.
- شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی الن (۱۳۹۲). (علی‌اکبر سیف و همکاران، مترجم). تاریخ روانشناسی نوین. تهران: نشر دوران.
- صیف، علی‌اکبر (۱۳۹۰). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: نشر دوران.
- ضیایی مؤید، محمد و همکاران (۱۳۹۰). بررسی روش‌های شناسایی استعداد‌های برتر و ارائه الگوی عملی. اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان: بنیاد ملی نخبگان.
- کرباسفروشان، و همکاران، (۱۳۹۲). تعریف استعداد برتر دانش آموزی و نحوه تعامل با آن‌ها در چند کشور منتخب. اسناد پشتیبان طرح شهاب: بنیاد ملی نخبگان.
- منتظر، غلامعلی (۱۳۹۰). تدوین برنامه تحول نظام نخبگانی کشور بر پایه شناسایی و تحلیل چالش‌های ملی، گزارش پنجم: ارتباط میان سند و اسناد پشتیبان. اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان: بنیاد ملی نخبگان.
- ناظمی، امیر و همکاران (۱۳۹۰، الف). استخراج نظریه‌های نظام نخبگانی در جهان. اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان: بنیاد ملی نخبگان.
- ناظمی، امیر و همکاران (۱۳۹۰، ب). پیشران نظام نخبگانی. اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان: بنیاد ملی نخبگان.
- ناظمی، امیر و همکاران (۱۳۹۰، ج). تحلیل وضع موجود نظام نخبگانی. اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان: بنیاد ملی نخبگان.
- ناظمی، امیر و همکاران، (۱۳۹۰، د). ترازایی نهادهای مرتبط با نظام نخبگانی چند کشور. اسناد پشتیبان سند راهبردی کشور در امور نخبگان: بنیاد ملی نخبگان.
- یغموری، سعید؛ مجیدی، اردوان (۱۳۸۷). تحلیل مشخصه‌ها و نیازمندیهای برنامه درسی نخبه‌پرور برای پرورش بومی نخبگان و تعدیل مهاجرت نخبگان در پدیده جهانی شدن. موسسه مطالعات راهبردی فن‌آوری اطلاعات.

منابع انگلیسی

- Kerr, B. A. (2009). *Encyclopedia of giftedness, creativity, and talent*. London: SAGA Publications.
- Dai, D. Y. (2009). *Essential Tensions Surrounding the Concept of Giftedness; International Handbook on Giftedness, Edited by: Lrissa V. Shavinina; Springer Science, pages 39-80*

- Szabos, J. (1989) *Bright Child, Gifted Learner Challenge*, 34. Good Apple.
- *Oxford Advanced American Dictionary* (oxfordlearnersdictionaries.com).
- Renzulli, J. S. (1990). *A practical system for identifying gifted and talented students. Early Child Development and Care* Vol. 63, Iss. 1, pages 9-18.
- Marland, S. P. (1971) *Education of the Gifted and Talented: Vol. 1, Report to the Congress of the United States by the U.S. Commissioner of Education. Washington DC: U.S. Government Printing Office.*

پیوست ۱:

جدول تحلیل مضمون پیشینه نظری مفهوم

استعداد برتر

صاحب نظر، دیدگاه یا سند	گزاره کلیدی	نکته کلیدی	مقوله
تدوین کنندگان دانشنامه آکسفورد	<p><i>Talent: a <u>natural</u> ability to <u>do something well</u></i></p> <p><i>Natural: existing in or caused by nature; not made or caused by humankind.</i></p>	Talent مفهومی موضوع محور است. به خاطر عبارت «انجام بعضی کارها»	موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر
		Talent مفهومی غیراقتسابی است. به خاطر واژه «طبیعی»	غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر
		Talent تا حدی مفهومی بالفعل است. به خاطر واژه «توانمندی» همچنین اشاره‌ای به بالقوه بودن آن نشده است.	بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر
افلاطون	<p>مایه وجودی برخی از مردم با طلا، برخی دیگر با نقره و باقی مردم با آهن سرشته شده است که قرار است گروه اول زمام داران، گروه دوم پاسداران و گروه سوم پیشه‌وران و کشاورزان جامعه شود.</p>	تیزهوشی ذاتی است	غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر
		- افراد در سه دسته هستند و دسته‌ها با هم اختلاف فاحشی از نظر ارزشی با یکدیگر دارند. (طلا، نقره و آهن به وضوح تفاوت ارزشی فاحشی با یکدیگر دارند.)	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن
افلاطون	<p>برای یافتن فرماندهان سپاه... باید در پی کسانی بگردیم که عقیده خود را بهتر از دیگران می‌توانند حفظ کنند ... این جستجو را باید از کودکان آغاز کنیم، یعنی باید تکالیفی برای آنان معین کنیم که آدمی در حین انجام دادن آن‌ها بیش از هر موقع دیگری عقاید خود را زیر پا می‌گذارد، یا از یاد می‌برد. سپس هر کدام را که ببینیم فراموشی به خود راه نمی‌دهد و فریب ظاهر را نمی‌خورند بلکه همواره در عقیده خود استوار می‌ماند، باید بگزینیم و از دیگران جدا کنیم... باید این افراد را در هر سنی زیر نظر بگیریم و ببینیم آیا می‌توانند از این عقیده پاسداری کنند که هر کاری که از آنان سر می‌زند باید به سود و صلاح جامعه باشد؟... باید در مرحله بعد آن‌ها را به کارهای سخت گمارد و مجبور به نبرد و مبارزه کرد و تحت آزمایش قرار داد و در مرحله سوم باید آنان را در برابر عوامل فریبنده آزمود.</p>	استعدادهای برتر قابل شناسایی هستند.	امکان یا عدم امکان شناسایی استعدادها برتر
		باید به شناسایی استعدادها برتر نگاه فرآیندی و بلند مدت داشت نه مقطعی	
افلاطون	تنها کسانی که اجازه دارند و باید زمامدار و پادشاه شوند [تنها افرادی که سرشت طلایی دارند] فیلسوفان هستند و فیلسوف (یعنی دوستدار دانش) کسی است که عاشق	ویژگی اصلی استعداد برتر علاقه شدید او به فراگیری تمام دانش‌ها و حقیقت است.	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر

غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	ویژگی‌های فرد استعداد برتر ذاتی و غیراکتسابی هستند.	و جویای تمام دانش است (نه جزئی از آن)، در فراگیری دانش سیری ناپذیر و مشتاق به تماشای حقیقت است. ویژگی‌های دیگر فیلسوف شاه که از هنگام تولد در نهاد او نهفته است عبارتند از: - دیگران را فریب نمی‌دهد و دانسته فریب نمی‌خورد. - لذت روحی را بزرگ‌ترین لذت می‌داند و به لذات جسمی اعتنا ندارد. - اعتدال و خویشتن داری دارد و از حرص مال اندوزی دوری می‌کند. - از فرومایگی و دل بستن به چیزهای کوچک بری است. - از مرگ نمی‌ترسد. - در آموختن چابک است. - بالطبع حافظه‌ای قوی دارد. - خواهان تناسب و اعتدال و زیبایی است. همچنین تمام این صفات مطرح شده ناشی از یکدیگرند.	
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	توجه به ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی در کنار ویژگی‌های ذهنی		
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	ویژگی‌های ناشی از این ویژگی عبارتند از: چابکی در آموختن، حافظه قوی، فریب نخوردن و ندادن، اعتنا نکردن به لذات جسمی، دوری از حرص، دل نبستن به چیزهای کوچک، نترسیدن از مرگ، زیبایی دوست.		
میزان شیوع مفهوم استعدادهای برتر	استعدادهای برتر بسیار کمیاب‌اند.	طبیعی را که استعدادهای و سجایای لازم برای فلسفه را در خود جمع دارند بسیار کمیاب‌اند و منشأ تمام کارهای بزرگ چه بد و چه خوب فقط همین طبایع هستند ولی خوب یا بد شدن افراد دارای این طبایع را تربیت آن‌ها تعیین می‌نماید.	افلاطون
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	ویژگی‌های استعداد برتر: قوی حافظه، تیزهوش، دلیر و بلند همت	بر اساس سجایای فطری فیلسوف که برشمرده شدند او طبیعتاً قوی حافظه، تیزهوش، دلیر و بلند همت است، ... بنابراین او در کودکی به همبازی‌های خود برتری خواهد داشت، مخصوصاً اگر جسمش با روحش هماهنگ باشد.	افلاطون
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	تیزهوشی یک ویژگی روحی است نه جسمی.		
امکان یا عدم امکان شناسایی استعدادهای برتر	برتری فرد استعداد برتر در کودکی از همسن‌های خود (در صورت هماهنگی جسم با روح) قابل رؤیت است.		
غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی ذاتی است.	انسان‌ها از نظر توان جسمی، قدرت تفکر، هوش و استعداد، زیرکی و کودنی و جهات دیگر با یکدیگر متفاوت‌اند.	ابن سینا
واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر	انسان‌ها از نظر زیرکی و کودنی با هم متفاوت‌اند.		
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	از ویژگی‌های استعداد برتر نیاز کمتر به تمرین و نیاز کمتر به معلم (سهولت در یادگیری) است.	برخی بیشتر نیازمند معلم و استاد و مطالعه و تمرین و تکرار فراوان هستند، برخی استعداد بیشتری داشته و به مطالعه و تمرین و فعالیت کمتری نیاز دارند و برخی نیز	ابن سینا

مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	علت اصلی تیزهوشی توانایی در حدس زدن (پیش بینی صحیح) است.	بدون نیاز به آموزگار و آموزش مطلب را می‌آموزند. این تفاوت را ناشی از تفاوت در توانایی در حدس زدن است.	
غیراكتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	ذاتی بودن تیزهوشی	مربی کودک ابتدا طبیعت کودک را بیازماید، ذوق و سلیقه او را بسنجد و درجه هوش او را امتحان کند. آنگاه بر اساس این امور حرفه یا دانش مناسب برای وی برگزیند.	ابن سینا
امکان یا عدم امکان شناسایی استعدادهای برتر	امکان سنجش تیزهوشی از کودکی		
غیراكتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی وراثتی است. (ذاتی است)	نبوغ فردی در خانواده‌هایی خاص به حدی رخ می‌دهد که نمی‌توان آن را صرفاً با تأثیرهای محیطی و تربیتی تبیین کرد زیرا داده‌های او نشان می‌دادند که هر فرد مشهوری نه فقط نبوغ کلی بلکه شکل خاصی از نبوغ را به ارث می‌برد. برای مثال، دانشمندان بزرگ معمولاً در خانواده‌هایی متولد شده بودند که از نظر علمی مقام والایی داشتند.	گالتون
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	هوش یک ویژگی جسمی نیز هست.	توانمندی‌های حسی - حرکتی یکی از معرفه‌های هوش انسانی است	گالتون
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	هوش ارتباطی به ویژگی‌های جسمی ندارد.	هوش فرآیند شناختی سطح بالا است و ارتباطی با توانمندی‌های حسی و حرکتی ندارد.	بینه
امکان یا عدم امکان شناسایی استعدادهای برتر	هوش قابل کمی سازی و اندازه گیری دقیق است	بینه در سال ۱۹۰۴، از دولت فرانسه درخواست کرد اعتباری در اختیارش بگذارد تا ابزاری بسازد که با آن بتواند در سن ورود به مدرسه، کودکانی را که می‌توانند با سرعت عادی یاد بگیرند از کسانی که دیرآموز بوده و به برنامه‌های آموزشی ویژه نیاز داشتند جدا کند. نتایج آزمون بینه-سیمون بر این فرض استوار بود که هر فردی دارای یک «سن زمانی» است و یک «سن عقلی» که نشانگر متوسط توانایی‌های هوشی موجود بین افراد گروه سنی معینی است. پس از محاسبه سن عقلی کودک، می‌توان این سن را با سن زمانی وی مقایسه کرد تا جایگاه نسبی وی در میان افرادی که سن زمانی‌شان با او یکسان است، تعیین شود.	بینه
ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی هنجار محور است		
موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	هوش فرا زمینه‌ای است	استفاده از آزمون‌های <i>IQ</i> بشدت در سطح جهان گسترش یافت و در حال حاضر نیز بسیاری از دولت‌ها و مؤسسات خصوصی از آن‌ها برای مقاصد مختلفی از	نگارنده

تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی یک نوع است	جمله هدایت تحصیلی و شناسایی تیزهوشان بهره می‌برند ^۱ . از جمله ویژگی‌های این آزمون‌ها و پیامدهای آن می‌توان به این موارد اشاره کرد:	
مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط	تیزهوشی مفهومی جهان شمول است	- نتیجه این آزمون تنها یک عدد را نشان می‌دهد.	
غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی قابل کم و زیاد شدن نیست	- سوالات این آزمون مختص زمان و مکان و فرهنگ خاصی طراحی نشده است.	
موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	فرا زمینه‌ای بودن هوش	- نتیجه این آزمون معمولاً ثابت فرض می‌شود یعنی در سن خاصی این آزمون را از فرد گرفته شده و در باقی زمان‌ها نیز به همان استناد می‌شود.	
تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	هوش تک نوعی است	اسپیرمن در سال ۱۹۰۴ در انگلیس با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «هوش کلی» این پرسش را مطرح کرد که «چرا بین توانایی‌های مختلف آدمی همبستگی وجود دارد یا به عبارتی چرا کسانی که در یک کار استعداد خوبی دارند در کارهای دیگر نیز شایستگی از خود نشان می‌دهند و افرادی که در یک زمینه توانایی اندک دارند، اغلب در سایر زمینه‌ها هم کم‌توان هستند؟»	اسپیرمن
واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر	واقعی و اصیل بودن در مقابل اعتباری و دروغین	افراد از حیث تیزهوشی با تفاوت‌های قابل توجهی دارند.	ذات‌گرایان
امکان یا عدم امکان شناسایی استعدادهای برتر	هوش با ابزارهای موجود قابل ارزیابی است.	تیزهوشی با آزمون‌هایی به صورت عینی قابل کمی‌سازی و اندازه‌گیری است.	ذات‌گرایان
مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	سلسله مراتب افراد برتر، متوسط و پایین رتبه در جامعه قابل تعیین است.	سلسله مراتب افراد برتر، متوسط و پایین رتبه در جامعه قابل تعیین است و برحسب نیاز باید انجام شود.	ذات‌گرایان
غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	هوش ذاتی و وراثتی است	تیزهوشی ژنتیکی، وراثتی (نژادی) و یک موهبت ذاتی است.	ذات‌گرایان
غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	هوش در یک فرد ثابت است.	تیزهوشی یک کیفیت دائمی و پایدار است یعنی یک فرد در بدو تولد با یک ضریب هوشی متولد می‌شود و تا هنگام مرگ از همان ضریب هوشی برخوردار است.	ذات‌گرایان
موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	هوش فرا زمینه‌ای است.	تیزهوشی یک کیفیت عمومی (فرا زمینه‌ای) است. بدین معنا که افراد تیزهوش عموماً دارای قابلیت‌های	ذات‌گرایان

^۱ حتی در کشور ایران نیز تا همین چند سال پیش از آزمون ماتریس‌های پیش‌رونده ریون برای هدایت تحصیلی استفاده می‌شد.

		گسترده‌ای هستند که می‌توانند هوش خود را در عرصه‌های مختلف به کار گیرند.	
مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط	تیزهوشی مفهومی جهان شمول است نه مفهومی زمان‌مند و مکان‌مند.	تیزهوشی مفهومی جهان شمول است نه مفهومی زمان‌مند و مکان‌مند.	ذات‌گرایان
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	تنها عوامل ذهنی موجب تیزهوشی افراد است	تنها عوامل ذهنی موجب تیزهوشی افراد است نه عوامل دیگر.	ذات‌گرایان
تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی یک نوع است	یک نوع تیزهوش وجود دارد و انواع تیزهوشی معنا دار نیست.	ذات‌گرایان
مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	استعدادهای برتر نیاز به آموزش متفاوت دارند.	افراد تیزهوش رفتارهای متفاوت و در نتیجه نیازهای متفاوتی از جمله در آموزش نسبت به دیگران دارند.	ذات‌گرایان
مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	اندازه‌گیری میزان تیزهوشی افراد و طبقه‌بندی افراد طبق آن کار نامطلوبی است.	آزمون IQ دموکراسی را به در معرض خطر قرار می‌دهد زیرا منجر به رتبه‌بندی افراد می‌شود.	ساخت‌زدایان
واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر	اعتباری و تخیلی بودن مفهوم هوش در مقابل اصیل بودن آن	برلند از جریان ساخت‌زدایی معتقد است مفهوم هوش به عنوان یک واقعیت عینی کشف نمی‌شود بلکه به منظور یک هدف اجتماعی ابداع می‌گردد. او همچنین از مباحث فوکو در خنثی نبودن دانش استفاده می‌کند و در نگاهی انتقادی مفهوم هوش و آزمون‌های سنجش هوش را ابزارهایی برای حفظ و تداوم بخشی شکل منظمی از نظم اجتماعی می‌داند.	برلند
امکان یا عدم امکان شناسایی استعدادهای برتر	ناکارآمدی ابزارهای سنجش هوش	بود ساخت‌زدایان تلاش کردند با زیر سؤال بردن اعتبار علمی آزمون‌های سنجش هوش، قابل اندازه‌گیری بودن هوش را زیر سؤال ببرند. چون اگر هوش قابل اندازه‌گیری نباشد نمی‌توان با توجه به آن افراد را دسته‌بندی کرد.	ساخت‌زدایان (استرنبرگ)
مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	وجود پیامدهایی نامطلوب برای طبقه افراد بر اساس هوش	ساخت‌زدایان اعتقاد دارند حتی اگر روشی برای سنجش درست هوش وجود داشته باشد، پیامدهای این سنجش نامطلوب است زیرا موجب نابرابری اجتماعی و شکافی غیرقابل جبران در جامعه خواهد شد.	ساخت‌زدایان
موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	هوش یک مفهوم عمومی نیست بلکه متکثر است	گاردنر هفت توانایی نسبتاً مستقل را برای حیطه هوش توصیف کرده است. البته او از آغاز تصریح کرده است که فهرست مشتمل بر هفت نوع هوش تنها مدخلی برای نگاه کثرت‌گرایانه به مقوله هوش است و دربردارنده انواع ممکن هوش انسانی نیست.	گاردنر

مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	تعریف مفهوم تیزهوشی مفید است	به همین خاطر توسعه‌گرایان با نگاهی عمل‌گرایانه تلاش کردند مفهوم تیزهوشی را مورد بازسازی قرار دهند، به طوری که هم بتوان از آسیب‌های ناشی از دیدگاه‌های ذات‌گرایانه در امان ماند و هم از منافع مفهوم تیزهوشی بهره جست.	توسعه‌گرایان
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	خلاقیت، تلاش بالا و توانایی کلی بالاتر از میانگین عناصر سازنده تیزهوشی هستند.	تیزهوشی عبارت است از برهم‌کنش سه خوشه اصلی ویژگی‌های انسانی که این خوشه‌ها عبارتند از «توانایی‌های کلی بالاتر از میانگین»، «سطوح بالای تعهد کاری» و «سطح بالای خلاقیت».	رنزولی
ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی هنجار محور است ملاک محور نیست	کودکان سرآمد و بااستعداد، آن‌هایی هستند که یا این مجموعه از ویژگی‌ها را دارا هستند و یا قابلیت این را دارند که دارای این مجموعه ویژگی باشند.	رنزولی
مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	افراد استعداد برتر نیاز به آموزشی غیر از آموزش عادی نیز دارند	کودکانی که واجد شرایط فوق هستند، به فرصت‌ها و خدمات آموزشی متنوع و گسترده‌ای نیاز دارند که به طور عادی از طریق برنامه‌های درسی معمول فراهم نمی‌شود	رنزولی
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	تأثیر عوامل شخصیتی در تیزهوشی	رنزولی در کارهای بعدی خود به اهمیت ویژگی‌های گسترده‌تری در خصوص تیزهوشی و به عنوان پس‌زمینه مدل سه حلقه، از قبیل خوش‌بینی، شهامت، علاقه‌ی عاطفی به یک موضوع یا رشته، حساسیت نسبت به نگرانی‌های انسانی، انرژی فیزیکی و روحی و چشم انداز نسبت به سرنوشت، اشاره نموده است	رنزولی
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	عنصر خلاقیت برای تیزهوشی لازم نیست.	برخی افراد سرآمد وجود دارند که عنصر خلاقیت نقش مهمی در سرآمدی آن‌ها ندارند	تانباوم
تک نوعی یا چند نوعی بودن مفهوم استعداد برتر	دو نوع تیزهوش وجود دارد.	افراد سرآمد را به دو دسته مجزا تقسیم می‌کند: الف) سرآمدان «مولد» که بر اساس خلاقیت عمل می‌کنند و چیزهای جدید خلق می‌کنند. ب) سرآمدان «مجری» که بر اساس مهارت عمل می‌نمایند و آن چیزی را که از قبل موجود است را به طور بهینه بکار می‌گیرند.	تانباوم
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	توجه به محیط، عناصر شخصیتی، عناصر تصادفی و عوامل اختصاصی در کنار عوامل عمومی	مدل «ستاره دریایی» تانباوم از همپوشانی پنج متغیر توانمندی عمومی، توانمندی تخصصی، عوامل غیرهوشی مانند انگیزش، اعتماد به نفس بالا و ...، عوامل محیطی و عوامل تصادفی تیزهوشی به وجود می‌آید.	تانباوم
مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	عنصر خلاقیت برای تیزهوشی لازم نیست.	خلاقیت در برخی فعالیت‌های خاص عنصری مهم و در برخی دیگر از عرصه‌ها کم اهمیت است به همین خاطر	گانیه

		نبايد خود به عنوان يك عامل قطعي براي تيزهوشي در نظر گرفته شود.
مشخصه‌ها يا شايستگي‌هاي اصلي استعداد برتر	- عناصر غير هوشي مهم‌اند.	او اعتقاد دارد رنزولي تأثير ديگر حوزه‌هاي توانايي را نادیده مي‌گيرد و به اشتباه چنين فرض مي‌کند که همه اين توانايي‌ها از نوع توانايي‌هاي هوشي هستند.
مشخصه‌ها يا شايستگي‌هاي اصلي استعداد برتر	عامل تعهد کاري نمی‌توان براي gifted بودن ضروري باشد.	«اگر اين فرض را بپذيريم که تيزهوشان کم پيشرفت واقعاً تيزهوش هستند، آنگاه تعريف تيزهوشي بايد به گونه‌اي باشد که در آن نقش متفاوتي بر عهده «تعهد کاري» گذاشته شود.
بالقوه يا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر	«توانايي سطح بالا» لزوماً منجر به « عملکرد سطح بالا» نمی‌شود ولي بايد به هردو توجه کرد.	او براي رفع اين مشکلات علي‌الخصوص مشکل آخري که مطرح شد مدل افتراقي تيزهوشي (giftedness) و پراستعدادي (talent) را ارائه مي‌دهد که اساس آن بر جديبي «حوزه‌هاي توانايي» و «زمينه‌هاي عملکرد» استوار است که اولي با تيزهوشي و دومي با پراستعدادي مطابقت دارد
ملاک محور يا هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر	هنجار محور بودن مفهوم تيزهوشي	تيزهوشي (giftedness): دارا بودن و استفاده از توانايي‌هاي طبيعي فوق‌العاده‌اي است (که استعداد ذاتي يا تيزهوشي ناميده مي‌شود) که باعث مي‌شود در يك حوزه توانايي، فرد حداقل در بين ۱۰ درصد بالاي همتايان سني خودش قرار بگيرد.
غيراکتسابي يا اکتسابي بودن مفهوم استعداد برتر	ذاتي بودن تيزهوشي	
ملاک محور يا هنجار محور بودن مفهوم استعداد برتر	هنجار محور	پراستعدادي (talent): بيان کننده تسلط فوق‌العاده توانايي‌هايي است که به صورت نظام‌مند توسعه يافته‌اند و دانش فرد، در حداقل يك حوزه از فعاليت انساني به ميزاني است که باعث مي‌شود فرد حداقل در بين ۱۰ درصد بالاي همتايان سني‌اش که در همان حوزه فعال هستند، قرار بگيرد.
موضوعي يا فراموضوعي بودن مفهوم استعداد برتر	زمينه‌اي بودن پراستعدادي	
مشخصه‌ها يا شايستگي‌هاي اصلي استعداد برتر	توجه به عوامل تصادفي، محيط و عوامل شخصيتي به عنوان موانع يا تسهيل کننده	او براي تکميل مدل خود چهار عنصر ديگر را اضافه مي‌کند که اين عناصر عبارتند از: يادگيري و تمرين، کاتاليزورهاي درون فردي مانند ويژگي‌هاي جسمي و روحي و انگيزه و اراده ، کاتاليزورهاي محيطي و شانس رابطه اين عناصر در مدل گانبيه به اين شکل است که فرد Gifted - که داراي قابليت‌هاي فوق‌العاده ذهني، رواني و جسمي ذاتي است - از طريق «يادگيري و تمرين» فرآيند رشد خود را طي کرده و به فرد Talent در يك [يا چند] زمينه خاص فعاليت بشري تبديل مي‌شود. همچنين در طي فرآيند رشد کاتاليزورهايي هستند که اين فرآيند را تسهيل کرده يا در مقابل آن ايجاد موانع مي‌کنند. عنصر شانس نيز مانند
غيراکتسابي يا اکتسابي بودن مفهوم استعداد برتر	توجه به مفهوم رشد و توسعه تيزهوشي (پويا و تکويني شدن مفهوم تيزهوشي)	

		بستری در تعامل عناصر با یکدیگر مؤثر است. شکل زیر تعامل این اجزا را باهم نشان می‌دهد.	
غیراكتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی امری تکوینی است نه ایستا	برخلاف ذات‌گرایان که معتقدند تیزهوشی یک کیفیت پایدار و دائمی است بدین معنی که یک فرد در بدو تولد با یک ضریب هوشی متولد می‌شود و تا هنگام مرگ از همان ضریب هوشی برخوردار است. تیزهوشی از نگاه توسعه‌گرایان امری تکوینی است. در واقع این دیدگاه تیزهوشی را پدیده‌ای پویا و شکوفاشونده می‌بیند که از طریق علاقه و اشتیاق، کسب مهارت‌های پیشرفته و تنش‌های خلاقانه تجلی پیدا می‌کند.	توسعه‌گرایان
مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط	تیزهوشی وابسته به محیط (بافت) است	توسعه‌گرایان تیزهوشی را یک کیفیت کارکردی می‌دانند که نمی‌توان آن را از زمینه‌های کارکردی آن جدا کرد. به این معنا که از یک سو ظرفیت‌های محیطی و اجتماعی مشروط به آمادگی فرد برای درک آن‌ها و کنش بر مبنای آن‌ها است و به طور معکوس اثربخشی و توانایی‌های فرد نیز به واسطه‌ی فرصت‌ها و ظرفیت‌های محیطی و اجتماعی شکل می‌گیرد و تحریک می‌شود. بسیاری از توسعه‌گرایان تلاش می‌کنند تا نقش شرایط محیطی را در تعامل با وضعیت ژنتیکی مشخص سازند. برای برخی، فعالیت شناسایی افراد استثنایی می‌تواند با شناسایی شرایط محیطی استثنایی هم‌راستا باشد.	توسعه‌گرایان
موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	تیزهوشی به عنوان امری متکثر نه واحد	در دیدگاه توسعه‌گرا تیزهوشی (Giftedness) یک امر متکثر است. در واقع تیزهوشی به عنوان امری تکوینی مسیرهای توسعه‌ای متفاوتی دارد و این‌گونه نیست که تنها یک مسیر برای تکوین آن وجود داشته باشد. همچنین می‌توان عوامل توسعه در یک مسیر خاص و نه دیگر مسیرها در یک فرد را هم در شخصیت آن فرد است و هم در بافتی که آن فرد در آن وجود دارد، جستجو کرد. این تکثرگرایی در دیدگاه توسعه‌گرایان آشکارا در تضاد با دکتترین ذات‌گرایان است که فرمول خاص و صریحی (IQ) برای یافتن و اندازه‌گیری تیزهوشی ارائه می‌دهد که در آن صرفاً یک عدد تعیین‌کننده تیزهوش بودن یا نبودن فرد است.	توسعه‌گرایان
مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	گره خوردن مفهوم استعداد برتر و پیشرفت	علت توجه کشور آمریکا به موضوع آموزش و پرورش استعدادهای برتر، پیشرفت کشورش است.	نگارنده

توانمندی‌های برجسته استعداد برتر ممکن است بالفعل یا بالقوه باشد.	توانمندی‌های برجسته استعداد برتر بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر	گزارش مارلند به کنگره آمریکا
استعدادهای برتر [برای شکوفا شدن استعدادهای برجسته‌شان] به آموزش و پرورش فراتر از حد معمول نیاز دارند.	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	
هر فرد نسبت به [شکوفا شدن استعدادهای] خود دینی دارد.	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	
هر فرد [با توجه به میزان استعدادهای] نسبت به [تلاش برای پیشرفت] جامعه خود دینی دارد.	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	گزارش مارلند به کنگره آمریکا
که استعداد برتر مفهومی زمینه‌ای است نه فرا زمینه‌ای	موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	
خلاقیت در کنار هنر، قدرت رهبری و ... خود یک زمینه در نظر گرفته شده است.	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	گزارش مارلند به کنگره آمریکا
«کودکان تیزهوش و استعداد درخشان (gifted and talented children) در واقع محروماند و از آسیب‌های روانی و اختلالات دائمی در استفاده از توانمندی‌هایشان برای عملکرد صحیح رنج می‌برند. رنج این افراد برابر و حتی بیشتر از رنج کسانی است که به دلیل دیگر محرومیت‌ها توسط اداره مرکزی آموزش و پرورش به عنوان نیازهای خاص به آن‌ها خدمات ارائه می‌شود.»	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	
کودکان و نوجوانانی که در مقایسه با همسالان، هم محیطی‌ها و کسانی که تجربه یکسانی با آن‌ها دارد، استعداد برجسته‌ای در انجام دادن کارها دارند یا در سطوح فوق‌العاده بالای فعالیت، پتانسیل قابل توجهی از خود نشان داده‌اند. این کودکان و نوجوانان در حوزه‌های فکری، خلاقیت و/یا هنر، قابلیت عملکرد بالایی بروز داده‌اند، ظرفیت رهبری فوق‌العاده‌ای را دارا بوده یا در یک رشته خاص علمی برتر هستند. آن‌ها به خدمات یا فعالیت‌هایی نیاز دارند که به طور معمول به وسیله مدارس فراهم نمی‌شود. استعدادهای برجسته در کودکان و نوجوانان تمام گروه‌های فرهنگی، در تمام	ملاک‌محور یا هنجارمحور بودن مفهوم استعداد برتر	قانون آموزش و پرورش استعداد برتر جاوید در آمریکا
استعداد برتر مفهومی هنجارمحور است. (در مقایسه با همسالان، هم محیطی‌ها و کسانی که تجربه یکسانی با آن‌ها دارد)	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	
زمینه روانی-حرکتی نمی‌تواند زمینه‌ای برای استعداد برتر باشد.	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	

	جزو ویژگی‌های استعداد برتر محسوب (شود).	اقتشار اقتصادی و در همه زمینه‌های فعالیت بشری وجود دارد.	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	تمایز قائل شدن میان حالت بالقوه و بالفعل (البته این تمایز باید دقیق‌تر بررسی شود)	«نخبه» به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید و گسترش علم و هنر و فناوری و فرهنگ‌سازی و مدیریت کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید و گسترش دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و اعتلای جامعه انسانی کشور گردد. «استعداد برتر» به فردی اطلاق می‌شود که به صورت بالقوه نخبه بوده ولی هنوز زمینه‌های لازم برای شناسایی کامل و یا بروز استعدادهای ویژه او فراهم نشده است.	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن	تعاریف فوق شامل استعدادهای برتر و نخبگان بخش‌های مختلف از قبیل علمی و فناوری، آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، هنری و مدیریتی می‌باشد.	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر	استعداد برتر و نخبگی یک فرآیند پویا است و می‌بایست تداوم شرایط در دوره‌های زمانی مشخص در احراز نخبگی معیار قرار گیرد.	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	نگاه پویا به استعداد برتر	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	بیشتر بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر به خاطر عبارت انجام ماهرانه‌تر یک کار خاص.	استعداد عبارت است از «قابلیت و توانایی خاص در یادگیری همراه با بروز قابلیت شخصی و انجام ماهرانه‌تر یک کار خاص»، بر اساس این تعریف، مؤلفه‌های شناسایی «توانایی خاص در یادگیری» عبارت‌اند از: «سهولت و راحتی در یادگیری»، «حجم بالای اطلاعات در زمینه خاص» و «دقت»، مؤلفه‌های شناسایی «بروز قابلیت شخصی» عبارت‌اند از: «سرسختی شناختی»، «تحمل ابهام» و «کنجکاوی» و مؤلفه‌های شناسایی «انجام ماهرانه‌تر یک کار خاص» عبارت‌اند از: «درستی و خطای کم در انجام کار»، «چالاکتی و سرعت بالای انجام کار» و «سهولت و راحتی در انجام کار» است.	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	توجه به ویژگی‌های شخصیتی در تعریف استعداد برتر	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر	توجه به ویژگی‌های شخصیتی در تعریف استعداد برتر	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	غیراقتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر	تصريح بر ذاتی بودن مفهوم استعداد برتر	
آیین نامه احراز شرایط نخبگی	بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر	جدا کردن حالت بالقوه و بالفعل استعداد برتر	

	هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی از یک سو و خبرگی، تخصص و توانمندی‌های اکتسابی از سوی دیگر، موجب سرعت بخشیدن به پیشرفت و اعتلای کشور شود.»	
--	---	--

پیوست ۲:

فرم پرسشنامه مصاحبه با معلمان مرکز ملی

پرورش استعداد‌های درخشان پیرامون مفهوم

استعداد برتر

مشخصات فرد مصاحبه شونده

جنسیت:	سن:	تحصیلات:	رسمی یا غیررسمی:
موضوع تدریس در مدارس سمپاد:	مقطع تدریس در مدارس سمپاد:	مقطع تدریس در مدارس سمپاد:	مقطع تدریس در مدارس سمپاد:
مناطق تدریس در مدارس سمپاد:	سابقه تدریس در مدارس سمپاد:	سابقه تدریس در مدارس سمپاد:	سابقه تدریس:
سابقه تدریس در مدارس عدی دولتی:	تحصیل در مدارس خاص:		

درخواست‌های قبل از مصاحبه، از مصاحبه شونده

- صرفاً اعتقادات شخصی خود را راجع به سؤالات بیان کنید. هدف این پژوهش بررسی مباحث علمی مطرح شده در این زمینه نیست بلکه هدف شناخت اعتقادات معلمان سمپاد است بدون هیچ موضع‌گیری راجع به درست بودن یا غلط بودن آن‌ها.
- همچنین به همین جهت اگر در مورد سؤالی نظر خاصی نداشتید لطفاً صرفاً بگویید که نظری ندارم.

سؤالات مصاحبه

۱. آیا به نظر شما دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟^۱
۲. آیا باید به این دانش‌آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟ به چه دلیلی؟ (منظور از توجه صرفاً جدا کردن این دانش‌آموزان از دیگر دانش‌آموزان نیست).^۲
۳. این دانش‌آموزان از چه نظر با دیگر دانش‌آموزان اختلاف دارند؟^۳
۴. تا چه حد می‌توان این دانش‌آموزان را شناسایی کرد؟^۴
۵. به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش‌آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یا هر دو؟^۵
۶. این مشخصه‌ها تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟^۶

^۱ برگرفته از محور «واقعی یا تخیلی و دروغین بودن مفهوم استعداد برتر»

^۲ برگرفته از محور «مطلوب یا نامطلوب بودن تعریف مفهوم استعداد برتر و علت آن»

^۳ برگرفته از محور «مشخصه‌ها یا شایستگی‌های اصلی استعداد برتر»

^۴ برگرفته از محور «بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر»

^۵ برگرفته از محور «بالقوه یا بالفعل بودن مفهوم استعداد برتر»

^۶ برگرفته از محور «غیراکتسابی یا اکتسابی بودن مفهوم استعداد برتر»

۷. آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟^۱
۸. به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان تهران (در محدوده‌ای که در آن درس داده‌اید) استعداد برتر هستند؟ در کل کشور این آمار چطور است؟^۲
۹. به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟^۳

^۱ برگرفته از محور «موضوعی یا فراموضوعی بودن مفهوم استعداد برتر»

^۲ برگرفته از محور «شیوع مفهوم استعداد برتر»

^۳ برگرفته از محور «مستقل یا وابسته بودن مفهوم استعداد برتر به شرایط»

پیوست ۳:

متن مصاحبه با معلمان مرکز ملی پرورش

استعدادهای درخشان پیرامون مفهوم استعداد

برتر

مصاحبه با معلم شماره ۱

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۱: از نظر بنده دانش‌آموزان با هم تفاوت دارند و نیاز هست که یک عده دانش‌آموز در محیطی جدا بر رویشان کار شود و با این نظر که می‌گویند این‌ها همه باید کنار یکدیگر باشند و ضعیف و قوی به یکدیگر کمک کنند، بنده مخالفم. چون یکسری واقعاً سطحشان فرق دارد و حیف می‌شوند و هیچ کمکی هم به بقیه نمی‌توانند بکنند. یک دسته‌ی دیگر هم وجود دارد که دانش‌آموزان خوب هستند. این دانش‌آموز خوب، در کنار ضعیف باید کمک کند. خودش اینگونه پیشرفت بیشتری می‌کند. استثنائاتی وجود دارد اما تعدادشان کم است و در مدرسه‌ی استعداددرخشان هم طوری نیست که بگوییم هر کسی هست جزء آن دسته از آدم‌هاست. در آن‌ها هم عده‌ای هستند که همان خوبها هستند و عالی نیستند و در خیلی از مدارس عادی هم الآن وجود دارد. و در مدارس عادی، غیرانتفاعی و دولتی در بین ۱۰۰ دانش‌آموز، شما ۲ نفر خاص را هنوز می‌بینید که بنا به دلایلی در آزمون استعدادهای درخشان، موفق نبوده‌اند.

مصاحبه کننده: آیا باید به این دانش‌آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟ به چه دلیلی؟ (منظور از توجه صرفاً جدا کردن این دانش‌آموزان از دیگر دانش‌آموزان نیست.)

معلم شماره ۱: به دلیل پتانسیل‌هایی که بعضاً معلمی که با این افراد سرکار دارد و متوجه می‌شود. یعنی شما یک موقع هست یک مطلب را نگفته متوجه می‌شوید که بعضی از بچه‌ها اتوماتوار این مطلب را یاد می‌گیرند و فراتر از آن، دنبال بیشتر یاد گرفتن هستند، و کلاس برایشان خسته کننده می‌شود. یک ساعت کلاسی که شما نیاز دارید تا دانش‌آموزان مطلبی را یاد بگیرند، این افراد تیزهوش در پنج دقیقه اول یاد می‌گیرند. و ادامه کلاس برایشان خسته کننده می‌شود. صرفاً زمینه حفظیات نیست. در زمینه‌های پژوهشی و عملی هم. قوه یادگیری سریعتری دارند و می‌توانند حجم بیشتری از اطلاعات را در سطح عمیق‌تر یاد بگیرند.

مصاحبه کننده: به نظر شما آموزش و پرورش به چه دلایلی باید توجه بیش‌تری به این افراد بکند؟
معلم شماره ۱: وقتی یک آدمی دارای پتانسیل متفاوتی است، باید داده‌های ورودی متفاوتی به او داده شود. باید جایی وجود داشته باشد که اطلاعات متفاوت بدهد، با آنها رفتار متفاوتی داشته باشد و متفاوت هم از آنها بخواهد، نه صرفاً حفظیات کتاب درسی. به نظر من در کل اگر توجه ویژه‌ای نداشته باشند عمر و پتانسیل خدادادی این دانش‌آموزان به هدر می‌رود. چیزی داریم به اسم استعداد و چیزی به نام زمینه پرورش استعداد. این‌ها درونشان استعداد هست، وظیفه آموزش و پرورش زمینه سازی برای بروز آن استعدادهاست.

مصاحبه کننده: این دانش‌آموزان از چه نظر با دیگر دانش‌آموزان اختلاف دارند؟

معلم شماره ۱: ۱- قدرت یادگیری سریعتر ۲- قدرت تحلیل روی مسائل ظاهری ۳- متفاوت دیدن پدیده های اطراف یعنی یک پدیده را ساده نمی بینند ۴- شور و اشتیاق به یادگیری بیشتر ۵- حس کنجکاوی بالا

مصاحبه کننده: تا چه حد می توان این دانش آموزان را شناسایی کرد؟

معلم شماره ۱: فقط از روی آزمون نمی شود فهمید. به نظر من صرفاً آزمون کافی نیست. فراهم کردن محیطی تعاملی در کنار بقیه دانش آموزانی که این ویژگی را دارند به نظرم نشان می دهد که این آدم استعداد خاصی دارد یا نه. انجام کار تیمی خیلی بهتر می تواند نشان دهد. شما یک مسئله ای را جلوی این ها بگذار، مسئله ای که نود درصد انسان ها با یک روش جواب می دهند، از این افراد راه حل بخواه ببین متفاوت می بینند آن راه حل را یا نه. مثالی که الان من در ذهنم می آید، یک معلمی این کار را کرده بود. به بچه ها گفته بود یک وزنه، وزنه برداری را بکشند، یک نفر از آن دانش آموزان آمد فقط یک دایره کشید و یک نقطه وسطش گذاشت، خب این که وزنه نیست، گفت من از این طرف دیدمش. به نظر من متفاوت دیدن و خلاقیت خیلی مهم است.

مصاحبه کننده: پس می گوئید که خلاقیت دز بالایی در تیزهوش بودن دارد؟

مصاحبه شونده: بله، خیلی مهم است. اینکه بتواند مسائل را متفاوت ببینید. ویژگی دیگر افراد تیزهوش این است که، کار روتین و تکراری خسته شان می کند. مثلاً بگویند این را شروع کنید به نوشتن، این کار را انجام بدهید، کار خسته شان می کند. کار باید جدید باشد. ساختار شکنی یکی دیگر از ویژگی های آن هاست. این ماشین را هر ساله یک جور می ساختند، این دفعه بگویند این ماشین را بساز، از یک بعد دیگر ببیند، فضا ایجاد کند.

مصاحبه کننده: به نظر شما این دانش آموزان قابل شناسایی هستند؟

معلم شماره ۱: بله، هم از طریق آزمون، و هم از طریق تئوری و سنجش متفاوت دیدنشان. باید دنبال کشف این راه جدید باشیم.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۱: از نظر من، حدوداً ۷۰-۳۰ می دانم. ۷۰ درصد ذات استعداد است، حتی ۷۵ درصد هم می شود.

مصاحبه کننده: پس به نظرتان بیشتر ذاتی است؟

معلم شماره ۱: بیشتر ذاتی است، اصلاً معلوم است. از اول معلوم اند که فرق دارند با بقیه ولی یک نکته، آن ۳۰ درصد اگر در کنار ۷۰ درصد نیاید، هیچ وقت ۷۰ نتیجه نمی دهد.

مصاحبه کننده: یک چیزی وجود دارد که باید بارور شود؟

معلم شماره ۱: بله، درست است. عددش کم است ولی اندازه ی ۵۰ درصد وجودش لازم است.

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۱: به نظر من در زمینه ای خاص توانایی‌های بالاتری دارند نه در همه زمینه‌ها. مثلاً شخصی هوش ریاضی بالایی دارد ولی در زمینه کارهای عملی چندان قوی نیست. چون در زمینه‌های متفاوت استعدادهای متفاوتی وجود دارد، پس چند بعدی است، و هرکس در زمینه خاصی استعداد دارد. **مصاحبه کننده:** به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان تهران (در آن محدوده‌ای که در آن درس داده‌اید) استعداد برتر هستند؟

معلم شماره ۱: به نظر من حداکثر ۵ و حداقل ۳ درصد دانش‌آموزان تهران استعداد برتر هستند. تعدادشان خیلی بالا نیست.

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۱: قطعاً متفاوت خواهد بود. ملاک‌های علمی و عملی حال حاضر با ملاک‌های ۵۰ سال آینده قطعاً فرق خواهد داشت. شاید در گذشته و حال متفاوت دیدن یک ویژگی برتر بودن باشد. اما وسیله سنجش متفاوت دیدن فرق می‌کند.

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش‌آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۱: به نظر هنر اصلی آن است که موفقیت‌ها و دستاوردهای فعلی او را در نظر بگیریم. در واقع پتانسیل‌های بالقوه او را کشف کنیم. کار اصلی ارگانی که مسئول است این است که بالقوه‌ها را کشف کند. و فهمیدن روش این کار سخت است.

مصاحبه با معلم شماره ۲

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۲: بله قطعاً دانش‌آموزان به جهات مختلف با هم تفاوت دارند. از لحاظ هوش، استعداد. اما در زمینه‌های متفاوت. شاید فردی در ریاضی ضعیف باشد ولی کار عملکردی و اجرایی آن عالی باشد. من اعتقاد دارم همه‌ی انسان‌ها استعداد دارند منتهی هر کسی در یک زمینه‌ای. و کشف این استعدادها خیلی مهم است و اینکه بعضی آدم‌ها استعداد ویژه دارند، بله کاملاً موافق هستم. یعنی همه استعداد دارند اما بعضی‌ها خاص‌تر هستند.

مصاحبه کننده: به نظر شما سازمان آموزشی کشور باید امکانات و توجه ویژه به این افراد تیزهوش و بااستعداد اختصاص دهد یا خیر؟

معلم شماره ۲: قطعاً باید برنامه‌ی ویژه داشته باشیم. در دنیا آن‌گونه که مشاهده می‌شود اکثر بزهکاری‌ها و دزدی‌های بزرگ جهان را افراد باهوش انجام دادند. اگر این استعداد در مسیر درست قرار نگیرد نتیجه‌ی منفی خواهد داشت. دانش‌آموزان عادی با ترفند ساده‌ای توسط معلم در کلاس هدایت می‌شوند اما دانش‌آموزان تیزهوشان، بچه‌های چغری هستند و کار جدی و ویژه‌ای می‌طلبند تا در کلاس هدایت شوند. دانش‌آموز تیزهوش از سطح کتاب درسی فراتر است. نمونه‌ای را می‌شناسم که پایه نهم است ولی مسلط به کل ریاضیات دبیرستان می‌باشد. اگر برای این شخص کار ویژه‌ای تعریف نشود به هدر می‌رود.

مصاحبه کننده: پس به نظر شما اگر کار ویژه‌ای انجام نشود به هدر می‌روند و یا حتی ممکن است در صورت هدایت نادرست به جامعه آسیب بزنند.

معلم شماره ۲: دقیقاً

مصاحبه کننده: به نظر شما اختلاف این دانش‌آموزان خیلی گزینه‌ای‌تر یا دیگران چیست؟

معلم شماره ۲: هوش سرشاری دارند. هوش به معنای همان IQ یعنی قدرت یادگیری بالا دارند. من در مدارس مختلف اعم از عادی، نمونه و تیزهوشان درس داده‌ام، سرعت و قدرت یادگیری دانش‌آموزان تیزهوشان به مراتب بیشتر از بقیه است. قدرت پیش‌بینی دارند. یعنی خیلی راحت عکس‌العمل و کار معلم رو پیش‌بینی می‌کنند. انرژی زیادی دارند. اکتیو هستند و از لحاظ بدنی هم فعال‌تر هستند. به نظر من این‌ها مشخصه‌های اصلی هستند

مصاحبه کننده: به نظر شما تا چه حد این دانش‌آموزان قابل شناسایی هستند و در چه سنی؟

معلم شماره ۲: به نظر من این افراد را در پایه ششم می‌توان شناسایی کرد. یعنی قبل از ورود به دوره اول. از طریق یک سری آزمون‌های ورودی علمی و تست هوش. یک معلم وقتی مدتی با دانش‌آموزی کار می‌کند متوجه می‌شود که تیزهوش است یا خیر.

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۲: به نظر من تا سن ۱۸ سالگی همه انسان‌ها پتانسیل‌هایی دارند که کشف نشده است حتی خود فرد هم متوجه نشده است. و این هنر معلم، مدرسه و یا سازمان مربوطه است که متوجه شود. به نظر من هر دو را باید در نظر گرفت. بعضی استعدادها را می‌توان از رفتارهای بالفعل فهمید و می‌توان آن‌ها را هدایت کرد. گاهی اوقات هم ممکن است کشف نشده باشد. حال اینکه به کدام سمت سوق داده شوند به فاکتورهایی مانند علاقه، نیاز کشور و .. بستگی دارد.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۲: به نظر من با توجه به سیستم آموزشی کشور تقریباً ۸۰ درصد این افراد استعداد ذاتی دارند. و شاید ۲۰ درصد دانش آموزان والدینی فرهیخته و آگاه داشته باشند و فرزندشان را به گونه‌ای تربیت کرده باشند که استعدادشان شکوفا شده باشد. بسیاری از این دانش آموزان تا پایه نهم با همین هوش مادرزادی خود بالا آمده‌اند.

مصاحبه کننده: به نظر شما همه افراد توان استعداد برتر شدن را دارند؟
خیر همه این توانایی را ندارند.

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد افراد این توانایی را دارند؟

معلم شماره ۲: اگر نوابغ را افرادی مانند، انیشتین، بتهوون، دکتر حسابی و ... در نظر بگیریم، به نظر من زیر ۵ درصد دانش آموزان می‌توانند به این سطح برسند. اما بخشی هم هستند که نابغه نیستند اما استعداد برتر محسوب می‌شوند که حدود ۳۰ درصد هستند.

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۲: من به این اعتقاد ندارم که کسی که در یک زمینه قوی است در همه زمینه‌ها هم قوی است. من درباره خودم می‌توانم بگویم که هوش ریاضی خوبی داشتم ولی در برخی کارهای اجرایی و عملی ضعیف بودم. در مدرسه هم همین‌طور است. دانش آموزان را که من می‌بینم مثلاً یک نفر ریاضی‌اش قوی است و در حفظیات ضعیف است. در امور زندگی هم این گونه است. انسان‌هایی که در همه زمینه‌ها قوی باشند خیلی کم هستند.

مصاحبه کننده: می‌توانید زمینه‌ها را نام ببرید؟

معلم شماره ۲: آن‌هایی که من می‌توانم بگویم این است. هوش ریاضی . یعنی قدرت تجزیه و تحلیل خوبی از مسائل را دارند، کسانی که مشکل را مانند معادله ریاضی می‌دانند و به دنبال حل آن می‌باشند و انسان‌های مسئله محوری هستند و به دنبال راه حل هستند. و یادگیری بالایی هم دارند. یک سری از انسان‌ها استعداد هنری دارند. این افراد معمولاً انسان‌های خلاق هستند. نقاش و خوشنویس‌های خوبی می‌شوند. یک سری هوش‌ها هوش‌های اجرایی و عملی هستند این افراد کارهای اجرایی و یدی را خیلی خوب انجام می‌دهند. بخشی از انسان‌ها هم هوش مدیریتی دارند. معمولاً کاپیتان و هدایت گر خوبی می‌شوند.

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۲: به نظر من ثابت است. کسی که هوش ریاضی دارد چه در ایران و چه در هر کشور دیگری هوش ریاضی دارد و این ثابت است. اما شرایط هر کشور رو میزان عملکرد این افراد تأثیر دارد.

مصاحبه با معلم شماره ۳

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش-آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۳: در سال‌های کاری بنده افرادی هستند که در مبحث خاصی در زمینه علاقه‌شان نخبه هستند و بیشتر می‌توان آن‌ها را به عنوان یک محقق پرورش داد. در سال‌های اخیر با توجه به افزایش مدارس سمپاد و برگزاری آزمونی که تمیزدهنده استعداد برتر نیست تعداد دانش‌آموزانی که توانایی ویژه دارند کاهش پیدا کرده است. اندکی از این دانش‌آموزان را می‌توان با برنامه ریزی برای آینده آن‌ها برنامه ریزی کرد و آینده علمی آن‌ها را تخمین زد. در زمینه‌های متفاوت مانند شیمی، فیزیک، زیست یا علوم انسانی پرورش داده شوند. و به نظر بنده علت کاهش استعدادهای برتر به واسطه ضعف آزمون انتخابی است و گاهی دانش‌آموزان مدارس برتر حتی، ضعیف‌تر از مدارس عادی هستند.

مصاحبه کننده: با توجه به این که شما معتقد هستید دانش آموزان با هم تفاوت‌هایی دارند، آیا به نظر شما باید کار ویژه‌ای برای این گونه افراد انجام داده شود یا خیر؟ کار درستی است که توجه خاص به آن‌ها شود؟

معلم شماره ۳: برای مثال اگر چند قطعه زمین کشاورزی داشته باشید برای پرورش گیاهی خاص باید سرمایه‌گذاری بر روی زمین مرغوب‌تر انجام شود. به همین ترتیب بایستی بر روی دانش‌آموزان خاص از مدت‌ها قبل برنامه ریزی و سرمایه‌گذاری انجام شود تا در آینده نتیجه مطلوب به دست آید. به عنوان مثال مدارس شبانه روزی که در شهرهای مختلف در حال فعالیت هستند، می‌توانند زمان زیادی را برای دانش‌آموزان برنامه ریزی کرد. به هر حال می‌توان روی تعداد اندکی سرمایه‌گذاری کرد تا در سطح کلان برداشت شود.

مصاحبه کننده: فرض کنید سیستمی برای استعداد برتر وجود ندارد و شما می‌خواهید تعریفی از فرد استعداد برتر بدهید. چه ویژگی‌هایی و را برای آن قائل می‌شوید؟ آیا همان ویژگی‌هایی که بیان کردید مد نظر دارید؟

معلم شماره ۳: این افراد دارای ویژگی‌های بارزی هستند و شناسایی آن‌ها بسیار راحت است. مثلاً این افراد دارای روحیه محقق گونه هستند یا اینکه کتاب‌های درسی عمومی و اختصاصی جواب گوی نیازهای آنان نیست و این افراد نیاز به برنامه ویژه فراتر از کتاب دارند. زیرا که آن‌ها قبل از تدریس معلمین بر کتاب تسلط دارند. سؤالات آن‌ها فراتر از سطح مطالب کتاب است و نمی‌توان آن‌ها را در کلاس اغنا کرد چرا که از دیدگاه دیگر دانش‌آموزان کلاس سؤالاتشان گیج کننده است و حتی اگر تدریس قسمتی از کتاب بر عهده آنان قرار داده شود، از دیدگاه‌های بهتری نسبت به معلم تدریس خواهند کرد و می‌توان با آن‌ها به جای تدریس مطالب معمول کتب

درسی، به واسطه روحیه محقق گونه‌ای که دارند، می‌توان کار تحقیقاتی معرفی کرد مثل تهیه کتب مختلف مثلاً لغت نامه عربی.

این دانش آموزان توانایی یادگیری سخت‌ترین مطالب علمی را دارند. لذت یادگیری در دانش آموزان برتر بسیار قوی است.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۳: بخش اکتسابی خیلی کم است مگر اینکه با برنامه‌های خاص قسمت مادرزادی را به سمت و سوی خاصی هدایت کنیم. به صورتی که ابتدا این افراد شناسایی شوند و با برنامه‌های ویژه در زمینه‌ای که استعداد دارند آن‌ها را پرورش دهیم.

معلم نقش مهمی برای هدایت توانایی ذاتی دارد اما اگر فردی توانایی در وجود خویش نداشته باشد، نمی‌توان ویژگی خاصی را ایجاد کرد و به نظر بنده قسمت ذاتی بیشتر از اکتسابی است.

مصاحبه کننده: به نظر شما فرد تیزهوش در زمینه‌ای خاص قوی است یا در همه زمینه‌ها؟

معلم شماره ۳: اکثر آن‌ها در کارهای روزمره مثل روابط اجتماعی دچار مشکل هستند و معمولاً در یک دانش خاصی که به آن علاقه‌مند هستند، قوی هستند و سرآمد جامعه.

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان تهران (در آن محدوده‌ای که در آن درس داده‌اید) استعداد برتر هستند؟ در کل کشور این آمار چطور است؟

معلم شماره ۳: بنده در مدارس که زیر مجموعه سمپاد نیستند، افرادی باهوش‌تر از مدارس سمپاد دیده‌ام و در طی سال‌های تدریس در مدارس مختلف، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد برتر هستند و باقی دانش‌آموزان با اجبار خانواده و معلمین در این مدارس فعالیت می‌کنند.

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۳: در زمینه‌های اخلاقی نسبی است و مربوط به جامعه. به عنوان مثال یک ویژگی (مثل داشتن ریش) در جامعه ما مثبت تلقی می‌شود، در حالی که در جامعه دیگر می‌تواند خنثی یا منفی باشد.

اما در زمینه استعداد، مثلاً دانش‌آموزی که تاکنون تبلتی ندیده است در جامعه دیگر که دانش‌آموز باید ابزاری همانند تبلت بسازد، دانش‌آموز ما استعداد برتر نیست و گاهی دانش‌آموزان المپیادی ما از نظر تئوری قوی‌تر ظاهر می‌شوند به دلیل آموزشی که دیده‌اند، ممکن است دانش‌آموزان برتر جوامع مختلف باهم یکسان نباشند. ما در جامعه خودمان استعداد برتر را می‌سنجیم و اگر بنا باشد در سطح جهانی سنجیده شود، ابتدا باید دانش‌معلمین، اولیا، کتاب‌ها و حتی امکانات جامعه باهم سنجیده شود، سپس دانش‌آموزان با یکدیگر سنجیده شوند.

از آنجایی که ملاک‌ها و آموزش‌های ما برای پذیرش دانش آموزان برتر متفاوت است، حتماً برگزیدگان هم متفاوت‌اند.

مصاحبه کننده: به نظر شما باید به توانایی‌های بالقوه فرد و ظرفیت‌های وجودی آن توجه کنیم یا دستاوردها و کارهایی که دارد در واقع به توانایی‌های بالفعل؟ یا هر دو آن‌ها؟

معلم شماره ۳: اگر بتوان با سنجشی دقیق، توانایی‌های بالقوه را شناسایی کرد و ویژگی‌های ذاتی را شناسایی کنیم و آن‌ها را پرورش دهیم، خوب است.

اما در شرایطی که با آزمونی تستی باید توانایی را سنجید، بدیهی است توانایی‌های بالفعل سنجیده می‌شوند. چرا که محک زدن توانایی بالقوه سخت‌تر از توانایی‌های بالفعل است.

اگر شاخصه‌های بالقوه به‌خوبی شناسایی شود و بتوان بر اساس آن‌ها محک زد، برای بنده این روش ارجحیت دارد.

مصاحبه با معلم شماره ۴

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۴: بله؛ از نظر من تفاوت‌های بسیار محسوسی وجود دارد.

مصاحبه کننده: آیا باید به این دانش‌آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟ به چه دلیلی؟ (منظور از توجه صرفاً جدا کردن این دانش‌آموزان از دیگر دانش‌آموزان نیست.)

معلم شماره ۴: قطعاً باید توجه ویژه به این دانش‌آموزان داشت. حتی از منظر عدالت نیز، کسی که دارای استعداد ویژه‌ای است، توجه بیشتری می‌طلبد. از طرفی شکوفایی و رشد استعداد این دسته از دانش‌آموزان در پیشرفت کشور در آینده نقش بسزایی دارد.

مصاحبه کننده: این دانش‌آموزان از چه نظر با دیگر دانش‌آموزان اختلاف محسوس دارند؟

معلم شماره ۴: به نظر من فارغ از جنبه‌های هوش بدنی؛ در اکثر زمینه‌ها با دیگر دانش‌آموزان تفاوت دارند. مثلاً در بحث شعور اجتماعی، وقتی با این گروه از دانش‌آموزان برخورد داریم آن‌ها را از جهت شعور اجتماعی بالاتر از هم سن و سالان خود می‌بینیم. دغدغه‌های متفاوتی دارند. گبرایی مسائل در آن‌ها سریع‌تر است. به طور کلی تفاوت‌هایی از این دست مشاهده می‌کنیم.

مصاحبه کننده: منظور شما از گبرایی چیست؟

معلم شماره ۴: به طور دقیق‌تر هم بحث سرعت و کمیت و هم کیفیت. یعنی مطالب بیشتر را بهتر می‌تواند یاد بگیرد.

مصاحبه کننده: تا چه حد می‌توان این دانش‌آموزان را شناسایی کرد و همین طور در چه سنی امکان این شناسایی بیشتر است؟

معلم شماره ۴: به نظر من در هر زمینه این افراد قابل شناسایی‌اند مثلاً وقتی می‌گوییم شعور اجتماعی دانش‌آموزی بالاتر است تیزهوشی این فرد در تعامل‌ها و گفتگوهایش هویداست؛ حتی فارغ از آزمون‌های تشخیصی.

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش‌آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یعنی بیشتر استعدادهای بالقوه وی یا بالفعلش؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۴: از نظر من بیشتر بالقوه‌ها. زیرا وقتی کار تربیتی انجام می‌دهیم هدف این است که استعدادهای بالقوه وی را بالفعل کنیم.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۴ : آنچه در اثر تجربه این سالها بدان رسیده‌ام این است که بخش عظیمی از این استعدادها اکتسابی نیست. بالاخره این فرد یک استعداد درونی اضافه‌تری دارد یا هوش و ذهن قوی‌تری دارد. ضمن اینکه بحث محیط و نوع تعاملات پدر و مادر را نیز باید در نظر داشت؛ اینکه چقدر محیط اطرافش غنی است قطعاً در استعدادهایش تأثیر گذار است.

مصاحبه کننده : اگر بخواهیم در مورد این دو مسئله (اکتسابی بودن یا مادر زادی بودن استعداد) درصدی صحبت کنیم. چگونه این دو عامل رو تبیین می‌کنید؟

معلم شماره ۴ : حدوداً به استعدادهای مادرزادی ۶۰ الی ۷۰ درصد اختصاص می‌دهم. محیط از نظر من بیشتر نقش شکوفا سازی استعداد را دارد. یعنی ممکن است افراد مستعد زیادی وجود داشته باشند که یکسری در محیط خوب هستند که می‌توانند این استعدادها را شکوفا کند و بعضی در محیطی هستند که نه تنها استعدادی شکوفا نمی‌شود بلکه ممکن است حتی سرکوب شود.

مصاحبه کننده : آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۴ : بالاخره این استعدادها و هوش‌ها جنبه‌های مختلفی دارد. شخصاً دانش آموزان متعددی را دیدم که در زمینه‌های باهوش‌اند اما در زمینه‌های دیگر مثلاً هوش بدنی و درس پذیری به شدت ضعیف‌اند کما اینکه در نظام آموزشی ما هوش و استعداد را در حیطه هوش بدنی و استعداد تحصیلی می‌سنجند.

مصاحبه کننده : فارغ از هوش بدنی چطور؟ زیرا بسیاری این مسئله را در معیارهای استعدادیابی جداگانه بررسی می‌کنند. مثلاً کسی که می‌تواند در ریاضی قوی باشد با کسی که در فیزیک قوی است یا موسیقی ... آیا استعدادشان با هم به طور کلی متفاوت است

معلم شماره ۴ : به نظر من به جز هوش بدنی در باقی موارد استعدادها یکسان است مثلاً کسی که در علوم انسانی موفق است قطعاً در ریاضی هم موفق است و بالعکس.

مصاحبه کننده : در بحث هنر نظر شما چیست ؟

معلم شماره ۴ : در هنر چون بحث از نظر استعداد درس پذیری فرق می‌کند؛ متفاوت است.

مصاحبه کننده : پس شما به طور کلی این بحث را در دو حوزه می‌بیند؛ یعنی یک عده هوش درس پذیری قوی‌ای دارند و یک عده هوش دیگری که می‌تواند هنر، علوم انسانی، ریاضی یا هر مسئله‌ای را دربر بگیرد؟

معلم شماره ۴ : بله

مصاحبه کننده : به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان تهران (در آن محدوده‌ای که در آن درس داده‌اید) استعداد برتر هستند؟ در کل کشور این آمار چطور است؟

معلم شماره ۴ : به نظرم درصدی بین ۲۰ الی ۴۰ درصد کل دانش آموزان تهران. این درصد از منظر استعداد مادرزادی و بالقوه است .

مصاحبه کننده : به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۴ : از نظر من یکسان است. یعنی این انسان باهوش امروز اگر در صد سال قبل نیز زندگی می کرد این استعدادش شکوفا می شد و یک انسان باهوش شناخته می شد .

مصاحبه با معلم شماره ۵

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۵: بله به نظر من قطعاً تفاوت دارند.

مصاحبه کننده: آیا باید به این دانش‌آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟ به چه دلیلی؟ (منظور از توجه صرفاً جدا کردن این دانش‌آموزان از دیگر دانش‌آموزان نیست.)

معلم شماره ۵: به نظر من فرد تیزهوش سرمایه است و باید به تربیت و رشد آن کمک کنیم وگرنه هدر می‌رود.

مصاحبه کننده: این دانش‌آموزان از چه نظر با دیگر دانش‌آموزان اختلاف دارند؟ می‌توانید به تعدادی از این اختلافات اشاره کنید؟

معلم شماره ۵: گیرایی بالاتری دارند. یعنی مطالب درسی را خیلی سریع فهمیده و درک می‌کنند. جنم و جریزه دارند. افرادی ریسک‌پذیر هستند. کاری که به آن‌ها محول می‌شود را به خوبی انجام می‌دهند، گنگ و بسته نیستند. در بن بست قرار نمی‌گیرند و راه حلی برای رهایی پیدا می‌کنند.

مصاحبه کننده: آیا این دانش‌آموزان قابل شناسایی هستند؟ تا چه حد؟

معلم شماره ۵: بله قابل شناسایی هستند. این افراد در پروژه‌های تعریف شده، توانمندی‌های خودشان را نشان می‌دهند.

در ذیل یک کار تعریف شده می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۵: بخشی از آن که به طور قطع مادرزادی است. ولی به نظر من می‌توان استعداد افراد را پرورش داد. منظورم *IQ* نیست. اینکه فرد هوشمندی بشود تا حدی می‌توان با تربیت صحیح این کار را کرد.

مصاحبه کننده: اگر اکتسابی هستند آیا همه افراد قابلیت کسب این ویژگی‌ها را دارند؟

معلم شماره ۵: به نظر من همه هوش را دارا هستند وقتی می‌گوییم تیزهوشی یعنی چیزی فراتر از هوش. به نظر من با همه انسان‌ها کار کنیم بالاخره نتیجه‌ای خواهد داشت. و من معتقدم سرمایه انسانی قابل رشد است. ولی نتیجه برای همه یکسان نیست.

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۵: در همه زمینه‌ها نمی‌تواند قوی باشد. فردی ممکن است در زمینه‌های کار عملی قوی باشد اما هوش ریاضی خوبی نداشته باشد. و برعکس. دانش‌آموزی به شدت در دروس منطقی و کامپیوتری قوی باشد اما در کارهای عملی ضعیف باشد.

مصاحبه کننده: می‌توانید حوزه‌های آن را نام ببرید؟ حوزه‌های فکری و عملی را نام بردید. دیگر چه حوزه‌هایی به ذهنتان می‌رسد؟

معلم شماره ۵: شش الی هفت هوش داریم. که گاردنر بیان می‌کند.

مصاحبه کننده: به نظرتان چند درصد دانش آموزان تهران تیزهوش هستند؟

معلم شماره ۵: بین یک سوم تا یک دوم دانش آموزان.

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش‌آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۵: به نظر من باید به حال حاضر او نگاه کرد. و بیشتر به ظرفیت‌های او توجه داشت.

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۵: بر اساس مفهوم هوش بخواهیم بررسی کنیم به نظر من ثابت است.

مصاحبه با معلم شماره ۶

مصاحبه کننده: به نظر شما دانش آموزان آن قدر با یک دیگر تفاوت دارند که بتوان عده‌ای را استعداد درخشان و عده‌ای را معمولی نامید؟

معلم شماره ۶: بله. من چون در مناطق مختلفی از تهران کار کرده‌ام و دانش آموزان زیادی را دیده‌ام این اختلاف را قبول دارم. البته در خیلی جاها این استعداد شناخته نمی‌شود و به راحتی از کنار آن می‌گذرند و روی آن فکر و برنامه ریزی نمی‌شود مثلاً در مدارس مناطق پایین‌تر که امکانات تحصیل در مدارس مناسب را ندارند این استعداد شکوفا نمی‌شود.

مصاحبه کننده: آیا باید به این دانش آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟ به چه دلیلی؟

معلم شماره ۶: اگر ما بخواهیم نخبه‌های کارآمد و مفید برای کشور تربیت کنیم باید از نوجوانی و حتی کودکی افکار و ذهن آن‌ها را هدایت کنیم و اجازه ندهیم به سمت و سوی دیگری برود مثلاً دانش آموز باهوشی در این مدرسه داریم که از هوش خود برای از زیر کار در رفتن و تنبلی کردن استفاده می‌کند در صورتی که اگر این‌ها به سمت درستی هدایت شوند می‌توانند برای کشور مثمر ثمر باشند.

مصاحبه کننده: به نظر شما ویژگی‌های دانش آموزان استعداد درخشان چیست؟

معلم شماره ۶: اولین مورد گیرایی و هوش آن‌ها در فهمیدن درس است. سرعت گیرایی این دانش آموزان بالاتر است مثلاً وقتی که معلم دارد فکر می‌کند که چه کلماتی به کار ببرد تا همه‌ی دانش آموزان متوجه شوند فرد نخبه با همان کلمات اولیه مطلب را متوجه شده است و وقتی سر تکان می‌دهد از روی فهمیدن است. دومین مورد رفتار افراد است به نظر من کسی که تیز هوش باشد رفتار خود را سنجیده می‌کند و در هر جایی ادب و نزاکت خاصی دارد و به خاطر هوش سرشارش می‌داند چه کاری را کی و کجا انجام دهد در واقع هوش خود را در روابط اجتماعی‌اش به کار می‌گیرد. حتی این هوش را موقع ورزش و بازی هم نشان می‌دهند.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی است؟ اگر اکتسابی هستند آیا همه افراد قابلیت کسب این ویژگی‌ها را دارند؟

معلم شماره ۶: به نظر من ۵۰٪ اکتسابی و ۵۰٪ ژنتیکی است. اگر امکانات نداشته باشند همان ۵۰٪ مادرزادی می‌ماند ولی اگر امکانات داشته باشند و در مدرسه‌ی مناسبی ثبت نام شوند و هوش آن‌ها هدایت شود آن را به ۱۰۰٪ می‌رسانند در واقع توانایی ذاتی‌شان شکوفا می‌شود. و اینکه به نظر من آن هوش ذاتی و ژنتیکی اولیه باید در فرد وجود داشته باشد تا هدایت شود.

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۶: بله ، این استعداد در همه‌ی زمینه‌ها حتی صحبت کردن فرد هم نمایان می‌شود چون این فرد هوش خود را در همه چیز به کار می‌برد.

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۶: به نظر من تفاوتی ندارند و فرد باهوش در هر مکان و هر زمانی خود را نشان می‌دهد

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد یا هر دو؟

معلم شماره ۶: به نظر من ظرفیت‌های بالقوه فرد را در نظر بگیریم بهتر است چون فردی که به نظر تیزهوش نمی‌آید شاید به این دلیل بوده که ظرفیت‌هایش هدایت نشده و ارزش آن به دست نیامده است بنابراین بالقوه از بالفعل مهم‌تر است.

مصاحبه با معلم شماره ۷

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۷: بله به نظر من عده‌ای از دانش آموزان ویژگی‌هایی را دارا هستند که از دیگران بهتر است. یا حافظه قوی‌تری دارند یا تلاش بیشتری انجام می‌دهند، یا انگیزه‌های درونی قوی‌تری دارند. مطالعه بیشتری دارند تمایل به کار پژوهشی دارند. به طور کلی به این افراد ممکن است تیزهوش گفته شود. که به دلیل این ویژگی‌ها از دیگران جلو افتاده‌اند و در آزمون قبول می‌شوند و به مدرسه تیزهوشان وارد می‌شوند. عده‌ای هم ممکن است با تلاش خانواده و تست کار کردن‌های فراوان به مدرسه راه پیدا کرده باشند.

بنابراین به نظر من کمتر از ۳۰ درصد این دانش آموزان یکی از این ویژگی‌ها را دارند. البته شاید آن‌هایی که حافظه قوی‌تری دارند درصد بالاتری داشته باشند

مصاحبه کننده: با توجه به این که شما معتقد هستید دانش آموزان با هم تفاوت‌هایی دارند، آیا به نظر شما باید کار ویژه‌ای برای این گونه افراد انجام داده شود یا خیر؟ کار درستی است که توجه خاص به آن‌ها شود؟

معلم شماره ۷: جامعه‌ای از آموزش و پرورش که این وظیفه را دارد باید این دانش آموزان را در هر سطحی که هستند هر خوراکی که لازم دارند، این خوراک را تأمین کند. دانش آموز استثنایی یا نابینا را شرایط مورد نیازش، دانش آموز معمولی امکانات مورد نیازش و دانش آموزش تیزهوش هم شرایط خاص خودش را تأمین کند. به نظر من کسی که جای پیشرفت دارد خوراکش باید تأمین شود.

مصاحبه کننده: فرض کنید سیستمی برای استعداد برتر وجود ندارد و شما می‌خواهید تعریفی از فرد استعداد برتر بدهید. چه ویژگی‌هایی و را برای آن قائل می‌شوید؟ آیا همان ویژگی‌هایی که بیان کردید مد نظر دارید؟

معلم شماره ۷: من بیشتر به کسی که انگیزه تلاش در یک زمینه‌ای را دارد و ذهن و درونش او را یاری می‌کند. یعنی اگر به موضوعی علاقه‌مند است توانایی‌های آن کار را دارد و فقط آرزو نیست. و شخصیتی پژوهش‌گر و جستجو‌گری دارد، استعداد برتر می‌گویم.

مصاحبه کننده: به نظر شما این ویژگی‌ها قابل شناسایی است؟ چگونه؟

معلم شماره ۷: بله قابل شناسایی است. به شکل فرایندی و روش کاری قابل شناسایی هست نه به شکل یک آزمون. در یک فرایندی باید درگیر بشوند و کسی که قدرت تحلیل بالاتری دارد قابل شناسایی خواهد بود. در بحث پژوهشی هم کسی که مؤلفه‌های موضوع مورد نظر را جمع آوری

می‌کند و دست به اقدام می‌زند. این هم یک مشخصه است. و دیگر مشخصات می‌توان به انگیزه، همت، حافظه و موارد دیگر اشاره کرد که به نظر من نقش کمتری نسبت به موارد اول دارند.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۷: من فکر می‌کنم قسمت زیادی از مثلاً قدرت تحلیل، حس جست‌وجوگری و.. این ویژگی‌ها ذاتی است. و منظم بودن، مطالعه کردن و همت داشتن است خانواده می‌تواند در آن متأثر باشد. البته کسانی که در کودکی خوب بازی می‌کنند و پدر و مادر هر دو در بازی کردن نقش دارند حتی قوه تحلیلشان هم بالا می‌رود. اگر این حرف درست باشد این ویژگی هم می‌تواند اکتسابی باشد و خانواده نقش مهمی دارا باشد.

مصاحبه کننده: به نظر شما فرد تیزهوش در زمینه‌ای خاص قوی است یا در همه زمینه‌ها؟

معلم شماره ۷: به نظر من بیشتر در زمینه‌ای خاص قوی هستند. ممکن مواردی باشد که در همه زمینه‌ها قوی باشد اما معمولاً این گونه است که در زمینه‌های خاصی قوی هستند.

مصاحبه کننده: به نظر شما این افراد در چه موضوعاتی قوی هستند؟ برخی می‌گویند ۷ مورد است برخی ۳ تا برخی می‌گویند بی‌نهایت است. شما نظرتان چیست؟

معلم شماره ۷: تعدادی از ویژگی‌های بیان شده در هر کاری باعث جلو افتادن افراد می‌شود مثلاً کسی که حافظه قوی دارد هر کاری و هر علمی نیاز به حافظه خوب دارد بنابراین هرکسی این ویژگی را دارا باشد از بقیه جلوتر است. یا مثلاً نظم و همت. پس به طور طبیعی کسانی که این چند ویژگی را دارا هستند می‌توانند در همه کارها جلو باشند اما میزان تأثیرگذاری این افراد می‌تواند به علاقه و ویژگی خاصشان مرتبط باشد

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان تهران (در آن محدوده‌ای که در آن درس داده‌اید) استعداد برتر هستند؟ در کل کشور این آمار چطور است؟

معلم شماره ۷: کمتر از ۳۰ درصد

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۷: به نظر من مفاهیم کلی ثابت است ولی موضوعی می‌تواند تغییر کند. مثلاً در کشور ما (درست یا غلط کاری ندارم) قرار نیست به موسیقی اهمیت داده شود بنابراین شما استعدادهای موسیقی را نمی‌شناسید. و یا وقتی شما وارد حوزه‌هایی چون ورزش‌های تخصصی، پرورش گیاهان، و.. نمی‌شوید استعدادها و علایق را در این زمینه‌ها نمی‌شناسید. پس در هر کشوری با توجه به علایقی که دارند و کارهایی که انجام می‌دهند متفاوت است.

مصاحبه کننده: به نظر شما باید به توانایی‌های بالقوه فرد و ظرفیت‌های وجودی آن توجه کنیم یا دستاوردها و کارهایی که دارد در واقع به توانایی‌های بالفعل؟ یا هر دو آن‌ها؟

معلم شماره ۷: به نظر من اگر بخواهیم انتخاب بکنیم در حیطة عمل و کار معلوم می‌شود . صرفاً با نگاه کردن به خانواده و نمره معلوم نمی‌شود . به نظر من باید به توانایی‌های بالقوه فرد نگاه کرد. یا بالفعل درآمدی یا اینکه پتانسیل این را دارد که بالفعل دربیاید چرا این استعداد برتر بوده اما بالفعل در نیامده زیرا همان طور که گفتم مؤلفه‌ها و استعدادهای دیگر که باید کنار این قرار می‌گرفتند برای شکوفایی، قرار نگرفتند و یا عوامل دیگری بوده است.

مصاحبه با معلم شماره ۸

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۸: بله مسلماً این تفاوت وجود دارد.

مصاحبه کننده: به نظر شما این اختلاف در چه مشخصه‌هایی است؟ می‌توانید اختلافات را نام ببرید؟

معلم شماره ۸: تفاوت در هوش و استعداد و تلاش.

مصاحبه کننده: لطفاً هوش را تعریف کنید؟

انسان‌های باهوش به صورت جزئی و عمیق نگاه می‌کنند نه کلی. روانشناسی رفتاری دقیقی دارند. بچه‌های شیطان و بیش‌فعال نیستند. ذهنشان فعال است و نه بدنشان. تیزهوش هستند حالا در هر زمینه‌ای. ممکن کسی آهنگر توانا و ماهری باشد او در زمینه‌ی آهنگری تیزهوش محسوب می‌شود. بچه‌ها در زمینه‌هایی که علاقه دارند هوش دارند. هوش یعنی توانایی بالای بچه‌ها در یک زمینه خاص نسبت به بقیه. بعضی‌ها باهوش هستند و برخی پرتلاش. و افراد باهوش معمولاً انسای پرتلاشی نیستند. تلاش شاخصه‌ی بسیار مهمی است حتی مهم‌تر از هوش و استعداد. محیطی که دانش‌آموز در آن وارد می‌شود هم مهم است. شاید جمله و یا رفتار معلمی در آینده بتواند تاثیر شگرفی در شکوفایی استعداد داشته باشد. ویژگی روانشناسی دانش‌آموز و خانواده‌اش نیز می‌تواند مهم باشد. شاید شخصی هوش بالایی داشته باشد اما استعدادش شکوفا نشود به دلیل اینکه در خانواده‌اش آرامش وجود ندارد و امکانات فراهم نیست.

مصاحبه کننده: به نظر شما این رابطه‌ی بین دانش‌آموز و خانواده که وجود دارد بیشتر تربیتی است یا ژنتیکی؟

معلم شماره ۸: بحث تربیت بچه‌ها فقط مربوط به محیط نیست بلکه رفتار والدین تاثیر بسزایی دارد. به نظر من بچه‌ها آینه‌ی آینه پدر مادر هستند. این شخصیت والدین است که به بچه‌ها می‌رسد. ژنتیک هم مهم است. رفتار و گفتار والدین هم بسیار مهم است. بنابراین شرایط خانوادگی، در شکوفایی استعداد نقش به‌سزایی دارد.

مصاحبه کننده: به نظر شما تیزهوش بودن چند درصد مادرزادی و چند درصد اکتسابی است؟

معلم شماره ۸: به نظر من هر کدام از موارد ۵۰ درصد سهم دارند. و شاید محیط و خانواده کم‌تر.

مصاحبه کننده: آیا باید به این دانش آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟
به چه دلیلی؟

معلم شماره ۸: اگر توجه ویژه نکنند، باعث می شود استعداد این افراد شکوفا نشود. شما دو فرد را در نظر بگیرید که یکی ۲۰ کیلو د دیگری ۵۰ کیلو گرم وزن دارد. مسلماً این دو به یک اندازه غذا نمی خورند و اگر به اندازه فرد ۲۰ کیلویی غذا در اختیارشان بگذارید فرد دیگر گرسنه می ماند. افراد تیزهوش هم همین طور هستند باید آن ها را تغذیه کرد. تا استعدادشان شکوفا شود. این افراد به جهت بهتر بودن درشان معمولاً لیدر هستند. و اگر این لیدر ها جهت دهی شوند و برنامه مدون برایشان ریخته شود، دیگر هوششان سیاه نمی شود. و به جهت مثبت هدایت می شوند. و نکته مهم بعدی اینکه شناسایی این افراد بسیار مهم است. برخی شاید خیلی باهوش تر از افراد حال حاضر شناخته شده باشند، ولی کسی آن ها را کشف نکرده است.

مصاحبه کننده: امکان شناسایی این افراد وجود دارد؟ تا چه حد می توان این دانش آموزان را شناسایی کرد؟

معلم شماره ۸: بله امکان شناسایی هست. به شرطی که از کودکی برای این دانش آموزان برنامه ریزی وجود داشته باشد. هر دانش آموزی باید یک مشاور (روانشناس خانواده) داشته باشد. یعنی باید این دانش آموز و خانواده اش از همان ابتدا تحت نظر مشاور خانواده باشد که مشکلات خانوادگی آن ها رفع شود. ما برای سلامت جسمی فرزندان، پزشک خانواده قرار می دهیم ولی برای سلامتی روحی آن ها روانشناسی در نظر نمی گیریم. وجود روانشناس از کودکی باعث رفع مشکلات و کشف استعداد های کودکان می شود.

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد از دانش آموزان تهران استعداد برتر و تیزهوش هستند؟
معلم شماره ۸: اگر هوش را آنچه که من گفتم معنا کنیم، تعداد استعداد برتر در تهران زیاد است. و می توان گفت از ۵۰ درصد بیش تر هستند. به شرط آنکه استعدادشان شناسایی شود.

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۸: به نظر من با یکدیگر تفاوت دارند. هم کشور ها با هم فرق می کنند هم شرایط زمانی و مکانی. مثلاً در یک زمانی کسی که قوه بدنی قوی داشته باشد استعداد برتر شناخته می شد. و در حال حاضر که جنگ ها به سمت جنگ نرم پیش می رود کسی که در تکنولوژی قوی است استعداد برتر حساب می شود. به نظر من شرایط مکانی و زمانی می تواند معیار های استعداد برتر بودن را تغییر دهد.

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش آموز باید دستاوردها و موفقیت-
های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار
گیرد؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۸: به نظر من باید به هر دو این عوامل توجه کرد.

مصاحبه با معلم شماره ۹

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۹: خیر. اختلاف زیادی باهم ندارند.

مصاحبه کننده: به نظر شما دانش آموزان مدارس عادی و تیزهوشان تفاوتی باهم ندارند. درست است؟

معلم شماره ۹: بله. می‌شود گفت خیلی کم تیزهوش در بینشان هست.

مصاحبه کننده: آیا باید به این دانش آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟ به چه دلیلی؟ (منظور از توجه صرفاً جدا کردن این دانش آموزان از دیگر دانش آموزان نیست).
معلم شماره ۹: بله به نظر من قرار دادن این امکانات خاص مانند مدارس تیزهوشان باعث می‌شود این افراد استعدادشان را بروز دهند. ولی به صورت عملی نه تئوری. بیشتر امکانات به صورت آزمایشگاهی و کارگاهی باشد.

مصاحبه کننده: این دانش آموزان از چه نظر با دیگر دانش آموزان اختلاف دارند؟

معلم شماره ۹: از لحاظ استعداد، گیرایی درسی، پشتکار. درس رو سریع‌تر از دیگر افراد یاد می‌گیرند. بیشتر علاقه‌مند به کارهای آزمایشگاهی و عملی هستند. اهل ریسک کردن هستند.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۹: به نظر من اصولاً ذاتی است. و اکتسابی نیست.

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۹: ابتدا باید استعدادهای دانش آموزان کشف شود. زمینه و رشته‌ای که استعداد دارند پیدا کنند و به سمت آن سوقشان دهند. و به نظر من افراد تیزهوش در یک زمینه خاص استعداد دارند.

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد از دانش آموزان تیزهوش واقعی هستند؟

معلم شماره ۹: پنج درصد

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۹: باید به ویژگی‌های بالقوه دانش آموز توجه شود و آنها را به سمت بالفعل شدن سوق دهیم.

مصاحبه با معلم شماره ۱۰

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آنها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۱۰: بله تفاوت دارند.

مصاحبه کننده: در کدام زمینه‌ها تفاوت دارند به نظر شما؟

معلم شماره ۱۰: این تفاوت‌ها به توانایی یادگیری و شیوه آموزش دانش آموزان بستگی دارد. مثلاً یک مبحث مشترک که هم در مدرسه عادی و هم در مدرسه تیزهوشان بیان می‌شود، دانش آموزان مدرسه تیزهوشان خیلی بهتر مطلب را یاد می‌گیرند. اطلاعات عمومی بالایی دارند و سؤالات خوبی می‌پرسند.

مصاحبه کننده: این دانش آموزان چه ویژگی‌های دیگری به جز موارد اشاره شده دارا هستند؟

معلم شماره ۱۰: درک و فهم بالاتر، گیرایی بهتر، بازخورد مناسب‌تر

مصاحبه کننده: آیا باید به این دانش آموزان - از حیث استعداد برتر بودنشان - توجه ویژه‌ای کرد؟

به چه دلیلی؟ (منظور از توجه صرفاً جدا کردن این دانش آموزان از دیگر دانش آموزان نیست.)

معلم شماره ۱۰: اگر بخواهیم توجه ویژه به این دانش آموزان بکنیم، استعدادشان را شناسایی کرده در بهترین دانشگاه‌ها درس بخوانند و در المپیادها مقام بیاورند، و در آخر این کار باعث شناسایی آسان‌تر برای کشورهای خارجی شده و آن‌ها را جذب بکنند، خیر. به نظر من کار درستی نیست. ولی اگر برای خدمت به کشور خودمان از لحاظ آموزشی، تربیتی و اعتقادی تربیت شوند و هدف این باشد، توجه و امکانات ویژه قرار دادن برای این دانش آموزان کار بسیار خوبی است.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۱۰: به نظر من پنجاه درصد ذاتی است و پنجاه درصد هم می‌تواند اکتسابی باشد. که متأثر از آموزش‌هایی است که به آن‌ها داده می‌شود.

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۱۰: به نظر من در ۷۰ الی ۸۰ درصد موارد دانش آموز تیزهوش در همه زمینه‌ها استعداد دارد. و کسی که ضعیف هست در همه زمینه‌ها این گونه است.

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد دانش آموزان تهران (در آن محدوده‌ای که در آن درس داده‌اید) استعداد برتر هستند؟ در کل کشور این آمار چطور است؟

معلم شماره ۱۰: آمار دقیقی که شما مد نظر دارید ندارم. ولی اگر نسبت به مدرسه‌ای که هستم بخواهم بگویم، ۲۰ درصد عالی و تیز هوش هستند. ۶۰ درصد در حد خوب و متوسط رو به بالا. و ۲۰ درصد باقی مانده هم معمولی.

مصاحبه کننده: به نظر شما تیزهوش بودن یک مسئله نسبی است؟ و اینکه در هر جامعه‌ای بالاخره یک درصدی تیزهوش هستند؟

معلم شماره ۱۰: بله در هر جامعه‌ای یک درصدی تیزهوش هستند و به نظر من تیزهوشی مسئله‌ای نسبی است.

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش‌آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۱۰: اگر مد نظر شما همین مقطع راهنمایی و دبیرستان است، باید بالقوه به او نگاه کرد.

مصاحبه کننده: به نظر شما شخصی که در زمان حال و در کشور ایران باید استعداد برتر شناخته شود با شخصی که باید در کشور دیگری یا در زمان دیگری باید استعداد برتر شناخته شود، شبیه به هم هستند یا با یکدیگر تفاوت دارند؟

معلم شماره ۱۰: به نظر من با توجه به شرایط جامعه و گذشت زمان تعاریف می‌تواند عوض شود. شاید با گذشت زمان مواردی از تعریف نخبگی عوض نشود و ثابت بماند، اما متفاوت با گذشته خواهد بود.

مصاحبه با معلم شماره ۱۱

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموزان به شکلی با هم تفاوت دارند که بتوان عده‌ای از آن‌ها را استعداد برتر یا تیزهوش در نظر گرفت؟ یا هیچ‌گونه تفاوت طولی قابل توجهی در دانش‌آموزان وجود ندارد؟

معلم شماره ۱۱: بله قطعاً

مصاحبه کننده: این دانش‌آموزان از چه نظر با دیگر دانش‌آموزان اختلاف دارند؟
معلم شماره ۱۱: درک بهتر و عمیق‌تری از موضوع دارند. درک آن‌ها از مسائل هم در عمق و هم در وسعت مسئله است.

مصاحبه کننده: مشخصه اصلی را شما درک بهتر می‌دانید؟

معلم شماره ۱۱: درک و خلاقیت بالا

مصاحبه کننده: به نظر شما آموزش و پرورش به این دانش‌آموزان تیزهوش باید توجه خاصی داشته باشد یا خیر؟ همین که مدرسه تیزهوشان قرار داده است کار درستی است یا خیر؟
معلم شماره ۱۱: بله حتماً. ولی در این سطح خیر. ما به اندازه این تعداد تیزهوش نداریم، افراد تیزهوش باید شناخته بشوند و به طور خاص برای آن‌ها این امکانات فراهم شود. اگر این‌گونه نشود، هدر می‌روند.

مصاحبه کننده: به نظر شما این افراد قابل شناسایی هستند؟

معلم شماره ۱۱: راهکار شناسایی افراد تیزهوش را نمی‌دانم باید ز متخصصان پرسیده شود ولی به نظر من قابل شناسایی هستند. معلم وقتی وارد کلاس می‌شود طبق تجربه‌ای که دارد، متوجه می‌شود که استعداد برخی از بچه‌ها جور خاصی است. متخصصین این فن حتماً می‌توانند راهکارهای واقعی ارائه دهند نه برنامه‌هایی که الآن به صورت سطحی اجرا می‌شود.

مصاحبه کننده: استعداد برتر شدن تا چه میزان اکتسابی و تا چه میزان مادرزادی هستند؟

معلم شماره ۱۱: حتماً تلفیقی از هر دو مورد است. به نظر من سهم مادرزادی بودن کمی بیشتر از دیگری است. ولی حتماً زمینه و محیط هم تأثیر دارد.

مصاحبه کننده: آیا به نظر شما دانش‌آموز استعداد برتر پتانسیل آن را دارد که در همه یا اکثر زمینه‌ها از برتری سطح بالایی نسبت به دیگران برخوردار باشد یا برای یک یا چند زمینه محدود این پتانسیل دارد؟

معلم شماره ۱۱: نمی‌دانم. البته هوش عاطفی این بچه‌ها معمولاً پایین‌تر از دیگر بچه‌ها است. و در این زمینه اصلاً تیزهوش نیستند. ولی ممکن است در زمینه‌های دیگر IQ آن‌ها در همه زمینه‌ها بالا باشد، یعنی در همه زمینه‌ها خوب باشند و در یک زمینه خیلی خوب باشند. ولی این شامل EQ نمی‌شود گاهی در این مورد بسیار ضعیف هستند.

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان تهران (در آن محدوده‌ای که در آن درس داده‌اید) استعداد برتر هستند؟ در کل کشور این آمار چطور است؟

معلم شماره ۱۱: در این سال‌های اخیر مثلاً در یک کلاس ۳۰ نفری ۳ نفر به نظر من استعداد برتر واقعی هستند. واقعاً تیزهوش هستند و باید به آن‌ها خدمات ویژه ارائه شود. الان حتی از هوش متوسط پایین‌تر هم در مدارس تیزهوشان داریم.

مصاحبه کننده: به نظر شما برای استعداد برتر دانستن یک دانش‌آموز باید دستاوردها و موفقیت‌های فعلی او را در نظر گرفت یا پتانسیل و ظرفیت او برای کسب موفقیت در آینده باید ملاک قرار گیرد؟ یا هر دو؟

معلم شماره ۱۱: فکر می‌کنم بالفعل صد درصد نتیجه‌اش همین خواهد شد که بچه‌ها را به سمت المپیاد هل می‌دهند. و فشار به آن‌ها می‌آورند و به نظر من این گونه درست نیست. شاید باید تلفیق هر دو باشد. و راهکاری ارائه دهند که نیاز نباشد فرد خودش را ثابت کند.

مصاحبه با معلم شماره ۱۲

مصاحبه کننده: بفرمایید که آیا دانش آموز با هم تفاوتی دارند که بتوانیم بگوییم این‌ها تیزهوش‌اند و یک عده نیستند؟

معلم شماره ۱۲: واقعیت این است که دانش آموزان با هم تفاوت دارند. یعنی اینقدر تفاوت هست که بتوان گفت کار کردن در مدرسه ای بخاطر دانش آموزانش سخت با آسان است. اما واقعا می شود یک توضیح دقیقتر داد و آن هم این است که یک درصدی خوبی از این تفاوت محصول تربیت است. یعنی شما وقتی دانش آموزان تان را در یک بستر خاصی تربیت می کنید، قاعدتا این دانش آموزان با بقیه مدارس متفاوت اند و اینکه من معلم این‌ها را متفاوت بینم خیلی بدیهی ست. اتفاقی که برای اینها افتاده خیلی زیاد مربوط به مقطع دبستان و بیشتر مقطع متوسط یک است.

مصاحبه کننده: به نظر شما تفاوت این‌ها در چیست؟

معلم شماره ۱۲: ما یک تحقیقی در مورد استعدادهای برتر انجام دادیم، تعاریف متفاوتی در مورد استعدادهای برتر وجود داشت. یک تعریف بود که در تعریف هوش می گفت، بخش اندکی از هوش است که ذاتی فرد است و اغلب هم هوش بدنی را مشتمل می شود. یعنی توانمندی‌هایی ست که به الذاته در فرد هست مثل اینکه توان دیدن خاص دارد، توان شنیدن خاص دارد. ولی بخش خیلی زیادی از آن محصول تربیت فرد است. این بدین معنی ست که مثلا وقتی در مدرسه فرزنانگان با بچه‌ها کار می کردم، اگر می گفتم یک بازارچه درست کنید اول می گفتن خب بازارچه چه چیزی لازم دارد و بعد می گفتند پس برویم درستش کنیم. حتی برای تامین پولش فکر می کرد و حتی برای این تامین با هم راه حل‌هایی پیدا می کردند. اما وقتی در یک مدرسه غیرانتفاعی به بچه‌ها می گفتم برای تزئین کلاس فکر کنید، مساله ای که کاملا به خودشان مربوط است، می دیدیم هیچ کاری انجام نمی دهند و فقط می گفتند که به مدرسه گفتیم که فلان کار را انجام دهد ولی نداد. این محصول نوعی تربیت است. ما بعضا انجام یکسری کارها را تا بالای نود و هشت درصد می سپردیم به خود دانش آموزان. خب خیلی سخت بود چون چون کاری می تواینم در عرض سه دقیقه انجام دهیم باید در سی و پنج دقیقه انجام می دادیم اما این خروجی‌اش این می شود که دفعه بعد دانش آموز باور دارد که می تواند خودش این کار را انجام دهد.

مصاحبه کننده: یعنی شما می گوئید که اگر کاری ازشان بخواهیم انجامش می دهند.

معلم شماره ۱۲: این توانایی را دارند. ببینید یک تفاوتی که بچه‌های فرزنانگان دارند که من دیدم و همین‌ها کار کردن با آن‌ها را برای من لذت بخش می کرد یک بحثی اش، خلاقیت بود. خلاقیت واقعا یک مساله آموزشی ست. البته سال به سال که می گذرد متاسفانه کم و کمتر می شود. علاوه بر آن اینکه مدارس فرزنانگانی که ناگهان در یک تابستان به وجود آمدند و مدیر و تیم دولتی اش را تحویل اش دادند، البته من قطعا تقدیر می کنم از معلمان سیستم دولتی اما شما وقتی برای یک کاری فکر و برنامه

ریزی نداشته باشی و در یک تابستان شما را آورده باشند به سر کار، قطعاً احتمال موفقیت کاهش پیدا می‌کند. این باعث می‌شود که بچه‌ها با هم متفاوت باشند و دیگر آن بچه‌های سابق نباشند. ولی خوب با وجود اینکه رشد کمی مدارس فرزندان کیفیت ورودی‌ها را کم می‌کند اما آن چینی که همچنان هست و این مدارس را از سایرین متمایز می‌کند، امکان ریسک‌پذیری برای معلم است. یعنی من معلم در سایر مدارس، هرکاری که بخواهم انجامش دهم، سریع با بخشنامه چ‌اش می‌کنند که آیا تو حق داری سر کلاس بروی و غیر از کتاب درسی درس بدهی، مثلاً روزهای اول که سر یک کلاس می‌رفتم مادر یکی از دانش‌آموزان که در یک بخش سازمان تالیف کتب درسی کار می‌کرد، زنگ زده بود و گفته بود که این چه معلمی است که به بچه‌ها نگفته هیچ جای کتاب را خط بکشند. یا مثلاً یک مادری تماس گرفته بود که اگر می‌خواهید کلاس پانتومیم داشته باشید به جای کلاس اجتماعی، که اجتماعی تدریس نمی‌کنید، برای بچه‌ها ریاضی بگذارید. حالا اصل موضوع این بوده که ما برای تدریس مفهوم نقش از بچه‌ها خواسته بودیم که پانتومیم بازی کنند تا مفهوم نقش و کلیشه‌های غالب جامعه را درک کنند. حالا بچه‌ای که قرار است اینها را بیاموزد یک راه‌اش این است که از روی کتاب درسی بخواند یک راهش هم این است که با پانتومیم و کارهایی از این دست یادبگیرد. تصویر عمومی جامعه این است که باید بلافاصله کتاب را بخواند. در اکثر مدارس به این دلایل مذکور دست معلمان بسته است. چون مدرسه اولین مسأله‌اش این است که والدین شکایتی نداشته باشند. مدرسه فرزندان این قابلیت را دارد که وقتی با چنین مسأله‌ای مواجه می‌شود، اگر خود مدرسه این آگاهی را داشته باشد، جوابی که به اولیا می‌دهد این است که اینجا مدرسه‌ای متفاوت است بنابراین شما صبر کنید و نتیجه را ببینید. این بستر خودش باعث رشد بچه‌ها می‌شود چون بچه‌ها اجازه فکر کردن و کارهای متفاوت کردن، دارند.

مصاحبه‌کننده: خود اولیا هم کمی متفاوت هستند.

معلم شماره ۱۲: یک مقداری هستند، خود اولیا هم وقتی می‌فهمند که مدرسه متفاوت است انتظاراتشان فرق می‌کند. به یاد دارم که سال اول یک دانش‌آموز داشتم در فرزندان متوسطه که روز کارنامه مادرش آمده بود و شکایت داشت که چرا با وجود اینکه فیزیک بچه من بیست شده اما شما اجتماعی‌اش را دادید هجده. با نزدیک دو ساعت بحث کردیم و همه معاونت هم واسطه شده بودند. منتها من زمان آموزش برای تدریس، یک قولی را داده بودم که اگر می‌دانم کاری درست است انجامش بدهم و اگر می‌دانم درست نیست تغییر جهت ندهم. این پافشاری من نتیجه‌اش این شد که این بچه برای ترم آینده فکر کرد که باید چه کاری انجام بدهد. دنبال راه حل گشت و مشکلاتش را حل کرد. مثلاً من یک دانش‌آموزی داشتم که اصلاً توانایی فهمیدن منظور مخاطب را نداشت، مثلاً برای اینکه امتحانش کنم یک جمله‌ای گفتم و خواستم جمله مرا تکرار کند و دیدم اصلاً یک چیز دیگری می‌گوید. چند دفعه نمره کمی به وی دادم و این نتیجه‌اش این شد که به من برای راه حل مراجعه کرد و گفتم بیا

حالا برگردیم به دنبال راه حلش. یکی از ویژگی‌های خوب مدرسه فرزنانگان برای من این بود که واقعا من به تعداد دانش‌آموزانم کار انجام می‌دادم. البته این برای معلم طاقت فرساست.

مصاحبه کننده: یعنی شما بیشتر تفاوت بین افراد را بردید روی مدرسه و فضا.

معلم شماره ۱۲: ببینید من منکر این تفاوت‌ها نیستم اما مثلا خانواده، انتظار خانواده و به علاوه اینکه دست معلم چقدر باز است؛ اینها به طرز خیلی غافلگیر کننده ای تاثیرگذار اند.

مصاحبه کننده: اگر بخواهید درصد بدهید، درصدی که به تربیت می‌دهید و درصدی که به ویژگی‌های ذاتی فرد می‌دهید چقدر است؟

معلم شماره ۱۲: سی به هفتاد، سی درصد ذاتی و هفتاد درصد اکتسابی ست. البته این درصد برای از اول راهنمایی ست. در دبیرستان واقعا شاید شصت به چهل شده باشد. به این دلیل اینکه برای به کار گرفتن دانش‌آموزی که از یک فضای جدید آمده است کار خیلی سختتر است به همین دلیل فکر می‌کنم برای دانشجویها از این جهت کاری نمی‌شود کرد.

مصاحبه کننده: عملا شکل می‌گیرند، اگر بپذیریم که دانش‌آموزان ویژگی‌های مختلف دارند، به نظر شما یک دانش‌آموز قوی، کلا دانش‌آموزی قوی ست یعنی مستقل از تربیت، یا این قوی بودن در یک زمینه محدود است؟

معلم شماره ۱۲: ببینید بچه ای داریم که در همه زمینه‌ها قوی ست، در فرزنانگان مخصوصا قبلتر بچه‌ها هرکدام در یک شاخه ای خیلی ویژه بودند. زحمتی که معلم باید می‌کشید این است که دانش‌آموز را در همه ابعاد رشد بدهد. البته این آفت‌های هم دارد از جمله اینکه وقتی شما با بچه‌هایی سروکار دارید که راحت حرف شما را می‌فهمند ممکن است دیگر تحمل دیگرانی که منظورت را نمی‌فهمند، نداشته باشید. مهم ترین کاری که برای آموزش به این بچه‌ها باید انجام داد و برای شخص من خیلی مفید بوده است، این است که کاری کنم که این بچه‌ها بتوانند با همه تعامل کنند. این یعنی بالا بردن مهارت‌های تعاملی که رسالت درس من بوده است. وقتی بچه نابغه ای این مهارت را پیدا کند به معنای واقعی توانمند می‌شود. کما اینکه خروجی‌هایش را می‌بینم، یعنی بچه‌هایی که این نوع مهارت هم پیدا می‌کنند واقعا بچه‌های متفاوتی می‌شوند.

مصاحبه کننده: به نظر شما چند درصد دانش‌آموزان تهران، دانش‌آموزان تیزهوشی هستند؟

معلم شماره ۱۲: ببینید بچه‌های تیزهوش واقعا کم اند. البته می‌شود گفت هم خیلی کم اند و هم خیلی زیاداند. ما تقریبا هر دانش‌آموزی را نگاه کنیم حتما در یک بعدی خیلی ویژه است. اینکه از پیش دبستانی تا متوسطه که بچه به دست ما می‌رسد اینکه چقدر این استعداد نابود شده باشد یا اینکه پرورش یافته، ما یک محصول میان راهی دریافت می‌کنیم. این محصول میان راه معمولا درصد کمی هستند. یعنی بچه مهارت‌های خیلی ویژه ای دارد اما کشف این مهارت‌ها سخت شده است. مثلا این

بچه می تواند کارکاتورهای خیلی خوبی بکشد و وقتی می تواند خوب درس را گوش بدهد که با دستهایش یک کاری انجام دهد و وقتی مدام تویخ می شود این استعداد سرکوب شده است. بخاطر همین می گویم درصد کمی، چون بسیاری یا سرکوب شده یا کشف نشده و کشفشان خیلی سخت است.

مصاحبه کننده: اگر بخواهید به این دو درصد بدهید چه درصدی می دهید؟

معلم شماره ۱۲: درصد بچه هایی که رشد پیدا کرده اند خیلی کم اند مثلا ده بیست درصد. بیست درصد کل بچه ها و نه صرفا فرزندان.

مصاحبه کننده: اگر کلی بخواهید حساب کنید چه؟

معلم شماره ۱۲: هفتاد درصد بچه ها استعداد دارند. یک نمونه بخواهم برای شما عرض کنم، من یک سال در یک مدرسه غیرانتفاعی کار می کردم. آنجا می خواستیم یک کاری را از صفر شروع کنیم. می خواستیم رشته انسانی تاسیس کنیم. چون مدرسی که کمی اسم و رسم داشته باشند فکر می کنند بی استعدادترین بچه ها به انسانی می روند. و فکر می کردند بچه های ضعیفشان را فرستاد رشته انسانی و یک نفر بین شان خوب بود که آن هم ریاضی اش خوب بود. تصور کنید بچه هایی با چنین برجستگی وارد رشته انسانی شدند. ما فشار خیلی شدیدی روی اینها وارد کردیم یعنی من پلیس بد بودم. مجموعه فشاری که به این بچه ها وارد کردیم چیزی از این بچه ها ساخت که در دو سال بعد فضای کلی مدرسه را متحول کرد. یعنی اینها بچه های شاخص پایه و مدرسه بودند. این را به من ثابت کرد تربیت می تواند تاثیرگذار باشد. ولی خب سخت بود و اینها جمعیت شان کم بود و اراده ما هم جدی بود.

مصاحبه کننده: من لیسانس ریاضی بودم و ارشد هم علوم تربیتی دانشگاه تهران خواندم لذا می فهمم که علوم انسانی چقدر سختتر است. آیا این درست است که ما یک عده را که به هر دلیلی قوی ترند، به اینها توجه ویژه ای داشته باشد؟

معلم شماره ۱۲: عادلانه اش همین است. در دنیا دو شیوه آموزشی وجود دارد، هیچ کدام بحث شان عدالت آموزشی نیست. دانش آموز تیزهوش چند ویژگی دارد یکی اینکه قدرت رهبری دارد، این فارغ از بحث قبلی من است که می گفتم بچه های ما هر کدام یک استعداد ویژه ای دارند. این آدمهای مذکور چند ویژگی دارند یکی اش این است که شخصیت رهبر دارد، بسیار کمال طلب ایت و دوست دارد که در بهترین حالت ممکن باشد، توانایی کمک به دیگران را دارد، مشتاق آموزش اند... . خب قاعدتا باید شرایطی برایش فراهم شود که ویژه هم آموزش ببیند تا جایی اگر می تواند چیزی اختراع کند پس باید امکاناتش را به وی بدهند. این یک بحث ماجراست که عدالت آموزشی می گوید اگر این بچه این توانایی را دارد ما هم باید اجازه رشد را به وی بدهیم. در همین نقطه دو سیاست کلی شکل می گیرد. اولی می گوید برای اینکه این بچه بتواند خوب رشد کند باید در کنار بقیه باشد بنابراین من کلاسهایی می سازم مشتمل بر این دانش آموز و دانش آموزان معمولی تر و اینها هر کدام به هم کمک می کنند و

این باعث می‌شود که این بچه با استعداد رشد چون اینجاست که می‌تواند جلوی دیگران رهبر باشد و شاخص باشد. معلمی باید داشته باشد که بداند که هر دانش‌آموزی یک خصلتی دارد و بتواند هر کدام را رشد بدهد. بعضی از جوامع پتانسیل لازم برای این شیوه ندارند. این همه نیروی متخصص که بتواند با این دانش‌آموز خاص، مثلاً یک نمونه اش دانش‌آموز پیش‌فعال است، درست برخورد کند، ندارد. لذا این جوامع می‌روند سراغ اینکه مدارس خاص طراحی می‌کنند که دانش‌آموزانی که حالت خاص اند، زیادتر می‌فهمد، زیادتر سوال می‌کند، بیش‌فعال است ... جدا می‌کند. نه برای اینکه به اینها توجه ویژه ای می‌کند و بقیه بد باشند بلکه برای اینکه آن کلاس از کیفیت نیفتد و هم اینکه این بچه‌ها سر کلاس حرام نشوند.

مصاحبه کننده: چیزی شبیه کودکان استثنایی.

معلم شماره ۱۲: در واقع اصلاً کودکان تیزهوش نوعی از کودکان استثنایی اند. دانش‌آموزی که به توجه بیشتری احتیاج دارند. من یک دانش‌آموز داشتم که خیلی پرخاشگر بود و هر قانونی را برعکس انجام می‌داد. در واقع این دانش‌آموزی بود به شدت به توجه احتیاج داشت. بسیار عاطفی و حساس و مهربان بود. حالا وظیفه این مدارس این است که این دانش‌آموز توجه کند به جای اینکه وی را تبدیل به یک بزه‌کار اجتماعی کند. این مدارا کردن و برخورد درست باعث می‌شود که این بچه یاد بگیرد راهی به جز پرخاشگری هم است و این باعث تغییر می‌شوند. بنابراین این که می‌گویم همه بچه‌ها استعداد ویژه دارند یک بحث است و اینکه می‌گویم باید مدارس خاص داشته باشیم مربوط به توانمندی‌های کشورمان است.

مصاحبه کننده: این بچه‌های با نیازهای خاصی از حیث برتری‌شان، چند درصد اند؟

معلم شماره ۱۲: به نظر من اینها واقعا ده درصد جامعه اند.

مصاحبه کننده: علت این توجه پس به نظر شما این نیازهای خاص است. عدالت آموزش که مطرح کردید چه؟

معلم شماره ۱۲: این بحث این است که هر بچه‌ای با توانایی‌هایی که دارد با وی برخورد کنیم. یعنی اگر نیاز خاص دارد عین بی‌عدالتی این است که در مدرسه معمولی با بچه‌های دیگر باشد و معلمی داشته باشد که توانایی برخورد با وی را ندارد. چون که ما می‌توانیم یک انسان بسیار توانمند را تبدیل به یک بزه‌کار اجتماعی کنیم. این نوع از بچه‌ها که نوع خاصی از فکر کردن را دارند و کشف‌ش‌وظیفه والدین و معلم است. روزهای اولی که به مدرسه فرزانگان رفته بودم، یک کلاس سی نفره ای بود که حدود پانزده دانش‌آموز بیش‌فعال داشت، قاعداتاً مدل ویژه تربیت داشت. حتماً در کلاس‌های مدارس معمولی یکی دو دانش‌آموز بیش‌فعال وجود دارد و حیف است که حرام شوند و اگر توانایی هدایت اینها را نداریم پس بهتر است که بیاد پیش‌همین پانزده نفر.

Abstract

Despite 40 years of activities in “gifted and talented” education in Iran, Studying the concept of “giftedness”, which is a disputed concept, has been overlooked by educational researchers especially from philosophic perspective. In such a situation, “The Strategic Act of Elites Affairs” was approved in 2012. This act has proposed new approaches in Iranian “gifted and talented” educational policy. The teachers of "National Organization for Development of Exceptional Talents (NODET)" schools, constitute one group of Audiences of this act. In this study, we attempted to take a step in filling the theoretical gap in the philosophy of Iranian “gifted and talented” education, on one hand, and to provide a dialogue between the act and the teachers, on the other hand. At first, we inferd 11 conceptual dimensions of the “giftedness” concept from their theoretical history, which are: "real or imaginary", " ability to identify or not ", "favorable or unfavorable", "actual or potential", "partial or holistic", "one kind or various kind", "innate or developed", "key competencies", "independent or dependent on circumstances", “criterion-based or normative-based "and" prevalence". In The next, based on these dimensions, the concept of “giftedness” in the “The Strategic Act of Elites Affairs” was analyzed and the position of this act to them was identified. In some dimensions the act was silence or ambiguous. At the second phase, we set some semi-structured interviews with some NODET teachers and analyzed them based on qualitative content analysis method. Finally, in a comparative analyses we compare the concept of “giftedness” in “The Strategic Act of Elites Affairs” and NODET teachers’ belief. Our findings indicated that the act must be reviewed or rewritten in issues Silent, ambiguous or different to the teachers’ point of view and then the act must be propagated between the teachers.

Keywords: *giftedness, gifted and talented education, conceptual analysis, “Strategic Act of Elites Affairs”.*

University of Tehran

Faculty of Psychology and Educational Sciences

***Comparative Analysis of Concept of “Giftedness” in NODET
Teachers’ Beliefs and “The Strategic Act of Elites Affairs”***

By: Amir Badpa

Under Supervision: Dr. N. Sajjadie

September 2016